

UNIVERSAL  
LIBRARY

**OU-232888**

UNIVERSAL  
LIBRARY





بِعَوْنِ خَالِقِ سَخْنِ بْنِ بِنِ اسْمَاوَزِ مِزِينِ

الحمد لله والمنه له ان رساله مجموعه طب سرا پا حکمت و حمد و صحت ستمی

میزان الادویه

انفاط الادویه

وسنگ نصیری

مخزن الادویه

حسب فرمایش تاج عالی وقار سرا پا تنیز جناب شیخ عبد الغیر

مطبع خافض الحسین متبع کتب و طب







ادست و افروخته شد و بعد از آن  
کشت در غل و کشت در غل  
و کشت در غل و کشت در غل  
و کشت در غل و کشت در غل



بسم الله الرحمن الرحيم  
هو الله الواحد الصمد که پایه حقیقت بیخوبیش از دائره دریافت و احاطه شناخت برتر است  
و تفکر او را که دانش کاشف انوار تجلیات شیونات و فنونات و مست غر شان که آنافانا  
بفهمی گشت کثرت کثرتا فاحصا بیست آن اشعار خود بخود از خود بصفات لا تنهای جلوه  
فرموده و معنی سنجید صورت و صورت را آینه معنی نموده و بقدرت کامله ان الله علی کل  
شیء قدير هر فردی از افراد ممکنات را تجلی خاص الخاص متجلی الاحکام و مخصوص خسته  
و حکمت بالغه الله تبارک و تعالی و الا در هر ذره از ذرات کائنات را معانی نام  
که حقائق اشیا و عبارت از ان است بخلعت اسرار خالصه که انیده و هر شیء را مخصوص بصفتی و  
صفتی را منسوب یا سمی کرده نقطه موهوم جز لا یتجزی را بحسب آئینش شیونات بنقوش و  
بحروف و حروف را بکلمه و کلمه را بکلام ارتباط منوی موهبت فرموده از کتب علم بعالم عین آورده  
و انشای هزاران هزار اسرار بدیه و نقوش غریبه بموجب ما شاء الله کان و ما لم یشاء  
لهم یکن کاف کن مغرض داشته سرگرم ایجاد و تقدیر گردانیده و کلیات عنایه را  
در جزئیات موالید ثلاثه سرخام ظهور بخشیده و بطور واجب الوجودی استظهار ممکنات

مرا از اسرار پنهان  
آفتاب پنهان  
در دهستان  
بدان مثل  
چاهر سهار  
قرین و متلی  
ساخته ادست  
و بر لال تشال  
و بیاب نیفن  
لا یتزل بعلو  
قدست و سمو  
کمنت نموت  
ببوز انبات  
و در جودند  
بشاید  
در کمال  
با نواح نامرئیه  
و احضار نامرئیه  
بمنار گر زنده  
دور و نامرئیه  
در کمال  
بعبود و عبودیت  
و در کمال

و در کمال  
بعبود و عبودیت  
و در کمال





مذلت چون صیت و بدیه رسالت و طنطنه جلالتش کون و مکان را فرو گرفته صلی  
 علی خیر خلقه محمد و آله جمعین و آوازه اکرام و انضال صحبه واجب التجلیل و الاجلال و تبعه  
 خیر العاقبه و المآلش که سالکان مراحل معنی و ناسکان مشاعر صورت را ازها مون  
 ضلالت و بیابان اختلاف بدر ملک هدایت و ایتمانه آورده با قاصی و ادانی رسیدیم  
 رضی الله عنهم جمعین احوط آنست که رعایت ادب و پاس امر رب بر زده طبع طبیعت که مود  
 نفایس و دالعه اند لازم دانسته بر خلی زشتا گستری خدیو کشور جهان بانی غذب البیان  
 گرد و تا در محکمہ اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم از سلوک ملک  
 و رسوم هر اهل سلاف بندگی انصاف بیرون نباشد محمد الیک کفو محمد الیک که اولی الامر  
 آو ان گیتی خداوند کشورستان او نگارای سریر گورکان مبطلع نجوم سپهر سلطنت و  
 کامکاری منبع رسوم حق شناسی و دین اری آئینی شاه جمعه باده کیوان با نگاه جبریس سعاد  
 مریخ صولت تا به یث عشرت قمر شرافت آفتابان بلال کتب کند غنیمت بگذاشت نزلت بیان ممت  
 عالم عامل مرشد کامل خسر و گیمیان کشامی شهنشاه جهان آرای خداوند عدالت پیرایه  
 الخصوص بعبایت سبحانی ظل الله ابو المظفر شهاب الدین محمد شاه جهان بادشاه هما  
 قران ثانی است که بهین متابعت سنت نبوی و اطاعت طریقت مصطفوی علم و د  
 و ارشاد و ولایت رشد و رشاد و براه فرشت و رقوم سه اهل دقیق و نقوش سر را تحقیق و بر  
 جان و دل چنان معتقدان صادق و مسترشدان با واثق و موافق بزکاشت آئینش مع من  
 بامین اسلام و احکامش همه موافق بنص کلام و زنان حال را از شورش فتن و آشوب  
 حوادث نگا پرانسته و در معموی خراب آباد و صوری چنان بهمت گماشته که بهر و انام از خواص  
 و علوم باختلاف و اتفاق در سبط اسن و سبط امان سر زده حال و فایغ البال آسوره  
 دل شکفته خاطر اند و نقد را حج دانش از جنبش کاسه جل امتیاز تمام دارد اجماع مذایا  
 تو این شاه درویش دوست به که آسایش خلق و ظل دوست بهی بر سر خلق پائیده

مذلت چون صیت و بدر رسالت و طنطنه جلالتش کون و مکان را فرو گرفته صلی  
 علی خیر خلقه محمد و آل جمیع و آوازه اکرام و انضال صحبه واجب التخلیل و الاجلال و تبع  
 خیر العاقبه و المآلش که سالکان مراحل معنی و ناسکان مشاعر صورت را از بامون  
 ضلالت و بیابان اختلاف بدرالملک هدایت و ایتمانت آورده با قاصی و ادانی رسید  
 رضی الله عنهم جمیع احوط آنست که رعایت ادب و پاس امر رب بر ذمه طبع و طبیعت که مودع  
 نفالیرح و الیع اند لازم دانسته بر خلی زشتا گستر می خد یک کشور جهان بانی عذاب البیان  
 گرد تا در محکمہ اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم از سلوک ملک  
 و رسوم هر سلسله و بنده ای انصاف بیرون نباشد محمد الی الله که اولی الامر  
 او ان گیتی خداوند کشورستان او ملک رای سریر گورکان مطلق نجوم سپهر سلطنت و  
 کام گاری منبع رسوم حق شناسی و دین اسی استی شاه جمعه باده کیو آن با گاه حبیب سعاد  
 میر خ صولت تا به یحی عشرت قمر شرافت آفتابان لاله کتب کند فطنت بملالت نزلت سلیمان تبت  
 عالم عامل مرشد کامل خسر و گیمان کشامی شهنشاه جهان آرای خداوند عدالت پیرایه  
 المخصوص بغایت سبحانی ظل ابد ابوالنظر شهاب الدین محمد شاه جهان بادشاه هما  
 قرآن ثانی است که بهین متابعت سنت نبوی و اطاعت طریقت مصطفوی علم و دولت  
 و ارشاد و ولایت رشد و رشاد برافراشت و رقوم سه اهل دقیق و نقوش سر را تحقیق بر صفا  
 جان دول چنان معتقدان صادق و مسترشدان و ائمه و موافق بنکاشت آئینش هم منطبق  
 بامین اسلام و احکامش همه موافق بنض کلام و زبان حال را از شورش فتن و آشوب  
 حوادث نگا داشته و در معنوی خراب آباد و صوری چنان بهمت گماشته که بمهتو انام از خواص  
 و علوم باختلاف و اتفاق در بسط امن و بسط امان مرز و محال و فایز البال آسوده  
 دل شکفته خاطر اند و نقد راجع دانش از جنبش کاشد جبل امتیاز تمام دارد ابعات دنیا  
 تو این شاه در پیش دوست بد که آسایش خلق در ظل دوست بدی بسی بر خلق پائنده









و همچنین از فارسی و از هندی هر وار مشهور و معروف و مذکور هم مرقوم ساخته  
 و اسامی دیار دیگر را بر سه نقش پذیر گردانیده فائده سوم و تحقیق طبایع و درجات  
 و وادعائیکه منسوبست بآن و ذکر جمعی از وادعای طبع و درجه و قوت و خاصیت  
 بدانکه نزد جمیع اطباء و عراض کجاست که بهم میرساند اول احتمال ایشان که آنرا  
 هرگاه بر وادعای طبع کنند طبع نامند و طبایع بیرون نباشند از آن کیفیت چهار  
 ازان کیفیات اربعه بسیطه که حرارت و برودت و یسوست و رطوبت باشد و چهار  
 دیگر که مرکب کیفیات اربعه و یکی اعتدال فرضی طبایع پس از طبع ط و از حرارت ح  
 و از برودت ب و از رطوبت ر و از یسوست می و از اعتدال مع منتقش  
 گردانیده و اطباء و وادعای کیفیت و اثر منحصر چهار پایه قرار گرفته هر پایه را درجه خوانند  
 چه هر چه وار و بدن شود و متغیر گردد و از حرارت غریزی خالی ازان نیست که احداث  
 میکنند در بدن کیفیت زائده بر چیزی که انسان راست یانمی کند اگر احداث نمی کند  
 آنچه را معتدل گویند و اگر احداث می کند محسوس میشود یانمی شود اگر نمیشود  
 در درجه اول گویند و دانسته میشود و تاثیر آن تکرار نماید ایا اکثر مقدار و اگر  
 محسوس میشود بعدی میرسد که ضرر میکند یانمی کند اگر نمی کند در درجه دوم گویند  
 و اگر میرسد بعدی ضرر نبرد بلکه میشود یانمی شود اگر نمیشود در درجه سوم گویند  
 و اگر ضرر ببلک میشود در درجه چهارم گویند و از وادی می نیز گویند و آن  
 غیر هم است زیرا که قتل وادی می کیفیت است و قتل هم بصورت نوعیه و اطلاق  
 هم بر وجه تشبیه است او را هم در ابلک و الا و حقیقت و هست و هر درجه را تشبیه  
 اعتبار کرده اند عالی و سافل و متوسط بنیما کلیه حکماست که گرم و تر تجاوز کند  
 حرارت او اندر جدول از برای آنکه اگر حرارت زیاده شود برین مقدار فانی نمیشود  
 رطوبت را پس از برای اینست که بافته نمیشود و وادی گرم در درجه دوم و سوم الا

نکته یا بس یا شد و هر چیز که گرم باشد در درجه چهارم پس او یا بس است در درجه چهارم یعنیها و درجات را بحساب هندسه که از یکی و از دوم و از سوم و از چهارم و در خیز خیز آورده اکنون محلی از دو امر قوم میسازد بطبع و درجه و قوت و خاصیت و مراد از قوت و خاصیت یعنی افعال آن و او چنانکه تقوینا مسهل صغراست و تسنا مسهل سوداست و در آیینی منفع و علی زنا القیاس پس علامت فی اشارت از دست او و به حاره یعنی گرم در درجه اول آفتابن با بونه مر تخم کتان حمض ریاد ملذون بری شانه و صبر توف لا اون گرم در درجه دوم اصل الغرب اصل ما ذریون سپید و سیاه استاقس که نوعی از اطلیل الملک است با درج تبرنجاسف بلسان بنه الا نخره و برگ و جند بید شمرکله در دی عصا زیتون و بق راعی الابل زرا و مذطویل و در جرح زعفران شبت تر و خشک غراب مستحکم قسمل عصاره قشال الحما فراسیون قصب لذریه متصل قشور شجره قصبه القطن و ورق او کما قیطوس کرشن کبریت کندر متیعه مصطلکی بلج و شیخ الکواریر گرم در درجه سوم انیسون اسارون آفتیمون پودینه جلی جاوشنیر برگ فنجنگشت ترب و برگ او تخم فنجنگشت حمالا حاشا حمر کل خرقین سیر و یکنجه سداب شیخ مینی محرق سکنج شیدم شب محرق شراب کنته جمیع انواع شیر شمر محرق صوف محرق غار فو و نج نهری قشور قصب محرق قنه کبریا کرشن کوی و بری کما دیون کما تخم تر جوز مرزنجوش ناغله القناع قج مینوب گرم در درجه چهارم انواع نیوج لصل دوم جمیع اشیا محرق زبدالج سداب تدری فربهم قسط قطران کراش کرم بار یعنی سرد درجه اول اصل السوس اقا قیا و ناشسته برگ نفقه بلوط براده برگ قصب بسفاج نمر علیق نیل جبن رطب خاوس خشخاش و تهن قدور کب نرجاج زعفران سرق شجوه بنق عجم الزنبب کنفری ماسیثا نشاسته هند با شور و درجه

۹  
 خم سال لویا  
 نزل البقل  
 تہ تیز کر  
 جہم  
 ختم کردہ و ختم کا  
 حبیبی  
 نہیں تا سیر  
 خرابی  
 مانی و ملی  
 دس

افاقیا مغسول اطراف زیتون بقله پمانیه بطیخ برگ بلهون برگ زیتون قلع  
 چهارخوخ خیار صاص زیتون خام سماق شحم آترج طحلب غصص اخضر کدو  
 لسان الحمل مغز کلم ماش سرود درجه سوم بقله الحما برسیاندا جلنا حنی العالم  
 کبیر و صغیر حماض آترج حب العلیق خام و روغن او خشکاش سیاه عصبی الراعی فطر  
 قفاح سرود درجه چهارم جمیع اشیاء مخدرة مثل انبیون غیره شوکران لبس خشکاش  
 یابس یعنی خشک در درجه اول ابانالس اصل البیل اصل السوس بابونه  
 بادام شیرین پرسیاوشان بسفاج پوست و جوز دلب تخم خرپوزه تخم انجیره  
 حب الفار تحمی العالم کبیر و صغیر خداز الصخر دفلی رازیانه روغن جوز زعفران  
 سعد سوتق الشعیر صغیر صمغ جوز کند کشری ورق سون خشک در درجه  
 دوم اصل المر اصل اللوف پنج نیلوفر بسفاج لسان ترب چندبید تر حبه انظر  
 و برگ اوراعی الابل زراوند زفت سنبعل الطیب شنبلیله و می شلیل شاترج  
 شراب حکم شجره مصطکی شهد پنج عجم انزمیب غسل قفر البهود و قصب لذیره  
 قشور کندر کرکسنه آشور آترج کرنب لبن جاب و شیر مرکلی مصطکی لنبج العنکب  
 خشک در درجه سوم افاقیا انیسون اسارون آستین اهل افیتون اصل الباذیل  
 اطراف کرنب خشک اصل قنطاریون برگ و تخم فنبجکشت لسان پوست عود  
 سوخته توره بلوط جلنا حاشا حماض آترج حب العلیق طلحیت حمص خربقین  
 خشتی محرق دارشیمان وخن رما و قشور قصب باد و حارون بری روغن ترب  
 زوفا سرطان محرق سیلخه ترو سداب بستلی سماق سرکه شیخ ارمنی محرق شب محرق  
 شونیز شراب کهنه شجر بلوط شجر محرق صغیر صدوف محرق غار فوئج نهی فرائی  
 فاشرین قنطاریون فادانیا قصبوم کدو یا کرفس بری کتا و ریوس کتا فسطو  
 حرمر زنجوش مشک طر اشبع آتخواه نظرون و زرق غار مینوب خشک در درجه چهارم

[illegible]



11

۱۱  
سرکا سرکه فضل  
غل غل الفضل  
سونا سوندر  
دوبل دوبر  
سین کمار  
نرخ عقیده  
سونا سوندر  
بیشین خوش  
سافنی سافنی  
سولار سولار  
ساکلی سولار

خانه لایق  
شهر کردن نگرین سوا منک این کجوا نفر لایق

میانوں

عاقرة ذوات

محمود محمود

لا تفرحوا به

کتابخانه

مقامی کارکن

الحسين

تو کبریا

۱۰۰

...

آب که وی تلخ پوست و تخم خرزهره بپزند و تخم ترب و برگ آن تخم غنیمت تخم جوی  
تخم بانه یون خرمن سکنجبین کنگر زرد کنندش و بپزند و سرخ مویج مال العسل نمک بپزند  
منقحات یعنی ادویه که سده بکشد از خرابیستون آهستین استخوان خود پس انبساط  
پیرساتر مس جنطیانا حماما حاشا حارمل دارچینی رازیانه زیره زعفران زرداوند شاهتره  
صعتر خاریقون فاوانیا فرسیون قنطاریون قروانا کرش کبابه کرسته کشوت  
مرزنجوش ناسخوای بلیمون ملطافات ادویه که ملطیف لقطیع اخلاط علیظه کند  
اهل اسفیل اسفون خود پس القوان اخیره از خرابیستون بپزند و بپزند و بپزند و بپزند  
حاض حب البان حرف حاشا حارمل خردل دارچینی زرداوند خشک زرداوند سکنجبین سداب  
سیرترکه صعتر غاقره حاشا حارمل قنطاریون قروانا کما در یوس مشکطرا شمع تمام ناسخوای  
روح مقدرات ادویه که ادویه بول و حیض عرق کند اهل القوان انیسون انجبین  
برنجاسف بابونه پرسیاوشان ترمس تخم کدر جندبید ستر جندبید سعد سداب زرداوند  
خشک رازیانه دارچینی جندبید الحضر جاباوشیر جنطیانا سکنجبین شویتر عروق عود فاوانیا  
فرسیون قروانا قنطاریون قسط کبابه کرش کما در یوس سیر مرزنجوش مشکطرا  
ناسخوای تمام منقحات ادویه که سنگ بریزاند اسفون برنجاسف پرسیاوشان  
بادام تلخ تخم خرزهره خشک حجر الیهود رازیانه سعد سکنجبین صمغ آلو نخود سیاه و البضا  
ادویه که طبیعت را بندد از خرابیستون و بپزند و بپزند و بپزند و بپزند  
تخم گل سرودم لاهون زرد و رساق طیار شیر طین مخموم عدس که را بکند و کرا و یا کرا  
مصطکی مورد زار دین نشاسته بنق نخود و رنق در محکالات ادویه که غلط و خلا  
بخلیل بر و اکلیل الملک شوق انقیل از خواستون انجبین پرسیاوشان بابونه  
برنجاسف باقلا پودنه ترمس جندبید جاباوشیر حاشا خرزهره خطمی خرده زوباه مرنگ  
زنت زرداوند سون صمغ لیم غاقره کما در یوس کما که کرا دین تمام مرزنجوش

[illegible]

عاشقانه ابواب / آواز ادب / آواز ادب / آواز ادب / آواز ادب

۱۳  
منه منسل  
یک روز غرض  
موم شمع  
سور سحر  
طاد مسالین  
مسور ماچول  
عدس کوس  
منب الشلب



اینج بیرج تورک سفیده تخم مرغ صمغ عربی کثیر نشاسته مسببات یعنی دارو میک  
 بخواباند و حبس سازد و اعضا را انخوان اصططک حما با عفران شقایق خشت نشاسته  
 کا هو طفا حرقا طحات ویدان لطن واذن یعنی ادویه که بکشد که مها  
 شکم و گوش استنین برنج کا بلی جعبه زرد فاد خشک مالغات رعات و فست  
 و اسهال الدم یعنی دوا اینکه حبس خون بینی و دمان خون اسهال کند از ثمر آبرو  
 بلوط لبد به بزرالینج تخم گل جوز سر و خضض دم الاخوین ریوند زرشک زیره شاد  
 قنطاریون گل اشنی کشنیر کا هو کا نور کند کلنا راسان الحمل صطکی باز و تغناغ نشا  
 مقرحات ادویه که عضور اریش کند و بسو اند آفیل آلت توره حرف زرا برنج  
 در آن زربنج زجاج سداب سنباده صابون قمریون قسط قلقطار سبز لکین متوج مدکا  
 قروح ادویه که فراهم آرد جراحات را آنها نوزوت آنبرنج آیر ساد دم الاخوین نذر و  
 زیره صبر صمغ الوطین مخموم غسل کلنا راسان الحمل و برق بلوط مجلیات و سا  
 قروح ادویه پاک سازنده چرک جراحات آبل آکاسه آیر صاحب بلسان را اینج  
 زفت غسل نمک اکال گوشت زایده قروح یعنی خورنده و برنده زیاده  
 جراحات با آنزوت ایشان تو بال مس زنگار صدق سوخته مرداسنگ یا بست  
 قروح ادویه که خشک سازد جراحات را آنزوت آشنه خوامی سوخته آلت شسته  
 تو تیا صبر صدق سوخته ادویه خضضع اللسان یعنی دمای قانع گوشت  
 یعنی غده که در زیر زبان هم رسد و گهای زیر زبان بنر گرداند پوست انا زنگار  
 سوخته با سپیده هضم مرغه سرشته سورنجان سرکه زنگ و سرکه بانوشاد و صغرا و و  
 همیضه آبی و صیب یریان که به آب آبی ترش آب صیب کوبی با قرص الطین  
 اقرص الکنند اقرص مع زو اقرص اسن اقرص سون حسابا ریان شراب یو هاندل  
 و کلاک و کلاک اعلی فائده چهارم در بیان فرشت و صلع و بدل ادویه علما



مختار عبارت از اجناس هر دو است که همواره در هر کسر تحمل اهل است و مراد از این  
 تعیین مقدار خوردن هر دو است و استعمال آن و آن موقوف است بدستور وزن  
 چند مشهور مثل اسطابق رساله و زان میر محمد موسی استرآبادی مثلا حقیقه که میانه  
 نشود و جو میانه قیصر اط چهار جو که میانی که بفارسی سرخ و هندی رقی گویند بجهت  
 میانه که عبارت از هشت برنج باشد باشد هشت سرخ تولد دوازده باشد طانک  
 چهار باشد و آنک و دانق چهار سرخ و سدس سرخ و رهم و درم سه باشد و یک  
 سرخ مثقال چهار باشد و سه و نیم سرخ استار و سیر شاهی یک نیم تولد و دوش  
 او قیه و وقیه هفت و نیم مثقال رطل بغدادی نوزده سیر شاهی من طبری  
 چهل استارست مصلح دارد و یک ضرر وای دیگر باز دارد بدل آنکه هرگاه در  
 دوالی باشد که بهم نرسد وای دیگر قائم مقام آن میدانند قول کلی در بدل  
 آنست که اگر وای یافته نشود بدل آنرا و بوزن آن سرخ می بود و بدل رت و  
 و آنک وزن آن تخم او باشد پس از مختار سرخ زاز شربت بهش و از مصلح  
 و از بدل ل ثبت نموده میته در ذکر الفاظ ادویه بدانکه اسامی ادویه انجیر  
 اثبت بعلامت ترقیم که از آن حرف نخستین مراد است و تمثیق که اشارت  
 بحرف ثانی که متصل نخستین است و تمثیق که ایما از حرف اخیر کلمه است و ترسم  
 گردانیده عبارت کثیر را با اشارت تلیل بنمون گشته مسافت دور و دراز بر  
 جویندگان و سالکان این راه کوتاه ساخت و ترقیم الحصره تنسیق الی  
 و تمثیق السین الممله آ غنیش مشفی و تحری و تبریری بفتح همز اول و  
 ثانی و سکون لام ممله و کسرین معجمه و سکون ثیمانی و سین ممله با جمعه ف بیح و  
 ندر شک طح ای ۲ ینمق اللامه با طر لیل یونانی بفتح همز اول و ثانی و سکون  
 ممله و لام ممله و سکون ثیمانی و لام و لاف و لام ثانی و بقول علامه قطب الدین

این عبارت از اجناس هر دو است که همواره در هر کسر تحمل اهل است و مراد از این  
 تعیین مقدار خوردن هر دو است و استعمال آن و آن موقوف است بدستور وزن  
 چند مشهور مثل اسطابق رساله و زان میر محمد موسی استرآبادی مثلا حقیقه که میانه  
 نشود و جو میانه قیصر اط چهار جو که میانی که بفارسی سرخ و هندی رقی گویند بجهت  
 میانه که عبارت از هشت برنج باشد باشد هشت سرخ تولد دوازده باشد طانک  
 چهار باشد و آنک و دانق چهار سرخ و سدس سرخ و رهم و درم سه باشد و یک  
 سرخ مثقال چهار باشد و سه و نیم سرخ استار و سیر شاهی یک نیم تولد و دوش  
 او قیه و وقیه هفت و نیم مثقال رطل بغدادی نوزده سیر شاهی من طبری  
 چهل استارست مصلح دارد و یک ضرر وای دیگر باز دارد بدل آنکه هرگاه در  
 دوالی باشد که بهم نرسد وای دیگر قائم مقام آن میدانند قول کلی در بدل  
 آنست که اگر وای یافته نشود بدل آنرا و بوزن آن سرخ می بود و بدل رت و  
 و آنک وزن آن تخم او باشد پس از مختار سرخ زاز شربت بهش و از مصلح  
 و از بدل ل ثبت نموده میته در ذکر الفاظ ادویه بدانکه اسامی ادویه انجیر  
 اثبت بعلامت ترقیم که از آن حرف نخستین مراد است و تمثیق که اشارت  
 بحرف ثانی که متصل نخستین است و تمثیق که ایما از حرف اخیر کلمه است و ترسم  
 گردانیده عبارت کثیر را با اشارت تلیل بنمون گشته مسافت دور و دراز بر  
 جویندگان و سالکان این راه کوتاه ساخت و ترقیم الحصره تنسیق الی  
 و تمثیق السین الممله آ غنیش مشفی و تحری و تبریری بفتح همز اول و  
 ثانی و سکون لام ممله و کسرین معجمه و سکون ثیمانی و سین ممله با جمعه ف بیح و  
 ندر شک طح ای ۲ ینمق اللامه با طر لیل یونانی بفتح همز اول و ثانی و سکون  
 ممله و لام ممله و سکون ثیمانی و لام و لاف و لام ثانی و بقول علامه قطب الدین

این عبارت از اجناس هر دو است که همواره در هر کسر تحمل اهل است و مراد از این  
 تعیین مقدار خوردن هر دو است و استعمال آن و آن موقوف است بدستور وزن  
 چند مشهور مثل اسطابق رساله و زان میر محمد موسی استرآبادی مثلا حقیقه که میانه  
 نشود و جو میانه قیصر اط چهار جو که میانی که بفارسی سرخ و هندی رقی گویند بجهت  
 میانه که عبارت از هشت برنج باشد باشد هشت سرخ تولد دوازده باشد طانک  
 چهار باشد و آنک و دانق چهار سرخ و سدس سرخ و رهم و درم سه باشد و یک  
 سرخ مثقال چهار باشد و سه و نیم سرخ استار و سیر شاهی یک نیم تولد و دوش  
 او قیه و وقیه هفت و نیم مثقال رطل بغدادی نوزده سیر شاهی من طبری  
 چهل استارست مصلح دارد و یک ضرر وای دیگر باز دارد بدل آنکه هرگاه در  
 دوالی باشد که بهم نرسد وای دیگر قائم مقام آن میدانند قول کلی در بدل  
 آنست که اگر وای یافته نشود بدل آنرا و بوزن آن سرخ می بود و بدل رت و  
 و آنک وزن آن تخم او باشد پس از مختار سرخ زاز شربت بهش و از مصلح  
 و از بدل ل ثبت نموده میته در ذکر الفاظ ادویه بدانکه اسامی ادویه انجیر  
 اثبت بعلامت ترقیم که از آن حرف نخستین مراد است و تمثیق که اشارت  
 بحرف ثانی که متصل نخستین است و تمثیق که ایما از حرف اخیر کلمه است و ترسم  
 گردانیده عبارت کثیر را با اشارت تلیل بنمون گشته مسافت دور و دراز بر  
 جویندگان و سالکان این راه کوتاه ساخت و ترقیم الحصره تنسیق الی  
 و تمثیق السین الممله آ غنیش مشفی و تحری و تبریری بفتح همز اول و  
 ثانی و سکون لام ممله و کسرین معجمه و سکون ثیمانی و سین ممله با جمعه ف بیح و  
 ندر شک طح ای ۲ ینمق اللامه با طر لیل یونانی بفتح همز اول و ثانی و سکون  
 ممله و لام ممله و سکون ثیمانی و لام و لاف و لام ثانی و بقول علامه قطب الدین



و کسرین ممله و سکون را ممله و سین ممله ف را سوه نیول طح می ق ملطف  
 خ بسیار و شش نکسو دجه دفع ضرر با و سوم یکدم تا و و شقال ص رو غنهال حبه  
 صرع الفخ آبنوس هم بد اول و سکون ثانی و ضم نون و و و سین ممله ف آو کو  
 طح بی تا گویند ق قابض و لافخ خ سیاه انلس که در آب غرق شود ص  
 صمغ عربی یا شاه مسفرمل چوب کنار یا تخم خرمای سوخته ابو علس بفتح اول و ضم  
 و سکون و او و فتح عین ممله و سکون لام و سین ممله و آنرا با علس نیز گویند  
 گل خیری طح می اق جاذب خ تازه شش اندکی ص زرده تخم مرغ تمیق القا  
 آبق زبان اکسیران بد اول و کسر ثانی و سکون قاف هم زیق و سیاب ه  
 پارا طسرد و گویند ح رقا قابض شش از غیر مقتول آن تا دو درم ل رص  
 محلول تمیق الکاف اهرک ه بفتح اول سکون ثانی و اظهار با و فتح را ممله سکون  
 کاف هم طلق طب آبک ف بد اول و کسر ثانی موزده هم آبق تمیق اللام  
 ابابیل ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر موزده ثانی و سکون تخمانی و لام ف  
 پرستوک ابل بفتح اول و به نیز و کسر ثانی و سکون لام هم قاقله صفار و یکسره اول  
 ع و شتر و ضم ثانی فارسی طراشیت اهل ع بضم اول و سکون ثانی و ضم با  
 نیز و سکون لام ف تخم و تل تخم سر و کوبی ه هو بی طح می گویند ق ملطف  
 مجلی او ساخ قروح خ سیاه فربیه و گویند بهر خ ندین شش از دو درم تا سه درم و گویند  
 کیشقال ص عود الوج یا خولنجان یا حاما یا انبر باریس ل جوز الشربابوزن آن  
 سلیخه و یکنیم وزن دار چینی و گویند یکوزن او سلیخه و ثلث وزن یکینج تمیق ل  
 ابریشم ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر او ممله و سکون تخمانی و ضم سین ممله و سکون  
 سیم ف ابریشم ه با ط مع ح ب گویند خ راق مقوی و فرج ول معده  
 و محرن و محقق خ پاک مغرض شش و دهانق تا یکدم ص ب اترج ل بوزن آن

کسرین ممله و سکون را ممله و سین ممله ف را سوه نیول طح می ق ملطف  
 خ بسیار و شش نکسو دجه دفع ضرر با و سوم یکدم تا و و شقال ص رو غنهال حبه  
 صرع الفخ آبنوس هم بد اول و سکون ثانی و ضم نون و و و سین ممله ف آو کو  
 طح بی تا گویند ق قابض و لافخ خ سیاه انلس که در آب غرق شود ص  
 صمغ عربی یا شاه مسفرمل چوب کنار یا تخم خرمای سوخته ابو علس بفتح اول و ضم  
 و سکون و او و فتح عین ممله و سکون لام و سین ممله و آنرا با علس نیز گویند  
 گل خیری طح می اق جاذب خ تازه شش اندکی ص زرده تخم مرغ تمیق القا  
 آبق زبان اکسیران بد اول و کسر ثانی و سکون قاف هم زیق و سیاب ه  
 پارا طسرد و گویند ح رقا قابض شش از غیر مقتول آن تا دو درم ل رص  
 محلول تمیق الکاف اهرک ه بفتح اول سکون ثانی و اظهار با و فتح را ممله سکون  
 کاف هم طلق طب آبک ف بد اول و کسر ثانی موزده هم آبق تمیق اللام  
 ابابیل ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر موزده ثانی و سکون تخمانی و لام ف  
 پرستوک ابل بفتح اول و به نیز و کسر ثانی و سکون لام هم قاقله صفار و یکسره اول  
 ع و شتر و ضم ثانی فارسی طراشیت اهل ع بضم اول و سکون ثانی و ضم با  
 نیز و سکون لام ف تخم و تل تخم سر و کوبی ه هو بی طح می گویند ق ملطف  
 مجلی او ساخ قروح خ سیاه فربیه و گویند بهر خ ندین شش از دو درم تا سه درم و گویند  
 کیشقال ص عود الوج یا خولنجان یا حاما یا انبر باریس ل جوز الشربابوزن آن  
 سلیخه و یکنیم وزن دار چینی و گویند یکوزن او سلیخه و ثلث وزن یکینج تمیق ل  
 ابریشم ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر او ممله و سکون تخمانی و ضم سین ممله و سکون  
 سیم ف ابریشم ه با ط مع ح ب گویند خ راق مقوی و فرج ول معده  
 و محرن و محقق خ پاک مغرض شش و دهانق تا یکدم ص ب اترج ل بوزن آن

کسرین ممله و سکون را ممله و سین ممله ف را سوه نیول طح می ق ملطف





و ان شاء الله تعالی

اسفناج در بهار است در اردو مثل بهار و فوج میزند اسرار کوشش بر آن در

اسرارون بھولانی است اسفناج گویند مداول است مردودت خوانند پالک ہندس

تمت

تمتیک الجیمہ ایچ ف بضم اول و سکون جیم کہ و تمیق الدال المهمله  
اجموده بفتح اول و سکون ثانی و ضم سیم و سکون واو و دال مملع بزر الکر فس  
طح ی ۲ ق مفتوح محلل ص انیسون نش از یک درم تاسه درم تمیق الواء  
المهمله آبرع بدار اول و ضم ثانی و سکون را و مهمله ف خشت یخته ۴ اینٹ  
طح ی ۳ ق مجفف خ غیر مستعمل نش از روغن او کیمثال ص روغن بنفشہ  
خرف تمیق الصاد المهمله اجاص ع بکسر اول و فتح ثانی مشد و الف صا  
ممله ف آوہ آڑ و طب ر ۲ ق ملین و سهل صفراخ رسیده بزرگ شیرین نش  
پانزده دانہ ص کلنکبین یا عسل یا عناب ل قمر ہندی تمیق النون اجواہر ۴ بفتح  
اول و سکون ثانی و واو و الف و کسر تحتانی و سکون نون ف ناخواہ ۴ طح ی  
۳ ق مجفف محلل یاح ملین ص کشینر و ترمس نش تاسہ درم ل شونیز تمیق الهاء  
اجموده ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ہا و را و مملہ و خفاء ہا ۴ چترہ تمیق التختا  
اجواہر خراسانی ۴ ع بزر البیج تنسیق الحاء المهمله و تمیق الالف حلب  
و بار رومی بکسر اول و سکون حار مملہ و فتح لام و سکون موحده و کسر اول مملہ و تحتانی  
و الف م شبرم تمیق الصاد المجدد ارضی ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر را و مملہ و سکون  
تحتانی و ضا و مجہد ف درخت گاجر ۴ کچ کشنبہ و گوہر ۴ اقوان  
ہست طح ای ۲ تمیق التختانی اصداق المڑی ع بکسر اول و سکون ثانی و ال مملہ  
و الف و ضم قاف و سکون لام و فتح سیم و را و مملہ و ضا و مجہد و الف مقصورہ ف یا بوز  
کا و طح ۳ ی ۲ تنسیق الحاء المجدد و تمیق التاء الفوقانی اخروٹ ۴ بفتح اول  
و سکون نعا و مجہد و ضم را و مملہ و سکون واو و فوقانی ہندی ع جوز ف چا و خروگر و گاجر  
تمیق الواو المهمله اخسار البقر بفتح اول و کسر ثانی با سین مملہ مشد و الف و ضم  
ہمزہ و سکون لام و فتح موحده و قاف و سکون ا و مملہ ف سرکین گاؤہ گورق

ناریدین و  
سینٹھ  
توانند ہڈ  
تکرگوین  
گرم سست  
درد درد  
سوم خشک  
سست درد

[illegible]

وَقَدْ كُنَّا مِنْكُمْ شُرَكَاءُ فِي مَا كُنْتُمْ تُفْعَلُونَ

محلل اول و ادم اخکرف بفتح اول سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون ا همله م  
انگشت افروخته انگار اتمیق السین المهمله اخینوس بفتح اول و کسرتانی و  
سکون ثانی و ضم نون و سکون و او و سین مهمله ف خردینه سالک پنج نباتی ست  
سیاه پوست که مثل گنول در تالابها و آبهار و ید تمیق الطاء المهمله اخر لیک  
اول و سکون ثانی و کسر او مهمله و سکون تحتانی و طاء مهمله م فرسیون ف گندنا  
بری ه بن کا گندنا تمیق اللام آخیل ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و  
سکون لام م بوقلمون ست و آن مرغیست که عرب آنرا شوم میگیند و بریان  
اهل گیلان داده گویند تمیق المیم اخر م ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
معجمه و سکون سیم ف مازو تمیق النون اخینون یونانی بفتح اول و سکون ثانی  
و ضم تحتانی و سکون و او و نون نباتی ست ع راس الافعی تمیق الهاء اخر م  
بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده و ضم را مهمله و سکون و او و فتح سین مهمله و خفاء با م  
دوسر ف گندم شتی ه بن گهون تنسیق الدال المهمله و تمیق اللام او ا  
بدا اول ثانی و فتح دال مهمله و الف ف زنجبیل ترم اورک ق بلین او او ا ه  
بفتح اول و دو و دال مهمله و دو و الف ف درخت کرد انطرح ی م ا و نجاف بفتح  
اول و سکون ثانی و کسر با با جیم و الف م اهره چنچر طه تمیق الکاف اورک بکسر اول  
و سکون ثانی و فتح نیز و کسر را مهمله و سکون کاف ف آ لوجه و بفتح اول و را مهمله  
زنجبیل تر تمیق النون اوسن ف بفتح اول سکون ثانی و فتح سیم و سکون نون  
م مشک خالص ع ا و فر تمیق الهاء او میجاره بدا اول و کسرتانی و ا لهار م و  
سکون تحتانی با جیم و الف و فتح را مهمله و خفاء با ف خاز و از گون ه چر چر ا  
تمیق الباء التحتانی او را ف بفتح اول و ثانی و الف و را مهمله و الف ثانی  
و کسرتانی و سکون تحتانی ف فلیس مایه کچلا طح ی م ق مخدر صی ف ک

محلل اول و ادم اخکرف بفتح اول سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون ا همله م  
انگشت افروخته انگار اتمیق السین المهمله اخینوس بفتح اول و کسرتانی و  
سکون ثانی و ضم نون و سکون و او و سین مهمله ف خردینه سالک پنج نباتی ست  
سیاه پوست که مثل گنول در تالابها و آبهار و ید تمیق الطاء المهمله اخر لیک  
اول و سکون ثانی و کسر او مهمله و سکون تحتانی و طاء مهمله م فرسیون ف گندنا  
بری ه بن کا گندنا تمیق اللام آخیل ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و  
سکون لام م بوقلمون ست و آن مرغیست که عرب آنرا شوم میگیند و بریان  
اهل گیلان داده گویند تمیق المیم اخر م ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
معجمه و سکون سیم ف مازو تمیق النون اخینون یونانی بفتح اول و سکون ثانی  
و ضم تحتانی و سکون و او و نون نباتی ست ع راس الافعی تمیق الهاء اخر م  
بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده و ضم را مهمله و سکون و او و فتح سین مهمله و خفاء با م  
دوسر ف گندم شتی ه بن گهون تنسیق الدال المهمله و تمیق اللام او ا  
بدا اول ثانی و فتح دال مهمله و الف ف زنجبیل ترم اورک ق بلین او او ا ه  
بفتح اول و دو و دال مهمله و دو و الف ف درخت کرد انطرح ی م ا و نجاف بفتح  
اول و سکون ثانی و کسر با با جیم و الف م اهره چنچر طه تمیق الکاف اورک بکسر اول  
و سکون ثانی و فتح نیز و کسر را مهمله و سکون کاف ف آ لوجه و بفتح اول و را مهمله  
زنجبیل تر تمیق النون اوسن ف بفتح اول سکون ثانی و فتح سیم و سکون نون  
م مشک خالص ع ا و فر تمیق الهاء او میجاره بدا اول و کسرتانی و ا لهار م و  
سکون تحتانی با جیم و الف و فتح را مهمله و خفاء با ف خاز و از گون ه چر چر ا  
تمیق الباء التحتانی او را ف بفتح اول و ثانی و الف و را مهمله و الف ثانی  
و کسرتانی و سکون تحتانی ف فلیس مایه کچلا طح ی م ق مخدر صی ف ک

محلل اول و ادم اخکرف بفتح اول سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون ا همله م  
انگشت افروخته انگار اتمیق السین المهمله اخینوس بفتح اول و کسرتانی و  
سکون ثانی و ضم نون و سکون و او و سین مهمله ف خردینه سالک پنج نباتی ست  
سیاه پوست که مثل گنول در تالابها و آبهار و ید تمیق الطاء المهمله اخر لیک  
اول و سکون ثانی و کسر او مهمله و سکون تحتانی و طاء مهمله م فرسیون ف گندنا  
بری ه بن کا گندنا تمیق اللام آخیل ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و  
سکون لام م بوقلمون ست و آن مرغیست که عرب آنرا شوم میگیند و بریان  
اهل گیلان داده گویند تمیق المیم اخر م ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
معجمه و سکون سیم ف مازو تمیق النون اخینون یونانی بفتح اول و سکون ثانی  
و ضم تحتانی و سکون و او و نون نباتی ست ع راس الافعی تمیق الهاء اخر م  
بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده و ضم را مهمله و سکون و او و فتح سین مهمله و خفاء با م  
دوسر ف گندم شتی ه بن گهون تنسیق الدال المهمله و تمیق اللام او ا  
بدا اول ثانی و فتح دال مهمله و الف ف زنجبیل ترم اورک ق بلین او او ا ه  
بفتح اول و دو و دال مهمله و دو و الف ف درخت کرد انطرح ی م ا و نجاف بفتح  
اول و سکون ثانی و کسر با با جیم و الف م اهره چنچر طه تمیق الکاف اورک بکسر اول  
و سکون ثانی و فتح نیز و کسر را مهمله و سکون کاف ف آ لوجه و بفتح اول و را مهمله  
زنجبیل تر تمیق النون اوسن ف بفتح اول سکون ثانی و فتح سیم و سکون نون  
م مشک خالص ع ا و فر تمیق الهاء او میجاره بدا اول و کسرتانی و ا لهار م و  
سکون تحتانی با جیم و الف و فتح را مهمله و خفاء با ف خاز و از گون ه چر چر ا  
تمیق الباء التحتانی او را ف بفتح اول و ثانی و الف و را مهمله و الف ثانی  
و کسرتانی و سکون تحتانی ف فلیس مایه کچلا طح ی م ق مخدر صی ف ک



است و گویند  
 اسن سین  
 جت و چون  
 است و گویند  
 نیکو است  
 شاید که  
 از غایت  
 کیم باشد  
 و آن در  
 کاف گفته

۲۲  
 این کتاب  
 از استاد  
 و بزرگوار  
 است و این  
 کتاب را  
 در این  
 کتاب

فتیله یون است که از کمال حسن است و از کمال

البشیر تازه دروغن بادام ادوی ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر او و تحتانی  
 مجهول تبرکی اکبر گویند و ج هج تنسیق الذال المعجم و تنسیق الباء المعجم  
 اذان الاخب بد اول و ذال معجمه و الف و ضم نون و سکون لام و فتح هزه و سکون  
 راء مهله و فتح نون ثانی و سکون موحده هم نوعی از لسان الحمل و ورق آن پهن تر  
 از آذان الجدی است و ورق بازنگ اذان الدبج بضم و ال مهله مشدود  
 و سکون موحده هم بوضیف گوش خرس تنسیق الذال المعجم اذان العبد بضم و ال  
 و سکون لام و فتح عین مهله و سکون موحده و ال مهله هم نوعی از عصی الراعی تنسیق  
 الواء المعجمه اذان الفاع بسکون لام بافاء و الف و راء مهله هم مرزنگوش و  
 مرزنگوش که چوبه کنی طح از خرج بسکول و سکون ثانی و کسر خا و سجمه و سکون و هم  
 ف کور گیاه و گیاه یکی که کند بیل و گنده راج و راج نهس و رو نهس طح ی ۲  
 ق مفتوح و لطیف قابض و محلول و تقوی معده خ باریک سخت خوشبو شش نیمه گرم کمی تقا  
 ص بکلات سست و صندل بوئیدن بل بنج او با قصب لذریه یا بوزن او سنبلی و  
 شن وزن زعفران تنسیق السین المعجمه اذان القسین ع بسکون لام و فتح تقا  
 و کسر سین مهله و سکون تحتانی و سین مهله ثانی هم نوعی از حی العالم از ریاس مهله  
 و ضم ثانی و سکون راء مهله و یا و تحتانی و الف و سین مهله ف صمغ سداب کوی  
 تنسیق اللام اذان الغزال بسکون لام و کسر غیرین معجمه و راء سجمه و الف و لام ثانی  
 هم نوعی از لسان الحمل اذان الفیل ع بکسر فاء و سکون تحتانی و لام ف پیلگوش  
 و لوف و گویند ریحان و ادوی مرزنگوش و اذان الفاحشین است و صبق الضباب  
 گوینده برگ دخت ساگون اذان اب الحیل ع بفتح اول و سکون ثانی و نون  
 و الف و ضم موحده و سکون لام و فتح خا و سجمه و سکون تحتانی و لام ثانی ع لویه التیس  
 فل سلیج که دخت سر یا دخت بطون تنسیق النون اذ ارافون بد اول و ثانی و

این کتاب را در این کتاب



الف در ارملة فتح هزه و سکون فاضل تحتانی و سکون او و نون ف نوعی از فتح یا تینق الون  
 آذرگون و آذریون و آذر سون نیز گویند بد اول و ضم ثانی و سکون را در ممله و  
 ضم کاف فارسی و سکون واو و نون نوعی از شقائق که کنار های آن بغایت  
 سرخ رنگ شود و میانه اش سیاه آذریون بد اول فتح ثانی و سکون را در ممله  
 و ضم تحتانی و سکون واو و نون و آذریون نیز گویند نوعی از لاله کوهی بعضی گویند  
 نوعی از اقحوان است طح ی ۲ ق محلل خ بری ش پنجره ص ص سل یار پیاس  
 ال باز و یا بهار تینق الوا و آذریون بد اول و ضم ثانی و سکون را در ممله و ضم موه  
 و سکون واو هم گل شان و آن زرد میشود و بوته اش پر خار می باشد و هیچ آن  
 کلیم شوی ست ف فلار آذریون بد اول و ضم ثانی و سکون را در ممله و ضم تحتانی  
 و سکون واو همی ست فارسی معرب بود که او را بانش نسبت کرده اند ف گل زرد  
 که بافتاب بگیرد و گویند چو یک شان طح ی ۳ بنش تا یکد رمل ختم انج و  
 نیمونن او باد آور و تینق الهاء آذریون بد اول و ضم ثانی و سکون را در  
 ممله و ضم موه و سکون واو و فتح تحتانی و خفا را به آذریون تینق القتا  
 اذان الجیدی ع بسکون لام و فتح جیم و سکون وال ممله و تحتانی مجهول هم ال  
 ف ورق باز رنگ تینق الواء الممله و تینق الالف اراقوا بفتح  
 اول و راو ممله و ضم قاف و واو و الف ف سبک گندم کسلا اسطار و  
 بفتح اول و کستانی و سکون سین ممله و طار ممله الف ف بگ ارطابا به  
 و فتح اول و سکون راو ممله و طار ممله و الف و سیم و الف ثانی و کسین ممله  
 و تحتانی و الف ثالث و اطمیسیا بسکون طار ممله و سکون تحتانی ثانی نیز گویند  
 برنجاسپ و بونی مادران طح ی ۲ اسطه و خا بفتح اول و کسین گویند  
 و سکون سین ممله و فتح طار ممله و ضم لام و سکون واو و کسین خا و سیم یا تحتانی و

در ممله و ضم موه و سکون واو و فتح تحتانی و خفا را به آذریون تینق القتا  
 اذان الجیدی ع بسکون لام و فتح جیم و سکون وال ممله و تحتانی مجهول هم ال  
 ف ورق باز رنگ تینق الواء الممله و تینق الالف اراقوا بفتح  
 اول و راو ممله و ضم قاف و واو و الف ف سبک گندم کسلا اسطار و  
 بفتح اول و کستانی و سکون سین ممله و طار ممله الف ف بگ ارطابا به  
 و فتح اول و سکون راو ممله و طار ممله و الف و سیم و الف ثانی و کسین ممله  
 و تحتانی و الف ثالث و اطمیسیا بسکون طار ممله و سکون تحتانی ثانی نیز گویند  
 برنجاسپ و بونی مادران طح ی ۲ اسطه و خا بفتح اول و کسین گویند  
 و سکون سین ممله و فتح طار ممله و ضم لام و سکون واو و کسین خا و سیم یا تحتانی و

نکته: در این کتاب...



مستنداتی که در این کتاب آمده است

اصحاب اللطوف  
از آنکه نیکو  
کند و بد  
نمیکنند





لایزال باشد این چون که شمر فرمود اولی باشد که نوشته کرده باشد بعد از او است علی الصلاح و تعالیم و در شمر باشد

[illegible]





و کسر را و مملو و سکون نون و جیم گویای است ع لحنه التیس ط ب ی ف  
 مابیس و بدل اسرخی ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر را و مملو و سکون نون  
 ف سرخی و شکوفه را ولی که سند و رویند و رطاب ای ۲ ق مجفف خ  
 بسیار سرخی ص سفید با جات ل سفید اج یا و اسنگ اسفلنج بکسر اول و سکون  
 ثانی و فتح لام و سکون نون و جیم ع لحنه التیس اسفلنج ع بکسر اول و سکون ثانی  
 و فتح ف و سکون نون و جیم ف ابر مرده و ابر کس و گویند حیوان در بای است  
 بدان سبب که چون است برونی خود را و کشد و قتی که میر آب ویرا بر سال  
 اندازده و موابول طح ای ۲ ق مجفف مجلی خ تازه ش یکدر م ص ر جیم  
 با قانیدل قرطاس سوخته اسفید اج ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر ف و تحتانی  
 ممول و وال مملو و الف و جیم ف سپید است از زیر و سرب که بنگ ط ب ی  
 گویند ۳ ق مجفف و سکون ا و جاع خ پاک سفید خوشبو ص از سفید ص صاص قند  
 و ضم حوی و شور بای چرب ل خبث الرصاص یا بر دار سنگ تمینق المفاصل  
 اسفید اج ع بکسر اول و سکون ثانی و ف و الف و نون و الف ثانی و ف و جیم  
 ف اسپاناج که ساکن لک ط ب ا گویند مع ح ب ق ملین ش قند  
 حاجت ص فلفل و اوچینی و آب کاسل که و یا بقله یا نیه اسود و سالخ ع بفتح اول  
 و سکون ثانی و فتح و او و وال مملو و مین مملو و الف و کسر لام و سکون ف و جیم  
 ف مار سیاه که لاناگ تمینق الدال المملو استخوان ندف بضم اول و سکون  
 ثانی و ضم فوقانی و ف و جیم و او و معدوله و الف و سکون نون و فتح را و مملو و سکون  
 نون ثانی و وال مملو ع جای استمول کننده بکسر اول و سکون ثانی و ضم فوقانی  
 و اظهار را و سکون و او و لام و فتح کاف و ف و نون و سکون ال ایضاً که ام کنند  
 اندر بفتح اول ثانی ف شیو با گد اسفود و بکسر اول و سکون ثانی و فتح ف

و کسر اول و سکون ثانی و فتح ف و سکون نون و جیم ف ابر مرده و ابر کس و گویند حیوان در بای است

و کسر اول و سکون ثانی و فتح ف و سکون نون و جیم ف ابر مرده و ابر کس و گویند حیوان در بای است

تاکیدش دارد مثل الهیة الرومان

امثل المثلث المثلث المثلث  
وضم را ومله واو مجهول مرغی است کوچک مانند جشک بر سران چند پر بلند باشد  
مثل شایخ عطاء اسفند اسفیدم خردل سفید تخم سپندان اسپند  
طح می سی مخدر تمیق الواء المهملة اشتراف بکسر اول وسكون ثانی  
وفتح فوقانی ورا ومله والفاء ورا ومله ثانی ع عدس اسغرف بضم اول وسكون  
ثانی وضم غیرین معجمه فارشت کاشاهی استنقوع بکسر اول وسكون ثانی و  
فتح قاف وسكون نون وضم قاف ثانی وسكون واو ورا ومله تنقوف  
ریگ ماهی وننگ شتی کاریت مچلی اسماء بجا اول وفتح نیز وسكون ثانی  
وسیم والفاء ورا ومله دم درخت موید و آسمندر ف بفتح اول سکون ثانی فتح  
سیم وسكون نون وفتح دال مهمل همده آگ کا کثیر الاسیرع بضم اول وسكون ثانی  
وسكون تحتانی ف کاخص کا ندل طب اتنیق السین المهمله  
اس ع بداول وسكون سین مهمله ف نام درخت موید که آنرا اسمار گویند و  
آنرا حسب الآس گویند و شکوفا آن خوشبو شود و هر کس که آنرا بیاید خواب کند  
محتلم گردد و آسبوس ف بکسر اول وسكون ثانی وفتح موحده فارسی وضم تحتانی و  
سكون واو ع هز قطونا م بگو ا سبول استطلس یونانی بکسر اول وسكون ثانی  
و فتح فوقانی وسكون طاء ومله وفتح لام هم فقر الیهود خیر لیت چون موسیائی  
اسطر ما طیس یونانی بضم اول وسكون ثانی وفتح طاء ومله وسكون راهمه ویم و  
الف وضم طاء ومله ثانی وسكون واو ف اسبند اسطوخودوس وی بضم اول  
وسكون ثانی وضم طاء ومله وسكون واو وضم فاو مجر وسكون واو ثانی وضم ال  
مله وسكون واو ثالث از جزیره سخاوس نخیز و موافق الارواح نیز گویند  
م شاه سنقرم روی که دیار گویندندی طح ای ۲ ق ملطف منضج مسهل  
سودا و مقوی و منفح دل خ تانه سنجایل بسیری تلخ خریف مش از جرعه



چند و اگر دیبلا و دیگر که خداست و انواع مانند روح و دیگر که اینسون در پایش است و مخالف از اینجاست از انواع



ششصد و پنجاه و پنج

وسکون را و ممله و ضم تحتانی و سکون و او ثالث هم سقوط کند ریون و زنگی را  
 و اسقید و لیون یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسراف و سکون تحتانی و ضم  
 دال ممله و سکون و او و کسرام و ضم تحتانی و سکون و او ثانی و نون هم کاکج مخف و سکون  
 پس پزده تمیق الحاد آس بکج ع بد اول و کسرتانی و موحده و سکون نون و فتح  
 کاف و خاف هاف مور و طاب ای ۲ گویند ۳ ق قاقض و مقوی دل خ خسر و  
 نیز پوش از تخم او کشتقال ص بنفشه تازه و نیلوفر و رغن آنهال و رق توت یا  
 عصاره زرشک یا گل خنا است و بفتح اول سکون ثانی و فتح فوقانی هم تخم سیاه  
 خسته استینه ف بد اول و سکون ثانی و کسرتانی و سکون تحتانی و فتح نون و  
 با مخفی هم تخم مرغ بنجاره رمی بکسر اول و سکون ثانی و خا و جمه و الف و فتح را و ممله و  
 خاف هاف تودری اسوره بفتح اول و سکون ثانی و ضم را و ممله و سکون و او و فتح  
 را و ممله ثانی و با مخفی هم سنبل الطیب اسفرزه ف بضم اول و سکون ثانی و ضم  
 بجمه و سکون را و ممله و فتح نون و خاف هاف خا ریش است اسکنده بفتح اول سکون  
 ثانی و فتح کاف فارسی و خاف نون و فتح دال ممله و ا لمار با و ای مشهور بزمی است  
 طح ق مبی تمیق التحتانی آس بری ع بد اول و کسرتانی و فتح موحده و کسره و ممله  
 و سکون تحتانی و سور و اسفرم تنسیق الشین المجه و تمیق الالف اشتراک  
 بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و را و ممله با کاف و الف ع غنقا اشتراک  
 بضم اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون ممله و کسراف فارسی با تحتانی  
 و الف هم اشتراک آشمو سا بفتح اول سکون ثانی با تحتانی و الف کسفا با میم و  
 ثانی و کسیرم ثانی و سکون تحتانی ثانی با شله هم بضم ممله و امیشا طب ی ک در  
 ملا کردن پوش دبندی یا حض تمیق الدال الممله اشنا ز او و ف بفتح  
 و سکون ثانی با نون الف و کسرتا و ممله و الف و ضم ممله و سکون و او و

ششصد و پنجاه و پنج  
 و با جیم هم کسرت  
 و با ح کسرت و نیمه  
 و با فتح هم کسرت  
 و با جیم هم کسرت  
 و با جیم هم کسرت  
 و با جیم هم کسرت

۳۳  
 میگردید چون  
 چون بیشتر دار  
 از و بخور و بیشتر  
 زیاده میشود  
 و خوردن آن  
 بیشتر باعث  
 نشاط و سرور  
 میگردد و در  
 گرم و در پیوست  
 معتمد

باز بیشتر آن بدنه بهتر از اول و نیز که عبارت در فضل مناسب



ثانی م زوفا خشک تمیق الواو المهملة اشتخاف بضم اول و سکون ثانی و  
 ضم فوقانی و سکون راوهملة باخار معجم و الف و راوهملة ثانی م کسرة خارجة جواز الهمزة  
 بضم اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون راوهملة و غین معجم و الف و راوهملة  
 ف بفتح و خت اکمدان ست طح ۲ گویند ۲ رخ رومی ص سرال بخدان  
 اشتر مورف بضم اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون راوهملة و ضم هم  
 و و او مجهول گویند که در جنگلی از جنگلهای مغرب و زخمتی ست که برگهای آن کسیر  
 و در آن جنگل مورچه بهر سده که بگلانی نیز باشد همین که کسی بآن جنگل بجهت بدست آورد  
 برگ و خت اکسیر و آید آن موران برود و در آن بریزد و در زمان پاره پاره اش کند و  
 کسی از ترس آن موران بآن جنگل نرود و آن را شتر مور نیز گویند اشغوف بضم  
 اول و سکون ثانی و ضم غین معجم و خا رشت تمیق السین المهملة استلوا  
 بکسر اول و سکون ثانی و کسرة فوقانی و لام الف و ضم تحتانی و سکون و او و سین هم  
 هم و ارشیشمان ۴ کا بهل تمیق الشین البعجه اشراش ع بکسر اول و سکون ثانی  
 و راوهملة و الف و شین معجمه ثانی م عری ف شیمه شیش تمیق الصاد المهملة  
 اشخص یونانی بکسر اول و سکون ثانی و کسرة خارجة و سکون تحتانی و صا و هملة م نو  
 از ماز یوت تمیق القاف اشق ع بضم اول و ثانی و سکون قاف و یقول صا  
 مذهب فتح اول م منع طر ایت است بعضی گویند منع قوت یا صمغ اشتر غار طح ی ۲ ق  
 محلل خ سفیدی که دانه و رشت داشته باشد و و حل شود شش نیدرم ص زوفا  
 و گویند بادام و نشاسته و سنج الکواریر یا سبکین یا خول سفید تمیق اللام شقاقل  
 ع بکسر اول و سکون ثانی و قاف و الف و ضم قاف ثانی و سکون لام هم شقاقل  
 ف گذر صحرائی ۴ هار کی گاجر تمیق المیم اشکیل شیم فتح اول و سکون ثانی  
 و کسرة قاف تحتانی مجهول و سکون لام و فتح جمیم فارسی و سکون شین معجمه شیم



م عوج تمیق النون آس بجکان ف بداول و کسترانی و فتح موحده جیم فار  
کاف فارسی و الف و نون م چند بید تر اشلان بفتح اول و سکون ثانی بالام  
الف ه میور سکما اشلان ف بضم اول و سکون ثانی و نون و الف و نون ثانی  
م غابول و چوبک شویہ چون او را بکوزند شخار شود و چوک طح ی ۲ اق  
جلی مرقی و اکال خ سیر سفید بارتی و باریق موضعیت نزد کوفه شخ پنجد ص شخ  
صا بون آشن ف بفتح اول و ثانی م خرپوزہ نارسیده کالک تمیق الواو اول  
ضم اول سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون رار مملہ و کاف فارسی و الف و واو مملہ  
م جانور زرافہ تمیق الهاء اشیث ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده فار  
و فتح شین حجه ثانی و خفا و ہام کمرکی کہ در پوتین و ند و دیگر حیز یا و شپین سفید و  
با و از و آنرا اشیث ف بداول و سکون ثانی و کسر فوقانی و سکون تحتانی و فتح  
ن م استینه اشنع بضم اول و سکون ثانی و فتح نون ف و و الہ و و الی و و الہ  
پہر اطع ب گویند ح ای ۲ اق بقوی کبد فاندک قابض خ سفید خوشبو  
صری و در وقت کوفتن باب نرم کرده بکوبند تا کوفتہ گرددش یکدر رم تاد و  
ویند نیم درم صل نیسون ل قرمانا از خریسل اشیث ف بداول و کسترانی و سکون  
تانی و فتح نون م آسینہ تنسیق الصاد المصل و تمیق الالف اصل الحریث  
فتح اول سکون صلا و مملہ و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح عین مملہ و سکون راول  
فتح طار مملہ و کسر نون و سکون تحتانی و ثلثہ و الف ع بخور مریم ف و ذر و اصل  
ع بفتح اول و سکون صلا و مملہ و ضم لام و سکون لام ثانی و کسر لام و سکون نون و ضم  
ل مملہ و موحده و الف ف بخاکسنی کہ کاشی کبڑ تمیق الموحده اصل الحز  
ع ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح عین مملہ و سکون راول  
مملہ و موحده و ف بخ غرب طح ی ۲ اصل القصب ع بفتح قاف و صلا و مملہ و سکون

است  
فخره المومنین  
انجیل آن  
مهر را نگه دار  
زینست که گدازه  
نمودش بنگار  
صحنه کشید  
بل آن  
نزد

۳۵  
ای بخمار دوی  
بنایت اول  
دل به سپید دید  
جمعه سس  
گرد در دست  
دراول خشک  
ست در دم  
افچه پیر  
که راه از رخ  
کنند دانش  
از کوزه

در این کتاب از کلمات و حروف و بیانی که در این کتاب است

در این کتاب از کلمات و حروف و بیانی که در این کتاب است

موصوفه ف ب خ نی که سر کشیدگی جزو ط ح نی ۲ تمینق الفوقانی اصابع الفقیات  
ع بفتح اول و سکون ثانی و الف و کسر موصوفه و ضم عین ممله و سکون لام فتح  
فا و کسر فوقانی و فتح تحتانی و الف و فوقانی ثانی و الف کشت کثیر کان و آن  
فیر نمیشکست یعنی بالنکوی خورده تلمسی اصل الذریع بفتح اول و سکون  
ثانی و ضم و لام و ذال معجمه میشود و فتح را و ممله میشود و سکون تا و فوقانی ف بفتح غله  
جوار ط ب ی و مخدر تمینق الجیم اصل الرایانج ع برار ممله میشود و الف  
و زار معجمه و تحتانی و الف ثانی و فتح نون و سکون جیم ف بفتح با و یان که سونفکی  
جزو تمینق الحاء الموحده اصل اللفاح ع بضم لام و تشدید لام ثانی مکسور و فاء  
مفتوح و الف و حار ط ی م بیروج و سانی که کلمنا لکننی اق مخدر تمینق  
الداء الموحده اصابع صنف بفتح اول و ثانی و الف کسر موصوفه و عین ممله و کسر  
ممله ثانی و سکون فا و را و ممله ف کف میهم و کف عایش ط ح ی ۲ سعد و  
نهر احشان اصل الجاوشیر ع بضم الف و واو و کسر شین معجمه و سکون تحتانی ف  
بفتح گاوشیرل جاوشیر اصل الکبر ع بفتح کاف و موصوفه و را و ممله ف بفتح کبر اصل اللوز  
ع بفتح لام میشود با ثانی و سکون واو و ضم زار معجمه و سکون لام ثالث و ضم میهم  
بفتح با و ام تلخ که کروی با و ام کی جزو اصل المربع بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون  
لام ثانی و ضم میهم ف بفتح ط ح ی ۲ تمینق المسین الموحده اصابع هرسل  
ع بفتح اول و ثانی و کسر موصوفه و عین ممله و ضم را و سکون را و ممله و ضم میهم و سکون  
سین ممله ف کل سورنجان ط ح ی ۲ سورنجان اصل السوس ع بضم سین  
ممله میشود و سکون واو ف بفتح مکه که ماهی و مرطی ط مع ح ب دی گویند  
ب ی اش یکدمه و دوم اصل الکرفس ع بفتح کاف و را و ممله و سکون قاف  
بفتح کرفس که اجمود کی جزو تمینق الضاد المعجمه اصل السوس الابيض ع بضم سین ممله

در این کتاب از کلمات و حروف و بیانی که در این کتاب است

[illegible][illegible]

مهریادینا کزینا یاف بود و در دست فلک کشید و آدم نام بنویس و آنرا که چون در درجه سوم و فکس است در درجه اول







وہی جو ان کے لئے ہے

۱۳۹

[illegible]

اول در کسر و ثانی ف و شتاب تنسيق الفاء و تنسيق القفا

و سکون تحتانی و کسراف و تحتانی ثانی ف و شتاب تنسيق الفاء و تنسيق القفا  
 آفتاب پرست ف نیلو فرد و بوقلمون را نیز گویند و کلیت که بهر جانب آفتاب بگردد  
 برگمایش و بدان جانب کنند و اهل هند گل که در او گویند تنسيق الجیم افشیح ع  
 بفتح اول سکون فا و ضم شین معجمه و فتح را و ممله سکون جیم ف معرب افشرد و هنی  
 عصائه هر چیز افترنج بفتح اول و ثانی و سکون را و ممله و فتح غین معجمه و سکون نو  
 کم شوش تنسيق الراء المسمله افکار بفتح اول و سکون ثانی با کاف و الف و را و ممله  
 و کلمه که تنسيق الکاف آفتاب کرد که بهر اول و سکون ثانی با فوقانی و الف و ممله  
 و فتح کاف فارسی و سکون را و ممله و فتح دال ممله و کاف م آفتاب است افترنج شکفت  
 اول و کسر اول و سکون ثانی و فتح را و ممله و سکون نون و فتح جیم و کسر سیم و سکون  
 شین معجمه ف بالشکوی خورد و در میان قرنفل که گویند تلسی طح ی ۲ خفشت  
 ل قرنفل افشک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح شین معجمه و سکون کاف م  
 شبنم تنسيق النون افا سون بفتح اول و ثانی و الف و ضم سین ممله و سکون واو  
 و نون و ر و ن تریب که موی کاتیل افیتون بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی  
 و سکون تحتانی و ضم سیم و سکون او و نون که اکا سن یل امیر طح ی ۳ ق سیل  
 سودا و فتح و شیح افریطی یا مقدسی سرخ تخم تازه ش انرطیوخ بخدرم تا نهفت م  
 و انجم اود و درم تا سه رم ص کثیر ایاب سیب یا خمیس بار و ن بادام ل عاشا  
 یکوزن و نیم یا ترید یوزن او یا اسطوخودوس و سیفاج افروچون بفتح اول و ثانی و  
 سکون را و ممله و کسر موصده و ضم تحتانی و سکون واو و نون م فرنیون ف فیتر  
 زقوم سینه کار و و فسان و بفتح اول و سکون ثانی با سین ممله و الف و  
 نون م سنگ فشان افستین بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین ممله و سکون نو  
 و کسر فوقانی و سکون تحتانی ف برنجاسف کوهی و گویند نوعی از درخت که مجری و ستار

در کسر و ثانی ف و شتاب تنسيق الفاء و تنسيق القفا  
 آفتاب پرست ف نیلو فرد و بوقلمون را نیز گویند و کلیت که بهر جانب آفتاب بگردد  
 برگمایش و بدان جانب کنند و اهل هند گل که در او گویند تنسيق الجیم افشیح ع  
 بفتح اول سکون فا و ضم شین معجمه و فتح را و ممله سکون جیم ف معرب افشرد و هنی  
 عصائه هر چیز افترنج بفتح اول و ثانی و سکون را و ممله و فتح غین معجمه و سکون نو  
 کم شوش تنسيق الراء المسمله افکار بفتح اول و سکون ثانی با کاف و الف و را و ممله  
 و کلمه که تنسيق الکاف آفتاب کرد که بهر اول و سکون ثانی با فوقانی و الف و ممله  
 و فتح کاف فارسی و سکون را و ممله و فتح دال ممله و کاف م آفتاب است افترنج شکفت  
 اول و کسر اول و سکون ثانی و فتح را و ممله و سکون نون و فتح جیم و کسر سیم و سکون  
 شین معجمه ف بالشکوی خورد و در میان قرنفل که گویند تلسی طح ی ۲ خفشت  
 ل قرنفل افشک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح شین معجمه و سکون کاف م  
 شبنم تنسيق النون افا سون بفتح اول و ثانی و الف و ضم سین ممله و سکون واو  
 و نون و ر و ن تریب که موی کاتیل افیتون بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی  
 و سکون تحتانی و ضم سیم و سکون او و نون که اکا سن یل امیر طح ی ۳ ق سیل  
 سودا و فتح و شیح افریطی یا مقدسی سرخ تخم تازه ش انرطیوخ بخدرم تا نهفت م  
 و انجم اود و درم تا سه رم ص کثیر ایاب سیب یا خمیس بار و ن بادام ل عاشا  
 یکوزن و نیم یا ترید یوزن او یا اسطوخودوس و سیفاج افروچون بفتح اول و ثانی و  
 سکون را و ممله و کسر موصده و ضم تحتانی و سکون واو و نون م فرنیون ف فیتر  
 زقوم سینه کار و و فسان و بفتح اول و سکون ثانی با سین ممله و الف و  
 نون م سنگ فشان افستین بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین ممله و سکون نو  
 و کسر فوقانی و سکون تحتانی ف برنجاسف کوهی و گویند نوعی از درخت که مجری و ستار

اول در کسر و ثانی ف و شتاب تنسيق الفاء و تنسيق القفا

طاح ای ۲ گویند ۳ ق مفتح و سهل مغلو قاطع و دیان خ تازه زردش از مردم  
تا دو درم و در طبع از پنجه دم تا هفت درم و از عصاره و یک درم تا یک شقال صان  
یا نیلو فرل جده یا شیخ از منی یا قیصوم و در تقویت معده اسارون یا نموزن  
هلیله زرد افلاطون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و ضم طاح و سهل  
و سکون ای و م مقل لا گوگل طح سی ۲ گویند ۲ ق جالی و محل ملین با قوت تریاقیت  
در باب یک کثیرا و در باب کبذ و غفران ش یکدم ک دو ثلث آن مرکبی ربع آن به سقوطی  
یونانی بفتح اول و سکون ثانی و سکون تحتانی و ضم لام و سکون او ف و زنه کوهی فیون می فاف  
فتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون او ف غیر خنخاش لا ایم طاب می ق مخدر و سکون او طاب  
خ در آب گرم نرم و مل شود و در آفتاب گرم نرم شود ش یکدم تا دو و عدس ص  
فلفل و ارچینی و سکنجبین و گویند بزرگرفس و چند بید شل سکه وزن می بزرگترین  
یکوزن لغاح تمیق المعام افاد و یغ بفتح اول و ثانی و الف و کسر او ففتح تحتانی و ثانی  
ف دارد و ای گرم چون قر نفل و خولجان و در ارچینی آغلنج و یکسر اول و سکون  
ثانی و فتح لام و سکون نون و فتح جیم م نلنج و تمیق است مانند نرول و بیشتر در عطرها  
استعمال میکنند خ چون بدست بالند ابوی سبب و به تمیق التحتانی افیج و فتح  
اول و سکون ثانی و کسر عین مملد و سکون تحتانی و ف مار شهر طح سی ۲ ق ملطف  
خ ماده اش باز گوشت او کثیرا شقال ص تریاق ل مار تنسیق القاف و تمیق الا  
اقاقیا بفتح اول و ثانی و الف و کسر ف ثانی با تحتانی و الف ثانی م عصاره قرط  
و فلفل ط شسته می بی ۳ و ناشسته بی ۲ ق قابض مخفف سف  
نیم درم ص لبوبل محض یا محض و عدس معشر یا سواد القصا و یا و مل لآخر  
اقلیم بیاع و یونانی یکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و کسر تحتانی  
ثانی و الف و ثانی است یا دردی نیست که بالای بوتر طلا یا فقره باشد و در

طاح ای ۲ گویند ۳ ق مفتح و سهل مغلو قاطع و دیان خ تازه زردش از مردم  
تا دو درم و در طبع از پنجه دم تا هفت درم و از عصاره و یک درم تا یک شقال صان  
یا نیلو فرل جده یا شیخ از منی یا قیصوم و در تقویت معده اسارون یا نموزن  
هلیله زرد افلاطون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و ضم طاح و سهل  
و سکون ای و م مقل لا گوگل طح سی ۲ گویند ۲ ق جالی و محل ملین با قوت تریاقیت  
در باب یک کثیرا و در باب کبذ و غفران ش یکدم ک دو ثلث آن مرکبی ربع آن به سقوطی  
یونانی بفتح اول و سکون ثانی و سکون تحتانی و ضم لام و سکون او ف و زنه کوهی فیون می فاف  
فتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون او ف غیر خنخاش لا ایم طاب می ق مخدر و سکون او طاب  
خ در آب گرم نرم و مل شود و در آفتاب گرم نرم شود ش یکدم تا دو و عدس ص  
فلفل و ارچینی و سکنجبین و گویند بزرگرفس و چند بید شل سکه وزن می بزرگترین  
یکوزن لغاح تمیق المعام افاد و یغ بفتح اول و ثانی و الف و کسر او ففتح تحتانی و ثانی  
ف دارد و ای گرم چون قر نفل و خولجان و در ارچینی آغلنج و یکسر اول و سکون  
ثانی و فتح لام و سکون نون و فتح جیم م نلنج و تمیق است مانند نرول و بیشتر در عطرها  
استعمال میکنند خ چون بدست بالند ابوی سبب و به تمیق التحتانی افیج و فتح  
اول و سکون ثانی و کسر عین مملد و سکون تحتانی و ف مار شهر طح سی ۲ ق ملطف  
خ ماده اش باز گوشت او کثیرا شقال ص تریاق ل مار تنسیق القاف و تمیق الا  
اقاقیا بفتح اول و ثانی و الف و کسر ف ثانی با تحتانی و الف ثانی م عصاره قرط  
و فلفل ط شسته می بی ۳ و ناشسته بی ۲ ق قابض مخفف سف  
نیم درم ص لبوبل محض یا محض و عدس معشر یا سواد القصا و یا و مل لآخر  
اقلیم بیاع و یونانی یکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و کسر تحتانی  
ثانی و الف و ثانی است یا دردی نیست که بالای بوتر طلا یا فقره باشد و در

طاح ای ۲ گویند ۳ ق مفتح و سهل مغلو قاطع و دیان خ تازه زردش از مردم  
تا دو درم و در طبع از پنجه دم تا هفت درم و از عصاره و یک درم تا یک شقال صان  
یا نیلو فرل جده یا شیخ از منی یا قیصوم و در تقویت معده اسارون یا نموزن  
هلیله زرد افلاطون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و ضم طاح و سهل  
و سکون ای و م مقل لا گوگل طح سی ۲ گویند ۲ ق جالی و محل ملین با قوت تریاقیت  
در باب یک کثیرا و در باب کبذ و غفران ش یکدم ک دو ثلث آن مرکبی ربع آن به سقوطی  
یونانی بفتح اول و سکون ثانی و سکون تحتانی و ضم لام و سکون او ف و زنه کوهی فیون می فاف  
فتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون او ف غیر خنخاش لا ایم طاب می ق مخدر و سکون او طاب  
خ در آب گرم نرم و مل شود و در آفتاب گرم نرم شود ش یکدم تا دو و عدس ص  
فلفل و ارچینی و سکنجبین و گویند بزرگرفس و چند بید شل سکه وزن می بزرگترین  
یکوزن لغاح تمیق المعام افاد و یغ بفتح اول و ثانی و الف و کسر او ففتح تحتانی و ثانی  
ف دارد و ای گرم چون قر نفل و خولجان و در ارچینی آغلنج و یکسر اول و سکون  
ثانی و فتح لام و سکون نون و فتح جیم م نلنج و تمیق است مانند نرول و بیشتر در عطرها  
استعمال میکنند خ چون بدست بالند ابوی سبب و به تمیق التحتانی افیج و فتح  
اول و سکون ثانی و کسر عین مملد و سکون تحتانی و ف مار شهر طح سی ۲ ق ملطف  
خ ماده اش باز گوشت او کثیرا شقال ص تریاق ل مار تنسیق القاف و تمیق الا  
اقاقیا بفتح اول و ثانی و الف و کسر ف ثانی با تحتانی و الف ثانی م عصاره قرط  
و فلفل ط شسته می بی ۳ و ناشسته بی ۲ ق قابض مخفف سف  
نیم درم ص لبوبل محض یا محض و عدس معشر یا سواد القصا و یا و مل لآخر  
اقلیم بیاع و یونانی یکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و کسر تحتانی  
ثانی و الف و ثانی است یا دردی نیست که بالای بوتر طلا یا فقره باشد و در



سپید بران چیری از طلا و نقره چون جهات را بر باشد ط مع ح بی سی

بجفت خ چون در سرکه ساعتی با کنند طلا یا فضا از وجود ان شود و چندان در سر  
 و جهای ثقیل زرین سیاه با کل شفت و بقدر شورش نیم شقال صی رغن با دم  
 هر داری سنگ سفید یا توتیا تمیق السین الممله افسوس بفتح اول و سکون ثانی و  
 ضم سین ممله و سکون و او سین ممله ثانی هم مویج عسل و بوق تمیق انطا الممله  
 اقطع بفتح اول و کشانی و سکون طار ممله م قروت ف کشک و پیوب  
 تمیق النون اقارون و می بفتح اول و ثانی و الف و ضم ر ممله و سکون و او و نو  
 ع عود الوج ف اگره تج اقوان ع بضم اول و سکون ثانی و ضم ح ممله با و و الف  
 و نون ف با و نه کا و ه مری طح ی گویند گویند ح سی ی ق محلل ملطف  
 منوم خ سبز برک که برین گلش سفید و اندرون زرد باشد قلیخش و در صند  
 صا نیسون و گویند حب لاس ل شیخ اقطع بنی بفتح اول و سکون ثانی و کسرا ممله و سکون  
 ف ماش و شیرازی بنو باش ه مونک اقویلا سمون رومی بفتح اول و ضم ثانی و کس  
 و او و سکون و فتح تحتانی بالام و الف و فتح سین ممله و ضم سیم و سکون و او ثانی و ف  
 رغن بلسان تمیق التختنا انما ارنیقی و اقلنا لوقی یونانی بفتح اول و سکون  
 و کسرا ممله بانون و الف و فتح هزه و ر ممله و الف ثانی و سکون تحتانی و کسراف  
 و سکون تحتانی و لغت اول و ضم لام و سکون او و کسراف ثانی و لغت ثانی ف با و رده  
 و هما به قطی یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسرا ممله و نختیل و هندی یل کار و که  
 قمان ایران الهندی بفتح اول و سکون ثانی با سیم و الف و ضم سین ممله و او ممله شد با سیم  
 شد ثانی و الف ثانی و کسرون و سکون لام و کسرا و سکون نون ثانی و کسرا  
 ممله ف نار مشک ه با کیسر اقوامی یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او با سیم  
 و کسرا مع مار العسل ف آب شهده شهید کایانی تمیق الکاف و تمیق الا لف

سپید بران چیری از طلا و نقره چون جهات را بر باشد ط مع ح بی سی  
 بجفت خ چون در سرکه ساعتی با کنند طلا یا فضا از وجود ان شود و چندان در سر  
 و جهای ثقیل زرین سیاه با کل شفت و بقدر شورش نیم شقال صی رغن با دم  
 هر داری سنگ سفید یا توتیا تمیق السین الممله افسوس بفتح اول و سکون ثانی و  
 ضم سین ممله و سکون و او سین ممله ثانی هم مویج عسل و بوق تمیق انطا الممله  
 اقطع بفتح اول و کشانی و سکون طار ممله م قروت ف کشک و پیوب  
 تمیق النون اقارون و می بفتح اول و ثانی و الف و ضم ر ممله و سکون و او و نو  
 ع عود الوج ف اگره تج اقوان ع بضم اول و سکون ثانی و ضم ح ممله با و و الف  
 و نون ف با و نه کا و ه مری طح ی گویند گویند ح سی ی ق محلل ملطف  
 منوم خ سبز برک که برین گلش سفید و اندرون زرد باشد قلیخش و در صند  
 صا نیسون و گویند حب لاس ل شیخ اقطع بنی بفتح اول و سکون ثانی و کسرا ممله و سکون  
 ف ماش و شیرازی بنو باش ه مونک اقویلا سمون رومی بفتح اول و ضم ثانی و کس

سپید بران چیری از طلا و نقره چون جهات را بر باشد ط مع ح بی سی  
 بجفت خ چون در سرکه ساعتی با کنند طلا یا فضا از وجود ان شود و چندان در سر  
 و جهای ثقیل زرین سیاه با کل شفت و بقدر شورش نیم شقال صی رغن با دم  
 هر داری سنگ سفید یا توتیا تمیق السین الممله افسوس بفتح اول و سکون ثانی و  
 ضم سین ممله و سکون و او سین ممله ثانی هم مویج عسل و بوق تمیق انطا الممله  
 اقطع بفتح اول و کشانی و سکون طار ممله م قروت ف کشک و پیوب  
 تمیق النون اقارون و می بفتح اول و ثانی و الف و ضم ر ممله و سکون و او و نو  
 ع عود الوج ف اگره تج اقوان ع بضم اول و سکون ثانی و ضم ح ممله با و و الف  
 و نون ف با و نه کا و ه مری طح ی گویند گویند ح سی ی ق محلل ملطف  
 منوم خ سبز برک که برین گلش سفید و اندرون زرد باشد قلیخش و در صند  
 صا نیسون و گویند حب لاس ل شیخ اقطع بنی بفتح اول و سکون ثانی و کسرا ممله و سکون  
 ف ماش و شیرازی بنو باش ه مونک اقویلا سمون رومی بفتح اول و ضم ثانی و کس

سپید بران چیری از طلا و نقره چون جهات را بر باشد ط مع ح بی سی





ست هم و ضم اول و ثانی و لام و فتح نون و سکون فاء و سین مملو اظهار با هم فرقیون  
تمتیک التختانی اکاهولی و هم اول و ثانی و الف و ضم با و سکون و او و کسر لام و  
سکون تختانی و دانی ست هندی و افع پر پیو یعنی سوزاک تمیق الکاف  
الفارسی و تمیق الفوقانی اگر منت و بفتح اول و کسرات فارسی و سکون نون  
و فتح میم سکون نون ثانی و فوقانی و اکونت و درنی طح تمیق الواو المهم  
اکوف بکسر اول و ثانی فارسی و سکون او مملو و ج و ج و بفتح اول و ثانی اکوف  
هم اول و ضم ثانی فارسی و سکون و او و مضمشت پنجه که آنرا بعربی اجر گویند  
تمیق اللام و تمیق الالف الکاف بفتح اول سکون ثانی با سین مملو و الف و  
فمخاه و اجوین الواو بکسر اول و سکون ثانی با و او و الف و صبر تمیق الموح  
اکب بکسر اول و ثانی و سکون موحه و ایلو اتمیق الجیم النجف هم اول و ضم  
ثانی و سکون نون و جیم هم الوجه بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و الف و بکسر  
و آن نوعی از مخلصه ست تمیق الواو المهمله الستة العاصی و بفتح اول سکون  
ثانی و کسرین مملو و فتح نون و ضم فوقانی و سکون لام ثانی و فتح عین مملو و صا و مملو  
و الف و کسرات سکون تختانی و او مملو م لسان الطافیر ف اهره اندر رجو الفج  
ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم عین سجه و سکون نون با جیم و الف میوه است  
شبهه بزدها کو که زکش سبز و نقش و زرد و دیگ الوان نشود و طموش منجوش بودم  
کرده آلوده آلوده و خلکو کرده تمیق السین المهمله البانیس بفتح اول سکون  
ثانی با یهوده و الف و کسر نون و سکون تختانی و سین مملو و ساگ چولانی الماس  
بفتح اول و سکون ثانی و میم و الف و ف ماس و میم تمیق الطاء المهمله الط  
بفتح اول و کسر ثانی و سکون موحه و ضم طاء مملو و سکون و او و طاء مملو ثانی  
ف گشت بر گشت و بهینهل الطرومی بفتح اول و ثانی و سنبل الطیب و بالهرط

است گندم و آرد  
بجوشانند و بپزند  
و بسن را فربس  
کند و رنگ  
روی را نیکو  
گرداند و برزد  
طبیقة خورنده  
گردد چنانچه در  
صفحه

22

[illegible]

موسیٰ بن جعفر بن محمد بن علی بن ابی طالب

تتمینق اللام ال ف بد اول و سکون لام نوعی از یا همی فلو من بلکه آنرا بال و  
وال نیز خوانند و درختی است که از بیخ آن رنگ سرخی حاصل شود مانند رنگ و فاک  
و از آن جانب رنگ کنند و در و او با یکا دارند تتمینق المیم ال ف بفتح اول و هم  
ثانی و سکون سیم م از زن تتمینق النون ال انیون رومی بفتح اول و ثانی الف  
و کسر نون و ضم تحتانی و سکون و او و نون ثانی م رسن تتمینق الواو ال او ف بفتح  
اول و ثانی و الف و او مجهول م آتش آکوف بد اول و ضم ثانی نام سیوه مهر  
ع اجاص ال کیو بفتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و گو لرت تتمینق الهاء ال القوه الکو  
ف بد اول و سکون ثانی و ضم غین هجره در لغت اول و ضم کاف فارسی و لغت  
ثانی و سکون و او و فتح نون و خفا با و م سرخی که زنان بر روی مالند م غانم  
ال که بفتح اول و ضم ثانی و اظهار با ف عقاب که کیده و بفتح ثانی و خفا با ف ع  
مقل از رزق و بد اول و فتح ثانی و خفا با ف ع سنبل الطیب ال یبع بفتح اول  
و سکون ثانی و فتح تحتانی و گو سفند که و بنه کی پو پنجد طح ر ف ملین خ م  
از حیوان فربه حیوان ص زنجیل و فلفل م و ارپینی و سرکه ل همین تتمینق النحتانی  
الاطینی رومی بفتح اول و ثانی و الف و کسر طاء و مملو سکون تحتانی و کسر نون سکون  
تحتانی ثانی م لبلا ب که عشق بیچ ال ایچی که بکسر اول لام و الف و کسر تحتانی و ضم  
فارسی و سکون تحتانی ثانی ع قافله ال کسی که بفتح اول سکون ثانی و کسر سیم مملو ع  
بزرگتان تتمینق المیم و تتمینق الالف امراه بد اول و بی بد نیز و فتح سیم و مملو  
و الف م میوه هندی است مشابه بانبه تتمینق الفوقانی امروش فارسی بفتح اول  
و سکون ثانی و ضم او و مملو و فوقانی م امرو و امل مینت که بفتح اول و ثانی و سکون  
لام و کسر و صده و سکون تحتانی و خفا نون و فوقانی م م و رخت هند است  
تتمینق الیم ال یج ع بد اول و سکون ثانی و فتح لام و الف ال فراط ط گونید

در صورتی که در این کتاب

20

فصل الحادي عشر

میں نے

المغزى

...

350

10

11


١٠٠

100

۱۰۰

مجلس

مندی



دور از خانه - ملوک الملک - معروف - درخت پرست - بلبلان - گفته شود - حرف عین - خوانند و در - علم مسطور - بنیان است

نای ۲ ق قابض مخفف و مقوی دماغ و معده و مفرج دل و گویند مسل سوداوخ  
 سیاهی که لونش باطل یسرخ باشد و نیز نوبی شش کیشغال تاسه درم ص مسل  
 یا شرب بنجرل شیرآله یا لبیله سیاه یا کینیم وزن بلبله تنیق اللدال المهمله امرو  
 ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم ر و ممله و سکون و اودع ناشیاتی تنیق المسین  
 المهمله اموس بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و سین ممله ف زبان ناتم  
 ه اجوائن تنیق الضاد المجهه اسرار الارض بفتح اول و سکون ثانی و سین  
 ممله و الف و ضم همزه و سکون لام و فتح همزه ثانی و سکون ر و ممله و ضا و حروف  
 زغار کرم م خراطین که کینچوا تنیق النون اما مون یونانی بفتح اول و ثانی و این  
 و ضم سین ثانی و سکون و او و ون م حاما اما سین رومی بفتح اول و سکون ثانی  
 و فتح عین ممله و الف و کسر سین ممله و سکون تحتانی و نون ف آب غوره انکو  
 نه و اکمه کاپانی اغیلا بفتح بضم اول و کسر ثانی مشد و غین مجرجه سکون تحتانی باللام  
 و الف و اغیلا ن که کیله و پول ط ب ی ۲ گویند ح ق قابض مخفف ش بقدر  
 حاجت ص بفضه تنسیق النون و تنیق الالف انا گیر اف بفتح اول و ثانی و الف  
 و او و ممله و کسر کاف فارسی و سکون تحتانی بار و ممله و الف ثانی م غوره خشخاش یعنی کونا  
 انمله سودا سیرانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و فتح لام و همزه لمینه و فتح سین ممله  
 و سکون و او و بال مملع ماه فرفین و جد و اره نر سبی آنجا بفتح اول و سکون ثانی و  
 سبیریم و ضم نر و سین ممله و الف م شنگار آنحضرت سیرانی بفتح اول و سکون نون و فتح  
 و کسر و او و ممله و سکون فا و کسوطا ممله و سکون تحتانی و نون ثانی و الف ع جلنا و ف  
 کلنا راند زراف بفتح اول و سکون ثانی و فتح و ال ممله و سکون او و ممله با ناز مجرجه و الف  
 م گا و زهره و آن سنگی است که در میان زهره گا و سکون شود و یاد در میان شیر و نیش  
 و بیشتر از گا و دهند و شان بهر سد و مانند یاد زهره و و عد لون و خاصیت ع حجر البقر

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله  
الطيبين الطاهرين  
اللهم صل على محمد وعلى آل محمد  
وعلينا جميعا







والتفريق بين النقص والزيادة





بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تخمائی و کسر راء مهمله و فتح و ال مهمله و سکون شین

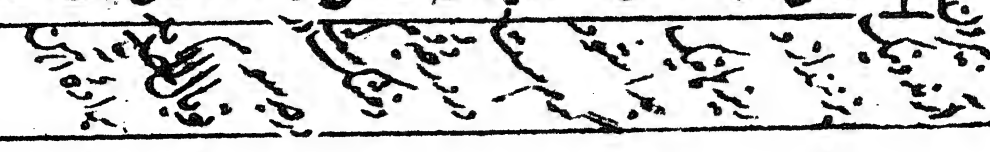
و کسر فوقانی م انجیر اوم و گولر و گوتید انجیر بکل است که کتبی نیری الفتحه الطبیعی بفتح  
 اول و سکون ثانی و فتح فاء و خاء جیم و ضم فوقانی و فتح طاء و جیمه مشدود و کسر موحده و  
 پنیر مایه آموتنسیق الواو و تمیق الالف او ما دایونانی بضم اول و سکون واو با  
 و الف و دال مهمله و الف ثانی م عصاره و قشال الحمار تمیق المجیم ا و رنج و بفتح اول  
 و سکون ثانی و فتح راء مهمله و سکون نون و جیم م سک انکور بضم اول و واد مجهول و  
 چوب خوشه انگور که انگور و اچیده باشند ا و رنج و بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
 کاف فارسی و سکون نون و جیم م سپستان ا و رنج و بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
 لام و سکون نون م ا و رنج تمیق الدال المهمله او دهره بفتح اول و سکون ثانی  
 مجهول و ال مهمله و کسر موحده و اظهار باه م بان کالون او سپید بضم اول و ثانی ساکن  
 و کسر سین مهمله و موحده فارسی و تخمائی مجهول و نوعی نیلوفر مندی طحی تمیق الالف  
 المهمله او ذریونانی بضم اول و سکون ثانی و فتح ذال مجهول و سکون راء مهمله و الف  
 بانی و رنج بضم اول و ثانی مجهول م گردگان و بادام و جوز هندی و پسته و ان  
 آن که مخفزان ضایع و تیر و شده باشد تمیق الزاء المعجده ا و رنج بضم اول و سکون ثانی  
 و راء جیم و مرغابی طحی تمیق السین المهمله ا و رنج و بفتح اول و سکون ثانی  
 و راء جیم و سکون سین مهمله م سرکوبی و بکل و ثانی بفتح اول و سکون ثانی بانون  
 و الف و کسر نون ثانی و سکون تخمائی و شکوفه انار تمیق العین المهمله ا و رنج  
 و بفتح اول و سکون ثانی و فتح شین جیم و سکون عین مهمله و بانور سموت تمیق النون  
 او داسالیون یونانی بضم اول و سکون ثانی و دال مهمله الف سین مهمله الف ثانی  
 و کسر لیم و ضم تخمائی و سکون دا و ثانی م کربس کوبی او و طاریون بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح قاف و طاء مهمله و الف و کسر راء مهمله و ضم تخمائی و سکون واو م غافث ا و رنج

در خواص دی  
 آورده اند که  
 دی بگردد با  
 اوغن کل بکند  
 یونان بوشانند  
 و نهام در گون  
 چکانند که اسز  
 کونان اسز  
 کند و جیمه

ان ان کنه ان کنه ان کنه ان کنه ان کنه ان کنه ان کنه ان کنه ان کنه

دانگی زدن ادرن تودو و این سوزناز آتش از ایمان گزیند ایمان نه سوزناز  
 یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون تحتانی و فتح میم هم با درج اویش  
 ف بجا اول و کشتانی و تحتانی مجهول و فتح شین معجم صستر و بزبان عراق کانونی  
 و گیلانی کنگتو و تبرکی کلید و تی خواننده سائل مروا تینق الحاء و ایش ف بجا  
 اول و کشتانی و تحتانی مجهول و فتح شین معجم و خفا و احم اویش تینق تحتانی اویش  
 و اوامالی یونانی بضم اول و سکون ثانی و را و ممله و بی را و ممله نیز و میم و الف و کسر لام  
 و سکون تحتانی ع و هین العسل و عسل و او و دان روغنی ست که از ساق درخت  
 حاصل میشود و با نذ عسل است بسطبری و شیرینی طح رخ کشته غلیظ صافی و او توامالی  
 یونانی بضم اول و فتح نیز و سکون ثانی و ضم نون و سکون و او ثانی با میم و الف و کسر لام  
 ف شرب عسل تینق الحاء و تینق الدال المهمله الیکلیج اسودع بکسر اول و  
 سکون ثانی و کسر لام و تحتانی مجهول و فتح لام ثانی و کسر جیم و فتح همزه و سکون بین ممله  
 و فتح و او و سکون دال ممله و لیلیه سیاه و زنگی هر طب ای ۲ ق سسل خ  
 هندی ش از جرم او یکدم تاد و درم و در مطبوخ از هفت درم تاد و درم ص عسل گوند  
 روغن رمل لیلیه کابی تینق الراء المهمله آهر ف بفتح اول و سکون ثانی و را و ممله  
 هم و تحت بلسان العصار فی الیکلیج اصفرع بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و تحتانی مجهول  
 و فتح لام ثانی و کسر جیم و فتح همزه و سکون ضاد ممله و فتح قاف لیلیه زرد و هر طب  
 ای ۲ ق سسل صفرا و مقوی دل و ممدوخ فرید ش از جرم او سه درم تا پنجم درم و در مطبوخ  
 از هفت درم تاد و درم و تا بشت درم ص قند یا بنجین باب گرم یا غنابل پوست  
 انار آهر ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم هم شغال تینق الطاء المهمله الال  
 بکسر اول و سکون ثانی بالام و الف و ضم لام ثانی و سکون لام ثالث و ضم قاف  
 و سکون بین ممله و طاء ممله ف نوعی از باور جمبوت تینق الکاف آکف ف بجا  
 اول و فتح ثانی و سکون کاف و چوان ق مفرغ و شسته او اکال تینق التختان

کنند و در این  
 سوزناز ایمان  
 یونانی بفتح اول  
 ف بجا اول و کشتانی  
 و گیلانی کنگتو و تبرکی  
 اول و کشتانی و تحتانی  
 و اوامالی یونانی بضم اول  
 و سکون تحتانی ع و هین العسل  
 حاصل میشود و با نذ عسل  
 یونانی بضم اول و فتح نیز  
 ف شرب عسل تینق الحاء و تینق  
 سکون ثانی و کسر لام و تحتانی  
 و فتح و او و سکون دال ممله  
 هندی ش از جرم او یکدم  
 روغن رمل لیلیه کابی  
 هم و تحت بلسان العصار  
 و فتح لام ثانی و کسر جیم  
 ای ۲ ق سسل صفرا و مقوی  
 از هفت درم تاد و درم  
 انار آهر ف بفتح اول  
 بکسر اول و سکون ثانی  
 و سکون بین ممله و طاء  
 اول و فتح ثانی و سکون



فصل ط

ایلج کابل بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی مجهول و فتح لام ثانی و کسر  
 جیم با کاف و الف و ضم موحده و کسر لام ثالث و هلیله کلان و انبیا طرطابی  
 ق سهل سواخ فربه کلان و گران که در آب فرو بردنش شجدرم تا ده درم ص  
 غسل ل هلیله سیاه و نیموزن آن آله اسودوی و بعد اول و ضم ثانی و واو مجهول  
 و کسر اول و سکون تحتانی م خردل و رائی تنسيق التحتانی و تمیق الالف ایرسا  
 یونانی کسر اول و سکون ثانی و راء محله سین مملو ف پنج سون آسانگونی برگل و  
 زنگهای زرد و سفید و نمیش و آسانگون آمیخته ست و ایرسا یعنی قوس فتح ست و  
 این مشابه با وست طحی ۲ ق منضج مفتوح ملطف بدل محلی او ساخ قروح خنخ سیا  
 صلب بسیار کرده خوشبویش و دو درم ص غسل یا ربوب حامض ل دو دنگ وزن آن  
 مازیون و سه وزن آن لبن الفلاح یا گز مازک و گویند نیموزن آن زراوند و دو درم  
 سینه بوزن آن کیترا که بشیره و انجرو سرشته باشند ایلوا و کسر اول و ثانی مجهول و  
 سکون لام و واو و الف صبر تمیق الفوقانی انخست و بفتح اول و ضم ثانی  
 و سکون خا و معجمه و ضم شین معجمه و سکون تو قانی م زر و سیم و سن و آهن و روی  
 و جیوه و اسرپ از ریز و امثال آن و فلز تمیق الواع المسمله آنگره کسر اول  
 و سکون ثانی و خفا و نون و ضم کاف فارسی و شکر و تمیق العین المسمله  
 ایدع رومی بفتح اول و سکون ثانی و فتح و ال مملو و سکون عین مملو و دم الاخوين  
 خون سیاوشان و هیرا و کبی و گویند عفران تمیق اللام ایل و کسر اول و فتح  
 ثانی مشد و دوف گو سفند و گا و گوئی و گویند گوزن خ زر و رنگ که بکنار حشیه  
 و رود با و صحرایا گردد و تمیق النون ایر سین و کسر اول و سکون ثانی و راء مملو  
 و ضم سین مملو و سکون و او و نون و طلق و برنگ و ابرک ایرقیون کسر اول  
 و سکون ثانی و فتح و اول و ضم تحتانی و سکون و او و بفتش ایرقان کسر اول

کتب نادر است که  
 تقدیری کنای  
 خود را میگویند  
 و این در این است  
 سرخ دهنده مفضل  
 و کتابی از بزرگ  
 در خواص این  
 است به کنای  
 خود و این  
 این جزو را گویند





[illegible][illegible]

تحریر جمادی الثانی سن ۱۲۸۰ قمری

همسده و فساو بسیار گشتش خوش مزه بود و در بار غسل و دل تنیق المیه و در  
بدال مملکه الف ثانی و میم ع لوز تنیق النون با تهمکان ف بکسرت فاقی و سکون  
نون با کاف فارسی و الف و نون ثانی م باد نجان با و نجان ف بکسرت و ال ممله  
و سکون نون با جیم و الف و بیگین و بهمانا طح ی ۲ ف بفتح خ شیرین تازه  
روغن بادریان ف ۲ سونف با سطرابیون یونانی بکسرت و ممله و سکون بین ممله با ط  
ممله و الف ثانی و کسرت و ممله ثانی و ضم تحتانی و سکون و او م نوعی از ری الحام با زن  
بفتح را و ممله پوست پنبه نریمه بان ف بوحده و الف و کجای طح ی ۲ ف  
مجلی ملین ش یکد هم ص را زاینه ل حبان و و طمانک و نیموزن سیلخه یاده یک آن  
بسیاسته تنیق الوا و با توف بضم فوقانی و سکون و او م و ندع حباله لاطین  
مال گوشت و برنج را نیز گویند بارده بضم را و ممله ع رل ف ریک طب با شوف  
بضم شین معجمه و او مجهول هم چلیا سیه بالنگو بفتح لام و سکون نون و ضم کاف فارسی  
م با و ربویه تنیق الحاء با بله بضم موحده ثانی و فتح لام و خفاء و او م میعه سالیله و سلاسل  
با و سیه بضم موحده ثانی و سکون و او و فتح سین ممله که کونیل با و سیه بضم موحده ثانی و  
سکون و او و فتح نون م اتحون که مرهتی با خه ف بفتح خا و جیم سنگ پشت  
که کپو با و ربویه بکسرت و ال ممله و فتح را و ممله و سکون نون و فتح جیم و ضم حو  
ثانی و او مجهول و فتح تحتانی م با و ربویه و با و رنگ و تر نجان و قلعله از جیه نیز گویند  
ف بالنگو که راقم تلسی طح ی ۲ ف ملطف محلل مقوی دماغ و معده و مفرج دل و  
مسهل سودا خ تازه ش از آبل و نیست درم و از خشک و در و مثقال ص صمغ ع  
باریاس بوزن او و بر شیم و چهار وزن او پوست اترج یا تخم اترج با و رونه ف بکسرت  
و ال ممله و ضم را و ممله و سکون و او و فتح نون م با و ربویه بالکوایه ف بکسرت لام  
و فتح و او و الف و فتح تحتانی و خفاء و او م بر سنوک تنیق التختانی با باری سیرانی

بسیار  
مهر زهره  
دستهای پند  
و اول که از  
نیمه ببرد  
ایست  
باشد زبانی  
او را در زبان  
دارد و حکم شود  
حسین

۵۶

بسیار  
مهر زهره  
دستهای پند  
و اول که از  
نیمه ببرد  
ایست  
باشد زبانی  
او را در زبان  
دارد و حکم شود  
حسین

بسیار  
مهر زهره  
دستهای پند  
و اول که از  
نیمه ببرد  
ایست  
باشد زبانی  
او را در زبان  
دارد و حکم شود  
حسین

[illegible]

۵۷  
چو کزین مازنا  
چند با پیاری  
گردد دهنزدی  
لازم گویند  
که دست در در  
آوردن دست در  
چو کزین مازنا  
کیار نهند  
ماین خوانند  
اگر دست در

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الذي جاء به الهدى والبرهان  
والله اعلم بالصواب







[illegible]

مفیدان ل بید شک تمیق النون بتاسقان یونانی بفتح اول و ثانی و الف و فتح  
سین ممل و قاف و الف ثانی و نون و ف ب سکان ل کشت کشت بد کون  
بکسر اول و سکون ثانی هندی و ضم لام و سکون و او ف تک سیاه طح بد یونانی  
سریانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و ضم تحتانی و سکون و او م مقل و کو کل  
تنسیق الواو المهد و تمیق الالف برنا بفتح اول و سکون ثانی م خبا بفتح  
و بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و کسر جیم و فتح سیم و سکون کاف بار و ممل ثانی م  
چاول چهار اوری که خود و راست بر بیتیا و بکسر اول و فتح ثانی و سکون و او فتح  
فوقانی هندی و تحتانی و کتابائی بزرگ بر لیا یونانی بفتح اول و سکون و او ممل و کسر  
و او سکون لام با تحتانی ع راز یانه و سولف تمیق الموحدة الفارسی برنجاسف  
بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و جیم و الف و سکون سین ممل و او و سوحده فارسی م  
جوی ما و ان تمیق الفوقانی غیر شست و بفتح اول و سکون ثانی و فتح غین و جیم  
و سکون سین ممل و باشین و جیم و فوقانی م گیاهی سبز که تا ابتدا سپناخ است آنرا  
داخل آتش سازند و خود و بود و آنرا پزند نیز گویند و بیشتر در ذراعت گندم و دیگر  
غلات و کنار جوی آب بروید تمیق الدال المهد هندی بر جیم کندهی بکسر  
اول و ثانی و سکون جیم فارسی اظهار بار و هندی و فتح کاف و سکون نون و فتح ال  
ممل م پیدا و تمیق الواو المهد بر جیم اول و سکون ثانی و گندم و گیاه  
برسی بفتح اول و سکون ثانی هندی شجر معروف هندیست ع ذات الذوانب  
تمیق الفابریاف و بضم اول و سکون ثانی و جیم فارسی الف فارسی غله بلیا  
و ملک برنجاسف بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و جیم و الف و سین ممل و جیم  
و برتر اسکت بوی ما و ان که شمی ادا هستندین سبت و کندها تمیق القاف فوقانی  
بفتح اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون و او قاف و شمش لا خوبانی

مستطابق مع المخطوطات  
التي هي في حوزة  
المكتبة الوطنية بباريس

۵۹  
محمّد  
نقاری مؤلف  
در وقت فراغت  
خوانند  
مخطیان  
دو نوع است  
"نقاری"  
"دو سه"  
که دست  
نقاری دارد  
و این



و اظهار با هم صابون بریزه و کسر اول ثانی و تحتانی مجهول فتح زار و معجزه و خفا و  
 صمغی است شبیه بمصطکی و سبک خشک بود مانند عسل صاف و نیر بود باشد م  
 باز و تمینق التتانی بر دی ع بفتح اول سکون ثانی و کسر ال مملد و سکون ا  
 مشناه تختانی م لوح که در کج می اندازند و در صلاز و کاغذ سازند و تک که تیراب  
 طب ی ۲ ق مجفف و زبان فارسی نوعی از خرمای لطیف که آنرا سنگ شکشک  
 نیز خوانند و طرف سنگی بر طایقی بفتح اول سکون ثانی و طار مملد الف و کس نون  
 و سکون تحتانی و کس قاف و بستان افروز و باج خروس که سرنی بر غنقی بفتح اول  
 و سکون ثانی و ضم عین مملد و سکون واو و کسر شلشع بزر قطونا ه سبغول بر غنقی ه  
 بفتح اول و ثانی و خفا نون و کسر موصه ثانی و اظهار با هم زربیک بچ کابلی ع بفتح اول  
 و ثانی و سکون نون و جیم و کاف و الف و ضم موصه ثانی و کسر لام و بزرگ ه  
 بای بزرگ طح ای ۲ ق قابض قاطع دیدان خ کوچک سرخی مائل شش و درم  
 با شیر تازه ص کثیر ال ترسن باد و وزن آن قبیل بر قوی ه بضم اول و ثانی و سکون  
 واو و کسر فوقانی م کپهان بید تنسیق الزاء المعجمه و تمینق الالف بزر القشاع  
 بفتح اول و سکون زار و معجزه و ضم را و مملد و سکون لام و فتح قاف باشد و الف  
 و تخم خیاره ککری کی بچ طب رخ فریه ص سنجبین ل تخم باورنگ بزر اللنبه  
 کسر ا و سکون نون و ضم دال مملد و موصه و تخم کاسنی ط مع ح بسی خ  
 سیاه فریه بستانی شش و درم تاسه درم ص سنجبین بزر لقلنه الحماق کسر اول  
 و فتح موصه ثانی و سکون قاف و فتح لام و ضم فوقانی و سکون لام ثانی و مملد  
 و فتح سیم و قاف و تخم تورک و خرده لونیکی بچ بزر قطونا ع بفتح اول و سکون  
 زار و معجزه و کسر اول مملد و ضم قاف و طار مملد و سکون واو و نون و بنگو ه  
 سبغول طب و گونید گونید مع سی فی با و خ سرخ سیاهی بل فریه بزر

کونین دینم  
 اینفون بود  
 ح  
 در شکرستان  
 باشد و میو او  
 سیاه رنگ فون  
 و او را پیاری  
 بهر خا و بستر  
 ۴۱  
 کونین دینم  
 اینفون بود  
 ح  
 در شکرستان  
 باشد و میو او  
 سیاه رنگ فون  
 و او را پیاری  
 بهر خا و بستر

از این قاف نام است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است که در این کتاب مذکور است







مجلس اول  
در بیان احوال و سیرت  
امیرالمؤمنین علیه السلام

۴۳  
 بل و س  
 یز قطن تلخ  
 بلسان پاری  
 تخم گوبه  
 گرم دوشک  
 هست در ددم  
 بل آن عود  
 بود و گویند  
 یک آن از  
 سبب آن  
 کار او





[illegible]

۴۶ حرف البص  
سفید استخوانی  
خفیه خنجرول  
حرف ما یه  
سفید بزمین سفید  
سفید و درخت  
حرف ال کت  
سفید و درخت



حضرت  
امیر کبیر  
بندوی  
جمعه وادار  
بازار علی  
گنبد محمد  
دفتر اشراف  
و سرای  
ساخت  
ایست  
داروغه  
داروغه

شکست کوهنیز گم را بهیند انگره و بهیند بود حکمت نهایت سودمند کردن آتشین و طلا خوردن و طلا

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

در دو دره

۴۸

المهملة بسج بضم اول وسكون ثانی واد مضاف غور وخریاط بفتح  
 قابض ش از شراب او یکتویه ص سکنجبین ساوول خرنوب تمیق الزاء المعجمه  
 بستان افروز بضم اول وسكون ثانی وفتح فوقانی والف وسكون نون وفتح نهم  
 وسكون فاضل وضم راد مملد وسكون واو وراو سجمم برطانیقی وکل تاج خروس  
 طاب یاق خ ورسای خشک کرده ش وودرم تا چهاروم وگویند از تخم او  
 یکمقال ص کندر بار از یانه ل حماض لب بایض شج اول وسكون ثانی وفتح موجود  
 ثانی باله وفتح تحتانی وسكون سین مملد ثانی نزد ایل مغربع رازیانه ف بادیا  
 ه سولف تمیق الکاف بسک وفتح اول ثانی وسكون کاف وبسک ف  
 بفتح اول وثنانی ونون ع اکیل الملک تمیق المیم بستانم ف بکسر اول وسكون  
 ثانی وفتح فوقانی باله ومیم م بسج یخ مرجان تمیق الهاء بسباسج بفتح  
 اول وسكون ثانی ووجوده ثانی والف وفتح سین مملد ثانی وحقا واه جاپتری ط  
 ح ی اگویند مق ملطف بغشی مهبی خ زر ودرخی مائل خوشبوش وودانگ تا سیم  
 ص صندیل وگلابل جوز بویه بسج وفتح اول وثنانی ع اکیل الملک تمیق  
 الشین المعجمه وتمیق الالف بشکران تا ه بکسر اول وسكون شین معجمه وضم نون  
 وسكون کاف بار مملد والف وحقا ونون وفتح ثانی والف ثانی ووا می بسج  
 تمیق الزاء المعجمه بش نیز وفتح اول وسكون ثانی وکسر نون وسكون تحتانی  
 وراو سجمم برنجاسف تمیق الشین المعجمه بشش بضم ه ووجوده وسكون ه وضم  
 سجمم ورق منطل ه اندراین کی پات تمیق الفین المعجمه ویشترغ بضم اول  
 وفتح نیز وسكون ثانی وضم فوقانی وفتح راد مملد وسكون عین معجم اکیل الملک  
 ه اسپر تمیق النون بشو لیون یونانی ورومی بضم اول وثنانی وسكون واو  
 وکسر لام وضم تحتانی وسكون واو ثانی ونون ف بگو ه اسفول تمیق الهاء

در دو دره

و فی سوره یوسف



49

مردان شکست منتهی از حدی که اینست

باموحده ثانی والفاء و طاء ممله ثانی ف کسته رت سکا طحی ۲ ق قاب  
 خ سبز تازہ ش دو دم ص کرفس ل خاض بطع بفتح اول سکون ثانی باموحده  
 ثانی ف قازہ جنس طح دق سمن ص سک و پیاز و سیر خشک و اندازند  
 تمیق المیحه بطمع بضم اول سکون ثانی و سمن ص درخت جتہ انحضرا طحی  
 ق محللخ سبز تازہ ص سفجل ل فستق تمیق النون بطر سالیون یونانی  
 بکسر اول و سکون ثانی و راء ممله والفاء و سین ممله والفاء ثانی و کسر لام و ضم تحت  
 و سکون و او و نون م فطر سالیون بطر ایونانی کوه و سالیون کرفس  
 تخم کرفس کوهی که پایا کی اجمود طحی ۳ ق مفتوح مدخ سیاه ش یکدم ل  
 شاه بلوط باد و وزن آن تخم کرفس یا نیموزن فستقین بطر الاون یونانی بکسر  
 و سکون ثانی یا راء ممله والفاء و لام و الف ثانی و ضم و اوع من الحروف لفظ  
 تمیق التختانی بطینح نقیع بکسر اول ثانی مشد و سکون تحتانی و کسر خا و معجمه  
 معجمه و قاف مشد و سکون تحتانی ثانی ف خیار کد و و هندی و انه که تر بوز طاب  
 در ۲ خ شیرین آید اص قند یا غسل و می خورند یا بعد از و تنسیق العین المصله  
 و تمیق الموحده بعبر الضبع بضم اول و سکون عین ممله و ضم راء ممله و فتح ضا و  
 معجمه مشد و سکون موحده و گیرین سو سمار طح ای ل زبد البحر تمیق النون  
 المعجمه بعبر الماعز ع بیم والفاء و کسر عین ممله و سکون زاء معجمه و پیشک زه  
 بکری کی مگنی طمع حی ق منضج معضخ تازہ سق غوگل تمیق اللام بعبر الجمال  
 بکسر حیم و سیم والفاء و لام ثانی ف پیشک شتران طح ای اتمیق النون بعبر الطما  
 ع بضاد معجمه مشد و والفاء و نون ف پیشک مشش طح ای اتمیق الغین  
 المعجمه و تمیق الا لاف بعبر الفتح اول و سکون غین معجمه یا راء ممله والفاء  
 نوک زک که آنرا کرا ز نیز گویند تنسیق القاف و تمیق الا لاف بقله الحمقاع

[illegible]



فوقانی و سکون ثان و ضم حاء و ممله و فتح میم ثانی

بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام فوقانی و سکون لام ثانی و ضم حاء و ممله و فتح میم ثانی  
والف و تورک و ساک لونی کاطب رس گویند ب ۲ ف مغری و سکون  
او جاع خ پهن ورق ص کرفس گویند جریمت بعضی گویند نفع ل خس بقلة الزهر  
ع بفتح ز او معجمه مشد و سکون با و و حاء و ممله و الف م بقلة الحمقا تمیق الموحدة  
بقلة الضنب ع بفتح ضا و معجمه مشد و ف بالنکو بری تمیق الواع المصل بقیر  
ع بفتح اول و ثانی و گا و ه بیل م بلده بقلة الانصاع بفتح همزه و سکون نون  
باصا و ممله و الف و کلم بقم بفتح اول سکون ثان و فتح میم م بکمر طح ی ۲  
تمیق السین المممله بقلة العدس ع بفتح عین ممله و دال ممله و سکون ی  
ممله و پودیه بری بقیس فتح اول و کثر ثانی و سکون تحتانی و وخت  
شمشا و تمیق الفاقلة الخطا طیف ع بضم خا و معجمه و طاء و ممله و الف و طاء و ممله  
ثانی و سکون تحتانی م مایین تمیق القاف بق بفتح اول و سکون ثان و ف  
پشه و مچر تمیق الکاف بقلة الملک ع بفتح اول و سکون ثان و فتح لام و ضم  
فوقانی و سکون لام ثانی و فتح میم و کسر لثالث و سکون کاف ف شاتره و  
پت پا پره تمیق اللام بقلة الغزال ع بکسر غین معجمه و زاء معجمه و الف و لثالث  
م مشکط اشبع تمیق المید بقلة الفار سینم بفتح اول و سکون ثان و فتح لام و  
ضم فوقانی و سکون لام ثانی با فا و الف و فتح را و ممله و سکون سین ممله و کسر فوقانی  
و سکون تحتانی و میم هم باد نجبویه بقم ع بفتح اول و ثان و شد و ف بکمر و خست  
ال و مجیئه و پنگ که صباغان بکار سیرند طح ی ۲ ق محفف خ تازه ش ان  
آب اوده درم صا سطو خود و س ل فوه تمیق الجا بقلة الخراسانی ع بفتح  
اول و سکون ثان و فتح لام و ضم فوقانی و سکون لام ثانی و ضم حاء و معجمه با و ممله  
والف و سین ممله الف ثانی و کسر نون و فتح تحتانی مشد و حفاء و ف تره خراسا

فوقانی و سکون ثان و ضم حاء و ممله و فتح میم ثانی  
والف و تورک و ساک لونی کاطب رس گویند ب ۲ ف مغری و سکون  
او جاع خ پهن ورق ص کرفس گویند جریمت بعضی گویند نفع ل خس بقلة الزهر  
ع بفتح ز او معجمه مشد و سکون با و و حاء و ممله و الف م بقلة الحمقا تمیق الموحدة  
بقلة الضنب ع بفتح ضا و معجمه مشد و ف بالنکو بری تمیق الواع المصل بقیر  
ع بفتح اول و ثانی و گا و ه بیل م بلده بقلة الانصاع بفتح همزه و سکون نون  
باصا و ممله و الف و کلم بقم بفتح اول سکون ثان و فتح میم م بکمر طح ی ۲  
تمیق السین المممله بقلة العدس ع بفتح عین ممله و دال ممله و سکون ی  
ممله و پودیه بری بقیس فتح اول و کثر ثانی و سکون تحتانی و وخت  
شمشا و تمیق الفاقلة الخطا طیف ع بضم خا و معجمه و طاء و ممله و الف و طاء و ممله  
ثانی و سکون تحتانی م مایین تمیق القاف بق بفتح اول و سکون ثان و ف  
پشه و مچر تمیق الکاف بقلة الملک ع بفتح اول و سکون ثان و فتح لام و ضم  
فوقانی و سکون لام ثانی و فتح میم و کسر لثالث و سکون کاف ف شاتره و  
پت پا پره تمیق اللام بقلة الغزال ع بکسر غین معجمه و زاء معجمه و الف و لثالث  
م مشکط اشبع تمیق المید بقلة الفار سینم بفتح اول و سکون ثان و فتح لام و  
ضم فوقانی و سکون لام ثانی با فا و الف و فتح را و ممله و سکون سین ممله و کسر فوقانی  
و سکون تحتانی و میم هم باد نجبویه بقم ع بفتح اول و ثان و شد و ف بکمر و خست  
ال و مجیئه و پنگ که صباغان بکار سیرند طح ی ۲ ق محفف خ تازه ش ان  
آب اوده درم صا سطو خود و س ل فوه تمیق الجا بقلة الخراسانی ع بفتح  
اول و سکون ثان و فتح لام و ضم فوقانی و سکون لام ثانی و ضم حاء و معجمه با و ممله  
والف و سین ممله الف ثانی و کسر نون و فتح تحتانی مشد و حفاء و ف تره خراسا

فوقانی و سکون ثان و ضم حاء و ممله و فتح میم ثانی

[illegible][illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

ولام والفاء گیاه لوخ که از آن بوریابافند بلیج ع بفتح اول کسرتانی و تختانی  
 مجهول و فتح لام ثانی و ف بلیله بهیراطب اگویند ۲ ی ۳ ق قابض ملطف  
 مقوی معده خ ز زور سیده ش یکدرم تا سکه درم صی سل بالبو یا نیسون و در  
 بوسیدن خیری و مزنگوش آل مله با درون خبازی گویند فاغیه خشک و دوا انگ  
 وزن آن آس شش یک آن بلیله سیاه تمیق الحیه الفارسی بلنج و فتح اول  
 و ثانی و سکون غار مجرم ذاک سیاه تمیق الحاء المهمله بفتح اول و ثانی  
 و سکون حاء ممله ف غوره خراک اندک ترشی بهمرسانیده باشد گچی که جو طرب بی  
 تمیق الواح المهمله بلا درع بفتح اول و لام والفاء و ضم دال ممله و سکون او  
 که بهلاوان طح ی ۴ ق مقوی و باغ خ سیاه فربه که بعد از شکستن غسل بسیار و در  
 شش خیدرم ص کنجد یاروغن جوز یا مغر جوز یا شکری فندق پنج وزن آن دوا انگ  
 و نیم وزن آن روغن لبسان و نازیل ف باخود و گویند شش یک آن لفظ بهید  
 بلا درع بفتح اول و ثانی و الف هم اذربویه و آن پنج خالیست که آنرا ایشان خوانند  
 تمیق السین المهمله بلیوس بفتح اول و سکون ثانی و ضم منوره ثانی و سکون  
 واو و سین ممله م بصل الزیره و گویند پیاز تلخ طح ی اگویند ۵ ق مقطع خ تیزه  
 ص شیر تازه ووشیده ل بصل الغنصل بلس ف بضم اول لام ع حدس تمیق لضا  
 المجهه بلوطه الارض بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم طاء ممله و سکون لام ثانی  
 و فتح همزه و سکون زاء ممله و ضا و معجمه هر کما در یوس تمیق الطلح  
 المهمله بلوط بضم اول و ثانی و سکون واو و مشهور بهین نام  
 ب ۲ گویند اگویند ب ۳ ق قابض  
 حسابس خون ح فربه بزرگ رسیده ش دوم  
 تا ۳ درم ص بریان کرده باشا که خوردن ل

بسم الله الرحمن الرحيم  
 بلیج ع بفتح اول کسرتانی و تختانی  
 مجهول و فتح لام ثانی و ف بلیله بهیراطب اگویند ۲ ی ۳ ق قابض ملطف  
 مقوی معده خ ز زور سیده ش یکدرم تا سکه درم صی سل بالبو یا نیسون و در  
 بوسیدن خیری و مزنگوش آل مله با درون خبازی گویند فاغیه خشک و دوا انگ  
 وزن آن آس شش یک آن بلیله سیاه تمیق الحیه الفارسی بلنج و فتح اول  
 و ثانی و سکون غار مجرم ذاک سیاه تمیق الحاء المهمله بفتح اول و ثانی  
 و سکون حاء ممله ف غوره خراک اندک ترشی بهمرسانیده باشد گچی که جو طرب بی  
 تمیق الواح المهمله بلا درع بفتح اول و لام والفاء و ضم دال ممله و سکون او  
 که بهلاوان طح ی ۴ ق مقوی و باغ خ سیاه فربه که بعد از شکستن غسل بسیار و در  
 شش خیدرم ص کنجد یاروغن جوز یا مغر جوز یا شکری فندق پنج وزن آن دوا انگ  
 و نیم وزن آن روغن لبسان و نازیل ف باخود و گویند شش یک آن لفظ بهید  
 بلا درع بفتح اول و ثانی و الف هم اذربویه و آن پنج خالیست که آنرا ایشان خوانند  
 تمیق السین المهمله بلیوس بفتح اول و سکون ثانی و ضم منوره ثانی و سکون  
 واو و سین ممله م بصل الزیره و گویند پیاز تلخ طح ی اگویند ۵ ق مقطع خ تیزه  
 ص شیر تازه ووشیده ل بصل الغنصل بلس ف بضم اول لام ع حدس تمیق لضا  
 المجهه بلوطه الارض بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم طاء ممله و سکون لام ثانی  
 و فتح همزه و سکون زاء ممله و ضا و معجمه هر کما در یوس تمیق الطلح  
 المهمله بلوط بضم اول و ثانی و سکون واو و مشهور بهین نام  
 ب ۲ گویند اگویند ب ۳ ق قابض  
 حسابس خون ح فربه بزرگ رسیده ش دوم  
 تا ۳ درم ص بریان کرده باشا که خوردن ل

دودم گویند دودم کرد در شش باو گویند دودم کرد در شش باو گویند دودم کرد در شش باو گویند

در اول ...  
 شاه بلوط یا بوزن آن جنوب بطنی تمیق الف بالجماعت بسکون و ثانی و سکون و  
 یا حیم و الف و فتح سین مملو بهر نجاست تمیق الکاف بک و بسکون و سکون  
 ثانی م که تش بلوط الملک ع بسکون لام ثانی و فتح سیم و کسر لام ثالث و شاه بلوط  
 و گویند گاه تمیق اللام بلال و بفتح اول و لام الف بلا و بیل و بفتح اول  
 و سکون ثانی ثمر است که پوست این را شل خوانند و شحم این را بل و شحم این تل  
 و بیل طحی گویند و ف حابس لطن خ شیون ش و دوم تا سده و تمیق النون  
 بلین و بفتح اول سکون ثانی و فتح موحده ثانی و سکون نون م خروغ بقله الحما  
 بلسان ع بفتح اول ثانی و سین مملو و الف و نون شجره مصری مشهور طحی گویند  
 ی سرق لمطف محلل خ خوشبوی ش نمیدهم ص مندل ل زیتون و تیج بل سین  
 اول و سکون ثانی و ضم سین مملو بخر سفید بلطا و بفتح اول و سکون ثانی باط  
 مملو الف و فتح و اوه چولائی کاساگ بکون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم سیم  
 سکون و اوم سازج بلو سیطون یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون و اوه و کسرین مملو  
 و سکون تحتانی و ضم ط مملو و سکون و اوه ثانی ف کلنار و گویند سیوه بل تمیق الهاء  
 بلیک و بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده ثانی و کاف و خفاء با م مسکه بلوایه  
 و بفتح اول و سکون ثانی و و اوه الف و فتح تحتانی م بالوایه و پرستوک بلکایه  
 بفتح اول و سکون ثانی با و الف و سکون را و مملو و فتح موحده ثانی و سکون ثانی  
 و فتح و ال مملو بروقی و گویند کلتی بلیک و ع یلیج تمیق التحتانی بلبلی و باضم  
 اول و سکون ثانی و ضم موحده ثانی و کسر لام دوم و سکون تحتانی م جانشی زوالو  
 تنسیق النون و تمیق الالف بنده بفتح اول و خفاء نون و فتح و ال مملو و  
 و اوهی هندلیست و آن عبارتست از و خیتکه بروخت دیگر و بد تمیق الفوقالی  
 بناست بسکون اول و فتح ثانی و الف و سین مملو و صمغ البطم تمیق الجیم و بفتح ع



بفتح اول و ثانی و سکون فافتح سین ممله و فبفثه ه بنو ساطاب ۲ ر گویند  
 ب را گویند و فی سسل صفر اولین خ خوشبوی ش و دوم تا چهار و هم شک  
 او و بخیرم از ترا و ص سفر جل ل نیلو فر و پسیا و شان بخ ع بفتح اول و سکون  
 ثانی و جیم م بنک مینخ و شبکران ه خراسانی اجوائن بتی اق مخدر قابض  
 مسکن خ سفیدش و دوم و سسل ل لغاح و شخاشن بافیون تمیق الدال الممله  
 بنات الرعد بفتح اول و ثانی و الف و ضم نو قانی و فتح را و ممله شده و سکون  
 سین ممله م سار و غ ف کلاه ماران ه لگن هول و کبنی تمیق الراء الممله  
 بنات النارع بفتح اول و ثانی و الف و ضم نو قانی بانون مشد ثانی و الف و دوم  
 و ه او ممله م انجروه کز بنیر بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده ثانی و سکون او  
 ممله م سپستان تمیق الشین المعجه بنو ماشف بضم اول و ثانی و سکون او  
 باسیم و الف ه غله بنوگ تمیق القاف بنیق بکسر اول و سکون ثانی و ضم دال  
 ممله م فندق ف بادام کشیری سه گوشه طح و مع گویند خ داق مینخ و بر  
 بالیده ش و دوم ص فانیل بادام شیرین یا بوزن آن متعجز و بعضی گویند  
 حافزه تمیق الکاف بنک ف بفتح اول و کسره ثانی و سکون تحتانی نوعی البشیر  
 فرو یا هست ه کز تمیق الکاف الفارسی بنک بضم اول و سکون ثانی و کاف  
 مانند تشولیت کز بنج مغیلان درین خیز و طح ی اق قابض محفف خ  
 سفید فربه زر و سبک خوشبوی سنبل و بفتح اول و ثانی بفار  
 میوه بن و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی  
 خوشه خرماتیمیق النون تخشکر و ان بکسر اول و سکون ثانی و کسره جیم و سکون  
 شین معجمه کاف و فتح زار معجمه و او و الف و بون ع لسان العصاره فی سبکون  
 بفتح اول و خفای ثانی و سین ممله و ضم لام و سکون او و فتح جیم فارسی هم طباشیر

بفتح اول و ثانی و سکون فافتح سین ممله و فبفثه ه بنو ساطاب ۲ ر گویند

بفتح اول و ثانی و سکون فافتح سین ممله و فبفثه ه بنو ساطاب ۲ ر گویند  
 ب را گویند و فی سسل صفر اولین خ خوشبوی ش و دوم تا چهار و هم شک  
 او و بخیرم از ترا و ص سفر جل ل نیلو فر و پسیا و شان بخ ع بفتح اول و سکون  
 ثانی و جیم م بنک مینخ و شبکران ه خراسانی اجوائن بتی اق مخدر قابض  
 مسکن خ سفیدش و دوم و سسل ل لغاح و شخاشن بافیون تمیق الدال الممله  
 بنات الرعد بفتح اول و ثانی و الف و ضم نو قانی و فتح را و ممله شده و سکون  
 سین ممله م سار و غ ف کلاه ماران ه لگن هول و کبنی تمیق الراء الممله  
 بنات النارع بفتح اول و ثانی و الف و ضم نو قانی بانون مشد ثانی و الف و دوم  
 و ه او ممله م انجروه کز بنیر بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده ثانی و سکون او  
 ممله م سپستان تمیق الشین المعجه بنو ماشف بضم اول و ثانی و سکون او  
 باسیم و الف ه غله بنوگ تمیق القاف بنیق بکسر اول و سکون ثانی و ضم دال  
 ممله م فندق ف بادام کشیری سه گوشه طح و مع گویند خ داق مینخ و بر  
 بالیده ش و دوم ص فانیل بادام شیرین یا بوزن آن متعجز و بعضی گویند  
 حافزه تمیق الکاف بنک ف بفتح اول و کسره ثانی و سکون تحتانی نوعی البشیر  
 فرو یا هست ه کز تمیق الکاف الفارسی بنک بضم اول و سکون ثانی و کاف  
 مانند تشولیت کز بنج مغیلان درین خیز و طح ی اق قابض محفف خ  
 سفید فربه زر و سبک خوشبوی سنبل و بفتح اول و ثانی بفار  
 میوه بن و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی  
 خوشه خرماتیمیق النون تخشکر و ان بکسر اول و سکون ثانی و کسره جیم و سکون  
 شین معجمه کاف و فتح زار معجمه و او و الف و بون ع لسان العصاره فی سبکون  
 بفتح اول و خفای ثانی و سین ممله و ضم لام و سکون او و فتح جیم فارسی هم طباشیر



محمّد ابراهيم  
جود و خیریت  
که از روی  
دینداری  
خداوند  
نعمت  
خداوند  
خداوند  
خداوند  
خداوند

فصل دوم

مکتبہ دارالعلوم دیوبند

قوله

خفا

١٤٥١

نہیں

خداوند

1992

الکرامی

سید علی

بوران شکر افرا سیر الیک چون در دوزخ و دوزخین خون سیا و شان الضا شتالو مسطور و خج خنج کل استان افروز

لغت شود. جمله و پیش از این معنی ای که در کتب لغت آمده از آن دیده نمی آید. نویسنده

...

و میم و آو تمینق النون بو بودیون یونانی بضم هر دو وحده و سکون هر دو و او  
و فتح و آل مهله و ضم تحتانی و سکون و او ثالث و نون م بسفایج بوزیدان بضم او  
و سکون ثانی و فتح زار مجمر و سکون تحتانی با دال مهله و الفقه بوزدان و گویند  
ستا و طرح ی ۳ گویند ح ۳ ی اق ملطف خ سطر تازده سفید با خطوط شش کلمه  
تا دو درم ص عمل یا خرد ل و وزن آن بهمین سفید یا بوزن آن و ج و نیموز آن  
زرباد یا سورخجان بو غلصن یونانی و رومی بضم اول و سکون ثانی و فتح غین مجمر  
و سکون لام و ضم صاد مهله لسان الثورف گاؤز ابان بو قلمون بضم اول و سکون  
ثانی و فتح قاف و حکم لام و هم و سکون و او ثانی ع حراف آفتاب پرست و گز  
بول الصبیان ع بکسر صاد مهله بکشد و سکون موده ثانی یا تحتانی الف ف  
کثیر کوردگان بو لوطه بخون یا بضم اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون و او ثانی و فتح  
لام مهله و کسر صاد مهله و سکون تحتانی و ضم فاع مجمر و سکون و او ثالث ف پریاد  
و پنسلرچ بو ابدان ف بضم اول و سکون ثانی یا میم و الف و فتح و آل مهله و صاد مهله  
و الف ثانی و بو ابدان بحدف و آل مهله م برنجاسف تمینق الحاء بوزنه و بو بین  
ف بضم اول و سکون ثانی و زار مجمر و فتح نون و حقای با در لغة اول و کسر زار مجمر  
و سکون تحتانی و فتح نون در لغة ثانی م میمون بو طانیه یونانی بضم اول و سکون  
با طار مهله و الف و کسر نون و فتح تحتانی و حقای با ف سیاه دار و تمینق التحتانی  
بوره اشنی بضم اول و سکون ثانی و فتح صاد مهله و هم و طمیننه و با و فتح هم و سکون و او  
مهله ثانی و فتح میم و کسر نون و سکون تحتانی م بو برق بول الخنزیر البری ع بفتح  
اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون لام ثانی و کسر فاع مجمر و سکون نون و کسر  
زار مجمر و سکون تحتانی و کسر صاد مهله و سکون لام ثالث و فتح موده و کسر صاد مهله  
مشد ثانی ف شاش خوک جنگلی بو کسری یا بضم اول و سکون ثانی و لام و فتح

پایانی بلورند  
چندی که  
گیند سر دود  
در درجه دوم  
نفس  
الکلی و در  
حرف قاف  
گفته شود  
انشاء الله تعالی  
چیز و هست

28

ممنوع من استعمال  
مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه

[illegible]





و خفایه و نون و فتح فوقانی هندی و سکون لام هم کشنج و ف کل کشنده بهر اول و بفتح  
 اول و ضم ثانی و اظهار آن و واو مجهول و دال هم هندی ع طلق و ف ابیک تمثیق  
 النون بهمین و بهرمان و بفتح اول و سکون ثانی و بار و هم اله و الف و فتح میم و  
 سکون نون در لغت اول و میم و الف و نون در لغت ثانی یا قوت سرخ و غازه که  
 زمان ببرد وی مالند و گل خسکه آن بهمین هم بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و  
 است همچنین نام و گویند اسکند و لایستی ست سرخ و بهمین سفید اسکندر طحی  
 گویند ح ر ق سمن و مفرح و مقوی دل خ سرخ مثل یکد رمصل نیسون ل تودی  
 و لسان العصاره تمثیق الیها بهریم و ف بفتح اول و ثانی و الف و کسر و هم اله  
 سوره ثانی و بار ثانی و ف کل آبی مقوی و باغ بهریم و ف بفتح اول و سکون ثانی  
 بار و هم اله و الف و فتح میم و خفایه و ع بهریم و ف بید مشک بهر وجه و بهر وزه و ف کسر  
 اول و سکون ثانی و ضم بار و هم اله و واو مجهول و فتح جیم و فحت اول و زاو معجمه و فحت  
 ثانی و خفایه و ف بریجا تمثیق التختانی بهر رنگی و بفتح اول و اظهار ثانی و الف و  
 فتح بار و هم اله و سکون نون و کسر کاف فارسی و وای هندلیست تنسیق الیاء  
 التختانی و تمثیق الالف بتمش تیشا بکسر اول و سکون تختانی و شین معجمه کسر  
 فوقانی و تختانی مجهول ثانی و شین معجمه ثانی م ماه فرین تمثیق الفوقانی بید  
 بکسر اول و ثانی مجهول و سکون ال هم اله و کسر خا و معجمه و سکون شین معجمه و فوقانی  
 و ف شیرشت بینت و بکسر اول و ثانی مجهول و خفایه و نون شجریست خار دار که  
 در هند از چوبش و بسته چاکت سازند و جل بنیت نیز قسمی از دست و ف غیران تمثیق  
 الخاء المعجمه بیج مخ بکسر اول و ثانی مجهول و کسر خا و معجمه و ضم میم و سکون خار معجمه  
 ثانی و مدتی بیض و سلوچ ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر خا و معجمه و فتح میم و سکون  
 سین هم اله و ضم لام و سکون واو و ف تخم مرغ جوشانیده یا بریان کرده

دود و بوند  
و هو ان کو بوند  
خاصیت بروج  
ذخون یا مخفف  
بود در وی اند  
نفع داری  
بود و در خان  
تواری بر کرم بود  
قسط سبیل  
کند و دشمنی

و در این کتاب که از کتب معتبره است و در آن  
مذاهب معتبره مذکور است و در آن

آنکه باری و حق را بداند که این پدر در حق آبی و ملاست و والی است و والی است

[illegible]

۱۱۰ دستور یکصد و شصت و یک دین و بیست و یک افاندر تامل



ف ابرشیم تمیق الدال المهملة یا کهان بیده بموحده فارسی والفتح فتح کاف  
 و الظهار با والفتح و نون و کسر موحده و الظهار های ثانی و تحتانی مجهول هم جنطیانا  
 تمیق الدال المجهود یا نید ف بموحده فارسی و کسرون و سکون تحتانی ع کعب  
 و فانیده تباسته تمیق الدال المهملة یا کهه بموحده فارسی والفتح فتح کاف و سکون  
 را و ممله درخت هند نیست که قسمی از درخت برست طاب یاد بر ف بموحده فار  
 والفتح و واو و فتح زاو مجهود و سکون با ف تریاک چه یاد یعنی شونیده و پاک کنند  
 که زهر هر تمیق الکاف یا حک ف بموحده فارسی والفتح فتح جیم فارسی م گ گ  
 که خشک شده باشد یا بدست آنرا پهن ساخته باشند بجهت سوختن که او پلی و نیز دارد  
 یا ضم طعام پاکه بموحده فارسی الف و فتح لام ف اسفاناخ طاب تمیق النون  
 یا ن که بموحده فارسی والفتح ف برگ تنبول طح تمیق الفخانی یا پری که جوده  
 فارسی والفتح فتح موحده فارسی ثانی و کسر ا و ممله ف شمشا طاب تمیق التاء  
 الفوقانی و تمیق الالف بیت پایله که کسر اول فارسی و سکون فوقانی و موحده  
 فارسی ثانی والفتح و موحده فارسی ثالث و را و ما هندی ف شاهره طاب تنجیا  
 که بفتح اول فارسی و سکون فوقانی و کسر جیم و تحتانی و وای هند نیست تمیق الجیم  
 تیرج که بفتح اول فارسی و سکون فوقانی و فتح را و ممله م سانج طح تمیق الخاء  
 المجهود تمیق الخاء تحت بفتح اول فارسی و سکون خارج و فتح فوقانی و خفا و با  
 پنبه تمیق الدال المهملة و تمیق الکاف الفارسی پدم راک که بفتح اول  
 فارسی و الهملة و فتح را و ممله والفتح و کاف فارسی ف یا قوت سرخ تمیق الخاء پده و فتح  
 اول فک و الهملة نام درختی است که بزرده و غریب تمیق الدال المهملة و تمیق الدال المهملة  
 بفتح و فتح اول فارسی سکون را و ممله و فتح با و سکون نون م ا و تمیق الکافی پاکه  
 یا و ل فارسی نوعی از فو لا و جو نوار پر شک و پرستوک و کسر اول فارسی و ثانی

ف ابرشیم تمیق الدال المهملة یا کهان بیده بموحده فارسی والفتح فتح کاف  
 و الظهار با والفتح و نون و کسر موحده و الظهار های ثانی و تحتانی مجهول هم جنطیانا  
 تمیق الدال المجهود یا نید ف بموحده فارسی و کسرون و سکون تحتانی ع کعب  
 و فانیده تباسته تمیق الدال المهملة یا کهه بموحده فارسی والفتح فتح کاف و سکون  
 را و ممله درخت هند نیست که قسمی از درخت برست طاب یاد بر ف بموحده فار  
 والفتح و واو و فتح زاو مجهود و سکون با ف تریاک چه یاد یعنی شونیده و پاک کنند  
 که زهر هر تمیق الکاف یا حک ف بموحده فارسی والفتح فتح جیم فارسی م گ گ  
 که خشک شده باشد یا بدست آنرا پهن ساخته باشند بجهت سوختن که او پلی و نیز دارد  
 یا ضم طعام پاکه بموحده فارسی الف و فتح لام ف اسفاناخ طاب تمیق النون  
 یا ن که بموحده فارسی والفتح ف برگ تنبول طح تمیق الفخانی یا پری که جوده  
 فارسی والفتح فتح موحده فارسی ثانی و کسر ا و ممله ف شمشا طاب تمیق التاء  
 الفوقانی و تمیق الالف بیت پایله که کسر اول فارسی و سکون فوقانی و موحده  
 فارسی ثانی والفتح و موحده فارسی ثالث و را و ما هندی ف شاهره طاب تنجیا  
 که بفتح اول فارسی و سکون فوقانی و کسر جیم و تحتانی و وای هند نیست تمیق الجیم  
 تیرج که بفتح اول فارسی و سکون فوقانی و فتح را و ممله م سانج طح تمیق الخاء  
 المجهود تمیق الخاء تحت بفتح اول فارسی و سکون خارج و فتح فوقانی و خفا و با  
 پنبه تمیق الدال المهملة و تمیق الکاف الفارسی پدم راک که بفتح اول  
 فارسی و الهملة و فتح را و ممله والفتح و کاف فارسی ف یا قوت سرخ تمیق الخاء پده و فتح  
 اول فک و الهملة نام درختی است که بزرده و غریب تمیق الدال المهملة و تمیق الدال المهملة  
 بفتح و فتح اول فارسی سکون را و ممله و فتح با و سکون نون م ا و تمیق الکافی پاکه  
 یا و ل فارسی نوعی از فو لا و جو نوار پر شک و پرستوک و کسر اول فارسی و ثانی

ف ابرشیم تمیق الدال المهملة یا کهان بیده بموحده فارسی والفتح فتح کاف  
 و الظهار با والفتح و نون و کسر موحده و الظهار های ثانی و تحتانی مجهول هم جنطیانا  
 تمیق الدال المجهود یا نید ف بموحده فارسی و کسرون و سکون تحتانی ع کعب  
 و فانیده تباسته تمیق الدال المهملة یا کهه بموحده فارسی والفتح فتح کاف و سکون  
 را و ممله درخت هند نیست که قسمی از درخت برست طاب یاد بر ف بموحده فار  
 والفتح و واو و فتح زاو مجهود و سکون با ف تریاک چه یاد یعنی شونیده و پاک کنند  
 که زهر هر تمیق الکاف یا حک ف بموحده فارسی والفتح فتح جیم فارسی م گ گ  
 که خشک شده باشد یا بدست آنرا پهن ساخته باشند بجهت سوختن که او پلی و نیز دارد  
 یا ضم طعام پاکه بموحده فارسی الف و فتح لام ف اسفاناخ طاب تمیق النون  
 یا ن که بموحده فارسی والفتح ف برگ تنبول طح تمیق الفخانی یا پری که جوده  
 فارسی والفتح فتح موحده فارسی ثانی و کسر ا و ممله ف شمشا طاب تمیق التاء  
 الفوقانی و تمیق الالف بیت پایله که کسر اول فارسی و سکون فوقانی و موحده  
 فارسی ثانی والفتح و موحده فارسی ثالث و را و ما هندی ف شاهره طاب تنجیا  
 که بفتح اول فارسی و سکون فوقانی و کسر جیم و تحتانی و وای هند نیست تمیق الجیم  
 تیرج که بفتح اول فارسی و سکون فوقانی و فتح را و ممله م سانج طح تمیق الخاء  
 المجهود تمیق الخاء تحت بفتح اول فارسی و سکون خارج و فتح فوقانی و خفا و با  
 پنبه تمیق الدال المهملة و تمیق الکاف الفارسی پدم راک که بفتح اول  
 فارسی و الهملة و فتح را و ممله والفتح و کاف فارسی ف یا قوت سرخ تمیق الخاء پده و فتح  
 اول فک و الهملة نام درختی است که بزرده و غریب تمیق الدال المهملة و تمیق الدال المهملة  
 بفتح و فتح اول فارسی سکون را و ممله و فتح با و سکون نون م ا و تمیق الکافی پاکه  
 یا و ل فارسی نوعی از فو لا و جو نوار پر شک و پرستوک و کسر اول فارسی و ثانی

[illegible]

مخ من با خود دارم شش از بدون گردان میگردانم از بدون گردان  
 و سکون سین مملد و ضم فوقانی و سکون کاف و لغت اول و سکون واد و لغت  
 ثانی جانوریست که پشت و دم آن سیاه بود و سینه سفید باشد و منقارش سرخ و در  
 سقف خانه آشیانه دارد و فرشتگ پر و آنک ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی  
 و فتح نون م جانوریست که پیشانی شیری آواز گنان و دو تمینق الکاف الف  
 پرنگ ف بکسر اول فارسی و فتح ر و مملد و سکون نون م برنج و پیشل پرنگ  
 و بکسر اول فارسی و ثانی و تحتانی مجهول و خا و نون و کاف فارسی و وای هندست  
 طاب تمینق اللام پر بال و بفتح اول فارسی و سکون ثانی با موصده و الف لا  
 ع بسد و مرجان م مونگا تمینق المیم رحیم و بفتح اول فارسی و سکون ثانی  
 و فتح جیم فارسی کا و قطاس و سوکای تمینق النون پر آفران بفتح اول فارسی  
 و سکون ر و مملد و پنجه و ذوال مجسمه یا مملد و الف جانوریست شکاری جنس  
 چرخ و زنجیر و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح موصده فارسی ثانی و باغ  
 و فرخ و رجه و ثونیا و کحول پر سیا و شان و فتح کز بزه البر و راج جنس و گز جاد  
 و سنبل که در کنار چاه و شپها بیر وید طحی گویند مع ح ب ق منضج لطف  
 در محل نفقت سهل باغم و سودا خ سیاه چوب بنر ورق یا سیاه چوب بحرخی مائل  
 بش سکه و دم تاده و دم صمصطکی یا کترال بوزن او بنفشه یا کینیم و زین اب السکه  
 باد و دانه و زن آن ز و فاشن و بفتح اول فارسی و ثانی فارسی م ز غرن  
 تمینق الحاء پر کنه و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح کاف و نون ترکیبی  
 بویای خوش م ار که بریم و بفتح اول فارسی و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح جیم  
 فارسی لب فخر و تمینق التختانی چربی و بضم اول فارسی و سکون ثانی و کسر مملد  
 و سکون تحتانی م تربی تمینق السین المملد و تمینق الالف پستانه بکسر  
 رل فارسی و سکون سین مملد و فتح فوقانی ف پسته و فستق طحی ق به تمینق الف

کتابخانه عمومی  
مکتبہ اسلامیہ  
لاہور

کتابخانه ملی ایران - تهران

۸۵  
 محل در آید تا آنکه  
 بر آن سلطان  
 رسیده است  
 نماید سلسله  
 این سه ماه  
 که گفته شد  
 قطعا مریض شود  
 البته اگر پس  
 طبع و دودش  
 بصحت بگردد

و آن سر ف  
 ست چینی د  
 غاسانی و سکه  
 باز از آن  
 جگر تر است  
 سر و خشکست  
 در و بیه اول  
 داملت  
 اورا لاده ازو  
 رالم بکنه از گویند  
 یغشدار دی  
 ۸۶  
 که بسکه و شکست  
 و آن سر ف  
 ست چینی د  
 غاسانی و سکه  
 باز از آن  
 جگر تر است  
 سر و خشکست  
 در و بیه اول  
 داملت  
 اورا لاده ازو  
 رالم بکنه از گویند  
 یغشدار دی

و آن سر ف  
 ست چینی د  
 غاسانی و سکه  
 باز از آن  
 جگر تر است  
 سر و خشکست  
 در و بیه اول  
 داملت  
 اورا لاده ازو  
 رالم بکنه از گویند  
 یغشدار دی

درخت هند است پیل ف بسمه در و موصه فارسی و سکون هر دو لایم م قفل  
 ببول و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح و او م شمره هند است که اکثر و کشت  
 برگ تنبول میکارند و ناخورش نیکوست طح تمیق المیم یکم بفتح اول  
 فارسی و سکون ثانی و میم م خاک تمیق الما پلغده و بفتح اول فارسی و ثانی  
 و سکون عین سحر و فتح و ال ممله م تخم مرغ و میوه که بوسیده باشد بک و بفتح  
 اول فارسی و ثانی و درخت دهاک و نیز بفارسی شیر حیوان نوز اینده که آنرا فله  
 و رنگ نیز گویند تمیق التختانی یکم ف بضم اول و سکون ثانی و کسبر جم فارسی م  
 خریره بکیندی و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح تختانی و سکون نون و  
 و ال ممله نوعی از خریره تنسيق النون و تمیق الالف نیز نوا و بضم اول و  
 و ثانی و سکون را و ممله و فتح نون ثانی و و او م بسکه پرتمیق الفوقانی پنجگشت  
 ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح میم و سکون نون ثانی و ضم کاف فارسی  
 سکون شین معجمه درخت مینا لوطح اگویند بی ۲ ق محلل لطف مغشی  
 خ تخم تازه ش یکم شقال ص صفتح عربی ل دو وزن آن شمد پنج تمیق الدال  
 المممله پند و بفتح اول فارسی و سکون ثانی م غلیو از تمیق الراء المممله  
 پتوا و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و و او مالف و وای هند است م قفلت  
 طبیح تمیق الکاف پنج یکم ف بفتح اول فارسی و سکون نون و جیم  
 و موصه فارسی ثانی و الف و فتح تحتانی ع سرطان پناک و  
 بفتح اول فارسی با نون و الف و فتح نون ثانی ع صمغ پیرک  
 ف بفتح اول فارسی و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح  
 را و ممله م گل خطمی تمیق الکاف المقارسی پنج بفتح اول  
 فارسی و سکون نون و کاف فله سی جم خوشه تمیق المیم پنج موم

و آن سر ف  
 ست چینی د  
 غاسانی و سکه  
 باز از آن  
 جگر تر است  
 سر و خشکست  
 در و بیه اول  
 داملت  
 اورا لاده ازو  
 رالم بکنه از گویند  
 یغشدار دی



بفتح اول فارسی ه با تا جو طری تمیق الها پیکه از ف ه بنو لایخ پایه ف زنج

ه لیکر آ پنج گریه ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم و هزه و لینه و ضم کاف  
فارسی سکون را و ممله و فتح موده م بید شک تنسيق الواو و تمیق الفوقانی  
پوست ف بضم اول فارسی و سکون واو و فوقانی م جگر تمیق الشین المجهه  
پویش ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و واو و فتح موده فارسی ثانی ع ه ه  
تمیق الکاف پوپک ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح موده فارسی ثانی  
ع ه ه پوپک ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول فتح شین معجم م کر تمیق اللام  
پوپل ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول فتح موده فارسی م فو ق و ل ه سپار تمیق الواو  
پوپو به و موده فارسی و سکون هر دو واو م ه ه و آواز ه ه تمیق الحاف پوپه  
بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح موده فارسی و خفا و باع ه ه پوپه نه ف بضم اول  
فارسی و ثانی مجهول فتح نون م خر بوزه و نه ند و انه و دیگر سیوها که درون سان مضمحل  
و بوسیده باشد تمیق التختانی پوت بنهماری ه ف تخم خاز و از گونه م حر حر کی ه  
پوش در بندی بضم اول فارسی و سکون واو و کشرین معجم و فتح وال ممله و سکون  
را و ممله و فتح موده و سکون نون و کسر ال ممله ثانی ف شیان ست که از اسن  
و در بندی می آزند و ان نباتیست که همچنان بگیونید و شیان میسانند طب ی ال  
ما میثا غنبا الثعلب با بزر العنبا یا حضض با عیصار ه ما میثا پوی ه بضم اول فارسی  
و ثانی مجهول ف سبری هندیست که ریشها مثل انگور بر بیاره مید فاند بعینه ه الثعلب  
ست و از تر با نای نخورش تنسيق الها و تمیق الالف پلساه بفتح اول فارسی  
و اظهار با و سکون لام سین ممله م میوه مشهور هندیست تمیق البدال الممله  
په پده بفتح اول فارسی و اظهار با و سکون او ممله و فتح ه از ثانی و دخت هندیست  
م تمیق الواو الممله پنور و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و ضم فون

بفتح اول فارسی ه با تا جو طری تمیق الها پیکه از ف ه بنو لایخ پایه ف زنج  
ه لیکر آ پنج گریه ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم و هزه و لینه و ضم کاف  
فارسی سکون را و ممله و فتح موده م بید شک تنسيق الواو و تمیق الفوقانی  
پوست ف بضم اول فارسی و سکون واو و فوقانی م جگر تمیق الشین المجهه  
پویش ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و واو و فتح موده فارسی ثانی ع ه ه  
تمیق الکاف پوپک ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح موده فارسی ثانی  
ع ه ه پوپک ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول فتح شین معجم م کر تمیق اللام  
پوپل ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول فتح موده فارسی م فو ق و ل ه سپار تمیق الواو  
پوپو به و موده فارسی و سکون هر دو واو م ه ه و آواز ه ه تمیق الحاف پوپه  
بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح موده فارسی و خفا و باع ه ه پوپه نه ف بضم اول  
فارسی و ثانی مجهول فتح نون م خر بوزه و نه ند و انه و دیگر سیوها که درون سان مضمحل  
و بوسیده باشد تمیق التختانی پوت بنهماری ه ف تخم خاز و از گونه م حر حر کی ه  
پوش در بندی بضم اول فارسی و سکون واو و کشرین معجم و فتح وال ممله و سکون  
را و ممله و فتح موده و سکون نون و کسر ال ممله ثانی ف شیان ست که از اسن  
و در بندی می آزند و ان نباتیست که همچنان بگیونید و شیان میسانند طب ی ال  
ما میثا غنبا الثعلب با بزر العنبا یا حضض با عیصار ه ما میثا پوی ه بضم اول فارسی  
و ثانی مجهول ف سبری هندیست که ریشها مثل انگور بر بیاره مید فاند بعینه ه الثعلب  
ست و از تر با نای نخورش تنسيق الها و تمیق الالف پلساه بفتح اول فارسی  
و اظهار با و سکون لام سین ممله م میوه مشهور هندیست تمیق البدال الممله  
په پده بفتح اول فارسی و اظهار با و سکون او ممله و فتح ه از ثانی و دخت هندیست  
م تمیق الواو الممله پنور و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و ضم فون

بفتح اول فارسی ه با تا جو طری تمیق الها پیکه از ف ه بنو لایخ پایه ف زنج

باز بگویند این کلام را بخوانند و در هر روز صد بار بخوانند

است و سحر  
جوز الفی شاکله  
نادرست و  
سببت اوین  
ست و از آنجا  
با طراف برند  
دور او در کتی  
توی تمام دارد  
دوران حلوا  
نادرشیرن گویند  
۸۸  
است  
باز بگویند این کلام را بخوانند و در هر روز صد بار بخوانند

و سکون و او هم می تمیق الکاف پیمک بفتح اول فارسی و سکون ثانی فتح میم  
وزا و مجیه و سکون کاف م ناریشت تمیق اللام همگی سول و بضم اول فارسی  
و سکون ثانی و فتح کاف و سکون رار جمله و ضم میم و سکون و او و وای همگی  
تمیق الحاء ف پستانه بفتح اول فارسی و سکون ثانی با نون و الف و فتح نون  
ثانی م بوزنه و میون و باند ز تمیق التختانی پیمکری و بفتح اول فارسی و اطها  
ثانی و سکون فوقانی هندی و فتح کاف و کسر ل و جمله م شب یانی ف ناک سفید  
پیی و ف بفتح اول فارسی و کسوتانی ع خنظل تنسيق الیاء التختانی تمیق الکاف  
پیا بانسا و بکسر اول فارسی با تختانی و موحده و الف ثانی و خا و نون و سین جمله  
قسمی از بانسا تمیق الموحده و پیکوخت طعا میست ترش که از جوز مغز و شیر جعفر  
سازند تمیق الدال اللهمله مثل امر و و ف بکسر اول فارسی تختانی و لام نوعی از امر و  
ست تمیق الراء الملهله پیاره بکسر اول فارسی و تختانی و الف م میوه هندیست  
که ترشیش ترشی خربار هندی ماند و از تخم او چوبی یعنی نقل خواج بهم میرسد و پیلان  
و بکسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحده فارسی ثانی و لام الف و ضم میم و سکون  
و او و ف لفظ لثویه نیمه و ف بکسر اول فارسی و سکون ثانی و ضم میم و ز و ج و ج طحلب  
و سوال که در آهار و دید تمیق الشین المعجده پیش بکسر اول فارسی و سکون  
تختانی و شین معجم م برگ خربار پیکوش و ف بکسر اول فارسی و سکون ثانی و لام ضم  
کاف فارسی و و او و مجهول ع اذان الفیل و نون و گویند در فارسی گلی است که بر  
کنار بایش نقطه های سیاه باشد تمیق الکاف پتیک و ف بکسر اول فارسی و سکون  
ثانی و فتح نون یانی گزی است که جاها و کاغذ تابه ساند و پیک بکسر اول فارسی و ثانی  
مجهول و فتح میم فارسی ع عشقه و لبلاب تمیق اللام میبل و بکسر اول فارسی و  
سکون ثانی و فتح موحده فارسی و ف لفظ دراز و نیز نام و رخت مشهور هندیست

باز بگویند این کلام را بخوانند و در هر روز صد بار بخوانند

پتیل به بکسر اول فارسی سکون ثانی و فتح فوقانی ف بسخ تمیق النون پتین  
 بفتح اول فارسی و سکون تحتانی و ضم غین معجز و سکون نون م سد اب تمیق  
 الواو سیلوه بکسر اول فارسی و سکون ثانی و ضم لام ع اراک پنیوف بکسر اول  
 فارسی و سکون ثانی و ضم نون ف و دغ ترش بخته م کشک قروت تمیق الحاء  
 ایچیه بکسر اول فارسی و ثانی مجهول و فتح جیم فارسی م سحک پیکف بکسر اول  
 و ثانی مجهول و فتح لام شوه ابرشیم تمیق تحتانی پی و فتح اول سکون تحتانی ع عصب هس  
 تر قییم التاء الفوقانی و تنسیق و تمیق کالاف تال کهاراه بفتحانی و هس  
 و لام و فتح میم و کاف اظهار با و الف ثانی و او و هله و ای مشهور و هس نیست تانبا  
 ه بفتحانی و الف و خفا و نون و موحده ف مس تمیق الموحده تا کوب بر بری  
 بفتحانی و ضم کاف و سکون و او م فریون تمیق الفوقانی تا سمصت بر بر  
 بفتحانی و الف و کسرین ممله و سکون میم و فتح صا و ممله و سکون فوقانی ف ترش  
 ترسخ تا غندست بر بری بفتحانی و الف و فتح غین بجمه و سکون  
 نون و فتح و ال ممله و سکون سین ممله فوقانی ثانی م عاقو  
 تمیق الحاء المعجمه تاخ بفتحانی و الف و سکون خا و بجمه و ختی هست که چوب ترا  
 بهیم سازند آتش آن از بهرهای دیگر بیشتر ماند و آنرا تاغ نیز گویند تمیق الدال  
 المهمله تار و ف بفتحانی و الف و فتح را و ممله م کته که برگا و و دیگر حیوانات  
 حسیه تمیق الواو المهمله تار و ف بکون را و ممله و ختیست شبیه به رخت خرا  
 که از آن آبی حاصل کنند که مانند در و سکر و و اکثر در ملک هندوستان شود و در آن  
 برگ آن از برگ کتر بیشتر و بهر همان کتابا بر آن نویسند و هندوان و زین  
 انسان نرینه گوش خود پاره ساخته برگ آن و ختی پیچیده در آن نهند تا السفیر  
 بفتحانی و کسر لام و سکون سین ممله و کسر فار و سکون تحتانی و کسرین ممله ثانی ف

این کتاب از کتب قدیم است که در آن به بیان بعضی از لغات و معانی کلمات فارسی و عربی پرداخته شده است. این کتاب در دسترس عموم قرار دارد و می تواند به عنوان یک منبع ارزشمند برای مطالعه و تحقیق در زمینه لغت و ادبیات فارسی و عربی مورد استفاده قرار گیرد.

این کتاب از کتب قدیم است که در آن به بیان بعضی از لغات و معانی کلمات فارسی و عربی پرداخته شده است. این کتاب در دسترس عموم قرار دارد و می تواند به عنوان یک منبع ارزشمند برای مطالعه و تحقیق در زمینه لغت و ادبیات فارسی و عربی مورد استفاده قرار گیرد.



کویچک کیمیا دانسته کز نیشل جانورک  
 اوردو پاسی که از میان آن غنی هست طبیعت است  
 کوشک او کوشک او کوشک او کوشک او

تخم سپندان ه اسپند تالیسپند و بفوقانی و الف و کسر لام و سکون تختانی و  
سین ممله و فتح موحده فارسی و فوقانی مشدده و وای هندیست تا مفتح میم  
کل محاض تمیق الغین المعجمه تاغ و بفوقانی و الف م و زخت تاخ و تخم مرغ  
تمیق الکاف تا زنگ و بفوقانی و الف و سکون را ممله و فوقانی ثانی و کو  
ع عنکبوت تا شک و بفوقانی و الف و فتح شین معجم مسکع زبده تا شک و  
بفوقانی و الف و فتح فا و شین معجم و یو جیم ع ارضه تا رک و بفوقانی و الف و او  
خرو کا و جواز تمیق اللام تا ک و م و زخت تا ط تا مول و تا بول م بفوقانی و  
الف و ضم میم و و او ببول در لغت اول و سکون نون و ضم موحده و سکون و او  
برگ تببول ه پان واک بیل ب ای ۲ گویند ح ای ۲ ص فوفل نکات ا اک  
مجموعه ل فزفل تا ول و مفتح و او م تا و ک تمیق النون تا رین و بفوقانی و الف  
و کسر را ممله و سکون تختانی و نون و بی نون نیز آ بیکه از زخت تا ط حاصل شود  
و آن شرتی بود که نشاءش با در و سر آر و تمیق اله او تا هوف و بفوقانی و الف و ضم  
ها م شارب عراقی تمیق الهاء تا چوبه و بفوقانی و الف در او ممله و ضم جیم فارسی او  
مبول و فتح موحده م بیون تا لانه و بفوقانی و الف و لا م الف و فتح نون کو  
از شفتا الو تمیق التختانی تا لکی و بفوقانی و الف و سکون لام و کسوف تا ک  
م کشین صحرائی تنسيق الباء الموحده و تمیق الدال تبر زوت و فتح فوقانی و  
موحده و سکون را ممله و فتح را و جیم نبات و شکر سفید و وای از نک سخت او ضم  
نمک سنگ قسمی از انکور در غایت شیرینی و صبر را نیز گویند تمیق الواو الممله تا شیر  
و بفتح اول و ثانی و الف و کسر شین معجم و سکون تختانی م بنسلو چن تبرج یکسر  
اول و سکون موحده ف زر و طلا ه سونا تمیق النون تبرخون و بفتح اول و ثانی  
و سکون را ممله و ضم غار معجم و سکون و او ع عناب و گویند جوی مست سرخ رنگ

[illegible]



بسیار سخت و گران و الملس که شایطان از آن چوبکستی سازند و گویند سرخ بید گویند

بهم و گویند نوعی از تره که باطعام زبان بخورند و آنرا از زخا و زرخون خوانند و محراب  
 آن طرخون یکمان ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف و الف و خاره که کاف  
 تمینق الحاء تبرز ف بفتح اول و ثانی و سکون را و همزه و فتح را و همزه تبرز و تثنین که  
 ع بکسر اول و سکون ثانی و نون و فتح سیم و کاف مشدوم از خرنسقیق الفوقانی  
 و تمینق الکاف ترکیب بفتح اول و سکون ثانی و کسر اول و سکون ثانی و کاف  
 م سماق تمینق المیم م م بضم هر دو فوقانی م سماق تمینق التختانی تتری  
 و بفتح اول و سکون ثانی و کسر اول و سکون ثانی و تثنی بفتح و سکون ثانی و کسر  
 و چوبی تنسقیق الحاء المعجم و تمینق الموحده تخم جاروب ف م اطر لیل  
 تمینق الفوقانی تخم اسپست بکسر حظه و سکون سین همزه و کسر یاز فاری و سکون  
 سین همزه ثانی و فوقانی م بنده الرحمة تمینق الحاء المعجم تخم بفتح اول و سکون  
 ثانی و کسبه و کنجاره که کل تمینق الضاد المعجم تخم حاض بفتح حاء همزه و میم مشدوم  
 و الف و ضاد معجمه و چوکی کی بیج تمینق الکاف تخم توک ف ع بزر الحرفه تمینق  
 اللام تخم خانخال ف بکسر حاء معجم و لام الف م اطر لیل تخم گل ف بضم کاف  
 فارسی زر یغنی زر دی بیانه گل تمینق المیم تخم شاه سفر مع بزر الريحان  
 تمینق النون تخم سپندان و اسبند تخم کتان کاف و فوقانی و الف  
 و الی تمینق الحاء تخم بنک و یوانند بفتح موحده و سکون نون و کسر کاف فارسی  
 و و ال همزه و تحتانی مجهول با و و الف و فتح نون و خریسانی اجوائن تخم یلی  
 بفتح موحده فارسی و لام و بلاس با طره تخم خرفه ف بضم حاء معجم و سکون اول  
 و فتح فاه لونیایکی بیج تمینق التختانی تخم نیر یلی بکسر فوقانی ثانی و سکون تحتانی  
 و و همزه یا سیم و الف و کسر یاف زر و ک مال کنگنی تخم شربی ف تخم سبت

بسیار سخت و گران و الملس که شایطان از آن چوبکستی سازند و گویند سرخ بید گویند  
 بهم و گویند نوعی از تره که باطعام زبان بخورند و آنرا از زخا و زرخون خوانند و محراب  
 آن طرخون یکمان ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف و الف و خاره که کاف  
 تمینق الحاء تبرز ف بفتح اول و ثانی و سکون را و همزه و فتح را و همزه تبرز و تثنین که  
 ع بکسر اول و سکون ثانی و نون و فتح سیم و کاف مشدوم از خرنسقیق الفوقانی  
 و تمینق الکاف ترکیب بفتح اول و سکون ثانی و کسر اول و سکون ثانی و کاف  
 م سماق تمینق المیم م م بضم هر دو فوقانی م سماق تمینق التختانی تتری  
 و بفتح اول و سکون ثانی و کسر اول و سکون ثانی و تثنی بفتح و سکون ثانی و کسر  
 و چوبی تنسقیق الحاء المعجم و تمینق الموحده تخم جاروب ف م اطر لیل  
 تمینق الفوقانی تخم اسپست بکسر حظه و سکون سین همزه و کسر یاز فاری و سکون  
 سین همزه ثانی و فوقانی م بنده الرحمة تمینق الحاء المعجم تخم بفتح اول و سکون  
 ثانی و کسبه و کنجاره که کل تمینق الضاد المعجم تخم حاض بفتح حاء همزه و میم مشدوم  
 و الف و ضاد معجمه و چوکی کی بیج تمینق الکاف تخم توک ف ع بزر الحرفه تمینق  
 اللام تخم خانخال ف بکسر حاء معجم و لام الف م اطر لیل تخم گل ف بضم کاف  
 فارسی زر یغنی زر دی بیانه گل تمینق المیم تخم شاه سفر مع بزر الريحان  
 تمینق النون تخم سپندان و اسبند تخم کتان کاف و فوقانی و الف  
 و الی تمینق الحاء تخم بنک و یوانند بفتح موحده و سکون نون و کسر کاف فارسی  
 و و ال همزه و تحتانی مجهول با و و الف و فتح نون و خریسانی اجوائن تخم یلی  
 بفتح موحده فارسی و لام و بلاس با طره تخم خرفه ف بضم حاء معجم و سکون اول  
 و فتح فاه لونیایکی بیج تمینق التختانی تخم نیر یلی بکسر فوقانی ثانی و سکون تحتانی  
 و و همزه یا سیم و الف و کسر یاف زر و ک مال کنگنی تخم شربی ف تخم سبت

و نیم از آن فاه لونیایکی بیج تمینق التختانی تخم نیر یلی بکسر فوقانی ثانی و سکون تحتانی و و همزه یا سیم و الف و کسر یاف زر و ک مال کنگنی تخم شربی ف تخم سبت

بیخون بازده  
 تخم مرغ  
 زنی که دشوار  
 نایب میاشند  
 بغایت مفید بود  
 در دو ساعت  
 میزنند و این  
 مجربست و جگر  
 از نو میزدرد  
 تا یک دوم  
 ۹۲









[illegible]

کمال و کرامت  
مقامی که در این  
دولت است

است این بوی که اصناف را در یک سار  
نمایان نموده است بقول را  
است درون قفس مهری

باب السین در حق علی و فاطمه  
ایستاد سخن دهر روغن پاشند از کوفه ایمن که منفعت افزون

تمینق النون تنگیب و فتح اول و ثانی و سکون نون و ضم کاف و غلامی کسر  
و سکون تحتانی م تنگیب تمینق الواو و کوف و فتح اول و ضم ثانی و سکون و اوم  
خا و تمینق التختانی تکیه بضم اول و سکون ثانی و کسرین مملوف با و نجوی  
ملی که کسر اول و ثانی مشدود و سبز ع ل حال تنینق المید و تمینق الواو و لاله  
تسلیح ع کسر اول و سکون میم یاسین مملوف و الف و عا و مملوف تنگ و مگر مجید  
تمینق الواو المملوف فتح اول و سکون ثانی با مصطلح عبران چند نام اردا و اول و طلوع  
گویند و دوم و اول و غلا نماند و سوم و اول و الج و چهارم و اول و شیر خرم و اول و طرب و دوم و تره ششم و تره نهم  
و خرم و کج و طرب و اول و گویند و مجلی طبری خ فربه صادق الحلا و ده ص با و ام و خوش  
ل کشش تمینق اللام تملول و فتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون و اوم و قار و بر  
تمینق المیده تکریم کسر و دو فوقانی و سکون هر دو میم مسمان و بضم هر دو فوقانی  
و دم گا و کوهی م قسطاس تمینق الواو و قمره و تنید و تمینق التختانی تره نندی  
ع و خرمای پندی و انبلی طاب م گویند ۲ گویند ب ی ۳ گویند ب د ق قاف  
سرو و قوی و سفرج دل خ زرد شیر و دار بغایت ترش از طبعی و اسکرچه و گویند  
با نژده و دم و گویند و طرب ص شراب بنفشه و شراب خشخاش ل در طاب اجاص  
تنینق النون و تمینق الموحده ثوب رومی و فتح اول و ضم نون و سکون  
و اوم و منوب کوچک که از و نظران به زفت سازند و درخت چینه و طح می و ق  
قالبض ش از صمغ او کینقال ص با و ام شیرین ل سرو و تمینق الواو المملوف تکریم  
و فتح اول و سکون ثانی و کاف ع بورق و سها که تمینق اللام تنبول و فتح  
اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون و اوم برگ پان و ناک یل تمینق النون  
ن و بضم اول و سکون نون کل ن رویت که صباغان از و رنگ می سازند و درش  
بجین چون درخت نیب است و بارش چون بار نیب تمینق الواو و تنید و فتح اول

درخت بنیر  
درازست  
یعنی آبنوس  
و بعضی گفته اند

سایح را بنهند  
سال را ساکن  
گویند مصالح  
آن همین

94

مجلس ششمین در روز شنبه ۱۳۰۲

ویرود و در  
مهر و تابستان  
در این زمان  
در این زمان  
در این زمان  
در این زمان  
در این زمان  
در این زمان

محمد بن ابراهيم  
اسماعيل بن محمد  
ابو محمد بن محمد  
ابو محمد بن محمد  
ابو محمد بن محمد  
ابو محمد بن محمد  
ابو محمد بن محمد  
ابو محمد بن محمد

کتابخانه جامعہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند







و تینق الراء المهمله تیرف بکسر اول و سکون ثانی م شکوفه فراع طلع و  
 نام نوعی انهار و نیز نام نر گس تینق الراء المعجمه تبکوزف بکسر اول و سکون ثانی  
 و هم کاف و او مجهول کشکد تینق السید المعجمه ثین طب یابس ع بکسر اول سکون ثانی و هم  
 و فتح را و همله و موحده و تحتانی الف موحده ثانی سین بهلاف بخیر و خشک طبع از یابس ح  
 ر ق مجلی منضج مینج در تری پوست باز کرده بعد از آن آنچه میل سفیدی داشته  
 باشد بعد از آن سیاه یابس رملی ش ده دانه تالست دانه و از شراب او دوقیه  
 ص از یابس با و ام یا گردگان یک تخمین ل در انضاج حب صنوبر یا زبیدی ش  
 تینق اللام تنفال بکسر اول و سکون ثانی با نین معجمه و الف ع سکر العشر  
 شکر ک کوی تینق الواو تیند و بکسر اول و ثانی مجهول و خفا و نون و هم ال  
 همله و سکون و او هم نم در خنی ست هندی که چوب او آبنوس ست تینق التختا  
 تیندی بکسر اول هندی و سکون ثانی و کسر اول همله هندی ف تلخ ع جراتیز نا  
 بکسر اول و ثانی مجهول و کسر اول معجمه م تخمیل تر قیحه الثاء المثلثه و  
 تنسیق و تینق کالاف ثانیایونانی مثلثه و الف و کسفا و سکون سین همله  
 و تحتانی م صمغ سداب کوی طح محرق ق مفرج ش یکد انگ ص لعایت ل  
 حرف و چهار دانگ وزن آن کثیر او گویند فرعیون تینق الراء المهمله تاقیم  
 ع مثلثه و الف و کسفا و موحده و سکون لام و فتح حار همله و جیم م بسفایج نامر  
 ع بکسر میم م لوبیا ه دودهی کی پهل تینق السین المعجمه یا السقیس یونانی مثلثه  
 و الف و کسر لام و سکون سین همله و کسفا و سکون تحتانی و سین همله ثانی  
 م حرف با بلی نامر ع مثلثه و الف و کسر میم م بسفایج تینق النخاع المعجمه و تینق  
 الراء المهمله تخیر ع بفتح اول و کسفا و معجمه و سکون تحتانی ف کنجاره ه  
 کملی تنسیق اللام المهمله و تینق التختا ثندی ع بفتح اول و سکون

در تینق الراء المهمله تیرف بکسر اول و سکون ثانی م شکوفه فراع طلع و نام نوعی انهار و نیز نام نر گس تینق الراء المعجمه تبکوزف بکسر اول و سکون ثانی و هم کاف و او مجهول کشکد تینق السید المعجمه ثین طب یابس ع بکسر اول سکون ثانی و هم و فتح را و همله و موحده و تحتانی الف موحده ثانی سین بهلاف بخیر و خشک طبع از یابس ح ر ق مجلی منضج مینج در تری پوست باز کرده بعد از آن آنچه میل سفیدی داشته باشد بعد از آن سیاه یابس رملی ش ده دانه تالست دانه و از شراب او دوقیه ص از یابس با و ام یا گردگان یک تخمین ل در انضاج حب صنوبر یا زبیدی ش تینق اللام تنفال بکسر اول و سکون ثانی با نین معجمه و الف ع سکر العشر شکر ک کوی تینق الواو تیند و بکسر اول و ثانی مجهول و خفا و نون و هم ال همله و سکون و او هم نم در خنی ست هندی که چوب او آبنوس ست تینق التختا تیندی بکسر اول هندی و سکون ثانی و کسر اول همله هندی ف تلخ ع جراتیز نا بکسر اول و ثانی مجهول و کسر اول معجمه م تخمیل تر قیحه الثاء المثلثه و تنسیق و تینق کالاف ثانیایونانی مثلثه و الف و کسفا و سکون سین همله و تحتانی م صمغ سداب کوی طح محرق ق مفرج ش یکد انگ ص لعایت ل حرف و چهار دانگ وزن آن کثیر او گویند فرعیون تینق الراء المهمله تاقیم ع مثلثه و الف و کسفا و موحده و سکون لام و فتح حار همله و جیم م بسفایج نامر ع بکسر میم م لوبیا ه دودهی کی پهل تینق السین المعجمه یا السقیس یونانی مثلثه و الف و کسر لام و سکون سین همله و کسفا و سکون تحتانی و سین همله ثانی م حرف با بلی نامر ع مثلثه و الف و کسر میم م بسفایج تینق النخاع المعجمه و تینق الراء المهمله تخیر ع بفتح اول و کسفا و معجمه و سکون تحتانی ف کنجاره ه کملی تنسیق اللام المهمله و تینق التختا ثندی ع بفتح اول و سکون

در تینق الراء المهمله تیرف بکسر اول و سکون ثانی م شکوفه فراع طلع و نام نوعی انهار و نیز نام نر گس تینق الراء المعجمه تبکوزف بکسر اول و سکون ثانی و هم کاف و او مجهول کشکد تینق السید المعجمه ثین طب یابس ع بکسر اول سکون ثانی و هم و فتح را و همله و موحده و تحتانی الف موحده ثانی سین بهلاف بخیر و خشک طبع از یابس ح ر ق مجلی منضج مینج در تری پوست باز کرده بعد از آن آنچه میل سفیدی داشته باشد بعد از آن سیاه یابس رملی ش ده دانه تالست دانه و از شراب او دوقیه ص از یابس با و ام یا گردگان یک تخمین ل در انضاج حب صنوبر یا زبیدی ش تینق اللام تنفال بکسر اول و سکون ثانی با نین معجمه و الف ع سکر العشر شکر ک کوی تینق الواو تیند و بکسر اول و ثانی مجهول و خفا و نون و هم ال همله و سکون و او هم نم در خنی ست هندی که چوب او آبنوس ست تینق التختا تیندی بکسر اول هندی و سکون ثانی و کسر اول همله هندی ف تلخ ع جراتیز نا بکسر اول و ثانی مجهول و کسر اول معجمه م تخمیل تر قیحه الثاء المثلثه و تنسیق و تینق کالاف ثانیایونانی مثلثه و الف و کسفا و سکون سین همله و تحتانی م صمغ سداب کوی طح محرق ق مفرج ش یکد انگ ص لعایت ل حرف و چهار دانگ وزن آن کثیر او گویند فرعیون تینق الراء المهمله تاقیم ع مثلثه و الف و کسفا و موحده و سکون لام و فتح حار همله و جیم م بسفایج نامر ع بکسر میم م لوبیا ه دودهی کی پهل تینق السین المعجمه یا السقیس یونانی مثلثه و الف و کسر لام و سکون سین همله و کسفا و سکون تحتانی و سین همله ثانی م حرف با بلی نامر ع مثلثه و الف و کسر میم م بسفایج تینق النخاع المعجمه و تینق الراء المهمله تخیر ع بفتح اول و کسفا و معجمه و سکون تحتانی ف کنجاره ه کملی تنسیق اللام المهمله و تینق التختا ثندی ع بفتح اول و سکون

در مشرب  
روشن شد  
پس مشابه  
رایج و قطرب  
که در مشرب  
روشن اند  
کرده و گویند  
خاتون قطرب  
این گیاه را  
دوستی دارد  
۱۰۰  
در مشرب  
روشن شد  
پس مشابه  
رایج و قطرب  
که در مشرب  
روشن اند  
کرده و گویند  
خاتون قطرب  
این گیاه را  
دوستی دارد  
۱۰۰  
در مشرب  
روشن شد  
پس مشابه  
رایج و قطرب  
که در مشرب  
روشن اند  
کرده و گویند  
خاتون قطرب  
این گیاه را  
دوستی دارد  
۱۰۰

در مشرب  
روشن شد  
پس مشابه  
رایج و قطرب  
که در مشرب  
روشن اند  
کرده و گویند  
خاتون قطرب  
این گیاه را  
دوستی دارد  
۱۰۰  
در مشرب  
روشن شد  
پس مشابه  
رایج و قطرب  
که در مشرب  
روشن اند  
کرده و گویند  
خاتون قطرب  
این گیاه را  
دوستی دارد  
۱۰۰

در مشرب  
روشن شد  
پس مشابه  
رایج و قطرب  
که در مشرب  
روشن اند  
کرده و گویند  
خاتون قطرب  
این گیاه را  
دوستی دارد  
۱۰۰

وہی کہ وہاں سے آئے ہیں

وہی کہ وہاں سے ہوا  
نہ کہ وہاں سے ہوا  
دیکھ کر یہ کہ  
دوسروں کے  
ان کے  
پیشانیوں  
سنگین  
اس کی  
اس کی







والتشديد بغيره بل مثل ذلك ان يكون في ذنن او في غيره فلهذا

وكسب حتم ثانی وسكون تحتانی لا تروا كوتيد كفايشه طح ی ۲ كوتيد سق  
ملطف بهی خبتانی كم حرت ش ووزم ص كاسنی وكافوزد خرفه وسكر ل  
نزل بارشاد تمیق القاف جرمانق ع كلسر اول سكون ثانی ومیم وفتح وال  
مهملة والفت وفتح نون و كرم دانه تمیق الكاف جر و اسك و بضم اول  
وسكون ثانی و واول والفت وفتح شین مهملة صرصره ههینك تمیق النون جر و  
ع بفتح اول وسكون ثانی و واول مهملة والفت وفتح شین ههینك تمیق النون جر و  
جر جر المصری ع ترس تنسیق الزاء المعجمه وتمیق الجیمه جر مانج ع كلسر اول  
وسكون زاء وجمه یامیم والفت وفتح زاء وجمه یامیم والفت وفتح زاء وجمه یامیم  
و كزماز و هه مایكن تمیق الواو المهملة خراج بفتح اول و ثانی و كزماز و  
هه كاجر طح سوراق منضج بهی خ زرد شیرین ش و ده درم ل شلغم تمیق التختانی  
جر و املیطی چیز زبری كلسر اول و واول مهملة و همزه وسكون قاف و كسر لام وسكون  
تحتانی و كسر طار مهملة وسكون تحتانی ثانی و در لفة اول و فتح موصده و كسره او مهملة  
و در لفة ثانی م فقاقل و زردك شتی تنسیق السین المهملة وتمیق  
الفوقانی جست و بفتح اول وسكون سین مهملة و توتیا تمیق الدال المهملة  
جسا و كسر و فتح اول و ثانی و زعفران تمیق الواو خسر و دار و بفتح اول وسكون  
ثانی و فتح راء مهملة وسكون و او واول مهملة والفت وضم راء مهملة ثانی م خونیجان  
و خسر و دار و كلیجن تمیق التختانی جسمی بفتح اول وسكون ثانی و كسر سیم  
نك هه گوكر و تنسیق و تمیق الشین المعجمه شرف بفتح اول وسكون  
شین جمه مهرالیت كهود كه ازا بگینه سازند و نكش شبیه برك فیروزه باشد  
تنسیق و تمیق الصاد المهملة جصر بفتح اول و كسر ط ب ی  
ق قانض مخفف خ سفید براق ص شورابی جرب ل طین قیو لیا تنسیق الهمین

این کلمات را  
وزن آن  
سنگدان  
عصاره آمله  
فحیست از  
عطر و لاشک  
در آنکس کعب  
کنند و او کان  
گوید که خرماء  
بهر نوسیده

۱۰۳

و این کلمات را  
وزن آن  
سنگدان  
عصاره آمله  
فحیست از  
عطر و لاشک  
در آنکس کعب  
کنند و او کان  
گوید که خرماء  
بهر نوسیده

و این کلمات را  
وزن آن  
سنگدان  
عصاره آمله  
فحیست از  
عطر و لاشک  
در آنکس کعب  
کنند و او کان  
گوید که خرماء  
بهر نوسیده

للمهملة وتمنيق الما جده بضم اول وسكون عين مهملة وفتح وال مهملة وسكون  
 كير صغير كير وبراو عنبر بید گویند و صغیر ویر البیلزی گل اریه خوانند و گویند  
 نوعی از درمنه است طح ۳ می ۲ ق منضج ملطف مدر محلك قاطع ویدان خ  
 شامی صغیر تازه سفیدش یکدم ص حاما یا کز برهل در اخراج دو وادار  
 حیض پوست جوف انار تر یا فوینج جبلی یا شیخ تنسيق الفین للوجه و تمنيق  
 الفوقانی جفرا ت بضم اول وسكون عين معجمه بار او مهملة و الف م ماست  
 ع صقراط جفت و بفتح اول و ثانی وسكون شین معجمه تره ایست کم در  
 ابتدای بهار بیشتر از جمیع سبزیها بر مید و آنرا با سرکه ناخورش سازند تمنيق  
 چهاره و بفتح اول و ثانی و الف و فتح راز مهملة و خفاء مام بیخ جفت و نان  
 ازین تنسيق الف و تمنيق الطاء المهملة تحت البلوط و پوست  
 بیرون بلوط طب ی ا تمنيق انکاف جفتک و بضم اول وسكون  
 ثانی و فتح فوقانی مرغیست کند آن یک بال دارد و بر جانب دیگر قلابه باده  
 نیز یک بال دارد و بر جانب دیگر حلقه هر گاه که فرو آیند از هم دیگر جدا شوند و  
 مشغول گردند و همین که میل بر واز کنند زان قلابه را در حلقه بال او طنداند و  
 با هم بر واز کنند و لا ینفک و بفتح اول فارسی و ثانی طائر کار دانهک تمنيق التخت  
 جفری ع بفتح و ضم اول وسكون و کسر او مهملة و کفری یعنی پوست بها خرباره  
 نخ خوشبول سوره و میوزن پوست اند و میوزن گلسترخ باد نبال خود و یا جلنا  
 تنسيق الکاف الفارسی و تمنيق الما بکینه و بفتح اول و کاف فارسی و  
 سکون را و مهملة و فتح نون و خفاء و نوعی از کنگ که کوچک تر باشد و برگردم  
 برای سیاه باشد که آنرا روم بر سر گذارند تنسيق اللام و تمنيق الالف  
 جلنا تا سریانی بفتح اول وسكون لازم یا سیم الف و ثلثه و ان خیار بالنگ یعنی

سکه العنبر  
 نوعی از سنگ است که درخت  
 عسکری فرود آید  
 چنانکه بر آب گریز  
 بر نوعی از فلز غار  
 و نوعی او را از  
 عجل با طراف  
 برند بسیار است  
 مله و شلخته

۱۰۵

و نوعی از سنگ است که درخت  
 عسکری فرود آید  
 چنانکه بر آب گریز  
 بر نوعی از فلز غار  
 و نوعی او را از  
 عجل با طراف  
 برند بسیار است  
 مله و شلخته





بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون و او سبز است غنیمه به نفع غلبه دار  
بفتح اول و کسرتانی و سکون تختانی و دال ممله و الف و ضم راء ممله و دال و هم حس  
تمینق المحاء جلقوزه ف بکسر اول ثانی نازی سکون ثانی و ضم غین مجر و سکون و  
و فتح زاء مجر و هم حاء المصنوع الکباره چلکو جابفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف نازی  
و دال مجهول با جیم ثانی و الف جلقوزه جی سربانی بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم  
جیم ثانی و سکون و دال مجهول و فتح جیم ثالث و هات پود زبری جلد بضم اول و فتح  
ثانی شد و و خفاء بانباتی ست که در جای نمناک وید سپیده و ام و کدر و تخم و  
برگ ندارد و م سار و غ که کسرت رس و بفتح اول سرگین شتر تمینق التختانی بفتح  
حیشی بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم ثانی بالام ثانی و الف و ضم نون و سکون  
لام ثالث و فتح حاء ممله و موحده و کسرتین مجر و سکون تختانی و ف خشناش سب  
و گویند پودنه بری ست بکسرتان مصری و بیش تنسيق المید و تمینق الفوق  
و مست و بفتح اول و هم سکون سین ممله و فوقانی سگی نقیصی ست گویند که  
چون در ظرف جمست هر خنید شراب خور زبستی نکنند و اگر پاره جمست در قدح  
اندازند همین محل کند و چون در زیر بالین نهند خواب نیکو بیند تمینق الدال الممله  
جمع بفتح اول و ثانی و سکون دال ممله و فتح هاء بالاتمینق الواء الممله جابفتح  
ع بفتح اول و ثانی شد و الف و ضم راء ممله و فتح نون شد و سکون با و راء  
ممله ثانی م جال النهر ل بطباط جماع بفتح اول و ثانی شد و الف و مخیر سیر  
دخت خرما که پییر خرا گویند طب ی اگویند ب ۲ خ تر و شیرین ص خرما  
یا عسل ل حاض تمینق الواء المعجده حمیر و بفتح اول و کسرتانی و سکون تختانی  
و زاء مجر و با جیم اولم که گولر تمینق اللام حمل ع بفتح اول و ثانی و سکون لام  
و شتره اونٹ تمینق المید جمجم بربری بکسر هر دو جیم و سکون هر دو جیم

بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون و او سبز است غنیمه به نفع غلبه دار  
بفتح اول و کسرتانی و سکون تختانی و دال ممله و الف و ضم راء ممله و دال و هم حس  
تمینق المحاء جلقوزه ف بکسر اول ثانی نازی سکون ثانی و ضم غین مجر و سکون و  
و فتح زاء مجر و هم حاء المصنوع الکباره چلکو جابفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف نازی  
و دال مجهول با جیم ثانی و الف جلقوزه جی سربانی بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم  
جیم ثانی و سکون و دال مجهول و فتح جیم ثالث و هات پود زبری جلد بضم اول و فتح  
ثانی شد و و خفاء بانباتی ست که در جای نمناک وید سپیده و ام و کدر و تخم و  
برگ ندارد و م سار و غ که کسرت رس و بفتح اول سرگین شتر تمینق التختانی بفتح  
حیشی بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم ثانی بالام ثانی و الف و ضم نون و سکون  
لام ثالث و فتح حاء ممله و موحده و کسرتین مجر و سکون تختانی و ف خشناش سب  
و گویند پودنه بری ست بکسرتان مصری و بیش تنسيق المید و تمینق الفوق  
و مست و بفتح اول و هم سکون سین ممله و فوقانی سگی نقیصی ست گویند که  
چون در ظرف جمست هر خنید شراب خور زبستی نکنند و اگر پاره جمست در قدح  
اندازند همین محل کند و چون در زیر بالین نهند خواب نیکو بیند تمینق الدال الممله  
جمع بفتح اول و ثانی و سکون دال ممله و فتح هاء بالاتمینق الواء الممله جابفتح  
ع بفتح اول و ثانی شد و الف و ضم راء ممله و فتح نون شد و سکون با و راء  
ممله ثانی م جال النهر ل بطباط جماع بفتح اول و ثانی شد و الف و مخیر سیر  
دخت خرما که پییر خرا گویند طب ی اگویند ب ۲ خ تر و شیرین ص خرما  
یا عسل ل حاض تمینق الواء المعجده حمیر و بفتح اول و کسرتانی و سکون تختانی  
و زاء مجر و با جیم اولم که گولر تمینق اللام حمل ع بفتح اول و ثانی و سکون لام  
و شتره اونٹ تمینق المید جمجم بربری بکسر هر دو جیم و سکون هر دو جیم

بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون و او سبز است غنیمه به نفع غلبه دار  
بفتح اول و کسرتانی و سکون تختانی و دال ممله و الف و ضم راء ممله و دال و هم حس  
تمینق المحاء جلقوزه ف بکسر اول ثانی نازی سکون ثانی و ضم غین مجر و سکون و  
و فتح زاء مجر و هم حاء المصنوع الکباره چلکو جابفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف نازی  
و دال مجهول با جیم ثانی و الف جلقوزه جی سربانی بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم  
جیم ثانی و سکون و دال مجهول و فتح جیم ثالث و هات پود زبری جلد بضم اول و فتح  
ثانی شد و و خفاء بانباتی ست که در جای نمناک وید سپیده و ام و کدر و تخم و  
برگ ندارد و م سار و غ که کسرت رس و بفتح اول سرگین شتر تمینق التختانی بفتح  
حیشی بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم ثانی بالام ثانی و الف و ضم نون و سکون  
لام ثالث و فتح حاء ممله و موحده و کسرتین مجر و سکون تختانی و ف خشناش سب  
و گویند پودنه بری ست بکسرتان مصری و بیش تنسيق المید و تمینق الفوق  
و مست و بفتح اول و هم سکون سین ممله و فوقانی سگی نقیصی ست گویند که  
چون در ظرف جمست هر خنید شراب خور زبستی نکنند و اگر پاره جمست در قدح  
اندازند همین محل کند و چون در زیر بالین نهند خواب نیکو بیند تمینق الدال الممله  
جمع بفتح اول و ثانی و سکون دال ممله و فتح هاء بالاتمینق الواء الممله جابفتح  
ع بفتح اول و ثانی شد و الف و ضم راء ممله و فتح نون شد و سکون با و راء  
ممله ثانی م جال النهر ل بطباط جماع بفتح اول و ثانی شد و الف و مخیر سیر  
دخت خرما که پییر خرا گویند طب ی اگویند ب ۲ خ تر و شیرین ص خرما  
یا عسل ل حاض تمینق الواء المعجده حمیر و بفتح اول و کسرتانی و سکون تختانی  
و زاء مجر و با جیم اولم که گولر تمینق اللام حمل ع بفتح اول و ثانی و سکون لام  
و شتره اونٹ تمینق المید جمجم بربری بکسر هر دو جیم و سکون هر دو جیم

در یک درخت

مستوفی بہت

طرفشان او

خود

ایمان و عمل

بسمند

الحمد لله

وقت کی اینٹ

مجلس

15

25

۱۰۰

مجلس

三

۱۱۱

[illegible]

و

11

درود دوم: کرم است فدای تو ای که کنده بندش فعل دوم صلح میبینی. در تفاوت دوستی بهی سرود

ف پنجمی است که بشقاق ملاند و در رنگ و گویند که از زمین نه خیزد و از آبستون  
ز زمین از زمین برکشند و در میان اهل چین عزیز دارند و گویند که از ترکستان  
خیزد و معروف بود بهیم خطائی جعفرم بفتح اول و ثانی و سکون سین مملد و فتح  
او را و مملد و سکون میم یکان یلیان نیز بخورش یا نیموزن شج و نیموزن غلب الثقلب  
تمینق النون همان بضم اول و ثانی و الف و نون م جلیدا و تمینق الواو و جملد  
بفتح اول و سکون ثانی و فتح با و ضم لام و سکون واو و سنگ تمینق الهاء جمعیه  
بفتح اول و سکون ثانی و کسر عین مملد و سکون تحتانی و فتح را و مملد و خفا و با  
بشکر تمینق التختانی جمع چینی بفتح اول و ثانی و سکون سین مملد و فتح اول و سکون  
ثانی و ضم با و سکون او و کسر او و مملد تحتانی و شراب مثلث تمینق النون تمینق  
الف جنطیا نایونانی بکسر اول و سکون نون و کسر طاء مملد با تحتانی و الف و نون  
و الف ثانی و فتح سرخ رنگ است باندازه انگشت مطبوع و بنام بادشاهی خوانند  
که او را شاه جنطی گفتندی و پیکان بید و گویند درخت سنبلی و می طاح ۲ ی ۳ ق  
بفتح مفرج خ و می بسید سرخ خوشبویش نیم مثقال ص اسقو لو قدر لیون یا لیون  
ل یک نیموزن اسارون و نیموزن پوست سیخ کبر و زرافند و جمع تمینق الدال  
لمهمله جتید بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده و سکون تحتانی م صعت تمینق  
لواء المهمله جنح النسخ بفتح اول و ثانی و الف و ضم خا و جمع و فتح نون مشد  
و سکون سین مملد م با قلا جتیر بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم ثانی و فتح  
بند بید بضم اول و سکون ثانی و وال مملد و کسر موحده و تحتانی مجهول و فتح  
ال مملد ثانی و سکون سین مملد و فتح ثانی و آتش بیکان و کند بید و خسیه  
میوان بخری و خسیه سنگ آبی و خایه او بلا و طاح ی ۳ گویند ۲ ق ملطف و فتح  
و و خسیه بخرم بید و رفیق پوست که بعد از شکستن رنگش سیاه بود و در زیر

[illegible]

۱۵۹  
 بیاض شاد از روی  
 مقدار ده درم  
 یا پنجم درم  
 بول برای ده سال  
 و این بر سر  
 مسکنین  
 بپزند و هر روز  
 مانی نیز گویند  
 صندل الطیب  
 عمان

مراد مراد

مرد مسعود  
سحاق بن حسین  
گوید از قول  
بوس که مسعود  
بود جنت و بهشت  
مسعود دادند  
حسن را و  
صغیر است  
ننگ مشایخ  
وزاران گشت  
زود مرگ زود  
۱۱۰

مفتی محمد رفیع الدین صاحب دارالافتاء  
 دارالافتاء دارالعلوم دیوبند  
 دیوبند







مانند بلخ که در تابستان و هوا گرم بیشتر سرد بسیار فریاد کنند تمینق الزاء المعجمه  
چرف بفتح اول فارسی و سکون ثانی م میون تمینق الغین المعجمه چرخ و بکذلک  
فارسی سکون ثانی م خاریشت تمینق الکاف چرخ و بکسر اول فارسی و سکون  
ثانی م خاریشت تنسیق و تمینق الشین المعجمه چشم کا و شیش و بفتح اول  
فارسی باکاف فارسی م بابونه تمینق الکاف چشمک و بفتح اول فارسی و سکون  
معه و بفتح میم م چاکسو تمینق المیم چشمه و بفتح اول فارسی و ثانی و الف و شیش  
و م باضافت خا و جمعه مین شین الف و چشم و بخرف الف م چاکسو تمینق الواو  
چشم کا و بفتح اول فارسی باکاف فارسی م بابونه تنسیق الغین المعجمه و تمینق  
الذال الملهه چغندر بضم اول فارسی سکون ثانی پرند ایست شش و معروف و سکون  
اشتهار واره الکو تمینق الواو الملهه چغندر و بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون  
نون و فتح وال مملع سلق تمینق الزاء المعجمه چغندر بفتح اول فارسی و ثانی و سکون  
را و جمعه م گیاه را و زغوک تمینق الغین المعجمه چغندر بضم اول فارسی و ثانی و سکون  
تمینق الکاف چشمک و بضم اول فارسی و ثانی و چغندر و بفتح اول و ثانی و  
سکون و او م کنجشک تمینق الهاء چغندر و بفتح اول فارسی و ثانی و سکون  
را و جمعه و ال ممله و الف و فتح و ممله م جل یک سوال چغندر و بضم اول فارسی  
و سکون ثانی و فتح نون م کنجشک تنسیق و تمینق الکاف چغندر و بفتح  
اول فارسی و کاف و الف و فتح و او و سکون کاف ثانی پرند ایست کنجشک  
اندک بزرگتر و خوش آواز بود م جل ع قیره و ابو الملیح و در عراق هم نامند و  
سرخاب را نیز گویند تمینق الهاء چغندر و بفتح اول فارسی و ثانی و الف و فتح  
سین ممله م خاریشت تمینق التحتانی چکری و بضم اول فارسی و سکون  
و کسر و ممله نوعی از زیواش تنسیق الکاف الفارسی و تمینق الواو الملهه

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

۱۱۳  
بدر شاخه  
راپا  
شانه و بجز  
عجز الدم غنچه  
از ان جهت  
یعنی آب بر  
سنگ سوده  
شود آب را  
سرخ گردانند  
بست و است

[illegible]



بضم اول فارسی و ضم اول هندی و الف و چوزه لواف بضم لام با و اوم علیوا از

تمینق الراء المهمله چو نخوارف بضم اول فارسی و ثانی مجهول و سکون موحده  
 و ضم حاء معجمه و اوحد و له و الف و را و مهمله بکوک ع ارضه چور پورف بضم موحده فارسی  
 و او و مجهول ثانی و چورف بضم اول فارسی و ثانی مجهول م تدر و تمینق الکاف  
 چوک که بضم اول فارسی و سکون ثانی و کاف ع حاض زور فارسی جانور نیست که  
 خود را از شاخ درخت آویزد و حق حق سیکوید تازمانیکه قطره خون از خلق او بکشد یعنی  
 الت تناسل هم آمده و او مجهول ع اشنان چو لک ف بضم اول فارسی و سکون ثانی  
 و فتح کاف م طائر و م تمینق النون چو بین ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول و کسر  
 موحده و سکون تحتانی م طائر کار دانه تمینق الحاء چو بانه ف بنجد ع غیرا  
 چو بنیه ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول و کسر موحده و سکون تحتانی و فتح نون و  
 خفاء م چو بین تمینق التحتانی چو لائی که بفتح اول فارسی و سکون ثانی باللام و الف  
 و کسر موه و تحتانی ف بنبری مشهور هندیست که ناخویش سازند تنسيق الهاء تمینق  
 الالف چو هاء بفتح اول فارسی و اظهار بار و کسر و مهمله و سکون تحتانی بار و مهمله  
 و الف م شنه تمینق الدال المهمله غیر کننده بکسر اول فارسی اظهار بار و سکون تحتانی  
 و را و مهمله و وای هندیست که قسم ثانی او که سفیدست به داری کند گویند تمینق الراء  
 المهمله چو بفتح اول فارسی و اظهار بار و ثانی و سکون و مصلع سبل الطیب التحتانی  
 چو ماشی که بفتح اول فارسی اظهار بار و فوقانی هندی و الف و سیم و الف ثانی و خفاء نون و کسر  
 سیم و را و تحتانی م سبل تنسيق التحتانی و تمینق الالف چو بکسر اول فارسی  
 و سکون تحتانی با فوقانی و الف م ضیطح تمینق الهاء چیده که بکسر اول فارسی سکون  
 و فتح و ال هندی و را و هندی م صنوبر صنار توقیه الحاء المهمله و تنسيق  
 و تمینق الالف تا شایونانی بجاء مهمله و الف و شین معجمه و الف ثانی نوعی از پرور

بضم اول فارسی و ضم اول هندی و الف و چوزه لواف بضم لام با و اوم علیوا از  
 تمینق الراء المهمله چو نخوارف بضم اول فارسی و ثانی مجهول و سکون موحده  
 و ضم حاء معجمه و اوحد و له و الف و را و مهمله بکوک ع ارضه چور پورف بضم موحده فارسی  
 و او و مجهول ثانی و چورف بضم اول فارسی و ثانی مجهول م تدر و تمینق الکاف  
 چوک که بضم اول فارسی و سکون ثانی و کاف ع حاض زور فارسی جانور نیست که  
 خود را از شاخ درخت آویزد و حق حق سیکوید تازمانیکه قطره خون از خلق او بکشد یعنی  
 الت تناسل هم آمده و او مجهول ع اشنان چو لک ف بضم اول فارسی و سکون ثانی  
 و فتح کاف م طائر و م تمینق النون چو بین ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول و کسر  
 موحده و سکون تحتانی م طائر کار دانه تمینق الحاء چو بانه ف بنجد ع غیرا  
 چو بنیه ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول و کسر موحده و سکون تحتانی و فتح نون و  
 خفاء م چو بین تمینق التحتانی چو لائی که بفتح اول فارسی و سکون ثانی باللام و الف  
 و کسر موه و تحتانی ف بنبری مشهور هندیست که ناخویش سازند تنسيق الهاء تمینق  
 الالف چو هاء بفتح اول فارسی و اظهار بار و کسر و مهمله و سکون تحتانی بار و مهمله  
 و الف م شنه تمینق الدال المهمله غیر کننده بکسر اول فارسی اظهار بار و سکون تحتانی  
 و را و مهمله و وای هندیست که قسم ثانی او که سفیدست به داری کند گویند تمینق الراء  
 المهمله چو بفتح اول فارسی و اظهار بار و ثانی و سکون و مصلع سبل الطیب التحتانی  
 چو ماشی که بفتح اول فارسی اظهار بار و فوقانی هندی و الف و سیم و الف ثانی و خفاء نون و کسر  
 سیم و را و تحتانی م سبل تنسيق التحتانی و تمینق الالف چو بکسر اول فارسی  
 و سکون تحتانی با فوقانی و الف م ضیطح تمینق الهاء چیده که بکسر اول فارسی سکون  
 و فتح و ال هندی و را و هندی م صنوبر صنار توقیه الحاء المهمله و تنسيق  
 و تمینق الالف تا شایونانی بجاء مهمله و الف و شین معجمه و الف ثانی نوعی از پرور

مادون بکسر اول فارسی و ضم اول هندی و الف و چوزه لواف بضم لام با و اوم علیوا از

د کوزلشی

راهم گویند  
ویندوی  
کامل ببالان  
نیز خوانند  
گرم است در  
دو درجه و تریست  
در یک درجه  
و مقوی است  
و شکر لازم

۱۱۴

د کوزلشی  
راهم گویند  
ویندوی  
کامل ببالان  
نیز خوانند  
گرم است در  
دو درجه و تریست  
در یک درجه  
و مقوی است  
و شکر لازم

سست نازکی  
کشتافش  
دفعه پنجم  
دفعه ششم  
دفعه هفتم  
دفعه هشتم  
دفعه نهم  
دفعه دهم  
دفعه یازدهم  
دفعه بیستم  
دفعه سی و دوم  
دفعه سی و سوم  
دفعه سی و چهارم  
دفعه سی و پنجم  
دفعه سی و ششم  
دفعه سی و هفتم  
دفعه سی و هشتم  
دفعه سی و نهم  
دفعه سی و دهم  
دفعه سی و یازدهم  
دفعه سی و بیستم  
دفعه سی و سوم  
دفعه سی و چهارم  
دفعه سی و پنجم  
دفعه سی و ششم  
دفعه سی و هفتم  
دفعه سی و هشتم  
دفعه سی و نهم  
دفعه سی و دهم  
دفعه سی و یازدهم  
دفعه سی و بیستم

پودنه کوی و گویند برگ سپندان رشتی طحی ۳ گویند ۲ ق ملطف مفتح  
محلل مقطع خ تازه و تریش تا و در مص نفع با طباشیرل حالو ما سالی بضم  
لام سکون واو با سیم ششکار تمیق البجید حاج ع جاد مملد الف ف غارت  
که ترنجبین انان محلل میشود تمیق الواو المملد حافر الحما ع ف هم خر حافر  
ع جاد مملد الف و کسراف سیم که طرب ای ق مجفف خ از خیلونیکه منجورند  
ص روغن ل قرن حافر المهر ع بفتح سیم و سکون بام سوخجان و لعبت بربری  
ل سیسالیوس تمیق الشین المعجد حافر حمار الوحش ع ف هم گویند تمیق  
اللام حافظ الاطفال و حافظ النحل ع م فرنیون تمیق النون حافر البرون  
ع ف سیم تمیق الموحد و تمیق الالف جاد قاسم بانی بفتح اول مسوده  
والف وقاف و الف ثانی م چند قوقی حب الشرسا بضم فوقانی و سکون را مملد  
باشین معی و تخم ترشبنک که چو کبکبک بفتح خا و جمعه و سکون ضا و  
جمعه با و مملد م تر و خیت بطرف و ن و بن طحی ۳ گویند ۳ گویند ۴ ق مدر  
بسیخ بزرگ بهتر از ص کثیرال مغرسته و مغر با و ام حبه السوداء بفتح اول  
و ثانی مشدد و ضم فوقانی و فتح سین مملد مشدد و سکون واو با و ال مملد ف  
سباء و انه حب ککلا بفتح حار مملد و سکون فون و فتح کاف بالام و الف م حب  
حق القناع بفتح اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح فا و فوقانی  
م ترنگوش حب القناع بفتح فا و فون و روباه ترکیب جلق الماوع با سیم  
مستوصه و الف مدوده و پودینه آبی تمیق الموحد ل حب الزیب ع  
بفتح زا و جمعه و کسر موصه و سکون ثانی و تخم موزیه و ککبکبک بفتح طاب ای  
ش پنجدرم ص کثیرا حب الحذب ع کبکبک و سکون حار مملد و فتح لام ف  
پیوندیرم که سیلا طحی ۳ گویند مع گویند ب ل مغر با و ام تلخ تمیق القوا

د کوزلشی  
راهم گویند  
ویندوی  
کامل ببالان  
نیز خوانند  
گرم است در  
دو درجه و تریست  
در یک درجه  
و مقوی است  
و شکر لازم

حب الفلتع بكسوف وسكون لام ف ماش هندی که کشتی و گویند بنواول  
 تخم بلبلوس تمیق الحیو حب ککج ع و ف و س در پرده طب مع  
 گویند بی اگویند س خ بزرگ سنج کوهی یا بستانی ص ورق گل سنج  
 ل غلب ثعلب تمیق الحاء المله حب المساج ع بکسوف و سکون سیم و سیم ممله و  
 ف یو دینه الی تمیق الحاء المله حب البطح ع و تخم خرزوزه شونیز یا حب شونیز  
 در شک تمیق الال المله حب الشایع بفتح ر و ممله شد شین ممله و ال ممله و تخم تره کن طح ع  
 ق مفتع ملطف مقطع مسهل لغم و م و صفر اخ بایلی نوش تا و شقال ص شکر ل  
 جرجیر و خردل و تخم ترب و در ضما و حق النساء طیح حب لفتح ف و قاف و سکون ال سمل  
 ف تخم پنجه شکست حب الیهود ع بفتح تحتانی و ضم ی و سکون و او م حب ککج تمیق  
 الراء المله حب الصنوبر شفاع بفتح صاد ممله شد و و نون و سکون و او  
 و فتح موصده ثانی و کسر او ممله و صا و ممله ثانی باغین معجمه الف و راء ممله ثانی و  
 تخم کاج و تاثره و جنده کزنج طح ی ۲ حب الصنوبر کبار ع بکسوف و فتح با و  
 موصده و الف و چلفوزه که چلکوبیا و نوجا طح را گویند ۲ گویند مع ح ب  
 ق بهی مش سدرم تا پنجدرم ص با قند خوردن ل حب مملد با مقشر یا نیمون  
 با و ام مقشر یا مقشر تخم خرزیزه یا مقشر جوز هندی یا مقشر بادام کوهی یا حب بنو بر صغار  
 حب العرعر بفتح ه و عین ممله و سکون هر و و راء ممله و تخم و بل که هو و سیر  
 حب العصفور بفتح عین ممله و سکون صا و ممله و فتح ف و سکون یا ممله و سکون الف ع  
 یغین معجمه الف و راء ممله شد سیم تا س طح ع ل حب مملد یا مقشر بادام تخم حقیق  
 ع سکون لام و فتح موصده و قاف و بابونه تمیق الزا المله حب کفریز ع  
 بفتح عین ممله و کسر او معجمه سکون تحتانی و راء حتمانی م حب الزلن تخم کنک حب لوز  
 بفتح و او و سکون ل و جهمه شمع سان العصار تمیق السین المله حب الاس

کسوف و سکون لام ف ماش هندی که کشتی و گویند بنواول  
 تخم بلبلوس تمیق الحیو حب ککج ع و ف و س در پرده طب مع  
 گویند بی اگویند س خ بزرگ سنج کوهی یا بستانی ص ورق گل سنج  
 ل غلب ثعلب تمیق الحاء المله حب المساج ع بکسوف و سکون سیم و سیم ممله و  
 ف یو دینه الی تمیق الحاء المله حب البطح ع و تخم خرزوزه شونیز یا حب شونیز  
 در شک تمیق الال المله حب الشایع بفتح ر و ممله شد شین ممله و ال ممله و تخم تره کن طح ع  
 ق مفتع ملطف مقطع مسهل لغم و م و صفر اخ بایلی نوش تا و شقال ص شکر ل  
 جرجیر و خردل و تخم ترب و در ضما و حق النساء طیح حب لفتح ف و قاف و سکون ال سمل  
 ف تخم پنجه شکست حب الیهود ع بفتح تحتانی و ضم ی و سکون و او م حب ککج تمیق  
 الراء المله حب الصنوبر شفاع بفتح صاد ممله شد و و نون و سکون و او  
 و فتح موصده ثانی و کسر او ممله و صا و ممله ثانی باغین معجمه الف و راء ممله ثانی و  
 تخم کاج و تاثره و جنده کزنج طح ی ۲ حب الصنوبر کبار ع بکسوف و فتح با و  
 موصده و الف و چلفوزه که چلکوبیا و نوجا طح را گویند ۲ گویند مع ح ب  
 ق بهی مش سدرم تا پنجدرم ص با قند خوردن ل حب مملد با مقشر یا نیمون  
 با و ام مقشر یا مقشر تخم خرزیزه یا مقشر جوز هندی یا مقشر بادام کوهی یا حب بنو بر صغار  
 حب العرعر بفتح ه و عین ممله و سکون هر و و راء ممله و تخم و بل که هو و سیر  
 حب العصفور بفتح عین ممله و سکون صا و ممله و فتح ف و سکون یا ممله و سکون الف ع  
 یغین معجمه الف و راء ممله شد سیم تا س طح ع ل حب مملد یا مقشر بادام تخم حقیق  
 ع سکون لام و فتح موصده و قاف و بابونه تمیق الزا المله حب کفریز ع  
 بفتح عین ممله و کسر او معجمه سکون تحتانی و راء حتمانی م حب الزلن تخم کنک حب لوز  
 بفتح و او و سکون ل و جهمه شمع سان العصار تمیق السین المله حب الاس

الال المله حب الشایع بفتح ر و ممله شد شین ممله و ال ممله و تخم تره کن طح ع





نسخه خطی کتب معتبره در علم طب و طباطبائی

بروغن گردگان بالبلبله و گویند و ردل سقمونیاد و سهال دفع سوا نیمون خینظل  
 و دانگ زن آن حجرارینی حب الفیل ع بفتح اول و ثانی و ضم قاف و سکون لام  
 و کسراف و سکون تختانی م مرزنگوش تمیق الحبی حب الزلم ع بفتح زاء و جمع  
 شد و لام و سکون میم ف تخم کنکرا طح ۳ را گویند ح ی ق بهی خ تازه  
 ش و دو درم ص شکرل خشخاش و زاجیل و شقاقل حب المنشم بضم میم و سکون  
 نون و کشرین بمعرف نقل خواج حب لنوم ع بفتح نون و شد و سکون و او م  
 حب کا کنج تمیق النون حب لبان ع بوحده و الف و نون ف پسته غالیه  
 ه بکائن کبیج طح ی ۲ گویند ۳ گویند راخ بزرگ خوشبوی ش و دو درم  
 ل قشور سلخه یا فوه و ده یک آن بسباسه حب البلسان ع بسکون لام و فتح حوه  
 ثانی و لام سین ممله و الف و نون ف تخم بلسان طح ی ۲ ق ملطف و نفوی  
 کبد و مجلی و ساخ قروح ش و دو درم کثیرال ع و بلسان و یکوزن سلخه و ده یک  
 آن بسباسه حب لراس ع بر او ممله و الف و فتح سین ممله و اجم و حب  
 ع بضم راء ممله شد و با میم شد و الف و امار وانه طب ی خ ترش و قرح  
 سماق حب السلاطین ع بفتح سین ممله شد و لام الف و کسراف ممله و سکون ثانی  
 ف و دنده جا لگو ۱ او م حب الیال حب القطن ع بضم قاف و سکون طاء ممله و ف  
 پنبه و انه بنو لا طح ۲ گویند ربخ بزرگ نفترش هفتدم ص خمیره و غشیل  
 حب الحرف نیموزن حب المساکین ع بفتح میم سین ممله و الف و کسراف سکون  
 تختانی و نون م تخم بلبل تمیق الحبی البسند ع بکسر سین ممله شد و سکون میم و فتح  
 نون و خفایا ف نقل خواجده چودنجی طح ۲ گویند اق سمن خ انچه از بالا  
 نبودش بکشتال و گویند خشک اوده درم ص قند و پسته ل نیموزن نیموزن  
 و نیموزن مغز بادام و نیموزن کنجد مقشر یا حب الحلب حب خلوه بضم خاء و جمع و

نسخه خطی کتب معتبره در علم طب و طباطبائی  
 و کسراف و سکون تختانی م مرزنگوش تمیق الحبی حب الزلم ع بفتح زاء و جمع  
 شد و لام و سکون میم ف تخم کنکرا طح ۳ را گویند ح ی ق بهی خ تازه  
 ش و دو درم ص شکرل خشخاش و زاجیل و شقاقل حب المنشم بضم میم و سکون  
 نون و کشرین بمعرف نقل خواج حب لنوم ع بفتح نون و شد و سکون و او م  
 حب کا کنج تمیق النون حب لبان ع بوحده و الف و نون ف پسته غالیه  
 ه بکائن کبیج طح ی ۲ گویند ۳ گویند راخ بزرگ خوشبوی ش و دو درم  
 ل قشور سلخه یا فوه و ده یک آن بسباسه حب البلسان ع بسکون لام و فتح حوه  
 ثانی و لام سین ممله و الف و نون ف تخم بلسان طح ی ۲ ق ملطف و نفوی  
 کبد و مجلی و ساخ قروح ش و دو درم کثیرال ع و بلسان و یکوزن سلخه و ده یک  
 آن بسباسه حب لراس ع بر او ممله و الف و فتح سین ممله و اجم و حب  
 ع بضم راء ممله شد و با میم شد و الف و امار وانه طب ی خ ترش و قرح  
 سماق حب السلاطین ع بفتح سین ممله شد و لام الف و کسراف ممله و سکون ثانی  
 ف و دنده جا لگو ۱ او م حب الیال حب القطن ع بضم قاف و سکون طاء ممله و ف  
 پنبه و انه بنو لا طح ۲ گویند ربخ بزرگ نفترش هفتدم ص خمیره و غشیل  
 حب الحرف نیموزن حب المساکین ع بفتح میم سین ممله و الف و کسراف سکون  
 تختانی و نون م تخم بلبل تمیق الحبی البسند ع بکسر سین ممله شد و سکون میم و فتح  
 نون و خفایا ف نقل خواجده چودنجی طح ۲ گویند اق سمن خ انچه از بالا  
 نبودش بکشتال و گویند خشک اوده درم ص قند و پسته ل نیموزن نیموزن  
 و نیموزن مغز بادام و نیموزن کنجد مقشر یا حب الحلب حب خلوه بضم خاء و جمع و

نسخه خطی کتب معتبره در علم طب و طباطبائی



در میان سنگ یا بند حجر الافروج ع بفتح همزه و سکون فاو ضم را و همزه و سکون او

بیم سنگی است که از بلاد روم خیزد و سنگی بود که بر روی آب یا استدل حجر الفضة  
تتمیق الدال المهمله حجر الیهوج بفتح تحتانی و ضم ه و سکون واو ف  
سنگ جهودان که بر تیون ماند و خطوط بسیار بر دست طمع گویند ب ای  
ق مفتتخ زیتونی شکل ش نیم درم صی سکنجین سفر جلی ل بهت نفرس مس  
حجر لازورج بالام و الف و سکون زار و مع و فتح واو و سکون را و همزه و سکون لا و  
تمیق الواو المهمله حجر الاحمر بفتح همزه و سکون حا و همزه و فتح میم ف سنگی است  
بلون بسد و از جمله شوم قتاله ایست حجر البقر بفتح موحده دقات ف سنگی است  
که در زهره گاو بهر سد و آن باز بهرست ع جا و زهره ف گا و زهره کای روین حجر  
ع بضم موحده و لام ثانی و سکون واو ف سنگ بلور حجر الطور ع بضم طاء و همزه  
م حجر الهم حجر القمع بفتح قاف و میم هم براق النمره چند رکابت که ایشب در افروز  
ماه یا بند در بلاد عرب حجر القیشور ع بفتح قاف و سکون تحتانی و ضم شین و همزه و سکون  
واو و را و همزه ف نوعی از کفدر یا حجر النمر ع بفتح نون شد و سکون سین همزه و را و همزه  
م التمکت که در نجوا حجر النمر ع بفتح نون شد و کسر میم ف سنگی است که در ماده  
بهرسد حجر الساع بفتح نون شد و الف و ف سنگ چقماق و وی مختلف الاول  
می باشد طاب ای ۳ ق و ز و را محفف خنازیر و مندل قروح عسر الاند مال  
همه اعضاء بر تعلیق اوله بسته بزان عامله را نافع عشر لارت حجر النور ع بفتح  
نون شد و سکون واو م قریشا تتمیق السین المهمله حجر نا غاطس  
یونانی بفتح همزه و نون و الف و غین معجره و الف ثانی و کسر طاء و همزه و سنگی  
که چون بسایند برنگ خون ماند حجر التیس ع بفتح ثقیف و ثانی شد و سکون تحتانی  
ف پازهر شبانکاره و باز بهر حیوانی دان از بز صحرایی حاصل میشود که خورش

در میان سنگ یا بند حجر الافروج ع بفتح همزه و سکون فاو ضم را و همزه و سکون او  
بیم سنگی است که از بلاد روم خیزد و سنگی بود که بر روی آب یا استدل حجر الفضة  
تتمیق الدال المهمله حجر الیهوج بفتح تحتانی و ضم ه و سکون واو ف  
سنگ جهودان که بر تیون ماند و خطوط بسیار بر دست طمع گویند ب ای  
ق مفتتخ زیتونی شکل ش نیم درم صی سکنجین سفر جلی ل بهت نفرس مس  
حجر لازورج بالام و الف و سکون زار و مع و فتح واو و سکون را و همزه و سکون لا و  
تمیق الواو المهمله حجر الاحمر بفتح همزه و سکون حا و همزه و فتح میم ف سنگی است  
بلون بسد و از جمله شوم قتاله ایست حجر البقر بفتح موحده دقات ف سنگی است  
که در زهره گاو بهر سد و آن باز بهرست ع جا و زهره ف گا و زهره کای روین حجر  
ع بضم موحده و لام ثانی و سکون واو ف سنگ بلور حجر الطور ع بضم طاء و همزه  
م حجر الهم حجر القمع بفتح قاف و میم هم براق النمره چند رکابت که ایشب در افروز  
ماه یا بند در بلاد عرب حجر القیشور ع بفتح قاف و سکون تحتانی و ضم شین و همزه و سکون  
واو و را و همزه ف نوعی از کفدر یا حجر النمر ع بفتح نون شد و سکون سین همزه و را و همزه  
م التمکت که در نجوا حجر النمر ع بفتح نون شد و کسر میم ف سنگی است که در ماده  
بهرسد حجر الساع بفتح نون شد و الف و ف سنگ چقماق و وی مختلف الاول  
می باشد طاب ای ۳ ق و ز و را محفف خنازیر و مندل قروح عسر الاند مال  
همه اعضاء بر تعلیق اوله بسته بزان عامله را نافع عشر لارت حجر النور ع بفتح  
نون شد و سکون واو م قریشا تتمیق السین المهمله حجر نا غاطس  
یونانی بفتح همزه و نون و الف و غین معجره و الف ثانی و کسر طاء و همزه و سنگی  
که چون بسایند برنگ خون ماند حجر التیس ع بفتح ثقیف و ثانی شد و سکون تحتانی  
ف پازهر شبانکاره و باز بهر حیوانی دان از بز صحرایی حاصل میشود که خورش

در میان سنگ یا بند حجر الافروج ع بفتح همزه و سکون فاو ضم را و همزه و سکون او

در این باب یادگار در این باب یادگار در این باب یادگار

در این باب یادگار در این باب یادگار در این باب یادگار

۱۲۲

در این باب یادگار در این باب یادگار در این باب یادگار

مخلصه است از هر مراحج المقتناطیس ع بکسیریم و سکون قاف و فتح نون و هـ  
و کس طاء و ملامه سکون تخانی و سین بهای سنگ کهن باه چمک پتر تمیق الطاء و الملامه  
حجر السطر الطاء ع بفتح سین ملامه شد و سکون طاء و ملامه و کس طاء و تخانی طاء و ملامه ثانی  
سنگ مر تمیق الهاجر الخط الطیف بفتح قاف و مجبه و طاء و ملامه و الف و کس طاء و ملامه ثانی و  
و سکون تخانی و فاف سنگ پرستوک چون پنج خستین پرستوک در افزونی ماه  
بکشی و کش بشکافی دوپاره سنگ برآید یکی یک رنگ و دیگری بزرگ مختلف  
حجر الشفاف ع بفتح شین معجمه شد و فاف و شد و الف م حجر قیشور تمیق القاف  
حجر مشفق ع بضم میم و فتح شین معجمه و قاف شد و سکون قاف ثانی و سنگیت  
زرد و از بلاد مغرب بخیزد و تو بر تو بوج زعفرانی زرد و زنده شکافته تو بر تو تمیق  
الکاف حجر الدیک ع ف سنگی ست که در شکم خروس یا بند حجر الکک بفتح کاف  
در ملامه و سکون کاف ثانی و سنگی ست بغایت سفید بر ساحل بحر هند برسد طبع  
تمیق اللام حمل ع بفتح دال سکون ثانی لام ف که کس آتش خوار تمیق اللید و حجر الحاد  
بفتح طاء و ملامه بایسم و الف و میم ثانی و سنگی ست که در کبوتر یا بند حجر الدم ع  
بفتح دال ملامه شد و ف شاد و حجر الرخام ع بضم راء و ملامه شد و ثانی باخا و مجبه  
و الف م طین قبیولیا سنگی سفید مشهور است و وی اقسام باشد خ سفید طاب  
۲ می ق قاطع نرف الدم مدمل جهات باسکره محلل و رام و ذر و راقاطع بوسیر  
تمیق النون حجر الزیتون ع بفتح زاء معجمه شد و سکون تخانی و ضم فوقانی و  
سکون داو و نون م حجر الیهود و حجر المسن ع بکسیریم و فتح سین ملامه و سکون نون و فاشا  
تمیق المعاء حجر الالاف ع بفتح نزه باسین ملامه و الف و کس کاف و فتح فاف و خفا و  
ف سنگی ست که کفشگران آذر بدان تیر کنند حجر الحیمه ع بفتح جاء ملامه و تخانی  
شده و هاف سنگ بار و بازیره سانپ کاسن و آن معدنی ست و حیوانی حیوانی

در این باب یادگار در این باب یادگار در این باب یادگار



تکلیف از این جهت که در این کتاب

از افعی گیرند و از ایاذ هر و باد مهر و دمار مهر خوانند و آن بلون مار بود و امتحانش  
 آنست که چون در آب لیوانند از در حرکت آید حجر مثانه بفتح میم و ثلثه و الف  
 و فتح نون و ف سنگی است که در مثانه آدمی به رسیده پتیری حجر مشوبه بفتح میم و  
 سکون شین معجزه و کسرا و فتح تحتانی شود و کلس نوره چون کلی منیق التخت  
 حجر ارنی بفتح اول ثانی و سکون را و ممله و فتح هنر و سکون را و ممله ثانی و فتح میم  
 و کسرون و ف کل ارنی طبی اف اسلخ سبر مائل بسفیدی باندک کبونی  
 و پس از سنگستن چهار دانند و منج باشد و بعد از ترک کردن بوی طفل با بوی گل خوش  
 و بدش نهد و م تا نیم شقال ص مفسول ل یکینم وزن حجر لازم و در حجر اربا بفتح  
 همزه و سکون عین ممله بار و ممله ثانی و الف و کسره و موحده و ف شاکر سنگ بشیر ای  
 سنگ زخم حجر اللبنی بفتح لام مشدود و موحده و کسرون و ف سنگ شیرین چون  
 او را آب بسایند بشیر اند حجر جبری بفتح موحده و سکون حار و ممله ثانی و کسره و ممله  
 م مر جان و سنگا و پربال حجر جبری بفتح حار و ممله ثانی و موحده و کسرون و موحده  
 و ف سنگیست سبز رنگ مانند پشم حجر خدی بفتح حار و ممله ثانی و کسره و ممله  
 و سکون تحتانی و کسره و ممله ثانی و ف خاها مندل حدیدی حجر خرفی بفتح خا و موحده و ممله  
 و کسره و فتناف سنگ مصریت مانند خرف و زود از هم بشکافد و صفایج بر کد گیرد  
 حجر روشنائی بضم را و ممله ثانی و و او بجهول سکون شین معجزه بون و الف و کسره  
 همزه و م قشیشا حجر علی بفتح سنگی است که چون بسایند رطوبت می بغایت  
 شیرین بود و بقوت شادند باشد حجر قبطی بفتح کسره و ف و سکون موحده و کسره  
 ممله و ف سنگیست مصری بغایت سست در آب زود دخل شود و گادان  
 مصر کتان بدان شویند حجر هندی و نوعی از شادند نه نیست تلخیص الدلائل  
 المله و تمیق الفوقانی حدک بضم اول و دال ممله الف و فوقانی و ف

تکلیف از این جهت که در این کتاب  
 از افعی گیرند و از ایاذ هر و باد مهر و دمار مهر خوانند و آن بلون مار بود و امتحانش  
 آنست که چون در آب لیوانند از در حرکت آید حجر مثانه بفتح میم و ثلثه و الف  
 و فتح نون و ف سنگی است که در مثانه آدمی به رسیده پتیری حجر مشوبه بفتح میم و  
 سکون شین معجزه و کسرا و فتح تحتانی شود و کلس نوره چون کلی منیق التخت  
 حجر ارنی بفتح اول ثانی و سکون را و ممله و فتح هنر و سکون را و ممله ثانی و فتح میم  
 و کسرون و ف کل ارنی طبی اف اسلخ سبر مائل بسفیدی باندک کبونی  
 و پس از سنگستن چهار دانند و منج باشد و بعد از ترک کردن بوی طفل با بوی گل خوش  
 و بدش نهد و م تا نیم شقال ص مفسول ل یکینم وزن حجر لازم و در حجر اربا بفتح  
 همزه و سکون عین ممله بار و ممله ثانی و الف و کسره و موحده و ف شاکر سنگ بشیر ای  
 سنگ زخم حجر اللبنی بفتح لام مشدود و موحده و کسرون و ف سنگ شیرین چون  
 او را آب بسایند بشیر اند حجر جبری بفتح موحده و سکون حار و ممله ثانی و کسره و ممله  
 م مر جان و سنگا و پربال حجر جبری بفتح حار و ممله ثانی و موحده و کسرون و موحده  
 و ف سنگیست سبز رنگ مانند پشم حجر خدی بفتح حار و ممله ثانی و کسره و ممله  
 و سکون تحتانی و کسره و ممله ثانی و ف خاها مندل حدیدی حجر خرفی بفتح خا و موحده و ممله  
 و کسره و فتناف سنگ مصریت مانند خرف و زود از هم بشکافد و صفایج بر کد گیرد  
 حجر روشنائی بضم را و ممله ثانی و و او بجهول سکون شین معجزه بون و الف و کسره  
 همزه و م قشیشا حجر علی بفتح سنگی است که چون بسایند رطوبت می بغایت  
 شیرین بود و بقوت شادند باشد حجر قبطی بفتح کسره و ف و سکون موحده و کسره  
 ممله و ف سنگیست مصری بغایت سست در آب زود دخل شود و گادان  
 مصر کتان بدان شویند حجر هندی و نوعی از شادند نه نیست تلخیص الدلائل  
 المله و تمیق الفوقانی حدک بضم اول و دال ممله الف و فوقانی و ف

تکلیف از این جهت که در این کتاب



عونی و اینها را صفحہ را برآ خود باشد گفتار نویسنده بسیار سنگین و اشرار





ف آهک و نوره تمینق اللام حلا حل و تحمل لفتح اول و ثانی و الف و کسر حار مهمل

ثانی و سکون لام ثانی در لغت اول و بکسر هر دو لام در لغت ثانی م یاز بلبلوب  
 تمینق الیوم علم بضم اول و ثانی شمر و ف کنه قرا و کملی کرمی ست که اکثر بگویند  
 سک و دیگر حیوانات می پسند تمینق النون مکتزون بفتح اول سکون ثانی و ضم  
 معجوه سکون و او و نون ف نوعی از صدف که شمع یا سنگه طبای و خاکستر بری  
 اوج اف محفص ص فوا که قابض ل صدف تمینق الوا و طیموع بفتح اول  
 و کثر ثانی و سکون تحتانی و ضم سیم و سکون و او ف پنج حماض بری تمینق الها  
 حایم بضم اول و سکون ثانی و فتح سوجه و خفا و یا هم سمنه و شملت استی  
 طح می آگونیذ ح سرق منضج ملین ش و دورم و در حقنه تابست درم  
 و روشن قسط تلخ ل بزرگ قان و اکلیل الملک حکیف بضم اول و فتح ثانی  
 و سکون تحتانی و فتح فادام حراف که خرد سداب کوبی تنسیق المیکر تمینق  
 و الف حلا ف بفتح اول و سیم الف و سیم ثانی و الف ثانی هم بالهوج طح می ۲  
 گویند و ق منضج مفتوح منشی و مقوی کبید و منومخ ازنی و بهی و بشو ش و درم  
 و در ل تمام یا یا سمن خشک و گویند اشنة و بنیل حمیراع بضم اول و فتح ثانی و  
 و سکون تحتانی بار و مهمل الف شمنکار تمینق الموحده حاض الاربع بکسر اول  
 با سیم و الف و ضم ضاد مهمل و سکون لام و فتح همزه و سکون راء مهمل و فتح نون  
 و سکون بوجه هم کثوث تمینق الجسیم حاض الاربع بضم همزه و سکون فوقانی  
 و ضم راء مهمل ف ترشده ترنج طبای سحر شراب خنخاش ل حاض الیوم تمینق  
 الواء المهمله حاض البقر بفتح موحده و فاف ف حاض بری حاض نهر  
 بفتح نون و سکون هام حاض بستانی حمر بضم اول سکون ثانی و لام و فادام  
 و انبلی حمض الایسر بکسر اول و فتح ثانی مشد و ضم ضاد مهمل و سکون لام و

ف آهک و نوره تمینق اللام حلا حل و تحمل لفتح اول و ثانی و الف و کسر حار مهمل  
 ثانی و سکون لام ثانی در لغت اول و بکسر هر دو لام در لغت ثانی م یاز بلبلوب  
 تمینق الیوم علم بضم اول و ثانی شمر و ف کنه قرا و کملی کرمی ست که اکثر بگویند  
 سک و دیگر حیوانات می پسند تمینق النون مکتزون بفتح اول سکون ثانی و ضم  
 معجوه سکون و او و نون ف نوعی از صدف که شمع یا سنگه طبای و خاکستر بری  
 اوج اف محفص ص فوا که قابض ل صدف تمینق الوا و طیموع بفتح اول  
 و کثر ثانی و سکون تحتانی و ضم سیم و سکون و او ف پنج حماض بری تمینق الها  
 حایم بضم اول و سکون ثانی و فتح سوجه و خفا و یا هم سمنه و شملت استی  
 طح می آگونیذ ح سرق منضج ملین ش و دورم و در حقنه تابست درم  
 و روشن قسط تلخ ل بزرگ قان و اکلیل الملک حکیف بضم اول و فتح ثانی  
 و سکون تحتانی و فتح فادام حراف که خرد سداب کوبی تنسیق المیکر تمینق  
 و الف حلا ف بفتح اول و سیم الف و سیم ثانی و الف ثانی هم بالهوج طح می ۲  
 گویند و ق منضج مفتوح منشی و مقوی کبید و منومخ ازنی و بهی و بشو ش و درم  
 و در ل تمام یا یا سمن خشک و گویند اشنة و بنیل حمیراع بضم اول و فتح ثانی و  
 و سکون تحتانی بار و مهمل الف شمنکار تمینق الموحده حاض الاربع بکسر اول  
 با سیم و الف و ضم ضاد مهمل و سکون لام و فتح همزه و سکون راء مهمل و فتح نون  
 و سکون بوجه هم کثوث تمینق الجسیم حاض الاربع بضم همزه و سکون فوقانی  
 و ضم راء مهمل ف ترشده ترنج طبای سحر شراب خنخاش ل حاض الیوم تمینق  
 الواء المهمله حاض البقر بفتح موحده و فاف ف حاض بری حاض نهر  
 بفتح نون و سکون هام حاض بستانی حمر بضم اول سکون ثانی و لام و فادام  
 و انبلی حمض الایسر بکسر اول و فتح ثانی مشد و ضم ضاد مهمل و سکون لام و

ف آهک و نوره تمینق اللام حلا حل و تحمل لفتح اول و ثانی و الف و کسر حار مهمل

طفا و لطافت بیوفی در محلب سرد خشک و عینش کان گویند غولینه و ساد با جابه دیار

طفا و طوف

گنزار گویند  
و آن النوع است  
یکنوع او آنست  
که شتر از گریان  
خوانند و بند  
بها و گوشت  
شتر و شکست  
در دود در  
دبیل مرغ

17A

تو بگو که در این دنیا  
چرا دلی را از دل جدا کردی

وفتح همزه و کسر سیم و سکون تحتانی و فاخته سکون تینق الصاد المهمله حمض ع  
 بفتح اول و کسر ثانی مشد و سکون صاد مهمله و فتوحه و خنی طح و کوئیدی گویند ۳ مع ح  
 ق مد ربی قابض طبع خ سفید بزرگ صی خشخاش کل باقلا تینق الصاد المهمله  
 حمز الارض ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون لام و فتح همزه و سکون ا  
 مهمله ثانی م خراطین حمض ع بفتح اول و ثانی و سکون صاد مهمله اشتان تینق الطاء المهمله  
 حاطع اول کسر ثانی و الف طاء مهمله نوعی از میوه تینق اللام ح ل ع بفتح اول و ثانی و سکون  
 و ف بره لا طوان تینق المیم حمض ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر و مهمله ثانی  
 و سکون میم ثانی و فستان افروز طح ی ۲ حاطع بفتح اول و ثانی و الف میم ف کبوتر  
 پروا طح ی حاطع بضم هر دو و مهمله و سکون هر دو میم ف گا و زبان تینق التجتا  
 عمار ایل ع ف خره گد باط الحش ح ی ۲ حار و حشی ع ف گور و طح ی ۳ حار  
 بستانی ع بفتح اول و ثانی مشد و الف و صاد و عجم ف ترشنگ و چقند صحرایی  
 و ساگ چوکا طب نی ۲ ق قابض و لطف خ بستانی ترش ص شرب غناب  
 ل تخم حاض و تخم ریاس یا بارنگ یا تخم سور و تانسیق النون و تینق الالف  
 حناع و هندی طب ای ۲ ق قابض خ بغایت سبر که در حال خورد و کرده  
 باشندش جهت قولنج نیم شقال و از تخم این جهت دماغ و شقال ص ب السوا  
 یا کترال آس تینق الشین المهمله حار و قریش ع کسر اول با ثانی و الف و کسر  
 همزه و ضم قاف و فتح راء مهمله و سکون تحتانی و شین معجم خراز الصخر تینق اللام  
 خنقل ع بفتح اول و سکون وزن فتنه و عجم سکون لام و خرینه تلخ و اندر این کا به طح  
 ی ۳ گویند ی ۲ ق بهل محلل بش تازه زرد رسیده هندی ش از یک  
 قیاطا یکد رم و از تخم او نیدرم و از عسل او یکد انگ و نیم دنگ ص کترابا صطلک و صغ  
 و نشاسته ل محلل و چهار دنگ وزن آن قنار و چهار یا حب الخروع و چهار دنگ

فنا کرد که بخت  
از دگر گوشت  
و در خشت  
حالا از فتن  
ناست سلا  
شربت  
شربت  
شربت



است حلاز بدل آن نوزاد و گویند که این نوزاد گویند و این نوزاد گویند و این نوزاد گویند

است حلاز بدل آن نوزاد و گویند که این نوزاد گویند و این نوزاد گویند و این نوزاد گویند

و سکون لام با عین ممله و الف و فتح لام ثانی گویند نوعی از سرخ مروست و آن میوه  
 و ماله از بیاض دل بر روی کلام و ویتجر به سید و بزبان هندی شندی زرد گل است طب  
 سیاق با صغیر بستنی ش از آب و پنجه دم ص طین ارنی یا پودنل عصاره  
 کاهویا عنب الثعلب تمیق الماء حسیع بفتح اول و ثانی مشدود و خفاها ف ماله  
 سانپ ذناک طح ی ۲ ف ملطف خ افعی تمیق التحتانی حیات الموتی ع بفتح  
 اول و ثانی و الف و ضم فوقانی و سکون لام و فتح میم و سکون واو و فتح فوقانی  
 ثانی و الف مقصوده م تطران توفید المحاء المعجده و تنسیق و تمیق الالف  
 حاراف بنجا و عجمه و الف و را و ماله م سنگ سخت فاما لاف بیم و الف ثانی و لام  
 و فتح الف ثالث مد و دم ماذریون تمیق الموحده خائق الذئب ع بنجا و عجمه و یکسرون  
 و ضم قاف و کسر ال عجمه مشدود و سکون تحتانی و موصده م خریق سیاه و فال نگی آن  
 کشنده گبرگ است و کشکی طح ی ۳ خائق الطبع ب سکون لام و فتح کاف  
 و سکون لام ثانی و ف فلوس ماهی و کچلا تمیق الموحده الفارسی خاسپ  
 یکسرون ممله و سکون موصده فارسی م سیب تمیق الفوقانی خارلشت  
 و سکون را و ماله و ضم موصده فارسی و سکون شین عجمه م منفده ساهی  
 تمیق الدال الممله خا و ف ب سکون دال ماله م علیوار تمیق الواء  
 الممله خارلشت و یکسرون ممله و ضم شین عجمه و فوقانی و سکون را و ماله ثانی  
 جنسه از خا بر که شتر آنرا بر غیبت بخور و و آنرا شتر خا بر نیز گویند خائق النمر و یکسرون  
 و ضم قاف و فتح نون ثانی مشدود و کسر سم نوعی از ماذریون و آن کشنده پلنگ  
 و گبرگ و سگ و خرگ است و مانند آن طح ی ۲ گویند ب ی ۲ خایه گبر  
 بفتح تحتانی و خفاها و کسر کاف فارسی سکون تحتانی ع ریتلا تمیق الزام المعجده  
 خایه زین و بفتح تحتانی و خفاها و کسر او ماله و تحتانی مجهول و زار و عجمه خایکینه

و سکون لام با عین ممله و الف و فتح لام ثانی گویند نوعی از سرخ مروست و آن میوه





مأموریت عصاره اریشتر عصاره سلاراس میوه یاقوتی عصاره نعناع عصاره نعناع

کسر لام و بابونه خان و بسکون نون شان سل و شان نبوت و التاجان  
 ع بخار معجمه الف و فتح واو و کسر لام و سکون نون باجیم و الف ثانی و خمر و  
 کلیمین خایه علامان و بفتح تحتانی و همزه و اظهار با و ضم غین معجمه بالام و الف  
 ثانی و سیم و الف ثالث نوعی ازا نگور سیاه بزرگ ست تمینق الواو خاکشوف  
 بسکون کاف و ضم شین معجمه سکون و او تخی ست که سرخ میگون بود و بفتح  
 ریزه باشد م خاکسی و شفت کر ع بزر الخنجه خوب کلان طح ر تمینق الملاء  
 خار و اثر گونه و کسر اول ممله باو او و الف و سکون زاء فارسی و سکون واو  
 و فتح نون م چر چا خاشه بضم سیم و فتح شین معجمه شیطیح سرخ زعفرانی مائل  
 خرد شیرین و خیتیه خایه و بفتح تحتانی و تخم هر جانور ع بیضه تمینق التحتانی  
 خاکشی و بسکون کاف و کسر شین معجمه و سکون تحتانی م خاکشوف و طح  
 یونانی بخار معجمه و الف باسیم و الف ثانی و کسر همزه و فتح همزه ثانی و سکون قاف  
 و کسر طار ممله م بل تنسیق و تمینق الباء الموحده و جنز الغراب ع بضم اول  
 و سکون موحده و ضم زاء معجمه و سکون لام و غین معجمه بار و ممله و الف و موحده  
 ثانی م اقحوان و بابونه تمینق الملاء المعجمه جنز المشایخ م اشنان تمینق  
 الدال المهرله حبث الحدید ع بفتح اول و ثانی و ضم مثلثه و سکون لام و فتح  
 حاء و ممله و کسر ال ممله و سکون تحتانی باو ال ممله ثانی و ریم آهن و لوه شکمان  
 و کیث طح ی گویند ب ق بمضف خ پولادی الملس نزه های کوچک  
 به خشونت ش کیثقال ص روغن مال اگر م بر بود اطریفل کوچک و اگر  
 غیر بر جوت و در اقراض چشم پوست تخم مرغ تمینق الزاء المعجمه جنز ع بضم  
 اول سکون ثانی زاء معجمه و نان و رولی طح امع و مغدی خ باخو و از کندم  
 آفت نار سیده فریز پاک صلب ص آب شستن تمینق السین المهرله

سیاق و سباق  
مستثنی از این  
و یحیی میگویند  
تا غلط شود  
و شیاف میارند  
گویند بر دل  
حضرت است  
بابوس در بند  
عصاره  
۱۳۲  
حافظت آن  
اوقات عاصفون  
چرخ چرخ  
نیم نیمی  
در هر یک  
کتابهای  
کتابهای

۱۳۴

ایم کیو ای کیس کیلئے  
درجہ دوم علم اسلامیات  
کے لئے انڈیا کے مختلف  
یونیورسٹیوں میں داخلہ  
آقا قیام عضور  
حافظ میلان

1

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين

علاء  
نغزانی و صلیبی  
سید یاس  
بر روی صلیب  
درین  
صلیب  
بیمبخت خاکی  
اشا و اندکی  
علائک کانی  
نوعی از زین  
۱۳۳  
است بری نیک  
و آن صغ درخت  
صنوبر و او در  
سایل صلیب  
عمو کفی  
اگر بید درخت  
او در حروف  
کاف گفته خواهد  
اشا و اندکی  
عنا  
خوار است

وتمینق الالف خرس گیاف بکس اول سکون او مهمله سین صمله و کسوف قاف  
 باختانی و الف نباتی ست که پنج آن شقاقل ست خراف بضم اول و سکون  
 ثانی بابیم الف که مجروح رص بادام خوشخاش و سنجین و کاهو تمینق الفوقا  
 خربت و ففتح اول و سکون ثانی و فتح موحده م بطکلان ق قابض خرتوت و ف  
 جنسه از توت باشد زبون ولی منو تمینق الجیم خزند هج بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح زاویه و سکون با و فتح را مهمله و سکون جیم ف خرز مروه کین خرنج و ف  
 بفتح اول سکون ثانی و ضم سیم و سکون نون م خرنکس خرد و الدیک و الدجج  
 ع و ف سگین خروس ماکیان که بیٹ مرغی کی تمینق الجیم الفارسی خروج  
 و ف بضم اول و ثانی و وا و مجهول م خروس تمینق الحاء المعجمه خزبه و تلخ و ف  
 اندر این کاپل تمینق الدال المهمله خراف و بفتح اول و ثانی و الف م  
 غلیو از خریق اسود و بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون قاف و  
 کشکی طحی ۳ ق مصلح مستوسط و فربهی و لاغری و گره دار محبوب و سیاه  
 سحر ماتد که در بن پیشه های باریک باشندش نیدرم ص بادام و کثیرا و کتدش  
 و پوست پنج گز سپاری یا نیموزن مازرین و چهار دانگ آن فاریقین و نیموزن  
 ما نیز هج یا یکسج خزند و بفتح اول و ثانی و سکون نون گیاهی ست مانند  
 ایشان تمینق الواء المهمله خرد و بفتح اول و سکون ثانی و فتح و ال مهمله  
 و ف م غلیو از چیل خرف ع حمله گد یا خرد الفاع بکس اول و سکون ثانی  
 و ضم و او و سکون لام با ف و الف و ف بشکل موش و چوبی کی مینگنی تمینق  
 الواء المعجمه خربوز و ف بضم موحده فارسی و سکون و او م شبرک کلان  
 خربوز و ف بفتح اول و سکون ثانی و کس موحده و تختانی مجهول با و او و الف  
 و زا و معجم شبرک کلان بمقدار غلیو از که خود را سرنگون کرده از درختا یا از

[illegible][illegible]



و چون که در آن روز  
از خانه بیرون آمدند و به  
خارج رفتند و در راه  
دیدند که در میان  
درختان بسیار  
بسیار از آن  
چیزها را  
پیدا کردند  
و با خود برداشتند

۱۳۵  
و مل و حده  
دیده و حفظ  
سودمند است  
عود بلسان  
جوب بلسان  
بل وی جاب  
بقیة الصلح  
جو بیت که  
از شکل چنان  
کننده اوارن  
آویزند

[illegible][illegible]





کرمین: حضرت گنبد از دست غوثیو ریاضین و از جمله از صابی قلعه داون ادرست

ال هند یا و بفارسی جانور است که پاهای باریک ارد و بر آب برود و خسته  
 او شبیه بدانه جو باشد کوچک تر از جغد گویند مرغیست سفید رنگ که بزرگ  
 از کلنگ باشد تمیق الفا خسف بفتح اول و ثانی و سکون قاف و گوان ه  
 اخروث تمیق القاف خسق بکسر اول و سکون ثانی م معصفر تمیق الکاف  
 خشک ف بفتح اول و ثانی ع خشک و گوگرد و بکسر اول و سکون ثانی م مصل  
 تمیق الواو خسوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم و او مجهول خسته خسرو دار  
 بضم اول م خولجان تمیق الفاختت م تخم سیوها مانند شفتالو و خراشک  
 ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف باو ال مملد الف و فتح نون م تخم معصفر تمیق  
 التختانی خسری ف م نوعی از تراب پکیده تنسيق الشين المعجه و تمیق  
 الفوقانی خشک پشت ف لاک پشت تمیق الزاء الممله خشک بضم اول و  
 و سکون شین عجمه کاف و الف و آردی که از دی نخاله گرفته باشند بن چننا آما  
 اخیسار ف بفتح اول و کثرانی و سکون تحتانی و نون باین مملد و الف نوعی  
 از مرغابی که پشت آن سیاه و میان سرش سفیدی باشد تمیق الزاء المعجه  
 خشب الشویع بفتح اول و ثانی و ضم موحده و شین بجمه مشد ثانی و و او مجهول  
 و کسرون و سکون تحتانی چوب سیاه و آنه گویند سیسارون تمیق المشین  
 المعجه خشک شاش ع ف کوکنار که چون تراطابض یعنی سفید بی او اسود  
 یعنی سیاه بی ۳ گویند گویند رخ سفید تازه فربه بنی از سفید او و و دم  
 تا پنجرم و از سیاه نیدرم عی عسل یا قند یا عصاه لسان الحمل یا رازیانل از تخم که  
 با و ام قشر تمیق الفا خشیف ع بفتح اول و کثرانی و سکون تحتانی ف رفقا  
 تمیق اللام خشل بفتح اول و ثانی م مقل تمیق النون مشکنجین بضم اول و سکون  
 ثانی و فتح کاف و سکون نون و ضم جیم و کسر موحده و سکون تحتانی م عسل خشک

کجاست نیلوفر  
هندیست  
و عاشور بخان  
این قول را  
خطیب کرد  
و ابوالحسن گوید  
فایده خوش  
کمال همان بود  
آمده را گویند  
خامیتش بود

128

و بیست و نهمی که در این کتاب است



تتميز بكونه من جنس النون

که از کوستان فارس خیز و طح ی ل یکیموزن عسل تمیق الواو خوشوع بفتح  
 اول ضم ثانی م خرمای زبون تمیق الها خشکنا ف بضم اول و سکون ثانی  
 و کاف بالون و الف و فتح نون ثانی نان بی نا نخورش تنسيق الصا والمهمل  
 تمیق الموحده خصی الکلب بضم اول یخی ست مانند خصیة الثعلب لثعلب  
 ع بضم اول و سکون ثانی طح و اگویند مع ف مبهیخ شیرین فربه که از و بوی  
 آیدش کیشقال تا و مثقال و گویند بخدر ص آمدن بوزیدان با تخم تر بوز یا تخم  
 جرجیر یا تخم انجیر یا تخم سیست یا ستفقور یا شقال تمیق الراء المهملة خصیة  
 ع م چند بید شتمیق السین المهملة خصیة الفوس م جابوب تمیق اللام  
 خصیة الایل و ف خایه بزکوهی خصیة العجا بیل بفتح عین مهملة و جیم و الف کبیر جیم  
 و سکون تحتانی و ف خایه کوساله تمیق الها خصیة بضم اول و سکون ثانی و فتح  
 تحتانی و ف خایه پیلری طح گویند بی ی خ خایه خروس فربه تنسيق  
 الضاد المجه و تمیق الفاء خضف ع بفتح اول و ضا و عجم و ف خریره مار سید  
 و خریره خور و خضلاف بفتح اول و سکون ثانی بالهم و الف م و خست تقل  
 تنسيق الطاء المهملة و تمیق الراء المهملة خطر ع بضم اول و فتح طاء المهملة  
 م و تمیق الفا خطاف ع بضم اول با ثانی مشد و الف و ف پرستو که کنهیا  
 یت دیوری ا ح ی ا ق مفت حصاة ل سگین گا و تمیق النون خطبان  
 بفتح اول و ثانی یا توحده و الف م خطبانا تمیق القحطانی خطمی بفتح اول  
 و سکون ثانی و کسیر کل شهوست طب و گویند ح ق ملین خضج محلل خ منبر  
 طانه کوهی سفید گل ص عسل لکینارل نیلوفر یا خبازی تنسيق الفاء و تمیق الجیم  
 خضج بفتح اول و سکون فادیم م خردل بری خضج و بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
 ا و مملع بقلة بمقا و تمیق الشین المجه خفاش و بفتح اول و ثانی مشد

تتميز بكونه من جنس النون  
 بكونه من جنس النون  
 بكونه من جنس النون  
 بكونه من جنس النون  
 بكونه من جنس النون

۱۳۹  
 تقوی باده بود  
 چون تصور  
 غارت ست  
 مفر چشم و باغ  
 بود در امین  
 زبان فارسی  
 کور یاد کن  
 ناگو است  
 گویند در بعض  
 اور الفسیر

و اینم از نون  
 و اینم از نون  
 و اینم از نون  
 و اینم از نون  
 و اینم از نون

وہاں رہنے والے فریقوں کے لیے ایک اور فریقوں کے لیے ایک اور فریقوں کے لیے ایک اور

والف م شپو هندی چکا و طرح دخی بزرگ صیغ شخاش تینیق الفاف  
ف بفتح اول گیا بی هست که آتش زو دیگر و کنز ابر زیر سنگ آتش زنه نهاد  
پنجاه بزنند تا آتش بگیرد و میده ع مرخ تنسیق اللام و تینیق اللال المله  
مکدع بفتح اول سکون لام ف سوش کور و انگشت برگ و چکچوند تینیق الو  
الممله حکر لضم اول و فتح ثانی مشدوم جنسی هست مانند کرسنه تینیق الفاف  
خلاف ع بکسر اول و دخت بیطرب ی ق مجفف خ کنز چشبه رسته باشد  
ش از آب اوبست مثقال ص کلاب یا مرزنجوش ل گل حنا و گل کرم  
القاف خلوق ع بفتح اول ضم ثانی و سکون واو م زعفران تینیق اللام  
خلال طیل کسر اول م دخت آطیر لیل خلال ع بفتح اول و غوره خسر  
خل الغصل ع و سر که پیاز و شتی خل ع بفتح اول و ثانی مشدوف سر که طرب  
ی م گونید ای ۳ ق ملطف بقطع خ خل غمر ص سکر و غن بادهم و نظیر  
و سکون ثانی ف خاکستر تینیق الواو خلوف بضم اول و ثانی م الو تینیق  
لها خلع بفتح اول و ثانی مشدوف خفاء یا ف شراب ترش تینیق التختانی خلال  
ماسولی کسر اول هم از خر خلبای بفتح اول و ثانی با سوده والف و کسر تختانی مجهول  
م قنه و بیز و تنسیق المیم و تینیق الفوقانی خسته انگشت ف بفتح  
اول و سکون میم و کاف فارسی و سینه الو تینیق الراء الممله خمر الحمار ع بفتح اول  
و سکون ثانی و ضم را مله م اشخا خر ع بفتح اول و سکون ثانی ف شراب کوی  
که ماکه مدطح ی ۲ ق ملطف خ رجحانی معتدل القوام زرد رنگ خوشبوی آنکه  
او بیدار و کند و میان نو که من ش هفتاد و مثقال ص فواکه ترش ل انبیه  
ضمیم بفتح اول کسر ثانی و سکون تختانی م فطیر طاب ۲ راق منفع خ معتدل  
ملح ص بلجین تینیق القاف خسته افاق ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین

و غلبه را بر ایشان

13.

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
تألیف و تصحیح  
محققان و مترجمین  
مطبعات

و ضم فوقانی و فتح همزه و سکون او بار اوله و الف و قاف و سینه ها و تمینق اللام  
خلف بفتح اول و سکون میم و لام م سونجان تمینق النون تخان بفتح اول و ثانی و  
الف م خاما و اقطی عا هین ف بضم اول و سکون ثانی و مد همزه و فتح با سنگی ست  
حدید سیاه آن در نوع ست یکی نرودم ماده و نرآن بغایت سخت و تیره رنگ بود  
باب ساینده سرخ شود و مانند شکرست و گویند ظرف آن هر چند شراب خوبه ستی  
نیا و در ع صندوق حدید بتمینق النون و تمینق الراء الممهله خنکسار ف کسر  
اول و سکون نون و کاف فارسی با سین ممله و الف م شوره که جزو بار و شوره  
تمینق السین الممهله خندر و س ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال ممله و هم  
ممله و سکون و ا و ع خطه می و ف کامل و گندم صحرایی و جو بر منه طح ی گویند  
ح و تمینق الکاف خنکسار بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم م در نه و کسر اول  
و خت بن تمینق اللام خنذریل بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال ممله و کسر اول  
و سکون تخانی و ف کاسنی تبری تمینق النون خنذریون بفتح اول و سکون ثانی  
و کسر دال ممله و سکون تخانی و ضم قاف و سکون و ا و ف شرابست که از اصل  
و شراب کهن یا شلت سازند طح ی تمینق الها خنجره بفتح اول و سکون ثانی  
و فتح جیم و را و ممله و ف خرا و هندی تمینق التختانی خنشی ع بضم اول و سکون ثانی  
و فتح شله و الف مقصوده و پنج گیاه بیش طح ی گویند ب رقی مجلی و  
محلل ش پنجدرم و اثر و رشگو نه و در و در ص شویای جرب ل فوه و غات  
تنسیق الواو و تمینق الالف خواف بفتح اول و ا و ا و الف م گوشت خوک  
بضم اول و سکون ثانی و موصه و فتح کاف و تخم بازنگه تمینق الفوقانی خ  
بفتح اول و ثانی و سکون سین ممله و ف خریزه تمینق الحیدم الفارسی خوج و  
بضم اول و سکون ثانی م کلستان افروز تمینق الخاء المعجمه خوج ع بفتح اول

و در دود در  
گرم و خشک است  
رسته را گویند  
گویند فسق  
سیماب را  
فشار الکترولیت  
حظا فسطوی  
تیز خوانند  
را در این جزیره

۱۳۱

و گفتن را بهشتی دل به دردم  
مردمست بدیم گویند دهند به ناری شوق  
و در فتنه بر حقه کفن و مقبره بادام







بسم الله الرحمن الرحيم

فتوح فلیق استفتح اول و سکون ثانی و کسر خا و عجمه ثانی و فتح قاف و کسر لام و  
 سکون تحتانی و قاف و فتح همزه و سکون سین ممله و فتح فوقانی م قافله خود خرو  
 ح بضم اول و ثانی مجهول کسر ال ممله و ضم خا و عجمه ثانی و را و ممله و او مجهول ثانی  
 اظهار با هم گل تاج خروس نحوی ناه و بضم اول و ثانی مجهول تحتانی با نون و الف  
 و اظهار با هم خراطین تنسیق الیاء التحتانی و تمینق الالف خیر بو ا بفتح اول و  
 سکون تحتانی و کسر او ممله و فتح موحده و او و شده و الف ع قافله صفا تمینق با  
 خیر و ج بفتح اول و سکون ثانی و ضم را و ممله و سکون و او و جیم م خبازی غیشضوح  
 بکسر اول و سکون ثانی و شین معجمه و ضم فا و سکون او ف پنجه انه تمینق الدال المله  
 خیر و ف بکسر اول و سکون ثانی و دال ممله م خود که عبارت از جو و گندم و نخود و غیر  
 باشند تمینق الواو المله خیار جنبه و خیار شین بکسر اول با ثانی و الف و را و ممله و فتح  
 جیم فلدسی و سکون نون و فتح موحده و سکون را و ممله ثانی و لغت اول و فتح شین  
 معجمه در لغت ثانی که گریالا و المیتاس و دهن بیضا و باند پوری و باند رگوری  
 طمع ح ب ق محلل و ملین و سهل صفراخ هندی سطر سیاه رشیده بریل  
 و فلوس و پوستش براق و رقیق باشد در وقت استعمال از قلم و سوزن آرنده ش  
 پنجدرم تا پانزده درم ص روغن بادام مصطلک و انیسون و عناب یا آب تمرین  
 ل بخیم و سه وزن آن سویر بی دانه داند که تریه تمینق الواو المله خیار ف  
 بکسر اول با ثانی و الف و را و ممله با و رنگ که کیرا طب ۲ تمینق التون خیر  
 ف بکسر اول و سکون ثانی مجهول و ضم زا و عجمه یا را و ممله و الف و نون که چوب  
 طح ۲ مع ی ق مفتت حصاة ش و دو درم ص خافشل پنج غلیق تمینق  
 الواو خیار که و ف بکسر اول با ثانی و الف و کسر را و ممله و فتح کاف و ضم وال ممله  
 و سکون و ادع هند و انه تریوزب و خطی خیلوف بکسر اول با ثانی و ضم لام

بسم الله الرحمن الرحيم  
 فصل الفل  
 بلاد طبع آن  
 گرم و خشک بود  
 فلنجمن  
 و در غنم  
 زبان پارس  
 قرغلستانی  
 و زبان هند  
 سله و سلی و باری  
 خوانند  
 با نگو و در گوشت

بسم الله الرحمن الرحيم  
 فصل الفل  
 بلاد طبع آن  
 گرم و خشک بود  
 فلنجمن  
 و در غنم  
 زبان پارس  
 قرغلستانی  
 و زبان هند  
 سله و سلی و باری  
 خوانند  
 با نگو و در گوشت



میل نمایند دو قسم یکی را سوداگران و دیگران را نویسند و بعد از آنکه در آنجا نوشته شود و بعد از آنکه در آنجا نوشته شود و بعد از آنکه در آنجا نوشته شود







بقول خواجه شمس الدین عجمی در بیان ویرقان زردی بدن بطنم و باد دغون و فساد هوا و دافع

و سکون شین مجرّم نوعی از خیار که آنرا کلونده و دشتی نیز گویند تمینق العین  
المهمله در جع بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون عین مهمله ف  
شاغل و در هر تمینق الفاء و خف و بضم اول و سکون ثانی و ضم خا و مجرّم  
م ز بنو سیاه تمینق اللام دراز و نبال بفتح اول و ثانی و الف دراز و مجرّم  
وال مهمله و سکون نون با موحده و الف ثانی و لام ف گا و و گا و پیش و می و  
ع بضم اول و سکون را و مهمله و کسر ال مهمله ثانی و ضم تحتانی مشد و سکون لام  
و فتح خا و مجرّم و ردی سر که طح ی ق مجفف خ کینه ص غن گل ل  
شب با سر که یا شراب تمینق المیم دراز دم و بفتح اول و ثانی و الف دراز و مجرّم  
و ضم وال مهمله ثانی و سکون میم ف م سگ که تمینق النون و تحت گلچکان  
ف بفتح اول و ثانی و سکون غا و مجرّم و کسر فوقانی و ضم کاف فارسی و سکون  
لام و فتح جیم فارسی با کاف الف و نون که در تحت مهو آوردن بفتح اول و ثانی و سکون  
م ز الیه چونک تمینق الفاء و تحت سینه و بضم سین مهمله و سکون نون و  
فتح سوحده و خا و را با نوز نیست که در تحت ماسو آن کند و سبز رنگ باشد م  
سبز که ککناس و روه و بضم اول و سکون ثانی و فتح وال مهمله ثانی هم در  
شراب و آب و روغن و اشال آن در کاله در کاله و بفتح اول و سکون  
ثانی با کاف فارسی و الف و فتح لام و رفعت اول و ضم کاف فارسی با لام و الف  
و فتح لام ثانی و رفعت ثانی می خ درینه و بفتح اول و ثانی و سکون میم و فتح نون  
و خا و را جوهری اجلین در رونه و بفتح اول و ضم ثانی و واد و مجهول و فتح نون  
لیایی است که شبیه بگذرم باشد م در و نج عقرب در روه و بفتح اول و ثانی مشد  
و مخفف و م شکبه تمینق التختانی در و نج عقرب خ بفتح اول و ضم ثانی و سکون  
وا و فتح نون و سکون جیم و فتح عین مهمله و سکون قاف و فتح را و را که سوحده

[illegible]







ف ابریشم سفید تمیق المسمی و ما دم بفتح اول و ثانی و الف و فتح و ال همله ثانی و

سکون یسم ثانی ع مجر الدم و تم الحما ع بسکون لام و فتح حا و همله با یسم ثانی و الف  
 و یسم ثالث ف خون کبوتر خ خون طائر سلیم و م ع بفتح اول و سکون ثانی ف  
 خون لا لو هو طح رق مغدی ص ناخواه ل بجا تمیق النون و دم الا خون ع  
 بسکون لام و فتح هزه و خا و مجر و واو و سکون تحتانی و نون ف خون سیا و ثانی  
 ه هیرا و دکی و گویند بقم طب ای ۲ گویند ح ای ۲ ق قابض طبع و محفط طاهر  
 و دم و مدخل خ چکیده صافی که اصلا چوب در و نباشد ش نیم در م ص صمغ عربی کثیرا  
 یا پودینل محصاره او یا خس الحما یا اقا قیام الانسان ع بفتح اول و ضم ثانی  
 شد و و سکون لام و کسر هزه و سکون نون باین همله الف ف خون آدمی  
 و دم الثعبان ع بضم مثلثه شد و سکون عین همله با موصده الف م و دم الا خون  
 تمیق الهاء و مسکت بسکون اول و سکون ثانی و فتح سین همله و خفا و هام ابریشم  
 سفید ع و مسق و مسیج و بضم اول و سکون ثانی و کسر سین همله و سکون تحتانی  
 و فتح جیم فارسی م کا زک ع صغوه لا منولا تمیق النون و تمیق الدال المملیه  
 و ند ف بفتح اول و سکون نون و دال همله ثانی م مابوع حب السلاطین و جمال  
 طح ای ۴ ق مسل خ چینی بعد از و سجزی بعد از و هندی ش یکیم حبه و حبه  
 و گویند و و دانگ تا نیم در م ص نشاسته و بضم اول ف نوعی از زنبور تمیق الوا  
 المملیه و فتح بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون را و همله ف شوره  
 با جی طح ای تمیق الهاء و نقه بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و خفا و هاف  
 با سین لا چنبیلی تمیق الواو و تمیق الالف و ویا ف بضم اول همله و ا و و  
 با موصده فارسی و الف کرم غریب که در دخت یلو طیا بند زبان ابریشم است  
 آن رنگ کنند تمیق الهاء المملیه و و بار و بضم اول و ثانی مجهول موصده

له ابرن قول نصف است و تا بال الحما نیست ۱۲

صحت آن محل بعد از زنبور و آن و است و نه مغرت نماید ۱۳

ف ابریشم سفید تمیق المسمی و ما دم بفتح اول و ثانی و الف و فتح و ال همله ثانی و  
 سکون یسم ثانی ع مجر الدم و تم الحما ع بسکون لام و فتح حا و همله با یسم ثانی و الف  
 و یسم ثالث ف خون کبوتر خ خون طائر سلیم و م ع بفتح اول و سکون ثانی ف  
 خون لا لو هو طح رق مغدی ص ناخواه ل بجا تمیق النون و دم الا خون ع  
 بسکون لام و فتح هزه و خا و مجر و واو و سکون تحتانی و نون ف خون سیا و ثانی  
 ه هیرا و دکی و گویند بقم طب ای ۲ گویند ح ای ۲ ق قابض طبع و محفط طاهر  
 و دم و مدخل خ چکیده صافی که اصلا چوب در و نباشد ش نیم در م ص صمغ عربی کثیرا  
 یا پودینل محصاره او یا خس الحما یا اقا قیام الانسان ع بفتح اول و ضم ثانی  
 شد و و سکون لام و کسر هزه و سکون نون باین همله الف ف خون آدمی  
 و دم الثعبان ع بضم مثلثه شد و سکون عین همله با موصده الف م و دم الا خون  
 تمیق الهاء و مسکت بسکون اول و سکون ثانی و فتح سین همله و خفا و هام ابریشم  
 سفید ع و مسق و مسیج و بضم اول و سکون ثانی و کسر سین همله و سکون تحتانی  
 و فتح جیم فارسی م کا زک ع صغوه لا منولا تمیق النون و تمیق الدال المملیه  
 و ند ف بفتح اول و سکون نون و دال همله ثانی م مابوع حب السلاطین و جمال  
 طح ای ۴ ق مسل خ چینی بعد از و سجزی بعد از و هندی ش یکیم حبه و حبه  
 و گویند و و دانگ تا نیم در م ص نشاسته و بضم اول ف نوعی از زنبور تمیق الوا  
 المملیه و فتح بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون را و همله ف شوره  
 با جی طح ای تمیق الهاء و نقه بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و خفا و هاف  
 با سین لا چنبیلی تمیق الواو و تمیق الالف و ویا ف بضم اول همله و ا و و  
 با موصده فارسی و الف کرم غریب که در دخت یلو طیا بند زبان ابریشم است  
 آن رنگ کنند تمیق الهاء المملیه و و بار و بضم اول و ثانی مجهول موصده

۱۱ ابریشم سفید تمیق المسمی و ما دم بفتح اول و ثانی و الف و فتح و ال همله ثانی و  
 ۱۲ سکون یسم ثانی ع مجر الدم و تم الحما ع بسکون لام و فتح حا و همله با یسم ثانی و الف  
 ۱۳ و یسم ثالث ف خون کبوتر خ خون طائر سلیم و م ع بفتح اول و سکون ثانی ف









بجای آنکه در هر حرف آبلینه نگاه دارند و گویند که زیر هر حرف بیشتر نگاه

نزدیک نگاهش همیشه آویزند که در و بیکد طح ی ۲ گویند ۳ و همین السوسن بفتح  
 ممله مشدود و او مجهول و فتح سین مملاتی هم روغن سوسن ل روغن غار و این نیز  
 بفتح نون مشدود سکون سین ممله و کسره و سکون تحتانی هم روغن نسرين ل  
 روغن بلو ام و همین بضم اول و سکون ثانی و ف روغن طح ر ق بلین خ تازه تمیق  
 الحاد نهان و ف بفتح اول و الهام ثانی و الف و فتح نون و نهار با و بی الف نیز م رنج  
 نوعیست سبز رنگ تلخ و از کان پس حاصل شود و هیچ و تهن الاخروف بسکون  
 لام و فتح همن و سکون نون و کسیریم و فتح را و ممله و روغن گزنه ل روغن خسکه اند  
 تمیق تحتانی و با کلی و بفتح اول و الهام ثانی و الف و فوقانی و کسراف و سکون  
 تحتانی م گل و بادوی و تهن الخیری بکسره و مجهول و سکون تحتانی و کسره و ممله و  
 روغن خیری ل روغن خنادر تهن السولی بکسره سین ممله نشد با و او و الف و کسره  
 و روغن کتان و تهن العسلی بفتح سین ممله و سین ممله و کسره لام هم او مالی تمیق تحتانی  
 و تمیق الالف و یا قودا یونانی بفتح اول و کسره آن با تحتانی و الف و ضم قاف  
 و سکون و او با و ال ممله و الف ثانی و شراب خشناش که با پوست بنیزند و یو یا  
 و بکسر اول و ثانی مجهول و او با و موصوفه فارسی ع عنکبوت و گیاهیست که بعلی  
 آنرا جند قوتی خوانند تمیق الفوقانی و یو یا سپست بکسر اول و ثانی مجهول و او  
 مجهول و کسره همن و سکون سین ممله و کسره موصوفه فارسی سکون سین مملاتی و فوقانی  
 هم جند قوتی تمیق المراه الممله و نیار بکسر اول و سکون ثانی با نون و الف و  
 ممله هم تخم کشکشت و یو و ا بکسر اول و تحتانی مجهول و او مجهول بلو ال مملاتی و  
 الف و بسیار است و آن صنوبر هندیست و درخت مانده و چنده طح ی  
 تمیق السین للممله و یفر و جیس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و را و ممله

بجای آنکه در هر حرف آبلینه نگاه دارند و گویند که زیر هر حرف بیشتر نگاه  
 نزدیک نگاهش همیشه آویزند که در و بیکد طح ی ۲ گویند ۳ و همین السوسن بفتح  
 ممله مشدود و او مجهول و فتح سین مملاتی هم روغن سوسن ل روغن غار و این نیز  
 بفتح نون مشدود سکون سین ممله و کسره و سکون تحتانی هم روغن نسرين ل  
 روغن بلو ام و همین بضم اول و سکون ثانی و ف روغن طح ر ق بلین خ تازه تمیق  
 الحاد نهان و ف بفتح اول و الهام ثانی و الف و فتح نون و نهار با و بی الف نیز م رنج  
 نوعیست سبز رنگ تلخ و از کان پس حاصل شود و هیچ و تهن الاخروف بسکون  
 لام و فتح همن و سکون نون و کسیریم و فتح را و ممله و روغن گزنه ل روغن خسکه اند  
 تمیق تحتانی و با کلی و بفتح اول و الهام ثانی و الف و فوقانی و کسراف و سکون  
 تحتانی م گل و بادوی و تهن الخیری بکسره و مجهول و سکون تحتانی و کسره و ممله و  
 روغن خیری ل روغن خنادر تهن السولی بکسره سین ممله نشد با و او و الف و کسره  
 و روغن کتان و تهن العسلی بفتح سین ممله و سین ممله و کسره لام هم او مالی تمیق تحتانی  
 و تمیق الالف و یا قودا یونانی بفتح اول و کسره آن با تحتانی و الف و ضم قاف  
 و سکون و او با و ال ممله و الف ثانی و شراب خشناش که با پوست بنیزند و یو یا  
 و بکسر اول و ثانی مجهول و او با و موصوفه فارسی ع عنکبوت و گیاهیست که بعلی  
 آنرا جند قوتی خوانند تمیق الفوقانی و یو یا سپست بکسر اول و ثانی مجهول و او  
 مجهول و کسره همن و سکون سین ممله و کسره موصوفه فارسی سکون سین مملاتی و فوقانی  
 هم جند قوتی تمیق المراه الممله و نیار بکسر اول و سکون ثانی با نون و الف و  
 ممله هم تخم کشکشت و یو و ا بکسر اول و تحتانی مجهول و او مجهول بلو ال مملاتی و  
 الف و بسیار است و آن صنوبر هندیست و درخت مانده و چنده طح ی  
 تمیق السین للممله و یفر و جیس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و را و ممله

۱۵۵  
 بعد از این  
 در هر حرف  
 آبلینه نگاه  
 دارند و گویند  
 که زیر هر حرف  
 بیشتر نگاه  
 نزدیک نگاهش  
 همیشه آویزند  
 که در و بیکد  
 طح ی ۲ گویند  
 ۳ و همین  
 السوسن بفتح  
 ممله مشدود  
 و او مجهول  
 و فتح سین  
 مملاتی هم  
 روغن سوسن  
 ل روغن غار  
 و این نیز  
 بفتح نون  
 مشدود سکون  
 سین ممله  
 و کسره و  
 سکون  
 تحتانی هم  
 روغن نسرين  
 ل روغن بلو  
 ام و همین  
 بضم اول و  
 سکون ثانی  
 و ف روغن  
 طح ر ق  
 بلین خ تازه  
 تمیق الحاد  
 نهان و ف  
 بفتح اول  
 و الهام  
 ثانی و الف  
 و فتح نون  
 و نهار با  
 و بی الف  
 نیز م رنج  
 نوعیست  
 سبز رنگ  
 تلخ و از  
 کان پس  
 حاصل شود  
 و هیچ و  
 تهن الاخروف  
 بسکون لام  
 و فتح همن  
 و سکون  
 نون و کسیریم  
 و فتح را و  
 ممله و روغن  
 گزنه ل روغن  
 خسکه اند  
 تمیق تحتانی  
 و با کلی و  
 بفتح اول و  
 الهام ثانی  
 و الف و فوقانی  
 و کسراف و  
 سکون تحتانی  
 م گل و بادوی  
 و تهن الخیری  
 بکسره و مجهول  
 و سکون تحتانی  
 و کسره و ممله  
 و روغن خیری  
 ل روغن خنادر  
 تهن السولی  
 بکسره سین  
 ممله نشد  
 با و او و الف  
 و کسره و روغن  
 کتان و تهن  
 العسلی بفتح  
 سین ممله و  
 سین ممله و  
 کسره لام هم  
 او مالی تمیق  
 تحتانی و تمیق  
 الالف و یا  
 قودا یونانی  
 بفتح اول و  
 کسره آن با  
 تحتانی و الف  
 و ضم قاف و  
 سکون و او  
 با و ال ممله  
 و الف ثانی و  
 شراب خشناش  
 که با پوست  
 بنیزند و یو  
 یا و بکسر اول  
 و ثانی مجهول  
 و او با و  
 موصوفه فارسی  
 ع عنکبوت و  
 گیاهیست که  
 بعلی آنرا  
 جند قوتی  
 خوانند تمیق  
 الفوقانی و  
 یو یا سپست  
 بکسر اول و  
 ثانی مجهول  
 و او مجهول  
 و کسره همن  
 و سکون سین  
 ممله و کسره  
 موصوفه فارسی  
 سکون سین  
 مملاتی و فوقانی  
 هم جند قوتی  
 تمیق المراه  
 الممله و نیار  
 بکسر اول و  
 سکون ثانی با  
 نون و الف و  
 ممله هم تخم  
 کشکشت و یو  
 و ا بکسر اول  
 و تحتانی  
 مجهول و او  
 مجهول بلو ال  
 مملاتی و الف  
 و بسیار است  
 و آن صنوبر  
 هندیست و درخت  
 مانده و چنده  
 طح ی تمیق  
 السین للممله  
 و یفر و جیس  
 یونانی بکسر  
 اول و سکون  
 ثانی و ضم  
 فا و را و ممله

در هر حرف آبلینه نگاه دارند و گویند که زیر هر حرف بیشتر نگاه

بجای آنکه در هر حرف آبلینه نگاه دارند و گویند که زیر هر حرف بیشتر نگاه





گرمی و خشکی در تابستان  
گرمی و خشکی در تابستان

و موصده مشدو الف ثانی و فوقانی مضر و ز و ثلث شکست مع بفتح شین مع  
و سکون و او با کاف و الف ثانی م شکست عاتینق العین المهمله و خمسته اصابع  
ع و پنجگشت تنیق القاف و خمسته ا و راق ع بفتح همزه و سکون و او بار  
و الف ثانی و قاف و پنجگشت تنیق الهاء و تنیق الموحده ذهبع بفتح  
اول و هاء زره سونا طح مع ق و قش مقوی دل ش یک قیر ط غسل  
و شک تنیق الیاء التحتانی و تنیق الموحده ذنبع بکسر اول و سکون  
تحتانی و موصده ف گرگه بیطریا تنیق النون ذبقان ع بکسر اول و سکون  
ثانی با فاء و الف و نون و ف زهر قاتل توقیل الواء المهمله و تنیق الواو  
تنیق الالف رانایونانی بر او مهمله و الف و نون و الف ثانی و ف انا را و هـ  
سکون و او بار او مهمله ثانی م خاریشت تنیق الجیمع راتینج روی بکسر فوقانی و سکون  
تحتانی و فتح نون و سکون جیمع م صمغ و دخت صنوبر ف زنگباری طح ی ۲ ق  
مئیت اللحم مجلی قروح خ سفید زردی بایل که بجوی صنوبر یا ندی سفید اچ و غنک  
ل قنه و علك البطم یازفت کن راتینج ع بر او مهمله و الف و سکون را رجمه یا تحتانی  
و الف ثانی و فتح نون م زاریانه و بادیان ه سولف طح ی اق مفتوح مد مفتت  
خ لبستانی ش ز پست او کشتقال تاد و درم ص صندل و کافور یا زعفر و ل تخم  
کرفس رافع بفتح نون ف ناکیل تنیق الهاء المهمله راجع بکسکون حاء و مهمله و  
شرب تنیق الدال المهمله را و ندع بفتح اول و الف و فتح و او سکون نون و ال  
ف بیخ ریابست م ریونده ریون چینی طح گویند مع گویند ح ۳ ی ا گویند  
ح ۳ ق مقوی خ چینی که بعد از حق زعفرانی شود و بعد از شکستن در روش  
بگویند گاویند و دیر آریوند لخمی میخوانند و مانند سم اسپ باشد که اصلا سوراخی در  
نباشد ش نیم درم تاد و درم و گویند دانگی تا یکدرم ص صمغ عربی یا ماء الهند یا ل بنور

[illegible]



زراوند مجروح و بوزن وی ورق گل سرخ سنبل و بعضی گویند زرشک و طباشیر زعفران  
تمینق الزا و المجد رازق بسکون زرا و جمیم غار شیت را و نیز ف بکسر او و سکون  
تختانی م و دخت اشترا غار تمینق السین الممله راس ع بفتح اول و بنزه ساکنه ف  
سرهی موث تمینق الفاء راق ف ع بسبا سه تمینق الکاف را مک ه بفتح میم و  
سکون کاف م مرکبی ست از بازو و پوست انار و زاج سیاه و صمغ و دو شایا و عمل  
و گویند از بازو و پوست انار و زبیب و ورد و دایرینی طاب ی گویند ح ق قاض  
خ انچه سرخی زنده نش نیم مثقال ص ل ال قاقیا یا سواد القضا یا جلندریا آله او  
ف بفتح واو و سکون کاف م شراب صاف ع را و ق تمینق الکاف الفارسی را مک  
ه بخفا و نون ف از نیز تمینق اللام رال به م قیر تمینق المیم راز با ف م بسکون  
را و جمیم یا تختانی و الف و میم م راز یا نه تمینق النون را دن بکسر ال ممله ف زعفران  
را سن ف بفتح سین ممله م زخیل شامی و گویند فیلکوش ه راسا طح ی را گویند  
ه ق مقطع ملطف مفرج خ بنتر تاز مش یک مثقال ص صطکی دما یا ناکره یا س  
ال یرسا یا و ج ران ف دخت انگوزه را یسن ه بکسر تختانی و نیز ممله م نام دخت  
هند لیست تسیق الوا و را بوف بضم موده نام کلی ست را سوف بضم سین بهمل  
م موش خرماع ابرج رس ه نیولا تمینق الهاء راقه ف بفتح خفا و ه م گیا هی بود  
مانند سیر که آنرا بریان کرده بخورند را و چه ف بسکون واو و فتح جمیم فارسی م نوعی  
از انگور را و سه بسکون واو و فتح سین ممله م اشترا غار را و ه ف بسکون او  
با میم و الف و فتح ال ممله م انگوزه ع حللیت تمینق التختانی را و بوی ف بسکون  
دال ممله و ضم موده و واو و مجهول و تختانی مجهول ع عود را نرقی بکسر او و جمیم و قاف  
گل و بنق را زیا نچ شامی روی بسکون را و جمیم یا تختانی و الف و فتح نون و کسر جمیم  
باشین جمیم و الف و کسر میم و سکون تختانی و فتح واو و ضم را و ممله ثانی و سکون واو

گرم است در  
 درجه اول و  
 عدد در  
 کوکب زخرفان  
 را گویند  
 گفته اند که  
 ستاره  
 نبات بریز  
 ماند و بخی  
 اداسا

109

آدم است در  
 درجه اول و  
 عدد درجه  
 کوکب و خزان  
 را گویند  
 گفته اند که  
 ستاره  
 نبات بریه  
 ماند و بعضی  
 ادبیا که

یا علی بن ابی طالب و حسن و حسین و زین العابدین و محمد باقر و سید الشهدا و ائمه اطهار علیهم السلام



جفت اول سکون ثانی و فتح لام و خفاء هاء و ترک م بقله الحمقا و بفتح اول ف

سمار و غ تنسيق و تمیق الهاء المعجمه رخ و بضم اول سکون خا و بهمه با نور مشهور که مانند عنقا وجود خارجی ندارد چنانچه در خطب خ مکره بنام او موسوم است تمیق المیم رخام و بضم اول و فتح ثانی و الف و سیم و سنگی است سفید طبعی گویند ح ق مجلی سفید ص ر و غن گل ل شاخ ایل سوخته تمیق النون چسبین و بضم اول و سکون ثانی و کسر ص و ده فارسی و سکون تحتانی و نون م قروت طح ی ۲ و گویند معنی دوغ تمیق الهاء خیم و بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و خفاء هاء مرغ مرد اخوار و خند و بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م کاغذ رضینه بفتح اول و کسری ثانی و سکون تحتانی و فتح نون م رنگباری تنسيق الدال المهمله و تمیق الواو و رنج و بفتح اول و دال مهمله سکون نون و ضم میم و سکون و ا و ف کرم دیوک ع ارضه تمیق الهاء رده و بکسر اول و فتح ثانی مشدود اظهار به و ای هند سیت تنسيق و تمیق الزاء المعجمه زرف بفتح اول و سکون زاء و معجمه م پیاره انگور و انگور و زهر رانیز گویند تمیق الهاء زره و بفتح اول و ثانی و خفاء هاء و عنب الثعلب و مکو تنسيق السین المهمله و تمیق الفوقانی رسوت و بفتح اول سکون سین مهمله و فتح و او و سکون فوقانی و اروی هند سیت که در امراض چشم کار دارند م خفض تمیق السین المهمله رس و بفتح اول و سکون سین مهمله م طلا و لقره و مس و آهن و سیاب و دیگر فلزات کشته تمیق الهاء رسته و بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م شیرینی است شبیه بقیروت ع کعب الغزال و تاباشا تنسيق الشین المعجمه و تمیق الفوقانی رشت و بفتح اول و سکون شین معجمه و فوقانی م خاک تمیق الدال المهمله شام ع بفتح اول ثانی م تره تیزک طح ی پنخج مملخ سبزیستانی ش و دشقال ص هند با و تخم کرفس ل بر جیر تمیق الشین المعجمه رش و بفتح اول و سکون

بکسر اول و فتح ثانی و کسر ص و ده فارسی و سکون تحتانی و نون م قروت طح ی ۲ و گویند معنی دوغ تمیق الهاء خیم و بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و خفاء هاء مرغ مرد اخوار و خند و بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م کاغذ رضینه بفتح اول و کسری ثانی و سکون تحتانی و فتح نون م رنگباری تنسيق الدال المهمله و تمیق الواو و رنج و بفتح اول و دال مهمله سکون نون و ضم میم و سکون و ا و ف کرم دیوک ع ارضه تمیق الهاء رده و بکسر اول و فتح ثانی مشدود اظهار به و ای هند سیت تنسيق و تمیق الزاء المعجمه زرف بفتح اول و سکون زاء و معجمه م پیاره انگور و انگور و زهر رانیز گویند تمیق الهاء زره و بفتح اول و ثانی و خفاء هاء و عنب الثعلب و مکو تنسيق السین المهمله و تمیق الفوقانی رسوت و بفتح اول سکون سین مهمله و فتح و او و سکون فوقانی و اروی هند سیت که در امراض چشم کار دارند م خفض تمیق السین المهمله رس و بفتح اول و سکون سین مهمله م طلا و لقره و مس و آهن و سیاب و دیگر فلزات کشته تمیق الهاء رسته و بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م شیرینی است شبیه بقیروت ع کعب الغزال و تاباشا تنسيق الشین المعجمه و تمیق الفوقانی رشت و بفتح اول و سکون شین معجمه و فوقانی م خاک تمیق الدال المهمله شام ع بفتح اول ثانی م تره تیزک طح ی پنخج مملخ سبزیستانی ش و دشقال ص هند با و تخم کرفس ل بر جیر تمیق الشین المعجمه رش و بفتح اول و سکون

۱۹۱  
کفک کلان  
ان مشهور  
کلان  
کلان تا کلکند  
اصل کلکند  
که در آفتاب  
زیت سیافند  
باشد بر آتش  
کلوی هند  
کونج گویند

بکسر اول و فتح ثانی و کسر ص و ده فارسی و سکون تحتانی و نون م قروت طح ی ۲ و گویند معنی دوغ تمیق الهاء خیم و بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و خفاء هاء مرغ مرد اخوار و خند و بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م کاغذ رضینه بفتح اول و کسری ثانی و سکون تحتانی و فتح نون م رنگباری تنسيق الدال المهمله و تمیق الواو و رنج و بفتح اول و دال مهمله سکون نون و ضم میم و سکون و ا و ف کرم دیوک ع ارضه تمیق الهاء رده و بکسر اول و فتح ثانی مشدود اظهار به و ای هند سیت تنسيق و تمیق الزاء المعجمه زرف بفتح اول و سکون زاء و معجمه م پیاره انگور و انگور و زهر رانیز گویند تمیق الهاء زره و بفتح اول و ثانی و خفاء هاء و عنب الثعلب و مکو تنسيق السین المهمله و تمیق الفوقانی رسوت و بفتح اول سکون سین مهمله و فتح و او و سکون فوقانی و اروی هند سیت که در امراض چشم کار دارند م خفض تمیق السین المهمله رس و بفتح اول و سکون سین مهمله م طلا و لقره و مس و آهن و سیاب و دیگر فلزات کشته تمیق الهاء رسته و بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م شیرینی است شبیه بقیروت ع کعب الغزال و تاباشا تنسيق الشین المعجمه و تمیق الفوقانی رشت و بفتح اول و سکون شین معجمه و فوقانی م خاک تمیق الدال المهمله شام ع بفتح اول ثانی م تره تیزک طح ی پنخج مملخ سبزیستانی ش و دشقال ص هند با و تخم کرفس ل بر جیر تمیق الشین المعجمه رش و بفتح اول و سکون

[illegible]

گوید بول آن  
همه حاضر است  
ایام ششم نیست  
حاکم قویش  
حاکم اینطرس  
گوید بول آن  
بهرن آن  
سیالوس  
و دانگ و نم  
آن سیخه

145

و این سبب بود که  
بل آن دان  
که میانی بود  
و در میان  
که در میان  
که در میان  
که در میان  
که در میان



[illegible]

خفاصان را از این صفت که در  
کتابهاست چنین است  
در زمینهای بسیار  
و در جاهای گوناگون  
که در کتابهاست  
و در زمینهای بسیار  
و در جاهای گوناگون  
که در کتابهاست

۱۶۳  
خوانند کنند  
و علیکم السلام  
گویند من بعضی  
مسلطه کردم  
درس در جسد  
خفاصان را افشا  
ست و خاطر را  
توت گرداند  
وقی را با باز دارد  
کنند

کندش است آن دقان دینم بگردن بکشد آن کجین است

زند بفتح اول سکون ثانی م مورد زلف بفتح اول سکون ثانی ف بید مشک  
 تمینق الکاف الفارسی رنگ بفتح اول سکون ثانی و کاف فارسی بزکوهی  
 تنسیق الواو و تمینق الالف روپاه بضم اول سکون واو با موحده فارسی  
 والف و نقره و موحده تازی م روپاه ترکیب روحناه بضم اول سکون ثانی  
 و فتح جیم با فوقانی بهم کسب روح تو تیا بضم اول سکون ثانی و حاء ممله و ضم فوقانی  
 و سکون واو ثانی و کسر فوقانی با تحتانی والف هجست روحیناف بضم اول  
 و ثانی مجهول و کسر با و سکون تحتانی بانون والف م یولاد جوهر دار روی تو تیا  
 بضم اول سکون ثانی و تحتانی مجهول و ضم فوقانی و سکون واو ثانی و کسر فوقانی  
 ثانی با تحتانی هجست تمینق الجیم روح خج ع بضم اول سکون ثانی و فتح  
 سین ممله و سکون خا و جیم و فتح فوقانی و سکون جیم ف کس سهخته طح ی  
 ق مجفف اکال مجلی خ رقیق شش نیم درم ص صمغ و کیترا ل تو بال روح بضم اول  
 و سکون ثانی و فتح نون م ریون و تمینق الخاء المعجده روح ف بضم اول سکون  
 ثانی خا و معجده گیاهی است که از میان آب بر وید و از آن حصیر برافندم لوخ  
 تمینق السین الممله موس ع بضم اول مهنه و سکون واو ف سرباط  
 ح رق مغذی خ سربای حیوانات معتدل الرطوبت ل الکارع و بضم سکون  
 واو ف روپاه و ناس و بضم اول و ثانی مجهول بانون والف ع فوه و بضم سکون  
 و هنس ه بضم اول و ثانی مجهول و فتح با و سکون نون م کند میل ع اذخر  
 تمینق الشین المعجده روشا الحمار الوحش ع بفتح اول سکون ثانی و ضم  
 و سکون لام و کسر حاء ممله با بهم والف و کسر لام ممله ثانی و سکون لام ثانی و فتح  
 واو و سکون حاء ممله ثانی ف سگرین گور خ تمینق الکاف روپاه ترکیب  
 بضم اول سکون ثانی مجهول با موحده والف اظهار با و ضم فوقانی و سکون اول ممله

بند سکون  
 کاف الفارسی  
 رنگ بفتح اول سکون  
 و کاف فارسی  
 بزکوهی  
 روپاه  
 ترکیب  
 روحناه  
 بضم اول سکون  
 و حاء ممله  
 و ضم فوقانی  
 و سکون  
 واو ثانی  
 و کسر فوقانی  
 با تحتانی  
 والف هجست  
 روحیناف  
 بضم اول  
 و ثانی مجهول  
 و کسر با و  
 سکون تحتانی  
 بانون والف  
 م یولاد جوهر  
 دار روی تو تیا  
 بضم اول سکون  
 ثانی و تحتانی  
 مجهول و ضم  
 فوقانی و سکون  
 واو ثانی و کسر  
 فوقانی  
 ثانی با تحتانی  
 هجست تمینق  
 الجیم روح خج  
 ع بضم اول سکون  
 ثانی و فتح  
 سین ممله و سکون  
 خا و جیم و فتح  
 فوقانی و سکون  
 جیم ف کس سهخته  
 طح ی ق مجفف  
 اکال مجلی خ  
 رقیق شش نیم  
 درم ص صمغ و  
 کیترا ل تو بال  
 روح بضم اول  
 و سکون ثانی  
 و فتح نون م  
 ریون و تمینق  
 الخاء المعجده  
 روح ف بضم اول  
 سکون ثانی خا  
 و معجده گیاهی  
 است که از میان  
 آب بر وید و از  
 آن حصیر برافندم  
 لوخ تمینق  
 السین الممله  
 موس ع بضم اول  
 مهنه و سکون  
 واو ف سرباط  
 ح رق مغذی خ  
 سربای حیوانات  
 معتدل الرطوبت  
 ل الکارع و بضم  
 سکون واو ف  
 روپاه و ناس و  
 بضم اول و ثانی  
 مجهول بانون  
 والف ع فوه و  
 بضم سکون و  
 هنس ه بضم اول  
 و ثانی مجهول  
 و فتح با و سکون  
 نون م کند میل  
 ع اذخر تمینق  
 الشین المعجده  
 روشا الحمار  
 الوحش ع بفتح  
 اول سکون ثانی  
 و ضم و سکون  
 لام و کسر حاء  
 ممله با بهم  
 والف و کسر لام  
 ممله ثانی و  
 سکون لام ثانی  
 و فتح واو و  
 سکون حاء ممله  
 ثانی ف سگرین  
 گور خ تمینق  
 الکاف روپاه  
 ترکیب بضم اول  
 سکون ثانی  
 مجهول با موحده  
 والف اظهار با  
 و ضم فوقانی  
 و سکون اول  
 ممله

بند سکون کاف الفارسی رنگ بفتح اول سکون و کاف فارسی بزکوهی روپاه ترکیب روحناه بضم اول سکون و حاء ممله و ضم فوقانی و سکون واو ثانی و کسر فوقانی با تحتانی والف هجست روحیناف بضم اول و ثانی مجهول و کسر با و سکون تحتانی بانون والف م یولاد جوهر دار روی تو تیا بضم اول سکون ثانی و تحتانی مجهول و ضم فوقانی و سکون واو ثانی و کسر فوقانی ثانی با تحتانی هجست تمینق الجیم روح خج ع بضم اول سکون ثانی و فتح سین ممله و سکون خا و جیم و فتح فوقانی و سکون جیم ف کس سهخته طح ی ق مجفف اکال مجلی خ رقیق شش نیم درم ص صمغ و کیترا ل تو بال روح بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م ریون و تمینق الخاء المعجده روح ف بضم اول سکون ثانی خا و معجده گیاهی است که از میان آب بر وید و از آن حصیر برافندم لوخ تمینق السین الممله موس ع بضم اول مهنه و سکون واو ف سرباط ح رق مغذی خ سربای حیوانات معتدل الرطوبت ل الکارع و بضم سکون واو ف روپاه و ناس و بضم اول و ثانی مجهول بانون والف ع فوه و بضم سکون و هنس ه بضم اول و ثانی مجهول و فتح با و سکون نون م کند میل ع اذخر تمینق الشین المعجده روشا الحمار الوحش ع بفتح اول سکون ثانی و ضم و سکون لام و کسر حاء ممله با بهم والف و کسر لام ممله ثانی و سکون لام ثانی و فتح واو و سکون حاء ممله ثانی ف سگرین گور خ تمینق الکاف روپاه ترکیب بضم اول سکون ثانی مجهول با موحده والف اظهار با و ضم فوقانی و سکون اول ممله







چندین کلمه که در این کتاب مذکور است

و بتالی مجهول و اظهار با خاک شود تمینق التختانی رسی ف بکسر اول و ثانی بهم  
 و کسین ممله و سکون تختانی م نوعی از انگور است توفیق الزواء المعجمه  
 و تنسيق الالف و تمینق الجیم زاج ع بزاء معجمه الف و جیم ف زاک  
 بهشگری و آن انواع باشد سفید راشب و قلقند لیس و سرخ و سوری و سبز  
 قلقند و زرد و قلقطار و سبز ازاک سیاه نیز نامند و به هندی کیس خومند  
 و زاک زرد و را بهندی کسیرا کیس و زاک ملک و زاک ترکی را نیز هندی کیس خومند  
 طحی مرق قابض محرق مفرغ مصری براق زرد و ریزنده و پاک و نوص شیر  
 تازه زنان و مسکه با شکرل شهل زاج ف بکسر او ممله زرشک تمینق الجیم  
 الفارسی زاج ف بکسرین معجمه سکون جیم فارسی م زاج تمینق القاف اوق  
 بضم همزه و سکون و اوف سیما ب تمینق اللام زاخل کسیرا معجمه ف دخت  
 زرقوم گوینده درخت آگ زازال و بهر دوزا معجمه و الف م مرغی سیاه  
 پای که تا به که بر زمین نشیند نتواند برخواست و بصریوک و تمینق الهاء زاف  
 ف بفتح اول و الف و فتح فا و خا و هام غار شیت تنسيق و تمینق الموحده  
 زبل الذئب ع بفتح اول موحده و ضم لام و کسر ال معجمه مشدده و سکون تختانی  
 و موحده ثانی ف سرگین گرگ رخ که از بالایی خارج گیرند و سفید و در دستخوان  
 و موی یابند و از زبل سگ که از استخوان خورده باشد زبل ملک بیع  
 بفتح اول و کسرتانی و سکون تختانی و ه موزیم کشمش ط کوشت اوج راودا و او  
 بی ۲ ق ملین بفتح ش و در م ص خیال الیک بنیرا خسل غناب یا میو  
 تنقی تمینق اللال الممله زیاده بفتح اول و ثانی و الف ف تراوش خصیه  
 سستی جانور است گر بآه نایاب و میده و شاخ طح ۲ مع ریخ قدیری  
 از و بهر سرجوالدندی گره قیرین آتش دهند اگر روان نشود جید است الا شوش

بکسر اول و ثانی بهم  
 و کسین ممله و سکون تختانی م  
 و تنسيق الالف و تمینق الجیم  
 بهشگری و آن انواع باشد سفید  
 قلقند و زرد و قلقطار و سبز  
 و زاک زرد و را بهندی کسیرا  
 طحی مرق قابض محرق مفرغ  
 تازه زنان و مسکه با شکرل  
 الفارسی زاج ف بکسرین معجمه  
 بضم همزه و سکون و اوف سیما  
 زرقوم گوینده درخت آگ زازال  
 پای که تا به که بر زمین نشیند  
 ف بفتح اول و الف و فتح فا  
 زبل الذئب ع بفتح اول موحده  
 و موحده ثانی ف سرگین گرگ  
 و موی یابند و از زبل سگ که  
 بفتح اول و کسرتانی و سکون  
 بی ۲ ق ملین بفتح ش و در م  
 تنقی تمینق اللال الممله زیاده  
 سستی جانور است گر بآه نایاب  
 از و بهر سرجوالدندی گره قیرین

بکسر اول و ثانی بهم  
 و کسین ممله و سکون تختانی م  
 و تنسيق الالف و تمینق الجیم  
 بهشگری و آن انواع باشد سفید  
 قلقند و زرد و قلقطار و سبز  
 و زاک زرد و را بهندی کسیرا  
 طحی مرق قابض محرق مفرغ  
 تازه زنان و مسکه با شکرل  
 الفارسی زاج ف بکسرین معجمه  
 بضم همزه و سکون و اوف سیما  
 زرقوم گوینده درخت آگ زازال  
 پای که تا به که بر زمین نشیند  
 ف بفتح اول و الف و فتح فا  
 زبل الذئب ع بفتح اول موحده  
 و موحده ثانی ف سرگین گرگ  
 و موی یابند و از زبل سگ که  
 بفتح اول و کسرتانی و سکون  
 بی ۲ ق ملین بفتح ش و در م  
 تنقی تمینق اللال الممله زیاده  
 سستی جانور است گر بآه نایاب  
 از و بهر سرجوالدندی گره قیرین



افضل و جمعي از اهل  
مقامات و اشراف  
و اعیان و ارباب  
و اهل علم و ادب  
و اهل قلم و کلام  
و اهل فن و فضايل  
و اهل قوت و قوايل  
و اهل قوت و قوايل  
و اهل قوت و قوايل

۱۴۹  
 قول حکما اینست  
 بقدر و ازای  
 چنانچه از قول  
 حرات دی  
 زیادت نبود  
 بر جود است  
 و برود است  
 نبود بر جود است  
 وصال حین  
 بایستادی

انما مفسر  
 بنمود و مفسر  
 در فضا بکسی  
 در کتب  
 یونان شش  
 با نفاخ  
 و پسند  
 دینیکه  
 دهمند در  
 نقصان  
 ۱۵

بفتح اول سکون ثانی و ضم سین ممله سکون او و وال ممله ف ز و حوب  
 زربادع بضم اول و ثانی و سکون نون با موحده و الف که مجر طرح ی ۲  
 ق لمطف مغشی مفرج مقوی ل و عده مویی خ آنچه در تری بکار و پاره نکرده باشد  
 و اختش یکدم ص فوئج و سنبلی صندل ل یک نیموزن در و پنج و چهار دانگ  
 وزن آن طر حشقوق بری و نیموزن حسب لایح یا شیطیح و رس با نیموزن  
 سنبلی زینخ ز و بفتح اول سکون ثانی و کسرتون و سکون تحتانی و کسرتا و محمد  
 و فتح ز و عجمه ثانی و سکون را و ممله ثانی ه هرثال طح ی ۳ ق معفن مقسح  
 قاتل خ ارنی تو بتوش نیدرم ص قی کردن آب گرم در عن و شیر تازه ل  
 نوزه تمیق الواع الممله ز و زیر ف بفتح اول و کسرتانی و سکون تحتانی و را و ممله  
 ثانی ف و اسپرک تمیق الکاف و زرشک ف بکسر اول و ثانی و سکون شین معجود  
 ع ابنربا ریس و نیز کلست خوشبو زرک و زریک ف بکسر اول و سکون ثانی  
 در لغت اول و کسرتانی و سکون تحتانی در لغت ثانی م زرشک تمیق الکاف  
 الفارسی زرنگ ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و کاف فارسی م زرد آب  
 کل کا زیره و نیز دختی ست کوهی و چوبش بسیار سخت باشد و از آن تیره و تیره  
 و حای زین و امثال آن سازند گویند که چون چوب و را در گیر انداختش او  
 قریب بده روز بماند و نیز نام زرشک و زرد چوبه و خول تمیق اللام ز و را و  
 طویل بفتح ط و ممله و کسرتا و سکون تحتانی و لام م زرا و نذر طح ی ۴  
 ق مفتح محلل مغشی مدخل خ زعفرانی سبطه ترازا انگشبت نرش یکدم م تا و دوم  
 ص ص ل یا ابنربا ریس ل شیطیح یا زرباد و قسط و نیموزن فلفل و دو دانگ  
 وزن آن بسفایج و نیموزن انزروت تمیق النون ز و قون سربانی بفتح  
 اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون و او و نون م سبج و سند و ز و ز و نون

و سبج و سند و ز و ز و نون



بفتح اول و سکون ثانی و دال ممله و فتح فاء و سجده و سکون واو م گایا هی ست که گلش  
زرد و خو شبوست زر و ف بفتح اول و ضم ثانی م ز الو تینق الهائنه اقوع بضم اول  
و ثانی و الف و فتح فاء و خفاء و هاء شتر گاؤ و یلنگ زر و ه ف بفتح اول و سکون ثانی  
و فتح دال ممله م زردی میان تخم مرغ زر و بلف بفتح اول و سکون ثانی و کسرون  
و سکون تحتانی و فتح لام م ریواس تینق التحتانی زر جامی و بفتح اول و سکون  
ثانی با جیم و الف و کسر سیم و سکون تحتانی م نوعی از انگور زر و ک ریکی و بفتح  
اول و سکون ثانی و فتح دال ممله و کسر کاف و دال ممله ثانی و تحتانی  
مجهول و کسر کاف و فاء م شقایق زر قوی ردی بفتح اول  
و سکون ثانی و ضم قاف و سکون واو و کسر و ممله م جل الغراب تینق العین  
الممله و تینق الدال الممله زعفران الحدید بفتح اول و سکون بین ممله و فتح فاء و  
ممله و ضم نون و سکون لام و فتح فاء و ممله و کسر و ممله و سکون تحتانی و دال ممله  
ثانی و فیم آهن طحی تینق الواء الممله زعفران بضم اول و سکون ثانی و ضم  
و ممله و سکون واو و دال ممله ثانی و فیل طحی ۲ ق قابض رخ رسیده  
ش سده درم تا پنجم ص رازیانله بغیر تینق النون زعفران بفتح اول و سکون  
ثانی و فتح فاء و ممله و الف و نون و کیسر طحی ۲ یاق محل مفتع مضج مفرح  
مقوی ل منو خ تار و سرخ تیر بونی ش نیم درم تا یک درم صانیسون و زر رشک  
یا جاش مفرجل قسط بوزن دی و کینیون آن پوست سیلخه تینق العین  
المعجه و تینق الواء الممله زعفران بفتح اول و ضم سجد و الف و دال ممله م شاخ  
و زیت انگور زغیر بفتح اول و کسری و سکون تحتانی و مرو سفیده و تخم کنار  
و السی تینق الکاف زغاک و بفتح اول و ثانی و الف و کاف م شاخ و کاف

بفتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون واو م کل شقایق تینق الواء زر خوف  
بفتح اول و سکون ثانی و دال ممله و فتح فاء و سجده و سکون واو م گایا هی ست که گلش  
زرد و خو شبوست زر و ف بفتح اول و ضم ثانی م ز الو تینق الهائنه اقوع بضم اول  
و ثانی و الف و فتح فاء و خفاء و هاء شتر گاؤ و یلنگ زر و ه ف بفتح اول و سکون ثانی  
و فتح دال ممله م زردی میان تخم مرغ زر و بلف بفتح اول و سکون ثانی و کسرون  
و سکون تحتانی و فتح لام م ریواس تینق التحتانی زر جامی و بفتح اول و سکون  
ثانی با جیم و الف و کسر سیم و سکون تحتانی م نوعی از انگور زر و ک ریکی و بفتح  
اول و سکون ثانی و فتح دال ممله و کسر کاف و دال ممله ثانی و تحتانی  
مجهول و کسر کاف و فاء م شقایق زر قوی ردی بفتح اول  
و سکون ثانی و ضم قاف و سکون واو و کسر و ممله م جل الغراب تینق العین  
الممله و تینق الدال الممله زعفران الحدید بفتح اول و سکون بین ممله و فتح فاء و  
ممله و ضم نون و سکون لام و فتح فاء و ممله و کسر و ممله و سکون تحتانی و دال ممله  
ثانی و فیم آهن طحی تینق الواء الممله زعفران بضم اول و سکون ثانی و ضم  
و ممله و سکون واو و دال ممله ثانی و فیل طحی ۲ ق قابض رخ رسیده  
ش سده درم تا پنجم ص رازیانله بغیر تینق النون زعفران بفتح اول و سکون  
ثانی و فتح فاء و ممله و الف و نون و کیسر طحی ۲ یاق محل مفتع مضج مفرح  
مقوی ل منو خ تار و سرخ تیر بونی ش نیم درم تا یک درم صانیسون و زر رشک  
یا جاش مفرجل قسط بوزن دی و کینیون آن پوست سیلخه تینق العین  
المعجه و تینق الواء الممله زعفران بفتح اول و ضم سجد و الف و دال ممله م شاخ  
و زیت انگور زغیر بفتح اول و کسری و سکون تحتانی و مرو سفیده و تخم کنار  
و السی تینق الکاف زغاک و بفتح اول و ثانی و الف و کاف م شاخ و کاف

بہارِ سحر دی گوشتِ ہندوہ جی جی مضمون بیگزاید گوشتِ مانا لکھ داندو لکھان دلون باہر

تتميق اللام فقال بضم اول وفتح ثانی والفاء ولامه كويله تتميق النون وعن ف  
بفتح اول و ثانی و سکون نون م علیوازه جیل تتمیق الفاء و تتمیق الفوقانی زفت  
ف بضم اول و سکون فاء و فوقانی دوائی ست چسپنده که از صنوبری بر حال  
شود و آن بجهت قسم ست رومی و یا بسبب طربط ح ی ۲ ق محلل لمج مجلی فروج خ  
براق صاف یا کالاسک ش از رومی یکدم نادود در ص کتیرا یا اسفیداج و کافور  
جا و شیر و ملک البطم و سوم و قطر ان تتمیق الفاء و زیرت اندلسی بکسر اول و ثانی  
سکون تحتانی و بغیر تحتانی نیز آمده و فتح را و حجه ثانی و فاء ثانی ف غناب تتمیق الفاء  
و تتمیق المیم ز قوم بفتح اول و ضم قاف و سکون و او و میم سینده و تنویر تتمیق  
الکاف و تتمیق الموحده ز کاب و بفتح اول کاف و الف و سوده م سیاهی  
و دوات سدا و م کربج تتمیق الکاف الفارسی و تتمیق الموحده ز کالاف  
بضم اول کاف فارسی و الف و لام و الف ثانی و سوده م ز کاب تتمیق اللام  
ز کال و بضم اول و کاف فارسی الف و لام م انکشت نا افروخته کویل بن سلاک  
تتمیق الهاء ز کال و بضم اول با ثانی فارسی و الف و فتح لام و خفاء باع سدا  
تتمیق اللام و تتمیق الکاف ز لوک بفتح اول و ضم لام و سکون و او و کاف م  
ز الو تتمیق الواو ز لوک بفتح اول و ضم لام و سکون و او م ز الو تتمیق الهاء  
ز له و بکسر اول و فتح ثانی مشد و خفاء با م جالوزیت مانند الخ که در هوای گرم  
بخانه و صحرا فریاد کند تتمیق المیم و تتمیق النجیم الفارسی ز مج بفتح اول و  
سکون میم و میم فارسی و بکسر اول و فتح ثانی مشد م مرغیت که آنرا چرخ  
گویند تتمیق الدال الموحده ز م و بضم اول و ثانی و در اول جمله شده و سکون مال محله  
به پتان ط ب ی ۲ ق محقق خ بشر شفاف کنه ش یکفیر ط ص مشکب ل  
مرجان تتمیق الغین الموحده ز ا و غ و بفتح اول و ثانی و الف و ضم را و جمله سکون

[illegible]

کتاب الفونیکه فی تفسیر الحروف و بیان معانیها

و اد و ضین معجم سمار و غ تمینق النون و تمینق الموحده ز تجیل الطبع و لغت  
 اول سکون نون و فتح جیم و کسر موحده و سکون تحتانی و ضم لام و فتح راء و ممله شد  
 و سکون طاء و ممله و موحده ثانی که اگر و اد و تمینق الدال الممله ز ند ففتح  
 اول و سکون ثانی و دال ممله و دخت مورد تمینق الواو الممله ز برف و فتح  
 و سکون ثانی و ضم موحده و سکون راء و ممله انبر بارین ز نجار بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح جیم و الف ز نگار طح ی ۴ ق حاد اکال خ ماخوذ از معدن سمن سیاه  
 منبر ص قی کردن آب گرم و شیر تازه و روغن و شورایی جرب ال اقلیمیا و نموزن  
 ز نجرف یار و خنج و زنجرف بفتح اول سکون نون و فتح جیم و سکون قاف و شکوفه  
 اینک طح ی ۲ گویند ب ا ق بغسل ص روغن زرد و آب گرم ل مرونج یا باقی  
 ز نگار بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی یا موحده و الف که نیلا تهوتا ز نور و  
 بفتح اول و ضم ثانی و سکون و اوم بن خوشه خرا و حیون و الو تمینق الذاء ز نجرف  
 بفتح اول سکون ثانی و فتح جیم و سکون راء ممله فام شکوفه تمینق القاف  
 ز نجق بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون قاف و تمینق که آنرا سوسن  
 گویند طح ا مع ی ر تمینق اللام ز نبل بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده  
 و سکون لام م انبر بارین ز تجیل و بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و کسر موحده  
 و سکون تحتانی و لام که سونله و سندی طح ی ۳ ق منشی و مقوی یا  
 قبیخ چینی زرد و قی بایل ش و درم ص سل ای قرص کافور ل دار فلفل و فلفل  
 عاقر قرحا تمینق المسیر ز تجیل البکم سکون لام ثانی و فتح مین ممله و جیم م شتر غار  
 ز نهم بفتح اول و سکون ثانی و سیم م محضر تمینق النون ز میان و سکون اول  
 و سکون ثانی و تحتانی و الف و قون ثانی ص ماخوذه اجوین زن بضم اول م  
 خندس تمینق الواو ز نجرف بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و راء ممله

و اد و ضین معجم سمار و غ تمینق النون و تمینق الموحده ز تجیل الطبع و لغت  
 اول سکون نون و فتح جیم و کسر موحده و سکون تحتانی و ضم لام و فتح راء و ممله شد  
 و سکون طاء و ممله و موحده ثانی که اگر و اد و تمینق الدال الممله ز ند ففتح  
 اول و سکون ثانی و دال ممله و دخت مورد تمینق الواو الممله ز برف و فتح  
 و سکون ثانی و ضم موحده و سکون راء و ممله انبر بارین ز نجار بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح جیم و الف ز نگار طح ی ۴ ق حاد اکال خ ماخوذ از معدن سمن سیاه  
 منبر ص قی کردن آب گرم و شیر تازه و روغن و شورایی جرب ال اقلیمیا و نموزن  
 ز نجرف یار و خنج و زنجرف بفتح اول سکون نون و فتح جیم و سکون قاف و شکوفه  
 اینک طح ی ۲ گویند ب ا ق بغسل ص روغن زرد و آب گرم ل مرونج یا باقی  
 ز نگار بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی یا موحده و الف که نیلا تهوتا ز نور و  
 بفتح اول و ضم ثانی و سکون و اوم بن خوشه خرا و حیون و الو تمینق الذاء ز نجرف  
 بفتح اول سکون ثانی و فتح جیم و سکون راء ممله فام شکوفه تمینق القاف  
 ز نجق بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون قاف و تمینق که آنرا سوسن  
 گویند طح ا مع ی ر تمینق اللام ز نبل بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده  
 و سکون لام م انبر بارین ز تجیل و بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و کسر موحده  
 و سکون تحتانی و لام که سونله و سندی طح ی ۳ ق منشی و مقوی یا  
 قبیخ چینی زرد و قی بایل ش و درم ص سل ای قرص کافور ل دار فلفل و فلفل  
 عاقر قرحا تمینق المسیر ز تجیل البکم سکون لام ثانی و فتح مین ممله و جیم م شتر غار  
 ز نهم بفتح اول و سکون ثانی و سیم م محضر تمینق النون ز میان و سکون اول  
 و سکون ثانی و تحتانی و الف و قون ثانی ص ماخوذه اجوین زن بضم اول م  
 خندس تمینق الواو ز نجرف بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و راء ممله

کتاب الفونیکه فی تفسیر الحروف و بیان معانیها









مدرسه علمیه نجف اشرف

انرا زیت الانفاق گویند بریز قون بکسر اول و سکون ثانی و زاء معجمه ثانی و ضم فاف  
 و سکون و اوف نوعی از درخت سنجید که برنمید در میان بکسر اول و ثانی با نون و  
 الف و اجوائن تمینق التختانی زیت بکافی بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و  
 ممله کاف و کسر موحده و سکون تحتانی آسانی م زیت شامی توقیع الزاء الفار  
 و تنسیق الالف و تمینق الزاء الفارسی ترا ثوف بهر و زاء فارسی گیاره بیست که  
 بی تخم وید و در غایت پیمرگی باشد و چند آنکه از اشتر نخاید نرم شود ترا بیثرف بکسر  
 موحده و سکون تحتانی و زاء فارسی ثانی م بوی ماران تمینق الکاف ترا و مک  
 ف باضم زاء معجمه فارسی ثانی و سکون و اوف فتح میم و سکون کاف م لوبیاع لب  
 تمینق الهاء ترا و ف بفتح زاء فارسی ثانی و خفاء یا م ترا ترا ل بفتح لام م مگر گ ویم  
 تنسیق الفین المجه و تمینق الهاء ز غار و ز غالف بفتح اول و فارسی و غین معجمه  
 و الف و فتح زاء ممل در لغت اول و فتح لام در لغت ثانی م ثان ارین و سرخی کدرا  
 بر روی خود مانند تنسیق الواو و تمینق الزاء الفارسی ترا و ف بضم اول فاف  
 و سکون و اوف و زاء فارسی ثانی م خالشت تمینق الکاف ترا و ف بفتح اول  
 فارسی و سکون ثانی و فتح زاء ممله و سکون کاف پرنده ایست سرخ قام بقدر شکلی  
 تنسیق التختانی و تمینق الهاء ز یوه بکسر اول فارسی و تحتانی مجهول و فتح و اوف خفاء  
 م سیماب توقیع السین الممله و تنسیق و تمینق الالف ساء لاند باین  
 ممله و الف و لام و الف ثانی و فتح میم و سکون نون و فتح و الف ممله بار و ممله و الف  
 ثالث م نوعی از عظام است که چهار پای دگر دزد و در کان نوشاد و بسیار بود و دذب  
 وی کوتاه بود و شیرش و آن بز تخم و بین ترا و سام برص باشد و گردن وی  
 بلرک بود و لون وی البلق زرد و سیاه بود و گویند چون در آتش اندازند نشود  
 و چون از آتش زنده کارگر نشود و از جمله سموم قتاله است مانند زیار تخ تمینق الفوق

نجمه کاف  
 ممل و الف و لام و الف ثانی و فتح میم و سکون نون و فتح و الف ممله بار و ممله و الف  
 ثالث م نوعی از عظام است که چهار پای دگر دزد و در کان نوشاد و بسیار بود و دذب  
 وی کوتاه بود و شیرش و آن بز تخم و بین ترا و سام برص باشد و گردن وی  
 بلرک بود و لون وی البلق زرد و سیاه بود و گویند چون در آتش اندازند نشود  
 و چون از آتش زنده کارگر نشود و از جمله سموم قتاله است مانند زیار تخ تمینق الفوق  
 کاف و سکون ثانی و فتح زاء ممله و سکون کاف پرنده ایست سرخ قام بقدر شکلی  
 تنسیق التختانی و تمینق الهاء ز یوه بکسر اول فارسی و تحتانی مجهول و فتح و اوف خفاء  
 م سیماب توقیع السین الممله و تنسیق و تمینق الالف ساء لاند باین  
 ممله و الف و لام و الف ثانی و فتح میم و سکون نون و فتح و الف ممله بار و ممله و الف  
 ثالث م نوعی از عظام است که چهار پای دگر دزد و در کان نوشاد و بسیار بود و دذب  
 وی کوتاه بود و شیرش و آن بز تخم و بین ترا و سام برص باشد و گردن وی  
 بلرک بود و لون وی البلق زرد و سیاه بود و گویند چون در آتش اندازند نشود  
 و چون از آتش زنده کارگر نشود و از جمله سموم قتاله است مانند زیار تخ تمینق الفوق

کاف و سکون ثانی و فتح زاء ممله و سکون کاف پرنده ایست سرخ قام بقدر شکلی  
 تنسیق التختانی و تمینق الهاء ز یوه بکسر اول فارسی و تحتانی مجهول و فتح و اوف خفاء  
 م سیماب توقیع السین الممله و تنسیق و تمینق الالف ساء لاند باین  
 ممله و الف و لام و الف ثانی و فتح میم و سکون نون و فتح و الف ممله بار و ممله و الف  
 ثالث م نوعی از عظام است که چهار پای دگر دزد و در کان نوشاد و بسیار بود و دذب  
 وی کوتاه بود و شیرش و آن بز تخم و بین ترا و سام برص باشد و گردن وی  
 بلرک بود و لون وی البلق زرد و سیاه بود و گویند چون در آتش اندازند نشود  
 و چون از آتش زنده کارگر نشود و از جمله سموم قتاله است مانند زیار تخ تمینق الفوق





فرضه است که مورخان جمعیت را بر سر محمد بن صفی بن علی بن ابی طالب

وزا و معجم سنگه که بدان کار و مشیر تیر کنند تمینق السین الممله سارس ه بفتح ر  
ممله سکون سین ممله ثانی م جانور مشهور بند لیت ساسا لیوس سین ممله ثانی و  
الف ثانی و کسر لام و ضم تحتانی و سکون و ا و م انجدان رومی و کاشم رومی ط  
ح ی ۲ ل خردل سفید یا انجدان طیب ساس ف سین ممله والفت ه  
که طبل کر میست خور و که خون آدمی بخورد سا و یس ف بکسر او و سکون تحتانی م  
تخاله سایوس ف بضم تحتانی و سکون و ا و م ببول ننسیق الشین المعجمه  
سایه خوش ف بفتح تحتانی و خفار با و ضم خای معجمه و ا و معدوله شین معجمه و خنیا ر و  
تمینق الصاد الممله سام ا برص ع بکسر سیم و فتح همزه و سکون موصه و فتح  
را و ممله و سکون صاد ممله ف مازنگ و چلیا سه سیکلی و چیکلی و نکلی طح  
ی ق مفسدخ انچه در سیاتین باشد ص ر و غن زر و غسل آب گرم ل و زرع تمینق  
الغین المعجمه ساغ ف بسکون غین معجمه نام مرغیست مانند سار تمینق الکاف  
سایزک ف بکسر موصه و سکون تحتانی و فتح ناز و معجمه و سکون و کاف م سایز  
سار شک و سار شک ف بفتح را و ممله و سکون خا و معجمه و لغت اول و سکون  
شین معجمه و لغت ثانی م یشه سارک ف بفتح را و ممله م سار و ستا به برک ف  
بفتح تحتانی و خفار با و فتح موصه و را و ممله م گیا هیست که چون شتر بخورد بخواب  
ر و تمینق اللام سال ه بسکون لام ع سار ج تمینق المیه ساسم ف بفتح  
سین ممله ثانی و سکون سیم م آبنوس سام ف م آتش تمینق النون ساسن  
ف بکسر خا و معجمه و سکون نون ع صا ر و ج سا و ا و ران بدال ممله والفت ثانی  
و فتح وا و را و ممله والفت ثالث م سواد القصاة و سیکل و ا و ران گویند چنریت  
مانند صمغ که دندان روی نخ گردان که محو شده باشد یا بند گویند و میان  
دخت بطم کس پیدا شد و ا و ران آب خوانند طب ۲ ی ۳ و ت قابض خ

و گویند بایر بوزن  
بوزن آن جوار بختی  
خسختی آن گز گویند  
ست و ده و اک  
وزن آن باریج  
غیر الماسی هم  
گویند و بدان  
نشان گمشده

129

ملك بزيان  
 هندوی لاک  
 گویند مع درختی  
 است دان در  
 پله است که در  
 زمین هندوستان  
 بسیار باشد  
 گرم است در  
 اول و خشک  
 است در

دو درس از اینودی ست و نه از اینودی فکر و فغان و بیماری های یروقان و استسقا باشد و دوم سدها



تمت بحمد الله تعالى في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٨١

تمت الدال للمله سبوسيف بفتح اول فتح ثاني وسكون او وكسرين مملتان  
 وفتح موحده فارسي وسكون نون لا جوا تمنيق الشين المعجمه سبيوش ف بكسر  
 اول وسكون ثاني وضم تخاني وسكون واو وضم اسفول تمنيق الضاد المعجمه  
 سبع الاض ع بفتح اول و ثاني وضم عين ممله وسكون لام وفتح همزه وسكون راو  
 ممله ف پرسيا و شان تمنيق الكاف سبگ ف بفتح اول وسكون ثاني وفتح  
 راو معجم جانور كاسكينه سبگ ف بكسر اول وفتح ثاني م جانور يست پنده كه خلاف شير عاشق نورقا  
 لشد تمنيق اللام سبال ف بفتح اول وسكون ثاني و ذرا و سبويه الف لام فوعى از انكو تمنيق الهاء سبال  
 بضم اول ثاني و الف فتح وال ممله خفاء هاء ممله گلي كه از ان فسان سازند و كاكان گليان بدان سبال  
 و جلا و هندم سباله سبوسه ف بفتح اول وضم تخاني و واو مجهول وفتح سين ممله كم كم  
 گندم خمار سبوس آر و تمنيق التحتاني سبال ف بفتح اول وسكون موحده و ذرا  
 سبويه سيم والف وكسر لام وسكون تخاني م نوعي از انكو تمنيق الموحده الفارسي  
 و تمنيق الفوقاني سبست ف بفتح اول وكسر موحده فارسي وسكون سين ممله ثاني  
 و فوقاني م سبست تمنيق الخاء المعجمه سپاناخ ف بكسر اول با ثاني فارسي  
 والف بانون والف ثاني و خا و جمده ساگ يالك تمنيق الضاد المعجمه شينديان  
 الارض بكسر اول وفتح ثاني فارسي وسكون نون وفتح وال ممله با تخاني والف وضم نون  
 ثاني وسكون لام وفتح همزه وسكون راو ممله م فرسيون تمنيق الكاف سبال و ك  
 ف بفتح اول ثاني فارسي الف وضم راو ممله وسكون واو و ك ف م كبوتر سبگ  
 ف بكسر اول وسكون ثاني فارسي وفتح راو ممله م سبگ تمنيق اللام سبال ف  
 بفتح اول ثاني فارسي م سبست تمنيق الميم سبگ ف بكسر اول وفتح ثاني فارسي  
 سكون راو ممله وفتح عين معجمه وسكون سيم ع ريجان و هميان و باد و فتح ه بيري سيم  
 و سبهم ف بكسر اول وفتح ثاني فارسي و راو ممله و رفعت اول وسكون راو ممله

تمت بحمد الله تعالى في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٨١  
 و ذرا و سبويه الف لام فوعى از انكو تمنيق الهاء سبال  
 سبويه سيم والف وكسر لام وسكون تخاني م نوعي از انكو تمنيق الموحده الفارسي  
 و تمنيق الفوقاني سبست ف بفتح اول وكسر موحده فارسي وسكون سين ممله ثاني  
 و فوقاني م سبست تمنيق الخاء المعجمه سپاناخ ف بكسر اول با ثاني فارسي  
 والف بانون والف ثاني و خا و جمده ساگ يالك تمنيق الضاد المعجمه شينديان  
 الارض بكسر اول وفتح ثاني فارسي وسكون نون وفتح وال ممله با تخاني والف وضم نون  
 ثاني وسكون لام وفتح همزه وسكون راو ممله م فرسيون تمنيق الكاف سبال و ك  
 ف بفتح اول ثاني فارسي الف وضم راو ممله وسكون واو و ك ف م كبوتر سبگ  
 ف بكسر اول وسكون ثاني فارسي وفتح راو ممله م سبگ تمنيق اللام سبال ف  
 بفتح اول ثاني فارسي م سبست تمنيق الميم سبگ ف بكسر اول وفتح ثاني فارسي  
 سكون راو ممله وفتح عين معجمه وسكون سيم ع ريجان و هميان و باد و فتح ه بيري سيم  
 و سبهم ف بكسر اول وفتح ثاني فارسي و راو ممله و رفعت اول وسكون راو ممله

تمت بحمد الله تعالى في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٨١





تمینق الکاف سجک ف بفتح اول ضم ثانی هم شیخ و دغ که با هم می آیند و ثبت است نیزه زده در آن بریزند و آنرا در دماغ و شیراز نیز خوانند تمینق اللام سجکل بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم ثانی و لام ف زعفران تمینق الحاء المعجمه و تمینق السین المهمله تخمینوس بفتح اول کسرتانی و سکون تحتانی و ضم نون و سکون اول و سین مهمله ثانی م ازخر تمینق الدال المهمله و تمینق الموحده سداب نفهم و دال مهمله الف موحده سانول ستری طرآن ج ی ۲ و شک آن ۳ گویند ترا و ۳ گویند ۴ ق منقطع محل و ملطف بغشی مفرج بستانی بهتر نیز بوی که نزدیک درخت انجیر رسته باشد شش سه درم صا میسون یا بقلعه الحماق ل غناع و فونج یا سید تمینق الواو المهمله سبع بکسر اول و سکون ثانی و را و مهمله ف درخت کنار ه بیر کار و که طبی ایاق قابض خ سبزین ورق شش سه درم صا کثیرا تمینق الهاء سنپایه ف بفتح اول و سکون ثانی با موحده فازی الف فنج تحتانی و خفاء یا چینه است که در گوش و درم هزار یا سه ف بفتح اول و ثانی و جتی مست که در الرمز و ما و را و از دیگر بلاد ایران و توران بیشتر شود مثابه برگ باشد که تنه او بد شواری در بغل حیایه کس در آید و برگهایش مرتباً بنوبه که باران ازان نگذارد و تا دو لیست سوار و سیاه آن درخت آرام تواند گرفت و چندی مدور بود که برگی از دیگر برگهای آن بلندتر باشد و ساقش بغایت موزون بود و بران درخت چیری گرد مانند خریطه که از چرم ساخته باشند بهر سرد و پیر زایشه باشد و در ایام بهار در میان آن خریطه آبی بهر سرد و پیر بهر سخمه گرد و مانند صمغی که آنرا بعض صمغ در سیاهی کنند سیاهی را رنگین و شفاف سازند و آنرا پشه خانه و پشه ار و پشه غال و سار و خکدار و سار و شکدار و باز بن کرم بالا مشک و افال پشه و کجک و کجک و در داز نیز خوانند ع شجر البوق تمینق التحتانی سدی و بفتح اول و سکون ثانی و تحتانی مجهول بفت اهل نیع طلال و غوره خرا

تمینق الکاف سجک ف بفتح اول ضم ثانی هم شیخ و دغ که با هم می آیند و ثبت است این سه  
کرده در آن بریزند و آنرا در دماغ و شیراز نیز خوانند تمینق اللام سجکل بفتح اول  
و ثانی و سکون نون و فتح جیم ثانی و لام ف زعفران تمینق الحاء المعجمه و تمینق  
السين المهملة تخمینوس بفتح اول کسرتانی و سکون تحتانی و ضم نون و سکون اول  
و سین مهمله ثانی م از خر تمینق الدال المهمله و تمینق الموحده سداب نفهم  
و دال مهمله الف موحده سانول ستری طرآن ج ی ۲ و شک آن ۳ گویند  
ترا و ۳ گویند ۴ ق منقطع محل و ملطف بغشی مفرج بستانى بهتر نیز بوی که نزدیک  
درخت انجیر رسته باشد شش سه درم صا میسون یا بقوله الحق قال لغناغ و فوج  
یا سید تمینق الواو المهمله سبع بکسر اول و سکون ثانی و را و مهمله ف درخت کنار  
ه بیکار و که طب یاق قابض خ سبزین ورق شش درم صا کثیرا تمینق الهاء  
سنپایه ف بفتح اول و سکون ثانی با موحده فازی الف فنج تحتانی و خفا و یا چینه است  
که در گوش و درم هزار یا سه ده ف بفتح اول ثانی و جتی مست که در الرمز و ما و اول  
از دیگر بلاد ایران و توران بیشتر شود مثابه بزرگ باشد که تنه او بد شواری در بغل حیایه  
کس در آید و برگهایش مرتباً بنوبه که باران ازان نگذارد و تا دو لیست سوار و سیاه  
آن درخت آرام تواند گرفت و چندی مدور بود که برگی از دیگر برگهای آن بلندتر باشد  
و ساقش بغایت معز و ن بود و بران درخت چیری گرد مانند خریطه که از چرم ساخته  
باشند بهر سحر و دیزدیشه باشد و در ایام بهار در میان آن خریطه آبی بهر سحر و دیزدیشه  
سجده کرد و مانند صمغی که آنرا بعض صمغ در سیاهی کنند سیاهی را رنگین و شفاف  
سازند و آنرا پشه خانه و پشه ار و پشه غال و سار و خکدار و سار و شکدار و باز بن کرم سارا  
مشک و اغال پشه و کجک و کجک و در داز نیز خوانند ع شجر البوق تمینق تحتانی  
سدى و بفتح اول و سکون ثانی و تحتانی مجهول بفتح اول نیمه حلال و غوره حلال

بهره نهند و در این کلمات و کلمات دیگر در این کلمات و کلمات دیگر در این کلمات و کلمات دیگر

و فتح با و لغت ثانی م سپر غم تمینق المون سپستان بکسر اول ثانی فارسی و سکون بن  
معه ثانی با فوقانی و الف و نون و سنگ پستان و لسو طاع مع گویند ح ر ق  
ملین منضج خ پر گوشت شش پانزده تاسی عدو ص املل عذاب سپستان بکسر اول  
و فتح ثانی فارسی و سکون نون با و ال ممله و الف و هبند تمینق الوا و سپید سرو  
بفتح اول کسر ثانی فارسی و تحتانی مجهول و دال مفتح میم و سکون را و ممله و وا و مجهول  
نباتی ست مانند بستان افروز که سابق آن سپید بود تمینق الها سپاره و بفتح اول  
و ثانی فارسی و الف و فتح را و ممله م سنباره تمینق التحتانی سپهری و بضم اول ثانی  
فارسی و الف و کسر و مملع فو فل سپید و ی و بفتح اول کسر ثانی فارسی و تحتانی  
مجهول و دال ممله و ضم را و ممله و سکون و او م قلمی تمینق التاء فوقانی و تمینق  
الوا و الممله ستاره بفتح اول و فوقانی و الف و فتح و او و وای مشهور هندیست  
ستورف بن م اول ثانی و سکون و او بطریق عموم هر جانور چهار پای و بطریق خصوص  
اسپ فتر تمینق الکاف ستباک و بفتح اول و سکون ثانی با موحده و الف و کاف  
م سپند سوختنی تمینق الکاف الفارسی سترگ و بفتح اول و سکون فوقانی و فتح  
ممله و سکون نون و کاف فارسی نباتیست شبیه بادی که در زمین چین وید گویند که  
گونسار بود چنانچه ریشهایش بتر که سومی سر باشد و زرد ماده و ستمه در گردن هم آورده باشند  
و پایها در هم محکم ساخته و زرد پای راست برای چپ ماده افتاده و ماده را بر عکس آن  
و هر س که آنرا بکنند در زبان میر و یا بعد از سالی میر و و هر گاه که این را بکنند از اطراف  
بوته آن خاک را خالی بکنند چنانچه باندک قوت کنده شود پس بر بسمان گاو یا سگ  
بنمایند تا بجانب طعمه بد و د آن را بخر بآید م استرگ مردم گاو سگ کن ع یبرج  
الصنم تمینق الهاسته و بفتح اول و ثانی و خفا و م انکو تمینق بالصیم و تمینق  
الطاء و الممله جملایونانی بفتح اول و سکون جیم و لام و الف و طاء و مملع و یمن

او یکست و در  
بسیار دارد و  
گویند که در حوض  
طبیعت آن  
گرم و خشک بود  
در صوم خاکی بود  
بسیار و بیانی  
و اف و مایل  
و خود هر یک

۱۸۲

بهره نهند و در این کلمات و کلمات دیگر در این کلمات و کلمات دیگر در این کلمات و کلمات دیگر

بهره نهند و در این کلمات و کلمات دیگر در این کلمات و کلمات دیگر در این کلمات و کلمات دیگر



کلمین پیل دم لایله نیشوراند کندی هن آتش درختیان و نیشور

تتمینق الواء المهمله وتمینق الالف سر بهو کاه بفتح اول و سکون ما و مهمله  
وضم و صده فارسی و اظهار با و سکون واو و نون با کاف الف قسمی از چ و تمینق الواء  
سراج القطرب ع بکسر اول با ثانی و الف و ضم جیم و سکون لام و ضم قاف و سکون  
ط و مهمله و ضم را و مهمله ثانی و سکون و و و و گویند که این تمام مشتق اند و چیز است  
یکی سراج و آن چراغ است و دم قطرب و آن جانور است که آن را طینوث گویند  
و در شب روشن است و چون این گیاه شب و شست ما و می که ترست پس مشابهت  
بسراج و قطرب هر که در شب و شن اند و گویند که قطرب این گیاه را دوست دارد  
و در شبها طلب کند طحی اف قابض مخدخ نوش نیدرم ص کیشال زو قایل  
یا دا و در سرب و بضم اول و سکون ثانی و شیشا سراج بضم اول و سکون ثانی  
یا جا و جمود الف م مرغابی سرخ رنگ ماده آن حیض کند و سرخی که زنان با سفید  
بجهت خوش آید رنگی بر خنده بالند و شراب تمینق الجیم سرخ و بکسر اول  
و ثانی و سکون نون و جیم سند و تمینق الدال المهمله سر و بفتح اول و  
ثانی و الف و ال مهمله ع خلال و غوره خراستخ مرو بضم اول و سکون ثانی  
و خا و جمود الف میم و سکون را و مهمله ثانی رستی باشد که برگش شبیه برگستان افروز  
بود و صاق آن سرخ خوش رنگ و خوش آینه و آن را نازک بدن تیر خوانند  
سر ساد بفتح اول و سکون ثانی با هین مهمله ثانی و الف و پنجه کشت سر ساد  
بکسر اول و سکون نون و جامیکه سوال و عشقه رای سر خا و تمینق الواء  
المهمله سر بفتح اول و ال مهمله ع اس بضم اول و شرا بیکه از برج سازند و نام  
از ماهی که طول آن یک گز است و خرطومی بزرگ دارد مانند پیکان و اکثر حیوانات  
را بدان گزند رساند سر خا و بفتح اول و سکون ثانی و خا و جمود الف میم و سکون  
واو م ساگ چوک تمینق الواء المهمله سر و بضم اول و سکون ثانی و خا و

قندلی یکدم  
سرکه بران  
بیزندش  
پدید نشود  
و زینت شود  
و بعد از آن  
بالایش  
بیالایند  
پس از آن  
بکوبایند

123

در این کتاب  
و جانشینان  
مقامات و مجامع  
است که با این  
کتاب در دسترس  
است و در هر یک  
از این موارد

تسبیح حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام  
در این کتاب است



سینا الکیمیاء فی الطب

وفتح میم و سکون را در جمله ثانی و ناء و جمعه م سرخ مرو و سوزان و ففتح اول و سکون ثانی  
 و کسر و او و نون و الف م سر و نورسته تمینق السین لاله سحر س ع بفتح  
 اول و ثانی و سکون ناء و جمعه سین مملوف کیل فار و آن چه یکبست سیاه رنگ  
 که بر ساحل دریای جزایر باشد و آن نر و ماده است و گویند بشور اطح ی ۲ ففتح  
 بهفت خ سیاه بزرگ که بعد از شکستن فسققی بودش نیم مثقال تا دو درم ص  
 شیخ ارمنی بابشاه بلوط و شکر سرخ ل تخم شبرم یک شوش سرخینوس یونانی بفتح  
 اول و سکون ثانی و کسر و او و جمعه و سکون تحتانی و ضم نون و سکون و او م شیطاح  
 سرس و کسر اول و سکون ثانی و زخت مشهور هندی پر منفعت سست ع لجه التیم  
 تمینق الشین المجهه شرس کسر اول و سکون ثانی و کسر سیم و سکون شین جمعه و  
 خوابی تمینق الفاشرف ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح شین جمعه و سکون ف  
 و سرسون تمینق القاف سرق ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون قاف  
 و ساگ بهوا طاب ر ۲ ق ملین ص نمک و ابازیر ال سیانخ تمینق الکاف  
 سرک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون کاف م اسفانخ رومی ع سر  
 تمینق الکاف الفارسی سرک بفتح اول و ثانی و سکون نون و کاف فارسی  
 م آزاد و زخت تمینق النون سرسون و بفتح اول و سکون ثانی و ضم سین مملوف  
 و سکون و او و نون و ف شرف سرکین گردان ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر  
 کاف فارسی کون تحتانی و نون و فتح کاف فارسی ثانی و سکون را در جمله و ال  
 جمله و الف م جبل سربل ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او م شاخ حیلون سیر  
 سیرانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون و او و سکون تمینق  
 الو و سر و بفتح اول و سکون ثانی و او و مجهول ف خنثیت مشهور ط مع ح  
 ب دی ۲ گویند بگویند ی ۲ ف فافض خ بنترانه ص مسموع ل نیون

کسر و او و نون و الف م سر و نورسته  
 تمینق السین لاله سحر س ع بفتح  
 اول و ثانی و سکون ناء و جمعه سین  
 مملوف کیل فار و آن چه یکبست سیاه  
 رنگ که بر ساحل دریای جزایر باشد  
 و آن نر و ماده است و گویند بشور  
 اطح ی ۲ ففتح بهفت خ سیاه بزرگ  
 که بعد از شکستن فسققی بودش نیم  
 مثقال تا دو درم ص شیخ ارمنی  
 بابشاه بلوط و شکر سرخ ل تخم  
 شبرم یک شوش سرخینوس یونانی  
 بفتح اول و سکون ثانی و کسر و او  
 و جمعه و سکون تحتانی و ضم نون  
 و سکون و او م شیطاح سرس و کسر  
 اول و سکون ثانی و زخت مشهور  
 هندی پر منفعت سست ع لجه التیم  
 تمینق الشین المجهه شرس کسر اول  
 و سکون ثانی و کسر سیم و سکون  
 شین جمعه و خوابی تمینق الفاشرف  
 ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
 شین جمعه و سکون ف و سرسون  
 تمینق القاف سرق ع بفتح اول و  
 سکون ثانی و فتح میم و سکون قاف  
 و ساگ بهوا طاب ر ۲ ق ملین ص  
 نمک و ابازیر ال سیانخ تمینق  
 الکاف سرک ف بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح میم و سکون کاف م  
 اسفانخ رومی ع سر تمینق الکاف  
 الفارسی سرک بفتح اول و ثانی و  
 سکون نون و کاف فارسی م آزاد  
 و زخت تمینق النون سرسون و  
 بفتح اول و سکون ثانی و ضم سین  
 مملوف و سکون و او و نون و ف  
 شرف سرکین گردان ف بفتح اول  
 و سکون ثانی و کسر کاف فارسی  
 کون تحتانی و نون و فتح کاف  
 فارسی ثانی و سکون را در جمله و  
 ال جمله و الف م جبل سربل ف  
 بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او  
 م شاخ حیلون سیر سیرانی بفتح  
 اول و کسر ثانی و سکون تحتانی  
 و ضم قاف و سکون و او و سکون  
 تمینق الو و سر و بفتح اول و  
 سکون ثانی و او و مجهول ف  
 خنثیت مشهور ط مع ح ب دی ۲  
 گویند بگویند ی ۲ ف فافض خ  
 بنترانه ص مسموع ل نیون

کسر و او و نون و الف م سر و نورسته  
 تمینق السین لاله سحر س ع بفتح  
 اول و ثانی و سکون ناء و جمعه سین  
 مملوف کیل فار و آن چه یکبست سیاه  
 رنگ که بر ساحل دریای جزایر باشد  
 و آن نر و ماده است و گویند بشور  
 اطح ی ۲ ففتح بهفت خ سیاه بزرگ  
 که بعد از شکستن فسققی بودش نیم  
 مثقال تا دو درم ص شیخ ارمنی  
 بابشاه بلوط و شکر سرخ ل تخم  
 شبرم یک شوش سرخینوس یونانی  
 بفتح اول و سکون ثانی و کسر و او  
 و جمعه و سکون تحتانی و ضم نون  
 و سکون و او م شیطاح سرس و کسر  
 اول و سکون ثانی و زخت مشهور  
 هندی پر منفعت سست ع لجه التیم  
 تمینق الشین المجهه شرس کسر اول  
 و سکون ثانی و کسر سیم و سکون  
 شین جمعه و خوابی تمینق الفاشرف  
 ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
 شین جمعه و سکون ف و سرسون  
 تمینق القاف سرق ع بفتح اول و  
 سکون ثانی و فتح میم و سکون قاف  
 و ساگ بهوا طاب ر ۲ ق ملین ص  
 نمک و ابازیر ال سیانخ تمینق  
 الکاف سرک ف بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح میم و سکون کاف م  
 اسفانخ رومی ع سر تمینق الکاف  
 الفارسی سرک بفتح اول و ثانی و  
 سکون نون و کاف فارسی م آزاد  
 و زخت تمینق النون سرسون و  
 بفتح اول و سکون ثانی و ضم سین  
 مملوف و سکون و او و نون و ف  
 شرف سرکین گردان ف بفتح اول  
 و سکون ثانی و کسر کاف فارسی  
 کون تحتانی و نون و فتح کاف  
 فارسی ثانی و سکون را در جمله و  
 ال جمله و الف م جبل سربل ف  
 بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او  
 م شاخ حیلون سیر سیرانی بفتح  
 اول و کسر ثانی و سکون تحتانی  
 و ضم قاف و سکون و او و سکون  
 تمینق الو و سر و بفتح اول و  
 سکون ثانی و او و مجهول ف  
 خنثیت مشهور ط مع ح ب دی ۲  
 گویند بگویند ی ۲ ف فافض خ  
 بنترانه ص مسموع ل نیون

در دودیم صفت اول گویند علی بن ابراهیم دودیم است در دودیم

مردی ایستاد

پوست انا رو گویند قرنا تا و انزروت و بضم ا و مملو شخ حیوان تمینق اله  
 سر که بضم اول و سکون ثانی و فتح لام و خفاء لام شقاقل سر و الف بضم اول و  
 سکون ثانی با و او و الف و فتح لام م علفی ست که بر سرش خاری می نهند و هر کجا  
 رسد در جایی فرو رود و جدا نشود سر و سیاه و الف بفتح اول و سکون ثانی و کسر او و  
 مملو ثانی با تحتانی و الف و اظهار لام و دخت تاز و صوبه صغار سر که بفتح  
 اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح جیم فارسی م مرغ فاطمه و صوبه و مولا تمینق تحتانی  
 سرخ پای ف بضم اول و سکون ثانی و خا و جیم یا صوبه فارسی و الف و تحتانی م سر  
 ترش ع حاض و چو کا سلطان بحری و نهری و هندی ع بفتح اول و سکون ثانی با  
 مملو و الف و کسر نون و فتح موحده و سکون ما و مملو و کسر او مملو ثانی و سکون تحتانی  
 ف خرچنگ و کیکر اط بحری یعنی دریائی بی و نهری یعنی جوی بی و هندی  
 ب و محرق ای ۳ ف بحری محلی خ نهری از جوی بزرگ شیرین آبش یکدر متما  
 پنجدر م ص با باش نمتین بالین قبرسی ل از بحری و زع یا سلطان خشک یا صوب  
 یا خذ ف چینی سر که هندی کسر اول سکون ثانی و فتح کاف و هنوز ملین با و ثانی و سکون  
 نون و کسر اول مملو ف آبکاسه کا بنجی سر و جلی م و دخت عر و سر و سی بفتح سین  
 مملو ثانی و کسر لام سری که است باشد تمینق السین المملو و تمینق الدال  
 المملو تسعد یونانی بفتح اول و سکون سین مملو و فتح عین مملو و سکون نون و  
 دال مملو م عود لسان تمینق السین سیسی الیو و فتح اول و ثانی و الف کسر  
 لام و ضم تحتانی و سکون او و سین مملو ثانی م انجوان کا شرم رومی تمینق النون  
 سسطیون سریانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر ط و مملو و سکون تحتانی و ضم  
 و سکون را و و نون و صیرک گا و زونی تمینق الطول المملو و تمینق الالف  
 سطرکار و می بفتح اول و ط و مملو و سکون را و مملو کاف و الف م اصطرک

در قوم شد  
عراق را به  
با خاصه  
از اسناد  
و هند و  
معروف و  
خوشگفت  
و در گرس

124

عزیز میرزا کی طرف سے



[illegible]

تمت

۷۷  
 قرآنی است  
 مشکوٰۃ  
 سعد افوم  
 مشتمش  
 رابا پارس  
 زود آلود  
 سود است  
 درد در  
 مشکوٰۃ  
 زود آلود

فیسبیل ان دینا بہر خون آن گریست  
فیدد از دل و کمر جان بخش



علی می تو سزا و مصطفا مصطفا ست شقایق اندر بلبلان گویند که ای بلبل

2-15-4

ماش گویند  
طبیعت صفت  
گرم خشکست  
رود و درج  
مقل عصاه  
قسط را گویند  
عن قسط را گویند  
د آب آن یزد  
کنند آن را

1m

تسبیح القلقل  
که از درخشان  
نیخ از این  
مغنا  
در دور  
ای که  
تسبیح

و ضم هاء مملو و او مجهول و وال مملو م مخرج سنگوار ع ق ط ا ه تنقید سفید بفتح اول  
و ثانی و سکون نون و کسر ال مملو فتح سین مملو ثانی و کسر فاء ثانی و تحتانی مجهول  
ه اسپند تمینق الراء المملو سفر ف بضم اول و ثانی و سکون راء مملو م مخرج  
ه ساهی تمینق السین المملو سفار یکوس یونانی بفتح اول و ثانی و الف کسر  
و ال مملو و سکون تحتانی و ضم کاف و سکون و او و سین مملو ثانی ف نوعی  
از پیاز بری طح ی تمینق اللام سفال ف بکسر اول و فتح فاء بالف و لام مملو  
ه شکری و پوست گردگان و بادام و پسته و فندق و پوست انار خشک شده  
و امثال آن را نیز گویند سفر جل بفتح اول و ثانی و سکون راء مملو و فتح جیم و سکون  
لام ف آبی ه بی طب ی ۲ ق قابض و طابس خون و مقوی ل و معده خ  
بزرگ رسیده س ده ورم از آب و ص طب یا غسل ل کثری تمینق النون  
سفند و لیون یونانی بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم و ال مملو و سکون و او  
و کسر لام و ضم ثانی و سکون و او و نون ثانی ف زیره بری تمینق الها سفی  
ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و فقا و هام خرچهره نار رسیده تنیق  
القاف و تمینق الالف سقمونیاع بفتح اول و سکون قاف و ضم هیم و سکون  
و او و کسر نون با تحتانی و الف صمغی ست سسل از یتو عا شت ف محموده ط  
ح ی ۳ گویند ۲ ق سسل صفراخ انطاکی صانی سبک رنگ آبشیم و بالیدن  
دست خورد شود و سفید بود و چون در آب حل کنند مانند شیر بماندش یک قیراط  
تا دو دانگ ص همچون ساختن باب به ترش و سیب و کلاب که در فلقج کرده  
باشند سماق و از و قرص تنک سازند و در سایه خشک کنند و قدر شرمت بیشتر  
از همچون نماند و بعد از آنکه در به سبب پیاز یازد ک مشوی کرده باشند ص  
کثیرا یا مصطک و انیسون و شاسته بروغن بادام و دوق و اگر محموده را با انفش

کتابخانه عمومی  
آستان قدس  
مخطوطات  
دوروز و دور  
تاریخ  
سیار دارد  
طالع صنعتی  
نظامی و دولتی  
محیط مجید



صلاهی کنند کارسوی کندل سوزن حساب شروع یا ماه و دانه تمینق الواء المهمله  
 سقا بضم اول و فتح ثانی و الف ساجی سقنقور بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم  
 قاف ثانی و سکون و او ریک ساجی گویند از نسل متلاح است و آن چنانست  
 که ننگ بر ساحل و ذیل خایمی هندو بیج می و در هر چه در آب رود ننگ است  
 و آنچه بر ریک میماند سقنقور است ط چون تازه بود ۲ و چون نمکسو و کفشدنک  
 گردد و حرارت از طوبت زیاده تر شود و گویند ۲ ای اق بهیخ تر که در وقت  
 بهار و موسم بهیجان ایشان صید کرده باشندش از گوشت وی یک شقال تا سه  
 شقال عسل یا شورابی عدس لخصی الثعلب تنها یا با خردل یا ذر که گاو خشک  
 سوخته و نیم وزن زردک تمینق الواء المعجمه سفر بفتح اول و کسره ثانی میشود  
 سکون زای و جمع ع طکک لانا باط و طکک البطم ف صمغ درخت بن تمینق ای  
 المهمله سقنقور بفتح اول ثانی و سکون نون و ضم قاف ثانی و سکون سین  
 مسئله ثانی م سقنقور تمینق اللام سقا قیل بفتح اول با ثانی و الف و ضم قاف  
 ثانی و سکون لام م سقا قیل تمینق النون سقنقور بفتح اول و کسره ثانی و سکون  
 نون ع و بس و سیلان یعنی عسل طبع سقنقور دیون یونانی بضم اول و ثانی و  
 سکون و او و را و مسئله و فتح دال محله و ضم تحتانی و سکون و او ثانی م سیرری  
 و سیر موسقو لو قندریون یونانی بضم اول و ثانی و سکون و او و ضم لام سکون  
 و او ثانی و فتح قاف ثانی و سکون نون و فتح دال مسئله یا بجمه سکون و او مسئله و ضم  
 تحتانی و سکون و او ثالث م سقو لو قندریون ف زنگی مار و طح ای گویند  
 مع ق ملینش دو درم ص و دریا مصطلح عسل ل غافث یا کما دیوس  
 یا پوست کبریا نیم وزن آن تخم کرفس تمینق الکاف و تمینق الالف سکون  
 یونانی بفتح اول و کسره کاف و سکون تحتانی و فتح را و مسئله سکون عین مسئله باللام

این کتاب در بیان  
 صلاهی کنند کارسوی  
 کندل سوزن حساب  
 شروع یا ماه و دانه  
 تمینق الواء المهمله  
 سقا بضم اول و فتح  
 ثانی و الف ساجی  
 سقنقور بفتح اول و  
 ثانی و سکون نون و  
 ضم قاف ثانی و سکون  
 و او ریک ساجی  
 گویند از نسل متلاح  
 است و آن چنانست  
 که ننگ بر ساحل و  
 ذیل خایمی هندو  
 بیج می و در هر چه  
 در آب رود ننگ است  
 و آنچه بر ریک  
 میماند سقنقور است  
 ط چون تازه بود ۲  
 و چون نمکسو و  
 کفشدنک گردد و  
 حرارت از طوبت  
 زیاده تر شود و  
 گویند ۲ ای اق  
 بهیخ تر که در وقت  
 بهار و موسم  
 بهیجان ایشان  
 صید کرده باشندش  
 از گوشت وی یک  
 شقال تا سه  
 شقال عسل یا  
 شورابی عدس  
 لخصی الثعلب  
 تنها یا با خردل  
 یا ذر که گاو  
 خشک سوخته و  
 نیم وزن زردک  
 تمینق الواء  
 المعجمه سفر  
 بفتح اول و کسره  
 ثانی میشود  
 سکون زای و جمع  
 ع طکک لانا باط  
 و طکک البطم  
 ف صمغ درخت  
 بن تمینق ای  
 المهمله سقنقور  
 بفتح اول ثانی  
 و سکون نون و  
 ضم قاف ثانی و  
 سکون سین مسئله  
 ثانی م سقنقور  
 تمینق اللام سقا  
 قیل بفتح اول با  
 ثانی و الف و ضم  
 قاف ثانی و سکون  
 لام م سقا قیل  
 تمینق النون  
 سقنقور بفتح  
 اول و کسره  
 ثانی و سکون  
 نون ع و بس و  
 سیلان یعنی  
 عسل طبع سقنقور  
 دیون یونانی  
 بضم اول و ثانی  
 و سکون و او و  
 را و مسئله و  
 فتح دال محله و  
 ضم تحتانی و  
 سکون و او ثانی  
 م سیرری و سیر  
 موسقو لو قندریون  
 یونانی بضم  
 اول و ثانی و  
 سکون و او و  
 ضم لام سکون و  
 او ثانی و فتح  
 قاف ثانی و  
 سکون نون و  
 فتح دال مسئله  
 یا بجمه سکون و  
 او مسئله و ضم  
 تحتانی و سکون  
 و او ثالث م  
 سقو لو قندریون  
 ف زنگی مار و  
 طح ای گویند  
 مع ق ملینش  
 دو درم ص و  
 دریا مصطلح  
 عسل ل غافث یا  
 کما دیوس یا  
 پوست کبریا  
 نیم وزن آن  
 تخم کرفس  
 تمینق الکاف و  
 تمینق الالف  
 سکون یونانی  
 بفتح اول و  
 کسره کاف و  
 سکون تحتانی  
 و فتح را و  
 مسئله سکون  
 عین مسئله  
 باللام

این کتاب در بیان  
 صلاهی کنند کارسوی  
 کندل سوزن حساب  
 شروع یا ماه و دانه  
 تمینق الواء المهمله  
 سقا بضم اول و فتح  
 ثانی و الف ساجی  
 سقنقور بفتح اول و  
 ثانی و سکون نون و  
 ضم قاف ثانی و سکون  
 و او ریک ساجی  
 گویند از نسل متلاح  
 است و آن چنانست  
 که ننگ بر ساحل و  
 ذیل خایمی هندو  
 بیج می و در هر چه  
 در آب رود ننگ است  
 و آنچه بر ریک  
 میماند سقنقور است  
 ط چون تازه بود ۲  
 و چون نمکسو و  
 کفشدنک گردد و  
 حرارت از طوبت  
 زیاده تر شود و  
 گویند ۲ ای اق  
 بهیخ تر که در وقت  
 بهار و موسم  
 بهیجان ایشان  
 صید کرده باشندش  
 از گوشت وی یک  
 شقال تا سه  
 شقال عسل یا  
 شورابی عدس  
 لخصی الثعلب  
 تنها یا با خردل  
 یا ذر که گاو  
 خشک سوخته و  
 نیم وزن زردک  
 تمینق الواء  
 المعجمه سفر  
 بفتح اول و کسره  
 ثانی میشود  
 سکون زای و جمع  
 ع طکک لانا باط  
 و طکک البطم  
 ف صمغ درخت  
 بن تمینق ای  
 المهمله سقنقور  
 بفتح اول ثانی  
 و سکون نون و  
 ضم قاف ثانی و  
 سکون سین مسئله  
 ثانی م سقنقور  
 تمینق اللام سقا  
 قیل بفتح اول با  
 ثانی و الف و ضم  
 قاف ثانی و سکون  
 لام م سقا قیل  
 تمینق النون  
 سقنقور بفتح  
 اول و کسره  
 ثانی و سکون  
 نون ع و بس و  
 سیلان یعنی  
 عسل طبع سقنقور  
 دیون یونانی  
 بضم اول و ثانی  
 و سکون و او و  
 را و مسئله و  
 فتح دال محله و  
 ضم تحتانی و  
 سکون و او ثانی  
 م سیرری و سیر  
 موسقو لو قندریون  
 یونانی بضم  
 اول و ثانی و  
 سکون و او و  
 ضم لام سکون و  
 او ثانی و فتح  
 قاف ثانی و  
 سکون نون و  
 فتح دال مسئله  
 یا بجمه سکون و  
 او مسئله و ضم  
 تحتانی و سکون  
 و او ثالث م  
 سقو لو قندریون  
 ف زنگی مار و  
 طح ای گویند  
 مع ق ملینش  
 دو درم ص و  
 دریا مصطلح  
 عسل ل غافث یا  
 کما دیوس یا  
 پوست کبریا  
 نیم وزن آن  
 تخم کرفس  
 تمینق الکاف و  
 تمینق الالف  
 سکون یونانی  
 بفتح اول و  
 کسره کاف و  
 سکون تحتانی  
 و فتح را و  
 مسئله سکون  
 عین مسئله  
 باللام

عقدہ: کورس سہ ماہی دہرہ دہشت دیہاتوں میں در کچھ کچھ کچھ

والف م بفتح تميم الجيد سكين يوناني بفتح اول سکون ثاني و کسر موحده  
وسکون تحتانی وفتح نون وسکون جیم و معنی ست مثل انگوزه که کندل طرح  
ی م و محلل لطف مفتتخ صافی بیرون سرخ اندرون سفید و دو گذارنده  
رویش میانه طلیت و قند و نیز بوی ش یکد رم تا یک شقال ص ب السوس ل  
باز و سفید یا نیمون جاو شیر از هر یک در انگه نوز آن سکنج و بفتح اول کسر  
ثانی م موزیر سکون پنج و بضم اول و ثانی و واد مجهول و فتح ما و سکون نون م خا  
تمیق الواو المهدله سکر العشر بضم اول و فتح ثانی مشدده و ضم را و ممله و سکون لام  
و ضم عین ممله و سکون شین معجمه را و ممله ثانی و معنیست که از دخت عشر یعنی  
اگر بیرون می آید در موضع گل دی که خشک گردد و جمع میشود آنرا بدین نام خوانند  
م تیغال و شکر کوهی طمع سکرع بضم اول و فتح ثانی مشدوف شکر طح را  
گویندی و مجلی بلینج سفید شفاف هندی ش بست ریم ص زبان ریش  
حقوقات یا ج و بابا شیل الومی سیاه یا موزیرا سانی با غسل من تمیق الزا و المهدله  
سکرت و بفتح اول و کسر ثانی و از نمجم منسطلی و گویند سقر تمیق الکاف  
سک الکسک بضم اول و کاف مشد و سکون لام و کسر میم و سکون سین ممله ثانی و  
کاف ثانی و مرکبی ست از باز و وفاغره و قلنجه و بسابه و صندل مقاصری  
و صندل الطیب و عسل طح ی م سکسک و بضم اول و سکون ثانی و ضم مین مجمل  
ثانی م و دخت تاخ سک بضم اول ع مرکبی ست و گویند عصاره آله طح ی ق  
مقوی دلخ خوشبویش نیدرم ص صندل ل آله و گویند سبیل متفاریسی که اول  
م سرکه تمیق النون سکا هن و بکسر اول و سکون ثانی و دهمزه و فتح ما و سکون  
نون م رنگ سیاهی که از سرکه و آهن سازند و بدان جمله چرک رنگ کنند سکنجین ع  
بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و ضم جیم و کسر موحده و سکون تحتانی و سرکه و آهن

191

۱۹۱  
بندش ناکس  
خوانند گویند  
گرم خشکست  
دود در آب  
نادوان  
نابیل آن سر  
نارایل بیست  
آن گرم بود  
اول در چوب  
نفرودم در توبه  
دوم بوق







فلکشنه لون اند عکسنگ لون گویند کماله فلکشنه لون مرقوم

در طب سحر و جادو

مغذی و صبیح صحوی رقیق پوست کوچک فلوس متوسط در خوردی و بزرگی  
و لاغری و منزه از بدبوی و سنگنش آب شیرین سنگریزه یارملی بر تابه بریان کرده  
عسل روغن بادام و فلفل بعد از و زنجبیل مربی و شراب لحم تمینق اللام  
سما قیل بفتح اول ثانی و الف و کسوف سکون تختانی و لام لم سماق سمند  
و سمند دل ف بفتح اول ثانی و سکون نون و ضم دال ممله در لغت اول و سکون  
واو در لغت ثانی م سمند تمینق المیو سمع بکسر هر و سین ممله و سکون هر و هم  
ف کعبه تل طح را گویند ق محلل ملین صبیخ تازه بزرگ دانه ش یک کف ص  
بریان کردن و عسل خوردن ل بزرگ تان در تملیس و در معاجین مغز بادام یا شش  
عسل سمع بفتح اول سکون ثانی ف نه و شیش ه بس تمینق النون سمند پین ه  
بفتح اول و ضم ثانی و سکون نون و ضم دال ممله و سکون را و ممله و کسر و حده فار  
واظهار با و تختانی مجهول و نون ف کف دریا سمند ر لون ه بفتح اول و ضم ثانی و  
وال ممله مشدیده سکون را و ممله و ضم لام و واو مجهول ع طح محیط ف نکر یا سمع  
بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون سین ممله ثانی و فتح سین ثانی و ضم حاهله  
و سکون واو م آذان الفار سمع بفتح اول ثانی ف روغن گاوه گکیو طح  
ق منضج محلل ملین خ تازه ص جمیع مقویات معده امار نزل سسکه و بضم اول و فتح ثانی  
ف گل سه برگ سمور بیون یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و را و ممله و کسر و حده  
و ضم تختانی و سکون واو ثانی ف کرفس بری سمین ع بفتح اول و لسانی و سکون  
تختانی ف چربی گوشت طح رخ ماخوذ از حیوان استکمل ص زنجبیل محلل ملین  
بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و ضم تختانی و سکون واو م سمند و هر ترکیبی که  
بدن را فربه کند آرا سمند خوانند تمینق الها سماح ع بفتح اول و ثانی و الف و فتح  
نون و حفا و دام جانوری حقیر سمع بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م حبه

در طب هند  
بنور که ملک  
سنگ خواص  
توست و شتر  
و باضم طعام  
و مقوی دل  
و دافع نسا  
باد و بلغم  
عکس  
سوخن خون

۱۹۳۱

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

ف نقل خواجہ چربنجی سمف بکسر اول فتح ثانی م رنگ سبز که بروی آب  
بهم سد تمیق التختانی سمائی بفتح اول و ثانی و الف و کسرون و غلیست  
دریائی که در اقیاتل الرعد خوانند بدان سبب که چون آواز رعد بشنود میر و هم  
برای بکسر هر دو سین ممله سکون بر و نیم و فتح موحده و کسرا ممله شد و م جملینک  
ف تخم زرد خار تنسبب النون و تمیق الالف ستاع بفتح اول و نون الف  
ه بون آترو طحی ف مسهل سواخ مکی مجازی که با بر گهای سورد مانند و بر  
از هر دو طرف الملس خضرش مائل بر روی دیاک از چوب خمسش در مطبوخ از  
چهارم تا هفت درم و کوفته تا سه درم ص بلبله زرد و بنفشه و ورق گل و صمغ  
و کثیرا با اجاص تر هندی ل از مکی یکوزن و نیم سناء نجدی یا مصری یا دود  
سناء و گیر و گویند بسفلیج و شاهتره سنگها را که بکسر اول و خفا و ثانی و فتح کاف فای  
و انهار یا و الف و را و ممله ثریست خا در اره ندریست بشکل فندق که در آبار و  
و بالای تر او سه خا باشد تمیق الموحده سبیل الطیب بفتح اول و سکون  
ثانی و ضم موحده و لام و کسرا ممله شده و سکوتختانی و موحده ثانی که هر طح  
ی گویند ۳ ف مفتوح محل مقوی باغ و دلخ سوی تازه سبک خوشبوی چون  
سعد و اشقر کوچک خوشه محفف زبان چون بخایند بولیش در دهان و رنگ کند  
ش خیدرم ص کثیرا یا طباشیر ل و دوزن آن از خربا یکوزن سازج هندی  
مصطکی سبیل الطیب بضم اول و سکون ثانی و ضم موحده و لام و سکون لام  
ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث و میوه درخت سکیدار و گل لسان العصار  
سحاب ف بکسر اول و سکون ثانی با جیم و الف فافور لیست مشهور که اندک  
از سوش کلان تر باشد و از پوستش پوستین سازند گرمی وی کمتر از سمور است  
طحی تمیق الفوقانی سنوت بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون



بهره بفرمایند. در باب وسایل را در خواست ایران کنند چون بدان گردانند خاص









مکینیت از قوت غرضیه ملطف و قوت کجفنا الفضا

وینشانہ  
سخن لادن  
ایم گوش  
گویند شقایق  
لباس سودمند  
اید و حس  
نیک بود دفع  
دهد دگر یمنی  
انفی را بغایت  
نافع بود خون  
افسند

مجموعہ سلاز پیرس سالانہ کتاب سلاز پیرس

خوارک سونمکه بضم اول و ثانی مجهول و فغا و نون و فتح فوقانی هندی و اظهار با  
ع زنجیل تمیق التحتانی سوبدی و بضم اول سکون ثانی و موصه و کسر اول  
مهمله سماع زرر و روان طائر لیست سوری بضم اول و سکون ثانی و کسر اول  
مهمله و نوعی از زجاج سرخ است که زجاج کفشگران خوانند طاحی سوم بلبل  
بضم اول و ثانی مجهول و سیم و فتح موصه و کسر لام و دای مشهور رندیست سکون  
و بضم اول و ثانی مجهول و نون ساکن با سیم و الف و کسر کاف و اظهار با هم قرشیش  
تنسیق الف و تمیق الالف سها گاه بضم اول اظهار با و الف با کاف فارسی  
و الف ثانی و تنکا سهجناه بفتح اول و کسر ثانی و سکون نون و فتح جیم با نون و  
هم و رخت هندیست و کونید نفل سفید تخم او است سوراخ بفتح اول و ضم ثانی  
و دوا و مجهول بار و مهمله و الف و رخت مشهور رندیست که بالخی صیغه ماکر و چوب  
مکر و تمیق الزام المهمله هرف بکه ابرل و سکون ثانی مگا و تمیق الکاف  
سه کو یک و بکسر اول و فغا و ثانی و صم کاف و دوا و مجهول و فتح با و سکون کاف  
ثانی م فاخسکه گو که و تمیق اللام سگل و بفتح اول و فغا و ثانی و ضم کاف فار  
م و ختیت که چون میوه پخته شود سرخ گردد و ف قابض تمیق التحتانی هندی  
بفتح اول سکون ثانی و کسر اول مهمله و تحتانی مجهول و کسر مزه و سکون تحتانی  
م دوا و هندیست طاب رف دافع حرارت اگر بخیش اسامیده بر قضیب طلا کنند  
با نر نیکه مقاربت نمایند فرغشته گردد و چون کوفته پاره پاره نیز نموده ببول انسان شست  
عرق منی بر بندد از رخ بر آرد تنسیق التحتانی و تمیق الالف  
سیا بفتح اول با تحتانی م سنا سببیا بکسر اول و سکون ثانی و کسر موصه با تحتانی  
ثانی و نام باهی مشهور است در نواحی بیت المقدس سیاه بکسر اول و سکون ثانی  
و سین مهمله ثانی و سرب تمیق الموحده سیاه بکسر اول با ثانی و الف و موصه

دیگر و بیغیر  
مندیان هر  
گویند بیغیر  
قاتله مغار  
الایه خود  
خاموش  
گرم است در  
در جهان  
دوم و دوم  
سردی یا نریا

۲۰  
مردود و فرزند  
ست همدان  
هنگام بفرار  
منج سلمان  
عوانند گداوی  
اورایا خود دارد  
و یک نفر هم درون  
نظف  
باید و حاجت

بیر و صفت  
گلشن گلشن  
دی بون  
ملا کشته  
بحر بحر  
نغمه بو  
زبان  
باشک  
دودان  
در از  
پیدا



بلغت وادی قرن م نلال سیف الغراب بفتح اول و سکون ثانی و ضم فاء و سکون  
 لام و ضم غین معجمه یا و هملة الف م نوعی از سوسن م و لبوس سیما بفت بکسر اول  
 و سکون ثانی با سیم و الف ه یا را سید به بکسر اول و ثانی مجهول خفا و نون  
 ف تسمی از با قلاسی هندیت تمیق الفوقانی سیکران الحوت ع بکسر اول و سکون  
 ثانی و فتح کاف و را و هملة و الف و ضم نون و سکون لام و ضم حاء و هملة و سکون او  
 و فوقانی م ما نیز هرج تمیق الجید سیج ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم م می  
 تمیق لطاء المعجمه سیاح ف بفتح اول و سکون ثانی و الف و کسر لام و سکون  
 حاء معجمه م حار خسک تمیق الدال المهملة سیتند ه بکسر اول و ثانی مجهول و ضم  
 با و خفا و نون و ال بندی م زقوم تمیق الروا المهملة سیاحت بکسر اول با ثانی  
 و الف م شکینه و آن ثانی ست که از جو نیزند سیخ پرف بکسرین هملة و سکون ثانی  
 و خا و عجمه و فتح موحده فارسی م بجه جانوران پرند که نو بر برارند سیر ف بکسر اول  
 و سکون ثانی ه لسن سینه بکسر اول و سکون ثانی و فتح سین هملة ثانی و سکون  
 نون و فتح موحده م سسی نبل و سسبل و تمام منبری باشد میان انفعال و بود نه  
 زیرا که بود نه چون و کز زره دست نشان نمایند سینه بر وید و چون باز بکزه  
 و بیکر نقل کند انفعال بر آید و بوشش تیر باشد طحی ۳ ل در تحلیل و تلطیف با و ج  
 تمیق الزايم المعجمه سیاکیر ف بفتح اول و ثانی و الف و کسر کاف و سکون تحتانی  
 ثانی م ند تمیق السین المهملة سیالیوس بکسر اول و سکون ثانی با سیم هملة  
 ثانی و الف و کسر لام و ضم تحتانی ثانی و سکون و ادوف نوعی از صمغ ست شل  
 انگوزه و آن انجدان روی و کاشم روی ست و گویند تخمی ست مثل کمون کرمانی  
 که بوی ترنج و در طاحی ۳ ف محلل و لطیف روی کوچک ق و بخیش خرمشبو  
 و بخش طلیت و تخم کاشمش نمیدرم هس بر طایقی ل خردل سفید یا انجدان

این است که  
 از زرد و او را  
 باز کنند و فو  
 دوم بلیله سیلا  
 این است که  
 که اندر رخت  
 رسیده بکنند  
 و فربه دشت  
 بود و فو  
 بلیله کالی است

این است که  
 از زرد و او را  
 باز کنند و فو  
 دوم بلیله سیلا  
 این است که  
 که اندر رخت  
 رسیده بکنند  
 و فربه دشت  
 بود و فو  
 بلیله کالی است

این است که  
 از زرد و او را  
 باز کنند و فو  
 دوم بلیله سیلا  
 این است که  
 که اندر رخت  
 رسیده بکنند  
 و فربه دشت  
 بود و فو  
 بلیله کالی است

مقدمه است ایله داغ دورد دره اول دشت در دره ایله است جمله افواج طبعیت است

یا فطر سالیون تمیق الکاف سیکر سیکک سیکک سیکک ف بکسر اول  
وسکون ثانی وکسرین ممله ثانی وسکون را ممله وکاف و رفعت اول وکسر  
سین ممله ثانی و رفعت ثانی وکسر کاف اول و رفعت ثالث وکسر لام و رفعت  
رابع م کرم گندم خوار تمیق الکاف الفارسی سماهنگ ف بکسر اول وسکون  
ثانی باسیم و الف و فتح با وسکون نون وکاف فارسی م قنار بری تمیق اللام  
شیال بفتح اول و ثانی و الف و لام ف یاسمین و بکسر اول اسم هندی ست  
ف شغال سچول بکسر اول وسکون ثانی باسیم و الف و فتح با وسکون ثانی و ضم غا و جمه  
وسکون و اوع تشی و ساهی سینیل ف بکسر اول م فتح ثانی و اظهار با و ضم سین  
ممله ثانی وسکون نون و ضم موحده م سینبر تمیق النون سینوس ف بفتح  
اول وسکون ثانی و ضم موحده وسکون واو و فتح سین ممله ثانی وسکون نون  
م اسغول ستیاردن بکسر اول وسکون ثانی باسین ممله ثانی و الف و ضم راو  
ممله وسکون داو ف چوب سیاه وانه طحی سیسیان بکسر و فتح اول وسکون  
ثانی و فتح سین ممله با ثانی با موحده و الف م حبث یفقد سینسون بکسر اول و  
سکون ثانی و ضم سین ممله ثانی وسکون واو م و رختا هند لیست مشهور که تصفیه  
خون و دای تولیت سیکران بفتح اول وسکون ثانی و فتح کاف و را ممله و الف  
ع بزر البنج سیکان ف بکسر اول و ثانی مجهول باللام و الف شیر که از خیار رسیده  
بجکه سیند با لون و بکسر اول و ثانی مجهول و خفا نون و فتح دال ممله و اظهار با  
و الف و ضم لام و واو مجهول م کسنگ تمیق الواو شیر و ف بکسر اول و فتح  
ثانی وسکون سین ممله ثانی و ضم را ممله وسکون واو م کرم گندم خوار سیوف  
بکسر اول و ثانی مجهول و واو مجهول م سیب سیاه وانه ف بکسر اول با ثانی و الف  
و اظهار با و اال ممله و الف ثانی و فتح نون و کلونجی سیچنه ف بکسر اول وسکون

گویند طبیعت  
دیوانی ملوفون  
سرمای حس را  
کارستی دشتی  
کاستنیز گویند  
دکستر و کشام  
خندیا پاری  
حس و  
یارچوید سطر  
یون

٢٠٢

صلی علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین  
 اجمعین

...

باب الثالث والاربعون  
في بيان ما ينبغي ان يكون عليه المؤمن في حال الحرب

ابو جعفر  
موسى بن  
محمد بن  
علي بن  
علي بن  
علي بن  
علي بن

۲۰۳  
دود لاله بوی  
اسفیدست  
باب الیاء  
یا قوت  
محرابست  
او یاکند که بیاید  
نام او ست  
د او چهار نوع  
سپید دزد  
کی بود دسرخ  
دخترش غمت

طالبان را با شوق فراوان دیدم که با هم می‌خندیدند و می‌گفتند که این سال تحصیلی است و در بعضی کلاس‌ها درس می‌خوانند و در کلاس‌های دیگر

دانشگاه علمیه امام خمینی - قم

بطا و ممله م بلوط الملك و آن شیرین تر از بلوط باشد ط مع ی اق قالبض  
 رخ رسیده و ترش و دودرم ص شکر یا عسل ل غرنوب یا بلوط یا مغر و تمینق القا  
 شادانق بدال ممله و الف ثانی و فتح نون م شهدانج و تخم بنگ تمینق الکا  
 شاک و بفتح را و ممله و سکون کاف م جانور سار و که نخنگوست شاسک  
 و بفتح سین ممله م تیهو شالوک ه بضم لام و سکون واو و ب یج کوئل شانک  
 و بفتح نون م سنگدانه مرغان شانه سرک و بفتح نون و ففار با و فتح سین  
 ممله و را و ممله م بدد شایبانک و سکون با یا موحده و الف و فتح نون  
 م تس سگ غ بنفج الکاب شاهیانج تمینق الکاف الفارسی شاشک  
 بفتح شین بجم ثانی و سکون فون کاف فارسی م تیهو تمینق اللام شاخل و بفتح  
 خا و بجم سکون لام م غله البیت ه ابر شاطل کبسطا و ممله و دوائی است هند  
 مانند کمات خشک ه سائل طاح ی ۳ ش نیدرم تمینق المیده شاه اسپر غم و  
 و شاه اسپر و شاه اسپر و شاه اسپر و شاه اسپر و شاه اسپر و شاه اسپر  
 و کس و ممله و سکون سین ممله و فتح موحده فارسی و سکون را و ممله و فتح یلین بجم سکون  
 یسم در لغت اول و سکون را و ممله در لغت ثانی و فتح با و ثانی در لغت ثالث و فتح  
 با و اول و سکون سین ممله در لغت رابع و سکون با و اول و فتح با و ثانی در لغت خام  
 و فتح فاد در لغت سادس گویند در عهد کسری یعنی نوشیروان ماری بنزدیک سر آید  
 و از دهن قدری تخم سیاه خور و بینداخت کسری فرمود تا این تخم را بکشتند از آن  
 این رست ع ریحان طح ای ۳ ق تخمش قالبض م مومخ سعتری که کربانی و  
 بحالی خوانند ص نیلو فر تمینق النون شابرین و شابرکان و شابرین شادرین  
 و بضم موحده و فتح را و ممله و سکون نون در لغت اول و وا و مبول و فتح را و ممله  
 با کاف و الف در لغت ثانی و فتح را و ممله در لغت ثالث و ضم ال ممله با را و ممله

سستری  
بدو ملل سار  
در یاد و یزدگر  
ترکیب کنند  
خوردن آن  
شادمانی آرد  
دانه و عطر  
هم دریا سمین  
نفس از آن  
پسید باشد

٢٠٧

[illegible]

در آفرینش  
دفعه اولی  
مکرر و بی حد  
و مکرر در  
دنیا را  
از دو کس  
در هر کس  
استخوانها  
از آن وقت  
صفتی است  
که بگوید



است که در آب  
از آن زمان که در آن  
بای بود برود  
آب و لبن و  
سوی را بر سر  
اگر بیان نطرح  
کنند خاصه در  
آفتاب این  
بعد از آن وید  
ضعیف بود  
مگر که کنند

شکست نرسد از جویشید دایم و در بخت فدا و جزم باد و یغ و فدا و مسدود

ایک مخلصانہ

و کسرتون م حنا تنسيق و تنيق الموحدة شبع بفتح اول موحدة مشددة  
ف زاج بلور و زاک سفید و پتکری طح ی ۳ گویند و ۲ ق قابض مجفف  
خ یانی سفید مائل بزردی ص مسکه و شیر تازه و شکر و لعابات ل نمک تلخ و نبات  
نیموزن شبان قریب ف بضم اول اثانی و الف و نون و کسرة و او ممله و سکون  
تحتانی و موحدة ثانی م مرغ کوچک شبیه بابا شه و هرگاه بر زمین نشیند چنان معلوم  
شود که قوت بر خاستن در پدید ندارد و همین که کسی قصد گرفتن او کند پریده اندک  
و در تر نشیند و هر چند که بیشتر روند و بیشتر رفته بنشیند شتاب بفتح اول سکون  
با فوقانی و الف م کرکی که در شب دشمن نماید از طرف نب که بنشیند و گویند تنيق الفوقا  
شبت ع باسر اول و ثانی که سوط منضج بنومخ سبتر تازه شکفته گل شود و دوم ص ا صنی یا  
قرنفل المیو یا ل شکم ل نیمون تخم همان یا بابونه تنيق الراء المصله شبانوف بفتح  
و ثانی و الف و خطا و نون ا فتح و او سکون و او ممله م شب پر و شبیار بفتح اول سکون  
یا تحتانی و الف م شنی صبره گسیکو و طرح ی ق مسهل صفر تنيق الزاؤه المعجمه شباز بفتح  
و ثانی مشد و الف م ز او معجمه شب پر و شب فر و ز بفتح اول سکون و او فتح همزه و سکون فاضل و  
معاد و او مجهول ز او معجمه م گرم شتاب شب گنیز بفتح اول سکون و او فتح همزه و سکون  
کاف فار تحتانی مجهول م بنید خست بزر النج که خراسا اجوان کی جز و بر آن سببی است شبیه  
ف مده همزه و کسر او تحتانی مجهول مرضی است که شبها خود را بپا از شاخ درخت ویر و حی حق  
و او آدمی که چند قطره خون از گلویش نچکد خاموش نشود و تنيق الطاء المصل  
شبت بطباط بفتح اول و کسرتانی و طاء ممله با موحدة ثانی و الف و طاء ممله ثانی  
ف کشته تسبوط بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او مجهلی و هو تنيق الغین  
المعجمه شب چراغ ف بفتح صیم و او ممله و الف و غین معجمه گوهری که در شب  
روشنائی رود گویند کاوی از دریا بر می آید شبها و گویند کوراز دهن بر آورده

ادبیات

بروادی ها و  
محققان

خوبی و رفاه

نیکو دین

از دبیران

راہِ افواج و قوم

۱۰۰

خبر




کتابخانه

۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

...



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

و نور در مقام و باطن و در افق بر می آید و باطن در خست درخت آتش همدستان

[illegible]

و گران بطبع شوز در سیده و نفع است اخلاط افزایند لکیمت گویند مغزی بیماری آن که

شپوزف بفتح اول ضم موحده فارسی شده و و او مجهول و زار معجم شیره تمینق  
الکاف شکر ف بفتح اول و ثانی فارسی شده و و او ممله چمگا و ر تمینق الهاء  
شیره ف بفتح اول و ثانی فارسی شده و و او ممله خفا و باه چمگا و ر شیشه ف بفتح  
اول و کسر ثانی فارسی و فتح ثین معجز ثانی کرمیت که اکثر در تابستان در جاها  
پشین بگندم و دیگر غله با میفتد و آنرا باه سازند تمینق التاء الفوقانی و تمینق الواو  
الممله شتر خراف بضم اول و فو ثانی و سکون را و ممله با جا و معجمه الف و و او ممله ثانی  
مبنی از خا که شتر آنرا بر خبت تمام چاکند شتر موزف بضم سیم و سکون و او م  
اشتر موز تمینق الزاء المعجمه شتر غازف بعین معجمه الف و زار معجمه و خیت آنکه  
تمینق النون شتر زمان ف بفتح و ال ممله و سکون نون با و ال ممله ثانی و الف  
و نون ثانی نوعی از زاج مصریت تمینق الواو شتر گاؤف بکاف فارسی الف  
و و او مجهول هم ذرا که سر آن بسر شتر ماند و گویند بسر گاؤ کوهی ماند و سینه و هم شاخ  
همه بگاؤ و اند شاخ از شاخ گاؤ کوچکتر است و ریگتر و پوستش چون پوست پلنگ  
پرخال و درم بدم آه و دندان بدندان خرمند و گردن و دستها بسیار و از و  
پایا کوتاه و گویند زانو ندارد و گویند که چون نافه حبشه با گاؤ کوهی جمع شود این  
تولد شود و در ولایت توبه بهر سد تمینق الهاشته ف بفتح اول و ثانی و خفا و با  
انگور تمینق التحتانی شتر پای ف بوحده فارسی الف تحتانی مجهول م گیا هیست  
که برش چون پای شتر ماند تمینق المجیم و تمینق الموحده و شجرة الدب بفتح  
اول و سکون جیم و فتح را و ممله و ضم فوقاتی و دال ممله شده م درخت زعرور  
تمینق الفوقانی شجرة الحیات بسکون لام و فتح حاء ممله و تحتانی آمده و الف م  
درخت سرو تمینق المثلثه شجرة البراغیت بسکون لام و فتح موحده و را و ممله و الف  
و کسر غین معجمه و سکون تحتانی م درخت غافث تمینق الزاء المعجمه شجرة الوز

و گران و مہمی  
و بخاویست  
مقوی دل و  
جمع اعضا و  
مشتی طعم  
و دافع فساد  
باد و صفراء  
شیرہ آن  
بطبع تر و لطیف  
در کشتائی

٢٠٨

دری و نام  
وقت و روش  
استیست  
از و ب  
ست ق  
منو اف  
در و ف

[illegible]



ان بلبل صف اولی و فساد الح و فساد و بیک و ادعای بیک بدن و استحقا و زنده و اماسی عصا مقام و دافع



کتاب الفونیکه فی بیان الحروف و ترکیب کلمات

ز ر و هت ع ز ع و ر تنیق الکاف الفارسی شریک بفتح اول و ثانی و سکون  
 نون م خریزه تلخ ع خنظل تنیق النون شریک بفتح اول و سکون ثانی و  
 کسر موده و سکون تحتانی و ثون ف درخت قطران حبشی ست از شجره صنوبر  
 طحی ۲ ق قابض شش کیشقال ص اشندل اهل تنیق الحتانی شریک ف  
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح موده و کسر فوقانی و سکون تحتانی م تخم ریحان  
 کوچکتر شری بفتح اول و کسر ثانی و درخت خنظل تنیق الشین المعجمه  
 و تنیق اللام ششقال بفتح اول و سکون شین بجهتانی باقاف الف ضم  
 قاف ثانی و سکون لام م ششقال تنیق الها ششتره بفتح اول و سکون ثانی  
 و کسر فوقانی و فتح راء م فوهه مجیه تنیق الطاء الممله و تنیق الهاء  
 شطریه یکسر اول و سکون طاء ممله و کسر راء ممله و فتح تحتانی م نوعی از صغیر  
 تنیق العین الممله و تنیق الراء الممله شعایر ع بفتح اول با صین ممل  
 و الف و کسر راء ممل و سکون تحتانی و کسر ممل ثانی و ف خیار زده و کسر ی شعایر  
 ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء ممل و سکون لام و کسر حیم موده و الف و  
 پرسیا و شان شعاع بفتح اول و سکون ثانی و ف موی هبال طی ح ۳ ق ف  
 خ موی آدمی سقندل که سوخته باشندل صوف شعیر ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون  
 تحتانی و ف جوطب ی اگویند ۲ ق محلل مجلی خ سفید تازه بزرگ وانه فرب  
 ش از آب جودرم ص ابازیر کرمل باش تنیق النون شعیر الجن بفتح اول  
 و سکون ثانی و ضم راء ممل و سکون لام و کسر حیم و سکون نون و ف پرسیا و شان  
 تنیق الها شعیر الصفا لبع بفتح اول و ثانی و سکون ذاو و ضم راء ممل و شند  
 باقاف و الف و کسر لام و فتح موده و زعفران تنیق الحتانی شعیر رومی بفتح  
 اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر راء ممل و ضم راء ممل ثانی و سکون او و کسر

کتاب الفونیکه فی بیان الحروف و ترکیب کلمات  
 ۲۱۱  
 اینها گویند  
 بهتر از این  
 بسیار شیرین  
 شکننده دندان  
 باشد و از صفت  
 درخت  
 رویتنه باشد  
 در کتب هند  
 می نویسند  
 که طبع رسیده

کتاب الفونیکه فی بیان الحروف و ترکیب کلمات





۲۱۳  
باغ فردوس بطبع  
سر دو گران  
دخانیستش  
از امیل و بهر  
دنسا و صفا  
و بلغم کس  
یک سر اول و  
حصار با طبع

293

”

١٢

دولتان

13

ind

1992

۱۵۰

230

مرفوع

ایمان

کبد

15

مهرت کیلک دهن و فساد غلام و راج ندرک و سرگرمی و دیویتی و لیاقت و محض

نونی پشاورین دوزن کشاید سکنه فایمیت سکنه جلیج موز

ربان و دوزن  
سردست و  
مقوی اعضا  
دمری و دافع  
فساد صفراء  
بلغم و دهن  
شیرین بلغم  
سرد و تر و  
گران و جلیج  
نظاف و بلغم افزا

ف بفتح اول و ثانی م شلغم و کسر اول و ثانی ع صمغ تمینق النون سکون و ف بفتح  
اول و ضم ثانی و سکون و او م صبی شغال تمینق الحاء شلما به ف بفتح اول و سکون  
ثانی با سیم و الف و فتح موحده م شلغمی که در آب جو شاییده باشند تنسیق المیم تمینق  
شمشیر بفتح اول و سکون سیم و کسرین معجمه ثانی با را و ممله الف م اذان الفار تمینق  
الفوقانی شملت ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و میتی  
ع طلبة تمینق الحاء المهمله شمع بفتح اول با ثانی م حلدون و ف سفید مروه سکنه  
تمینق الحاء المعجمه شماغ ف بفتح اول با ثانی و الف م شاماخ شماغ ف بفتح اول  
و سکون ثانی و فتح لام م شلغم تمینق الدال المهمله شمشاد ف بفتح اول و کسر اول و سکون  
ثانی با شین معجمه ثانی و الف م درختی معروفست و بیری و نیز نام مرزنجوش شملک  
بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی ع طلبة میتی تمینق الراء المهمله  
شمار بفتح اول و سکون ثانی با ثانی و الف م بادیان شمشاد ف بکسر اول و سکون  
ثانی با شین معجمه ثانی و الف م درخت شمشاد و شمشیر بضم اول و سکون ثانی و کسرین  
معجمه ثانی و سکون تحتانی م قاطله صغار تمینق الزاء المعجمه شملیز ف بفتح اول و سکون  
ثانی و کسر لام و سکون تحتانی م شملت تمینق العین المهمله شمع ف بفتح اول  
و سکون ثانی و ف موه مین ط مع ق منضج ملین خ زرد بی خلط که بوی مسلمان  
تمینق المیم شامع ف بفتح اول و ثانی با الف و رستنبویه کچری تمینق الحاء  
شماره ف بفتح اول و سکون ثانی با و ال ممله الف و فتح نون م عناب شمه  
ف بکسر اول و فتح ثانی م شیره ملائی تنسیق النون و تمینق الفوقانی شملت  
ف بفتح اول و سکون نون و فتح موحده و کسر لام و سکون تحتانی و فوقانی م کلیمه  
زرد رنگ شکل قد مانند بهار نارنج و همچنان شگفته و بوی تیز دارد و آنرا گل راهرویه  
خوانند تمینق الحاکم شمع ف بفتح اول و سکون نون و میم م نوعی از حلدون و ف

۲۱۴  
و دافع  
و سکون و با  
شیرین بلغم  
سرد و تر و  
گران و جلیج  
نظاف و بلغم افزا

سکنه فایمیت سکنه جلیج موز

بسم الله الرحمن الرحيم

لحم کونید قضیک طب ی ۲ گویند رتینق اللال المهمله شنبلیله بفتح اول  
 و سکون ثانی و فتح موحده و کسر لام و سکون تحتانی و شنبلیت و گویند گل سوختان  
 طح ی خ سفید تازه رتینق الواء المهمله سحار و تنقار و تنکار بفتح اول و سکون  
 ثانی با جیم الف و راء مهمله در لغت اول و با قاف و لغت ثانی و با کاف فارسی و لغت  
 ثالث م البوخلسا گیا هیست که برگش سیاه و پیش بنبرست رتینق الواء المعجمه  
 شنبلیله و تنکویر بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی و کسر موحده و تحتانی مجهول  
 و لغت اول و کسر و او در لغت ثانی م شرابیکه از درخت خرما حاصل شود و سبزی  
 و بزبان پهلوی یخیل را گویند رتینق البشین المعجمه شمس ع بضم اول و ثانی  
 و سکون شین معجمه ثانی خرمایکه دانه آن سخت نشده باشد رتینق الفین المعجمه  
 شنع و بضم اول و ثانی م شاخ گا و رتینق الکاف الفارسی شک ف  
 بفتح اول و سکون ثانی م درختیست خوش موضع که نه اشن سفید و راست و طس  
 باشد و سر آن چترند و چوب آن و کبان بکار آید و در خر اسان بنفش خوانند  
 و کسر اول و غله م و قسمی از خیار که دراز و کج بود و در شیراز کلونده خوانند و گیاه  
 که در اصفهان لاله شک گویند رتینق اللام شکال ف بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح کاف فارسی و لام و سکون لام ثانی م غله شک رتینق النون نشان  
 بضم و کسر اول با ثانی و الف م فرامیون شن ف بفتح اول گیا هیست که از بوم  
 سیاه سازند رتینق الهاء شنبلیله و بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و کسر  
 لام و سکون تحتانی و فتح لام ثانی م حله تشند بضم اول و سکون ثانی و فتح و کسر  
 و ال مهمله و فتح لام م توری رتینق التحتانی شکرف زاولی و بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح کاف فارسی و سکون راء مهمله و کسر فاباز و معجمه الف و واد و کسر لام م  
 سرخه سند و رتینق الوا و رتینق الالف شواصر بفتح اول و واد و الف

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در کتب پهلوی  
 صفرا و بفتح اول  
 را از بول بد  
 کند و در اف  
 بومیر و لغوه  
 در در پهلوی  
 تنگی نفوس  
 موندگ  
 فامیت

بسم الله الرحمن الرحيم

وفتح صاد مهملة وراء مهملة نوخی از برنج با سبب چ ی شود که بیضا بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح کاف و همزه طبعیه با و فتح موحده و سکون تحتانی با ضا و معجوف با و آور و شویلا  
 بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی بالام و الف م برنج با سبب تنمیق الموحده لا شوبع  
 بفتح اول و سکون ثانی م عمل تنمیق الفوقانی شوات و بفتح و ضم اول با ثانی و الف جانور  
 است پرنده مانند مرغابی که هم در آب و هم در خشکی زندگانی کند و گویند پرنده ایست سرخ رنگ  
 که هر زمان برنگی و معنی برآید م بوقلمون تنمیق الدال المهملة شوات و بفتح و ضم  
 اول با ثانی و الف و ال مهملة م شوات تنمیق الراء المهملة شوات بضم اول و ثانی  
 مجهول با غین معجمه و الف و ال مهملة زاک سفید تنمیق الزاء المعجمة شوات و الف  
 بضم اول و ثانی مجهول و فتح و ال مهملة و فطار و فتح کاف فارسی ع ا ش ه و رخت جباء  
 شوشی و بضم اول و سکون ثانی و شین معجمه شانه و کسیرم و سکون تحتانی ع قاتله صفا  
 شونیز بضم اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون تحتانی ف سیاه و انط ح ی ۲ ق  
 مقطع مجلی محلل بدش نیم شقال تادور و م ص کتیر او کاسنی ل صمغ زیتون یا تخم  
 شوات تنمیق الطاء المهملة شوات بفتح اول و سکون ثانی و فتح خا و معجوف  
 خوشه از ن تنمیق العین المهملة شوات بفتح اول و سکون ثانی و ف و رخت بان  
 تنمیق الکاف شوات و الف و ثانی و الف و فتح لام ه مرغی است که هر زمان  
 برنگی نماید ابو براس شوات و بضم اول و سکون ثانی و فتح شین معجمه ثانی م  
 جانور هیهو شوات العکس بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و ضم نوقانی و سکون لام  
 و کسر عین مهملة و سکون لام ثانی م نوخی از او یون تنمیق النون شوات الدسن ع  
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و ضم نوقانی و فتح و ال مهملة شده و هم و سکون  
 نون م کنکر شوات ان بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و ال مهملة و الف م تفت  
 بید و گویند که تخم بگ رومی و ورس ط ب ی ۲ ق مخدرخ شیرین شوات بضم





شرح لغت از معجم شیرخاش طحی شیطرح غم کبیر اول و سکون تخانی  
 و فتح طار ممله و راء ممله شیرتیه و چیتا طحی ۳ ق بجلی شقی خم بندی ش  
 یک شقال ص مصلک یاور و یا صندل ل فوه یا بجکر یا عقر قر حاتمیق الحاء  
 المهملة شیخ غ کبیر اول و سکون ثانی و حاء ممله و در منه طحی ۳ گویند  
 ح ۲ ی ۲ ق مقطع محلل خم از منی ش نیادر مهن ترس یا شراب ربیاس یا شراب  
 رتج یا نبشله برنگ یا فستقین تنیق الراء المهملة شیربخشیر بفتح موحده  
 و سکون خا و سجد و کسر شین معجمه ثانی و سکون تخانی ثانی و راء ممله ثانی و  
 بیخست زرد رنگ که از هندوستان و کشمیر خیزد و هر نی طحی ش و آنکه  
 انیدرم تنیق الراء المعجمه شیتیه العجزم بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
 موحده و ضم فوقانی و سکون لام و فتح عین ممله و ضم جیم و سکون واو ممله  
 شیر از کبیر اول و سکون ثانی و فتح راء ممله بالفاء عریجان شینیز کبیر اول  
 و سکون ثانی و کسر نون و سکون تخانی ثانی م شونیز تنیق السین المهملة  
 شیر کس ف کبیر اول و ثانی مجهول و راء ممله و فتح میم و کاف فارسی ع عنکبوت  
 تنیق القاف شیرزوق کبیر اول و سکون ثانی و راء ممله و ضم زاء معجمه و  
 سکون واو و قاف م شیرخج تنیق الکاف شیر خشک بضم خا و معجمه و سکون  
 شین معجمه ثانی و ف بید خشک و بید الگبین نمیت یعنی نعمتست که چون شبنم  
 در خراسان درخت بید نشیند طح گویند مع ب ح ق ملین خم سفیدترین ش  
 ده درمل ترنجبین ششیک ف کبیر اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه ثانی و  
 فتح تخانی ثانی م گویند کیسا ششیک ف کبیر اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه  
 ثانی و فتح تخانی ثانی م تیهو تنیق المیم شیلیم ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
 لام و ضم آن و سکون میم گویند و آنها ب طلب گرد است که بعضی سیاه بعضی

سرخ در میان لشت گندم روید و گویند یا سیمین جنگلی ست طحی ۳ و گویند ح ۱  
 ی ۲ می مطف مجلی محلل مسکوح اوکن فریض کز به خشکال جند قوتی و در دفع  
 قوا بگندم شیمف بکسر اول و سکون ثانی مابی است فلوکس دار ع مرینه  
 تمیق النون شیان بکسر اول با ثانی والفت پر سیاوشان تمیق العا و شیشو  
 بکسر اول و سکون ثانی و ضم شین عجمه ثانی و سکون واوم تهو تمیق الها شیلر  
 بکسر اول و سکون ثانی بارامه والفت و فتح موحده و خشخاش شیر بکسر اول و سکون  
 ثانی و فتح راد موله نوس از بوزه که بنگ داخل سازند شیلانه ف بکسر اول و سکون  
 ثانی بالام الف و فتح فون م عتاب شیلونه ف بکسر اول و ثانی مجهول و ضم لام  
 سکون واو و فتح فون م لاک پشت شیمه ف بکسر اول و ثانی مجهول و فتح میم مفلو  
 زانگو تمیق التحتانی شیان خوزنی بکسر اول با ثانی والفت و کسره ف و ضم مجمره  
 و او مجهول و کسره زار مجمره و سکون تحتانی م بوش در بندی شیخ مشته ف بکسر  
 اول و سکون ثانی و کسره خار مجمره و فتح حار موله ثانی و موحده و کسره شین مجمره ثانی  
 لفضل سیاه ترقیم الصاد المهمله و تنسیق الالف و تمیق الموحده  
 ماب بصاد مهمله والفت و موحده مخظل و گویند قشاد الحارست و گویند از قو عا  
 گویند دیو دارست تمیق الفاء صابون القاف بضم موحده و سکون طاو و ضم  
 ون و سکون لام باقاف والفت و فام جو یک اشنان تمیق النون صابون  
 بضم موحده م طحی ۲ ق مخرج محرق خ کنه ص قے کردن باب گرم و روغن  
 نجد و خوردن شور لب چرب بار و غن و مرغ ل بوره و اشنان تمیق الها صاب  
 سر حار موله و فتح تحتانی م خرف زردک هر که تنسیق الباء الموحده ف  
 تمیق الراء المهمله صبا بضم اول با موحده والفت و راد موله م قمرندی صبر  
 فتح و کسر اول و سکون موحده هایلوا و مسبر طحی ۲ گویند ۳ ق مجفف مدخل

[illegible]

سرخ در میان لشت گندم روید و گویند یا سملین جنگلی ست طحی ۳ و گویند ح ۱  
ی ۲ می مطف مجلی محلل مسکوح اوکن فرج ص کزیه خشک ل جند قوتی و در دفع  
تو با گندم شیمف بکسر اول و سکون ثانی مای است فلوکس دار ع ح ۳  
تمیق النون شیان بکسر اول با ثانی والفت پر سیا و شان تمیق العا و شیشو  
بکسر اول و سکون ثانی و ضم شین معجبه ثانی و سکون واوم تهو تمیق الها شیل  
بکسر اول و سکون ثانی بار امه والفت و فتح موحده و خشخاش شیر بکسر اول و سکون  
ثانی و فتح راد موله نوس از بوزه که بنگ داخل سازند شیلانه و سکون  
ثانی بالام الف و فتح نون م عناب شیلونه و سکون اول و ثانی مجهول و ضم لام و  
سکون واو و فتح نون م لاک پشت شیمف بکسر اول و ثانی مجهول و فتح نیم م  
زاگو تمیق التختانی شیان خوزنی بکسر اول با ثانی والفت و کسر فا و ضم معجبه  
واو مجهول و کسر زا معجبه و سکون تخمائی م بوش در بندی شیج ح ۳  
اول و سکون ثانی و کسر خار معجبه و فتح حار موله ثانی و موحده و کسر شین معجبه ثانی  
مفضل سیاه ترقیم الصاد المهمله و تنسیق الالف و تمیق الموحده  
ماب بصاد موله والفت و موحده مخ ظل و گویند قشاد الحارست و گویند از تو عا  
و گویند دیو دارست تمیق الفاء صابون القاف بضم موحده و سکون طاد و ضم  
ون و سکون لام باقاف والفت و فام چوبک اشنان تمیق النون صابون  
ضم موحده م طحی ۲ ق مخرج محرق خ کهنه ص قے کردن باب گرم و روغن  
نجد و خوردن شور بے چرب بار و روغن و مرغ ل بوره و اشنان تمیق الها ص ۳  
س حار موله و فتح تخمائی م خرف زردک هر که جز تنسیق الباء الموحده و  
تمیق الراء المهمله صبا بضم اول با موحده والفت و راد موله م قمر بندی ص ۳  
فتح و کسر اول و سکون موحده هالیا و م س طحی ۲ گویند ح ۳ محف مد تل

[illegible]

نعم و دندان ورم  
اللهم اناس كوشه  
نعم و دندان با دهنم  
مخال به کدورت  
که دست عارض شود  
مع نه بخاورد  
الحق وین غیر  
نکشدن شفق  
۲۲۰  
شفقت  
تشنه شدن  
در مملکت  
وین  
املافت  
فلسفه  
وین  
شیرین  
از نغمه



اول وفتح را و همزه ثانی و جبر و اسک هجین گشت سه عدد یا پنج یا هفت جانور  
تنسيق العين المهملة وتنسيق الراء المهملة متعقرب بضم اول و  
سكون عين مهملة وفتح فوقانی و سكون را و همزه نوحی از پودنه بری ست و او  
و کا کو تے طحی سق مفتوح و ملطف مغشے خم کو چک ورق شن نیم شقیال  
یا کد رم ص سر که ل فو تنج تنسيق الغین المعجمه وتنسيق النون صغیرین  
بفتح اول و سكون غین معجمه و کسر موحده و سكون تخانی تمکنج تنسيق القاف  
و تنسيق الراء المهملة متعقرب بفتح اول و سكون قاف و را و همزه طاری سب  
شکار می و جریغ طحی تنسيق السین المهملة متعقرب بفتح اول و ثانی  
و کسر تخانی و سكون سین مهمله لکری تنسيق وتنسيق اللام متصل عم به فتح  
بر و و صا و همله و سكون هر دو لازم مکده و عتق هر دو کا صل عم کسر اول و ثانی  
که افسون نمی پذیر و تنسيق النون صکون عم بفتح اول و ضم ثانی و سكون و ام  
م خرنوب بطنی تنسيق المیم وتنسيق الموحده لا صمغ السداب بفتح اول و  
سكون میم و ضم غین معجمه و سین مهمله مشد و با دال و الف ل دو وزن حلیت است  
تنسيق المشله صمغ الموحث عم بفتح اول و سكون ثانی و ضم غین معجمه و سكون  
لام و فتح میم ثانی و سكون حاء مهمله و ضم را و همله و سكون و او حلیت تنسيق الدال  
المهملة صمغ القثا و بفتح قاف و مشله و الف کثیر صمغ عسفید بفتح اول  
و سكون ثانی و کسر غین معجمه و فتح سین مهمله و کسر فابا تخانی مجبول هگوند و رخت  
کر هر می تنسيق الراء المهملة صمغ الصنوبر بفتح صا و همله مشد و ثانی و نون و فتح  
موحده م را تنج صمغ الکندر بسکون لام و فتح کان و سكون نون و فتح کان فارسی  
ل پنج و ارشیشکان و در تے کردن جوزر الق تنسيق الراء المهملة صمغ اللوز عم  
بفتح لام مشد و سكون و او صمغ بادام خ سفید یا خوز از دخت جوان ل صمغ عربی

و کثیر تنقیق الصاد المهملة صمغ الاجاص بسکون لام و کسر همزه باجمیم شده  
 و الف م صمغ آلق مفت مدخل خ ماخوذ از درخت کمن تنقیق الطاء المهملة  
 صمغ البساط کسر موحده بالام و الف ف از سنگ ساخته و آن چیزی است که از  
 رخام سنگ سازند و گویند که از معدن بهر سد و نام مری است که از صبر و شکر  
 خون سیادشان و عکک و انزروت و صمغ عربی از هر یک جزئی و اصل مرجان و  
 راج از هر یک نیم جزو کوفته بخته آب صمغ عربی بسرشد و بر دیوارچی زنند و آکنند  
 تا خشک شود و هر چند کمنه شود نیکو بود تنقیق الغین المعجمة صمغ عم مفت اول  
 و سکون ثانی و غین معجمه صمغ جمع و می ف از دو دسکله گویند طحی گویند مع  
 ق مغری قابض و طابس خ عربی شفاف سفید صاف بی چوب رو دگر زنده و  
 آب تنقیق الفاء صمغ الحشفت بسکون لام و فتح حاد مملد و سکون را و مملد و فتح شکر  
 معجمه مکنری تنقیق المیم صمغ البطم بسکون لام و ضم موحده و سکون طاء مملد  
 میم ثانی مسقط ح ی ۲ ش یک درم ص مفرجل و کشری ل کشری تنقیق النون  
 صمغ ازیتون بفتح زای معجمه مشدود و سکون تحتانی و ضم فوقانی و سکون واد و  
 سطر کل عصا طر امث یا شونیر تنقیق التحتانی صمغ الحوز الرمعی بسکون  
 لام و فتح جیم و سکون واد و کسر زای معجمه و ضم را و مملد مشدود و سکون واد و کسر نیم  
 و سکون تحتانی ف کمر با صمغ الکشری بسکون لام و ضم کان و فتح میم مشدود و سکون  
 شاک و فتح را و مملد و الف مقصوره و صمغ و رخت امر و رخ از درخت کمن ش  
 و و شقال صمغ عربی کسر غین معجمه و فتح عین مملد و را و مملد و کسر موحده هر گونه  
 و رخت لیکر ط مع گویند ح گویند بی ش و و شقال ص کثیر و شرب صندل  
 و کلاب صمغ بادام و حب الاس تنسیق النون و تنقیق الراء المهملة  
 صندل از مظهر نفتح اول و سکون نون و فتح و ال مملد و کسر لام و فتح همزه و سکون

[illegible]

ما ممله وفتح میم و سکون و همایف صندل سرخ هر رکت چندن طب ی گونید  
 سال فوغل صنوبر صغار عم بفتح اول و ثانی و سکون و او و فتح موحده و کسر را ممله و صا  
 ممله ثانی باغین معجمه الف و درخت چیده طمع ح گونید ح ی گونید ک زفت  
 صنوبر کباب ک بکسر کاف با موحده و الف و درخت چغوزه طح اساق مسن خ  
 ناز و بزرگ سفیدش پانزده عدد و ص بوارش سفرجل ل و و وزن او خشناش  
 تنسيق الصناد المعجمة صندل ابيض عم بفتح اول و سکون ثانی و فتح و ال ممله  
 و کسر لام و فتح همزه و سکون تحتانی و فتح تحتانی و سکون ضا و معجمه صندل سفید  
 ه چندن طب ی گونید گونید ساق مقوی دل ح مقاصری ش نیم شقال ص  
 جلاب شکر طبر زول اشندای فوغل تنسيق الواو و تنسيق الصناد المعجمة صوت  
 الارض بضم اول و سکون و او و ضم ف و سکون لام و فتح همزه و سکون را و ممله و  
 ضا و معجمه فراسیون تنسيق الفا حیون عم بضم اول و سکون ثانی و فاف شیم ط  
 ح ی ساق مسخن بجفت اکال ل شمر تنسيق الهاء صوطه بضم اول و سکون ثانی  
 و فتح طار ممله و لام و خفا بابت نوعی از چند رتوبیم الصناد المعجمة و تنسيق  
 الالف و تنسيق اللام ضال عم بضاد معجمه الف و لام کتا و تنسيق النون ضا  
 عم بضاد معجمه الف و نون ف ش ه میثمی تنسيق الباء الموحدة و تنسيق الالف  
 صبه و جاع بفتح اول موحده و عین ممله و همزه لعینه و فتح عین ممله ثانی و سکون را  
 ممله ا بیم و الف و کفتا ط گشت اوح ی تنسيق الموحدة متب عم به فتح  
 اول و سکون موحده ف بچه سو سما که اول می زاید او را عل می گونید و بعد  
 از ان غیداق خوانند و بعد از ان مطعم و بعد از ان حصرم و چون تمامی رسد ضب  
 گونید طاح ی ق شکل او مجله خ متوسط حصرم تنسيق الراء المهملة فصر  
 بفتح اول و ثانی و سکون را ممله و درخت جزربو تنسيق الراء المهملة و تنسيق الموحدة





تحتانی و ضمیم ببار و همزه و الف و نون م ریکان تی قیم الطاء المهملة و  
تنسيق الالف و تنسيق الراء المهملة طاليسفراطا و همزه و الف و کسر  
لام و سکون تحتانی و سین همزه و فتح فار سکون را و همزه و پست بیج زیتون  
بندی و آن تشویر بندی است طامع گویندی ۳ ق قابض شریک شقال ص  
عسل یارب السوس ل شبل الطیب و نیموزن سازج یا مقل و اهل مسا و س یا  
چهار و انگ وزن آن کمون و نیموزن اهل یا بوزن او عذبه و نیموزن بسا سه  
تنسيق السین المهملة طاموس ع بنضم همزه و سکون و او ده مورط گوشت و ح را  
تنسيق الکاف طانک ف بفتح فاعجوب بار وخت نیمه نبولی تنمیت المسبو  
طالم بفتح لام و فتح ز و تنسيق النون طالقون بکسر لام و ضم قاف و سکون  
و اوف نوعی است صنوعی که مدبر کرده باشند بتوبال نخاسه که در کینه کا و خدسانیه  
باشند تنسيق الهاء طار حقه یونانی بکون را و همزه و کسر طاء و همزه ثانی و فتح قاف  
م حب الملوك طاریقه یونانی بکسر را و همزه و سکون تحتانی و فتح قاف م دیند  
تنسيق الباء الوحده و تنسيق الالف طبقا بفتح اول و سکون موحده با قاف  
و الف م خندروس تنسيق الحاء المعجمة طابع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی  
و خا و محجوب خریره و ادویه که باب بجا شانند و بنیز تنسيق الدال المهملة طبرزد  
بفتح اول و کسر ثانی و سکون را و همزه و فتح زاء و محجوب معرب تبرزدست یعنی نباتات حری  
از جنس اولی ه البوم و نک سنگ انیز بدین نام خوانند از جهت سختی و صلبی هر دو  
تنسيق الراء المهملة طبار بکسر اول با ثانی و الف ف نوعی از انجیر سرخ بزرگ  
طبار شیر ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر ثین معجرب سکون تحتانی ه نبسا وین طب  
ی ۲ گویند ۳ ق قابض محقق مقوی مل و معده خم سفید سبک زود خورد شوند  
س و و انگ ص کلاب و گویند صطک و انیسون و گویند رب السوس نیموزن کانو

سوزاک    البعل    اردن بول    قف تعاضل    اسل    البعل نے    اختیار امن    بول جمال    الدوب بکری    جن جالجا    بول ضعت    نمان

اللباء نفع  
قدرت بر جماع  
انبداء اعلت شلج  
لونی علامش  
راحت یافتن از  
جماع و اول است  
فد لوط  
ست که چنان شب  
است که در این

۲۲۵  
وقت از حال دفع  
یاد رفتن ای درازی  
خسب به جا  
ست که صاحبش  
شاید برون عالم بود  
از برای شکایت  
چون در این دنیا  
نمی بود هر قدر

[illegible]

۶۱  
از این کتاب که در دسترس است که در کتابخانه

یا عصاره حجتہ التیس باسہ وزن ان مغز خیار زره و چهار وزن بز قسطو نایا گل مختوم یا  
کاغذ مصری سوخته یا تخم کاسنی یا نیم وزن صندل تنبیق القاف طلاق بکسر و  
ضم اول با ثانی و الف و قاف م غافث تنبیق التختانی تنبیق ع بفتح اول و کسر ثانی  
و تختانی نبول و پستان تنبیق الشاء المثلثه و تنبیق کجیم طشرح بفتح  
اول و سکون مثلثه و فتح راء مملو و مورچه کو کجیم تنبیق الحاء المهملة  
و تنبیق الالف طحمار و ع بفتح اول و سکون حاء مملو با میم م شکران تنبیق الموحدة  
طحلب ع بضم اول و سکون ثانی و ضم و فتح لام و جامه خواب بک و بیزه سوال  
که در آیه بار وید ط ب ۳ سابق رابع ۴ انچه در آیه بک شیرین روی و ص ما در احسان  
لحمی العالم تنبیق اللام طحال ع بکسر اول با ثانی و الف و سبز زه تلی طح  
ی گویند ب خ ماخوذ از حیوان جوان فرج و غرن سر که تنبیق الهاء طحینه ع بفتح  
اول و کسر ثانی و سکون تختانی و فتح نون و ا و تنبیق الحاء المعجمة  
و تنبیق النون طحشقیون ر و ع بفتح اول و سکون حاء معجمة و کسر شین معجمه  
و سکون تختانی و ضم قاف و سکون واو و روائی است که ایل ار سن بکان را بوسه  
زیر آلود کنند تنبیق الداء المهملة و تنبیق الالف طرقاع بفتح اول و سکون  
راء مملو با فاء و الف و وخت گز ه جها و ط ب ی گویند مع ح ب ق قافض مخفف  
خ انچه از آب دورتر باشد ش پنجد هم ص روض با دام یا غسل مذبه یا جلنا  
تنبیق المثلثه طراثیش ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر مثلثه اول و سکون تختانی  
و ایل شیرین طاب ی ۳ ق قافض خ سفیدش یک شقال ص کسر ایل  
نیم وزن پوست مرغ سوخته و شسته و دانگ وزن آن عقص و ده یک آن مرغی  
یا جلنا یا جفت بلوط طرثوث بضم اول و سکون ثانی و ضم مثلثه و سکون واو و ح  
اشق و گویند اشتر فار تنبیق الجیم طرسیدج بفتح اول و ثانی و سکون سین مملو و ضم تختا

۲۲۶  
 کتب از ششمین  
 چاپ  
 آن را تذکره و استظهار  
 گویند و اگر کتاب  
 شود شش خط  
 بنویسند و اگر  
 گویند که این کتاب  
 است که در خط  
 شش خط  
 آن را

[illegible]

و سکون واو ف مایه در یائے تنبیه الحاء المعجمه طرح بفتح اول و کسر ثانی و سکون  
 تحتانی و خا معجمه نوعی از یائے کو چاک م شاه یائے طحی ق مقطع خ تازہ ص  
 و غن و سر که مایه نیک تنبیه السین المهمله طرح جوا نس یونانی بفتح اول و ثانی  
 و سکون نون و ضم جیم و سکون واو با سیم و الف و کسر نون ثانی ف پر سیا و شان  
 تنبیه الشین المعجمه طرا غور یغایش یونانی بفتح اول و ثانی و الف و ضم غین معجمه  
 و سکون واو و کسر راهمه و سکون تحتانی با غین معجمه ثانی و الف ثانی و کسر ثانی ثانی  
 ف یودنه کو بی تنبیه القاف طرح شقوق بفتح اول و سکون ثانی و فتح خا معجمه و  
 سکون سین معجمه و ضم قاف اول و سکون واو ف کاسنی بری طاب سی ق  
 مفتوح ش کث مثقال ص کجایی ل مزا و تنبیه النون طر حاطیقون یونانی  
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح حا و مهله یا خا معجمه با سیم و الف و کسر طرا مهله ثانی و سکون تحتانی  
 و ضم قاف و سکون واو و نون ف نوعی از سر سه یا دارومی چشم طرخون ۶ بفتح اول  
 و سکون ثانی و ضم خا معجمه سکون واو م طرخونی ف عا قرق حارستانی طحی ۲ ق مخدر  
 نه تازہستانی ص کرفس ل در تحه یغم خل طریون رومی بفتح اول و سکون ثانی  
 و کسر وال مهله و سکون تحتانی و ضم لام و سکون واو م سیالیوس طرحین بفتح اول  
 و ثانی و سکون نون و ضم جیم و کسر مو حده و سکون تحتانی ف تراکسین طر قون یونانی  
 و ضم اول و ثانی و سکون واو و ضم هر و قاف و سکون هر و واو م زعر و طوقون  
 یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و ضم قاف و سکون واو ثانی و فستان افرا  
 طریغان یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی با غین معجمه و الف ف تخم مصفری  
 بشیرازی اگر زیو نید طریغان بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح فا و ضم و فتح  
 لام ف اهم مشترک است بر چند قوی و بر نبات حصه الثعلب ه سنس کو می ج می  
 طریقون یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو ف بوتیا

و سکون واو ف مایه در یائے تنبیه الحاء المعجمه طرح بفتح اول و کسر ثانی و سکون  
 تحتانی و خا معجمه نوعی از یائے کو چاک م شاه یائے طحی ق مقطع خ تازہ ص  
 و غن و سر که مایه نیک تنبیه السین المهمله طرح جوا نس یونانی بفتح اول و ثانی  
 و سکون نون و ضم جیم و سکون واو با سیم و الف و کسر نون ثانی ف پر سیا و شان  
 تنبیه الشین المعجمه طرا غور یغایش یونانی بفتح اول و ثانی و الف و ضم غین معجمه  
 و سکون واو و کسر راهمه و سکون تحتانی با غین معجمه ثانی و الف ثانی و کسر ثانی ثانی  
 ف یودنه کو بی تنبیه القاف طرح شقوق بفتح اول و سکون ثانی و فتح خا معجمه و  
 سکون سین معجمه و ضم قاف اول و سکون واو ف کاسنی بری طاب سی ق  
 مفتوح ش کث مثقال ص کجایی ل مزا و تنبیه النون طر حاطیقون یونانی  
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح حا و مهله یا خا معجمه با سیم و الف و کسر طرا مهله ثانی و سکون تحتانی  
 و ضم قاف و سکون واو و نون ف نوعی از سر سه یا دارومی چشم طرخون ۶ بفتح اول  
 و سکون ثانی و ضم خا معجمه سکون واو م طرخونی ف عا قرق حارستانی طحی ۲ ق مخدر  
 نه تازہستانی ص کرفس ل در تحه یغم خل طریون رومی بفتح اول و سکون ثانی  
 و کسر وال مهله و سکون تحتانی و ضم لام و سکون واو م سیالیوس طرحین بفتح اول  
 و ثانی و سکون نون و ضم جیم و کسر مو حده و سکون تحتانی ف تراکسین طر قون یونانی  
 و ضم اول و ثانی و سکون واو و ضم هر و قاف و سکون هر و واو م زعر و طوقون  
 یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و ضم قاف و سکون واو ثانی و فستان افرا  
 طریغان یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی با غین معجمه و الف ف تخم مصفری  
 بشیرازی اگر زیو نید طریغان بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح فا و ضم و فتح  
 لام ف اهم مشترک است بر چند قوی و بر نبات حصه الثعلب ه سنس کو می ج می  
 طریقون یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو ف بوتیا

و سکون واو ف مایه در یائے تنبیه الحاء المعجمه طرح بفتح اول و کسر ثانی و سکون  
 تحتانی و خا معجمه نوعی از یائے کو چاک م شاه یائے طحی ق مقطع خ تازہ ص  
 و غن و سر که مایه نیک تنبیه السین المهمله طرح جوا نس یونانی بفتح اول و ثانی  
 و سکون نون و ضم جیم و سکون واو با سیم و الف و کسر نون ثانی ف پر سیا و شان  
 تنبیه الشین المعجمه طرا غور یغایش یونانی بفتح اول و ثانی و الف و ضم غین معجمه  
 و سکون واو و کسر راهمه و سکون تحتانی با غین معجمه ثانی و الف ثانی و کسر ثانی ثانی  
 ف یودنه کو بی تنبیه القاف طرح شقوق بفتح اول و سکون ثانی و فتح خا معجمه و  
 سکون سین معجمه و ضم قاف اول و سکون واو ف کاسنی بری طاب سی ق  
 مفتوح ش کث مثقال ص کجایی ل مزا و تنبیه النون طر حاطیقون یونانی  
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح حا و مهله یا خا معجمه با سیم و الف و کسر طرا مهله ثانی و سکون تحتانی  
 و ضم قاف و سکون واو و نون ف نوعی از سر سه یا دارومی چشم طرخون ۶ بفتح اول  
 و سکون ثانی و ضم خا معجمه سکون واو م طرخونی ف عا قرق حارستانی طحی ۲ ق مخدر  
 نه تازہستانی ص کرفس ل در تحه یغم خل طریون رومی بفتح اول و سکون ثانی  
 و کسر وال مهله و سکون تحتانی و ضم لام و سکون واو م سیالیوس طرحین بفتح اول  
 و ثانی و سکون نون و ضم جیم و کسر مو حده و سکون تحتانی ف تراکسین طر قون یونانی  
 و ضم اول و ثانی و سکون واو و ضم هر و قاف و سکون هر و واو م زعر و طوقون  
 یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و ضم قاف و سکون واو ثانی و فستان افرا  
 طریغان یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی با غین معجمه و الف ف تخم مصفری  
 بشیرازی اگر زیو نید طریغان بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح فا و ضم و فتح  
 لام ف اهم مشترک است بر چند قوی و بر نبات حصه الثعلب ه سنس کو می ج می  
 طریقون یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو ف بوتیا

تتميق الهاء بفتح اول وسكون ثاني وكسر موحده وسكون تخماني وفتح لام و  
خفاء و بام طرطن بنسب الفاء وتميق اللام طفشيل م بكر اول وسكون فاء وكسر شين  
معجمه وسكون تخماني ف عددس مقشركه باسمه كنجته باشند تنسيق اللام وتميق الالف  
طلام بكر اول بالام والفاء ف خم كمن وتيزمعه زرو دارو كى كه باب ريق ساخته  
مانند طلاء بفتح اول وكسر لام وسكون تخماني باسين مطة والفاء ف نوعى از صد  
كوكب تتميق الحاء المهملة طلع بفتح اول وسكون ثلثه م موزه كيد تتميق  
العين المهملة طلع بفتح اول وسكون ثاني ف اول ميوه خراما كه سهارا گویند  
طاب اى ۲ ق مجفف مسك ص تمر وعسل ل كشرى تتميق القاف طلق بفتح  
اول وسكون ثاني م كوكب الارض ه اهرک و بهو دل طاب اى ۲ ق قابض خ ياك  
نيك براق ص رغن و آب گرم ل طين قيموليا تنسيق الميم وتميق الالف طمره  
روى بفتح اول وسكون ميم باراء ملة والفاء ف بيدانجیر تتميق الميم طمطم بكر  
هر و طاء ملة وسكون هر و ميم م سماق هنن تركيك تنسيق و تتميق الموحدا  
طوبع بضم اول وسكون واو بفتح اهل مصر خشت نخسته تتميق الطاء المهملة  
طوطع بضم اول وسكون ثانی و طاء مهملة ثانی ف ثنية تتميق النون طوطاق اغويون  
يونانی بضم اول وسكون ثانی با طاء مهملة ثانی والفاء ف قاف و فتح همزه وسكون  
غين معجمه كسر اء مهملة و ضم تخماني وسكون واو ثانی م سلق جبلى م طليو طوليون  
روى بضم اول وسكون ثانی وكسر لام وسكون تخماني و ضم وال مهملة وسكون  
واو ثانی م غيب الثعلب تتميق الهاء طهارة يونانى بفتح اول و ثانی والفاء ف فتح  
راء مهملة و خفاء و فاء ف ش ه بس تنسيق الهاء و تتميق الفاء طه ف بفتح اول  
وسكون واو فاء ف رت يا طعانى است كه از رت سازند تنسيق الياء و التخماني  
و تتميق الالف طليو يونانى بفتح اول با تخماني والفاء ف نوشادر طين قيموليا بكر





طیلانیون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و فتح فا و ضم تحتانی  
 ثانی و سکون و او ف نوعی از حی العالم طین ع بکسر اول و سکون ثانی ف گل هم  
 متشکل ط مجموع کلاب سی و محفف ش یک در م ص میند بال از بعضی بعضی  
 تنسيق التحتانی ط یقه روے بکسر اول و سکون تحتانی و کسر قاف و سکون تحتانی  
 ثانی م و او طین ار منی بفتح همزه و سکون را و ممله و فتح میم و کسر نون  
 ثانی ف گل ار منی گلی ست تیره رنگ طب سی خ و ر مے که بی رمل و بعد از  
 سخن چون بر زبان نهد بحسب ص کلاب ل طین لاک طین فارسی بفا و الف  
 و سکون را و کسر سین ممله ف گل سر شوی طب سی خ مائل بسرخ ش و شقال  
 طین قبری بضم قاف و سکون موحده و فتح را و ممله و کسر سین ممله گلی ست  
 سرخ گلگون که چون در دست بالند سرخ او در دست بماند و چون بشکند  
 در اندرون و س رگما دزد بود چون بر زبان نهد بغایت بحسب ل طین  
 مختوم طین نیشاپوری بکسر نون و سکون تحتانی باشین معجمه و الف و ضم  
 موحده و سکون و او و کسر را و ممله گل ماکول و گل خراسانی و آن را خام و بران  
 کرده بخورند و بدان تنقل نمایند ش یک در م تا و و شقال ترقیم الطاء المعجمة  
 و تنسيق الباء الموحده و تنسيق التحتانی ط یقه بفتح اول و سکون  
 موحده و تحتانی مجهول ف ابو ه هرن و مرگ تنسيق الفاء و تنسيق الالف ظفر  
 بفتح طار معجمه و سکون فا بار و ممله و الف ف بودنه برسی تنسيق الخاء المعجمة  
 ظفيرة العجوز بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح را و ممله و ضم  
 فوقانی و سکون لام و فتح عین ممله و ضم حیم و سکون و او ف خار خسک  
 تنسيق الراء ظفيرة بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح را و ممله و خفاء با  
 ف بودنه برسی تنسيق اللام و تنسيق الفاء ظلف ع بکسر اول و سکون لام

طین لاک طین فارسی بفا و الف  
 و سکون را و کسر سین ممله ف گل سر شوی طب سی خ مائل بسرخ ش و شقال  
 طین قبری بضم قاف و سکون موحده و فتح را و ممله و کسر سین ممله گلی ست  
 سرخ گلگون که چون در دست بالند سرخ او در دست بماند و چون بشکند  
 در اندرون و س رگما دزد بود چون بر زبان نهد بغایت بحسب ل طین  
 مختوم طین نیشاپوری بکسر نون و سکون تحتانی باشین معجمه و الف و ضم  
 موحده و سکون و او و کسر را و ممله گل ماکول و گل خراسانی و آن را خام و بران  
 کرده بخورند و بدان تنقل نمایند ش یک در م تا و و شقال ترقیم الطاء المعجمة  
 و تنسيق الباء الموحده و تنسيق التحتانی ط یقه بفتح اول و سکون  
 موحده و تحتانی مجهول ف ابو ه هرن و مرگ تنسيق الفاء و تنسيق الالف ظفر  
 بفتح طار معجمه و سکون فا بار و ممله و الف ف بودنه برسی تنسيق الخاء المعجمة  
 ظفيرة العجوز بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح را و ممله و ضم  
 فوقانی و سکون لام و فتح عین ممله و ضم حیم و سکون و او ف خار خسک  
 تنسيق الراء ظفيرة بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح را و ممله و خفاء با  
 ف بودنه برسی تنسيق اللام و تنسيق الفاء ظلف ع بکسر اول و سکون لام

طین لاک طین فارسی بفا و الف  
 و سکون را و کسر سین ممله ف گل سر شوی طب سی خ مائل بسرخ ش و شقال  
 طین قبری بضم قاف و سکون موحده و فتح را و ممله و کسر سین ممله گلی ست  
 سرخ گلگون که چون در دست بالند سرخ او در دست بماند و چون بشکند  
 در اندرون و س رگما دزد بود چون بر زبان نهد بغایت بحسب ل طین  
 مختوم طین نیشاپوری بکسر نون و سکون تحتانی باشین معجمه و الف و ضم  
 موحده و سکون و او و کسر را و ممله گل ماکول و گل خراسانی و آن را خام و بران  
 کرده بخورند و بدان تنقل نمایند ش یک در م تا و و شقال ترقیم الطاء المعجمة  
 و تنسيق الباء الموحده و تنسيق التحتانی ط یقه بفتح اول و سکون  
 موحده و تحتانی مجهول ف ابو ه هرن و مرگ تنسيق الفاء و تنسيق الالف ظفر  
 بفتح طار معجمه و سکون فا بار و ممله و الف ف بودنه برسی تنسيق الخاء المعجمة  
 ظفيرة العجوز بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح را و ممله و ضم  
 فوقانی و سکون لام و فتح عین ممله و ضم حیم و سکون و او ف خار خسک  
 تنسيق الراء ظفيرة بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح را و ممله و خفاء با  
 ف بودنه برسی تنسيق اللام و تنسيق الفاء ظلف ع بکسر اول و سکون لام

وفات سم هـ کم ط ب ی س ق یح ف خ تحت ص ز بدل شخ تنسيق المیم ظلم یفتح  
 اول و کسر ثانی و سکون تحتانی هم ذکر نعام تنسيق الیاء التختانی و تمیق النون  
 طیان ع یفتح اول و تحتانی و الف و نون ف یا سمن بری که گل کو چاک دارد  
 هـ جالی جوئے ط ح ی س ق یح ق کا و س ص ر غ ن گل ل و فلی و عنصل  
 ترقیم العین المهملة و تنسيق و تنسيق الالف عاقر شمعاً بعین ممله و  
 الف و کسر قاف و سکون را و ممله و فتح شین معجمه و سکون میم باعین ممله  
 ثانی و الف م شذکار عاقر قرحا یفتح هر دو قاف و سکون هر دو را و ممله با حار  
 ممله اگر کر با ط ح ی س ق یح کلل جاذب ملطف خ تیز محرق گزنده زبان فربه  
 غلیظ و بعد از تسکین و رویش سفید باشدش دو واگت گویند و درم تا  
 س درم ص مویج یارب السوس ل در غره فونج و درم ضمار معده  
 راسن یا دار فضل و غسل و گویند شیطرج تنسيق الحیو عاقر هـ سکون جیم ف  
 دندان قیل هـ با تهمی و انت ط ب ی ق یح ف خ سفید پاک ش نیم درم  
 از شاره او ص رب الصنوبر ل شخ بز تنسيق اللام عا قول بضم قاف  
 و سکون و ا و لام ف درخت ساج هـ سال تنسيق و تنسيق الباء الموحدة  
 عجب یفتح اول و موحده و سکون موحده ثانی ف کچو موعب یفتح و سکون  
 ثانی و فتح عین ممله ثانی م ثمر کالنج ف کچو یفتح الراء المهملة عبه یفتح  
 اول و سکون ثانی و فتح با و سکون را و ممله ف زکس عبه یفتح اول و کسر ثانی  
 و سکون تحتانی م زعفران تنسيق الطاء المهملة عبطم یفتح اول و کسر ثانی  
 و سکون تحتانی و طاء ممله ف پسته تنسيق الساء الفوقانی و تنسيق المیم هم  
 بضم اول و سکون فوقانی و میم ف زیتون کو به ط ح ی ا تنسيق الحیم  
 و تنسيق الموحدة عجب یفتح اول و سکون جیم حباب النیل عجم الزبید عبه یفتح

و کسر ثانی و سکون تحتانی هم ذکر نعام تنسيق الیاء التختانی و تمیق النون  
 طیان ع یفتح اول و تحتانی و الف و نون ف یا سمن بری که گل کو چاک دارد  
 هـ جالی جوئے ط ح ی س ق یح ق کا و س ص ر غ ن گل ل و فلی و عنصل  
 ترقیم العین المهملة و تنسيق و تنسيق الالف عاقر شمعاً بعین ممله و  
 الف و کسر قاف و سکون را و ممله و فتح شین معجمه و سکون میم باعین ممله  
 ثانی و الف م شذکار عاقر قرحا یفتح هر دو قاف و سکون هر دو را و ممله با حار  
 ممله اگر کر با ط ح ی س ق یح کلل جاذب ملطف خ تیز محرق گزنده زبان فربه  
 غلیظ و بعد از تسکین و رویش سفید باشدش دو واگت گویند و درم تا  
 س درم ص مویج یارب السوس ل در غره فونج و درم ضمار معده  
 راسن یا دار فضل و غسل و گویند شیطرج تنسيق الحیو عاقر هـ سکون جیم ف  
 دندان قیل هـ با تهمی و انت ط ب ی ق یح ف خ سفید پاک ش نیم درم  
 از شاره او ص رب الصنوبر ل شخ بز تنسيق اللام عا قول بضم قاف  
 و سکون و ا و لام ف درخت ساج هـ سال تنسيق و تنسيق الباء الموحدة  
 عجب یفتح اول و موحده و سکون موحده ثانی ف کچو موعب یفتح و سکون  
 ثانی و فتح عین ممله ثانی م ثمر کالنج ف کچو یفتح الراء المهملة عبه یفتح  
 اول و سکون ثانی و فتح با و سکون را و ممله ف زکس عبه یفتح اول و کسر ثانی  
 و سکون تحتانی م زعفران تنسيق الطاء المهملة عبطم یفتح اول و کسر ثانی  
 و سکون تحتانی و طاء ممله ف پسته تنسيق الساء الفوقانی و تنسيق المیم هم  
 بضم اول و سکون فوقانی و میم ف زیتون کو به ط ح ی ا تنسيق الحیم  
 و تنسيق الموحدة عجب یفتح اول و سکون جیم حباب النیل عجم الزبید عبه یفتح

و کسر ثانی و سکون تحتانی هم ذکر نعام تنسيق الیاء التختانی و تمیق النون  
 طیان ع یفتح اول و تحتانی و الف و نون ف یا سمن بری که گل کو چاک دارد  
 هـ جالی جوئے ط ح ی س ق یح ق کا و س ص ر غ ن گل ل و فلی و عنصل  
 ترقیم العین المهملة و تنسيق و تنسيق الالف عاقر شمعاً بعین ممله و  
 الف و کسر قاف و سکون را و ممله و فتح شین معجمه و سکون میم باعین ممله  
 ثانی و الف م شذکار عاقر قرحا یفتح هر دو قاف و سکون هر دو را و ممله با حار  
 ممله اگر کر با ط ح ی س ق یح کلل جاذب ملطف خ تیز محرق گزنده زبان فربه  
 غلیظ و بعد از تسکین و رویش سفید باشدش دو واگت گویند و درم تا  
 س درم ص مویج یارب السوس ل در غره فونج و درم ضمار معده  
 راسن یا دار فضل و غسل و گویند شیطرج تنسيق الحیو عاقر هـ سکون جیم ف  
 دندان قیل هـ با تهمی و انت ط ب ی ق یح ف خ سفید پاک ش نیم درم  
 از شاره او ص رب الصنوبر ل شخ بز تنسيق اللام عا قول بضم قاف  
 و سکون و ا و لام ف درخت ساج هـ سال تنسيق و تنسيق الباء الموحدة  
 عجب یفتح اول و موحده و سکون موحده ثانی ف کچو موعب یفتح و سکون  
 ثانی و فتح عین ممله ثانی م ثمر کالنج ف کچو یفتح الراء المهملة عبه یفتح  
 اول و سکون ثانی و فتح با و سکون را و ممله ف زکس عبه یفتح اول و کسر ثانی  
 و سکون تحتانی م زعفران تنسيق الطاء المهملة عبطم یفتح اول و کسر ثانی  
 و سکون تحتانی و طاء ممله ف پسته تنسيق الساء الفوقانی و تنسيق المیم هم  
 بضم اول و سکون فوقانی و میم ف زیتون کو به ط ح ی ا تنسيق الحیم  
 و تنسيق الموحدة عجب یفتح اول و سکون جیم حباب النیل عجم الزبید عبه یفتح

اول و ثانی و ضم میم و فتح ز او عجمه مشدده و کسر موحده اول و سکون تحتانی م  
 اء مؤنزه و کلمه کے کج طرب می ۲ تنبیق الدال المهملة عجله و عجله به فتح  
 اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون دال مملو در لغت اول و ضم اول و سکون  
 ثانی و فتح لام در لغت ثانی و شیر خجرات شده تنبیق الدال المهملة و تنبیق  
 الالف عدس رائی بفتح اول و ثانی و سکون را و مملو بالون و الف م کند ش  
 س المایع بفتح اول و ثانی و ضم سین مملو و سکون لام با سیم هالف محدود و  
 سبب است اندر آنکه عدس که بر روی آب مثل رنگ پیدا می شود و تنبیق الراء  
 المهملة عدس م بفتح اول و ثانی و کسر سین مملو و ضم میم و سکون را و مملو  
 شنگ تلخ میم وزن دانه غنظل و دو وزن عدس یا فونج جوی تنبیق السین  
 المهملة عدس م بفتح اول و ثانی و سکون سین مملو بنو سرج ه سوسط مع  
 ح بی ۲ پوست او ۱۷ و مقشر گویند ای ۳ ق تا بض افخخ خم سپید بین که  
 و در نخته شود و در آب سیاه نشو و ص را زیاده و معتدل ماش یا با قلی تنبیق  
 الدال المعجمة و تنبیق الهاء عدس م بفتح اول و سکون ذال معجمه و فتح موحده و  
 افخخ لام جزایج و ثمره الطرافه چولی مین تنبیق الراء المهملة و تنبیق  
 الالف عطشیا بفتح اول و سکون را و مملو و فتح طاء مملو و کسر نون و سکون  
 تحتانی با شانه و الف و جوب انسان ل زراوند طویل یا فونج یا وانه اترج عرق  
 حرام بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر یات و ضم حاء مملو و سکون میم بارار  
 مملو ثانی م فوه در و ناس ه مجیبه تنین العجله ع طرب بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح طاء مملو و سکون موحده م خشک تنبیق الراء المهملة عار م به فتح  
 اول و ثانی و الف و را و مملو ثانی م بابونه عرق بفتح هر و عین مملو و سکون  
 هر و را و مملو سر و کوبی و درخت دهل طح ۳۷ می اق ملطف خم سرج

کوار و اجرام  
نویسندگان  
آب نم کرده گلواناید  
حقنه دارد در مضمون  
استعمال کردن  
خفتاب جوهر مسکه  
دوز و سواد بربط  
یا ششین دوز  
۲۳۲  
در کتب استنباط  
دور و باستان  
سدن دندان  
ایستادن بر این نقطه  
خطوط منقطع  
و کتابت نسخ  
در اینجا

[illegible]



ش نیم شقال ص بلوط وجوز الس وعرق الكافور ع كبس اول وسكون ثانی وضم  
قاف وسكون لام باکاف والفت وضم فاد وسكون واو ف ز زنا و عروق الشجر  
بضم اول و ثانی وسكون واو وضم قاف وفتح شین معجونه شده و جیم م کند  
و گویند عرق الصباغین عروق الصفرة بضم اول و ثانی وسكون واو وضم  
قاف و کسر صاد مهملة شده وسكون فاد و انواع ست بزرگ او زر و چوبه و  
خورد و می مایر آن ف و از زر و زر و چوبه هر یک طحی گویند عرق محلول مطه  
در تخ سخت شکنده ش نیر ص ص قرص کافور ل نیم وزن مایر آن یا نیم وزن  
عاقه قر حاتنیق السین المهملة عرق یا بس ع کبس اول وسكون ثانی و کسر قاف  
با تخ ثانی والفت و کسر مو حده وسكون سین مهملة زکبار می تنیق الضاد المعجمة  
عروض ع بفتح اول وسكون ثانی وفتح میم زنگ و بنبری که بر آب بهر سه  
عروق ابيض ع بضم اول وسكون ثانی و او و کسر قاف وفتح همزه وسكون  
مو حده وفتح تخ ثانی م بوزید آن تنیق الفاء صفت بفتح اول وسكون  
ثانی وفتح صاد مهملة وسكون فام کما فی طوس ف ماش وار و عرق نجده  
بضم اول و ثانی ع صفت فی عروق الاصد ع بضم اول و ثانی وسكون  
واو وضم قاف وسكون لام و مد همزه وفتح صاد مهملة پوست بچ کنیر ط  
حی خ بارک ش نیم شقال ص عمل ل و راو و یه سپر چا و آگ وزن  
آن حلتیت یا سنگین تنیق القاف عروق بضم اول و ثانی وسكون  
واو ف بنها تنیق الکاف ع و سک ع بضم اول و ثانی وسكون واو وفتح  
سین مهملة هر کرم بر بولی تنیق المیم ع بضم اول و ثانی وسكون ثانی و  
کسر صاد مهملة باو نجان عروق و ابرم بال نمله والفت وسكون را و هما  
و کسر واو وفتح را و مهملة ثانی ف بنج ماک عوم بضم اول و ثانی وسكون ثانی

۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱  
 ۴۷۲  
 ۴۷۳  
 ۴۷۴  
 ۴۷۵  
 ۴۷۶  
 ۴۷۷  
 ۴۷۸  
 ۴۷۹  
 ۴۸۰  
 ۴۸۱  
 ۴۸۲  
 ۴۸۳  
 ۴۸۴  
 ۴۸۵  
 ۴۸۶  
 ۴۸۷  
 ۴۸۸  
 ۴۸۹  
 ۴۹۰  
 ۴۹۱  
 ۴۹۲  
 ۴۹۳  
 ۴۹۴  
 ۴۹۵  
 ۴۹۶  
 ۴۹۷  
 ۴۹۸  
 ۴۹۹  
 ۵۰۰  
 ۵۰۱  
 ۵۰۲  
 ۵۰۳

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين

وتمت بحمد الله تعالى

عسل لبنج بفتح لام ثانی وموحده وکسر نون م میعه ساء لاتسید الشبذ المعجمه  
 وتنمیق الاء المهملة عشر بضم اول وسکون شین معجمه ورا ومله ازیو عاست  
 ه درخت الکله طحی ۲ فی محرق ش از شکر او و دو درم ص شستن در آب سرد  
 ل شبرم تنمیق القاف عشر ق کسر اول و ثانی وسکون را ومله مروه سنگ  
 تنمیق الهاء عشقه کسر اول و ثانی وفتح قاف ف نوعی از لبلاب تنمیق الصاد  
 المهملة وتنمیق الالف عصارة مامیثاء بضم اول باصا ومله والف وفتح  
 را ومله و همزه ملینه بابا میم والف وکسر میم ثانی وسکون تحمائی با مثلثة والف  
 ثالث م سیاق مامیثا طبی اخ زرد سبک ل حضض یا پوش در سبک  
 تنمیق الموحده لا عصاب بضم اول با ثانی والف وموحده م شیطر عصب  
 ع بفتح اول و ثانی ف پی ه نس تنمیق الفوقانی عصارة غاف بضم اول  
 با ثانی والف وفتح را ومله و همزه ملینه بابا عین معجمه والف وسکون فا و فو ق  
 ف فشرده غاف تنمیق المثلثة عصارة طر اثیث بهمه ملینه با وفتح ط و  
 مهملة ورا ومله والف وکسر مثلثة وسکون تحمائی و مثلثة ثانی ف فشرده لایلی  
 عصارة قرط تنمیق الحیم عصارة البنج بضم فوقانی وسکون لام وفتح با و موحده  
 وسکون نون ف افشرده بزر البنج عصارة عوج تنمیق الدال المهملة عصا  
 خشخاش اسود و همزه ملینه با وفتح هر و و خا و معجمه وسکون شین معجمه اول و کثانی  
 وفتح همزه وسکون سین مهملة وفتح وا و با و ال مهملة افیون تنمیق الاء المهملة  
 حصفر بفتح اول وسکون ثانی وفتح قا وسکون را ومله ف خس و خشک طح  
 ی ۲ فی مجلک ۲ سرخ نوص روغن نفش ل زهره الملع یا آرو سفر حل عصفر  
 ع بضم اول وسکون ثانی وضم فا وسکون و او ف کنجشک ه خانگی چرک و  
 بکیری طح ی ۲ فی فرب صیدک تنمیق الاء المعجمه عصارة شجرة الجوز

وتمت بحمد الله تعالى  
 وکسر نون م میعه ساء لاتسید الشبذ المعجمه  
 ورا ومله ازیو عاست  
 درخت الکله طحی ۲ فی محرق ش از شکر او و دو درم ص شستن در آب سرد  
 شبرم تنمیق القاف عشر ق کسر اول و ثانی وسکون را ومله مروه سنگ  
 الهاء عشقه کسر اول و ثانی وفتح قاف ف نوعی از لبلاب تنمیق الصاد  
 الالف عصارة مامیثاء بضم اول باصا ومله والف وفتح  
 و همزه ملینه بابا میم والف وکسر میم ثانی وسکون تحمائی با مثلثة والف  
 سیاق مامیثا طبی اخ زرد سبک ل حضض یا پوش در سبک  
 الموحده لا عصاب بضم اول با ثانی والف وموحده م شیطر عصب  
 اول و ثانی ف پی ه نس تنمیق الفوقانی عصارة غاف بضم اول  
 والف وفتح را ومله و همزه ملینه بابا عین معجمه والف وسکون فا و فو ق  
 غاف تنمیق المثلثة عصارة طر اثیث بهمه ملینه با وفتح ط و  
 ورا ومله والف وکسر مثلثة وسکون تحمائی و مثلثة ثانی ف فشرده لایلی  
 قرط تنمیق الحیم عصارة البنج بضم فوقانی وسکون لام وفتح با و موحده  
 نون ف افشرده بزر البنج عصارة عوج تنمیق الدال المهملة عصا  
 خشخاش اسود و همزه ملینه با وفتح هر و و خا و معجمه وسکون شین معجمه اول و کثانی  
 وسکون سین مهملة وفتح وا و با و ال مهملة افیون تنمیق الاء المهملة  
 بفتح اول وسکون ثانی وفتح قا وسکون را ومله ف خس و خشک طح  
 مجلک ۲ سرخ نوص روغن نفش ل زهره الملع یا آرو سفر حل عصفر  
 اول وسکون ثانی وضم فا وسکون و او ف کنجشک ه خانگی چرک و  
 فی فرب صیدک تنمیق الاء المعجمه عصارة شجرة الجوز

وتمت بحمد الله تعالى

افشده و بخت گردگان ل مرزنجوش تنسيق السنين المهملة عصارة السوس  
 بضم فوقاني وسين مهله مشدود وسكون واو وسين مهله ثانی م رب السوس  
 ف بشیر از آب خشک شده نمک طبع ۶ در عصارة انبر باریس بفتح همزه  
 وسكون نون وفتح موحده وسكون راو مهله و موحده بالف وکسر راو مهله ثانی  
 وسكون تحتانی ف افشده زرشک ل ووزن آن زرشک تنقیه عصارة  
 حبة التيس كسر لام وسكون حاء مهله وفتح تحتانی وضم فوقانی وفتح فوقانی  
 مشدو ثانی وسكون تحتانی ثانی ف افشده و درخت سرس خ تازهل افاقیا  
 تنسيق الظاء المعجمة عصارة القراط بسكون لام وکسر قاف وسكون راو مهله  
 م افاقیا تنسيق اللام عصارة المثل بسكون لام وکسر سیم وسكون ثلثة ولام  
 ثانی م رب السوس تنسيق النون عصارة افستين بفتح همزه وسكون فاو مشد  
 سین مهله وسكون نون وکسر فوقانی وسكون تحتانی ونون ثانی ف افشده  
 افستين م ريوندل سه وزن آن از ورق آن عصارة شقائق النعمان بفتح  
 شين بضم و قاف بالف وکسر تحتانی وضم قاف ثانی وفتح نون مشدود وسكون  
 عين مهله باسيم والف ثانی ف افشده لال عصارة بخور مریم تنسيق الها  
 عصبه بضم وفتح اول وسكون ثانی وفتح موحده وخفاء هام ریحان سليمان  
 گویند لبلاب عصفیه بفتح اول وسكون ثانی وکسر فاو وسكون تحتانی وفتح  
 راو مهله خیری زرد تنسيق التحتانی عصبه الراس ع بفتح اول و ثانی والف  
 قصوره وراو مهله مشدود والف وکسر عين مهله کتبه لال ساگ طب  
 می گویند سرخ بسنایی سرخ مائل بسياهی م صندل ل غلب الثعلب تنسيق  
 الصناد المعجمة وتنسيق الفوقانی عصاة کسر اول وضاد معجمه والف وفوقانی

۲۳۲  
 معصی بر اقل و  
 عیالی و فرزندان  
 است بخت اقل  
 از ساد بوزن  
 منزل او تیره  
 شیک بعضی  
 بخت شغال  
 نصیب





قاف و ف فافجه هو کا طحی اعقیق ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تخانی  
 ف سنگ مشهور ط ب می اق مجفف خ می نے بسیار سوخ شفاف ش نید هم ص  
 تخم که دل که با تنیق المی ع قار آدم بضم اول با ثانی و کسر را و ممل و مد ممل و  
 و فتح و ال ممل م غا ث تنیق النون ع قار کو بان رو می بضم اول با ثانی و  
 الف و کسر را و ممل و ضم کاف و واد و مجهول با و الف ثانی م عا ق و ر عا ق بران  
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و ممل و موحده و الف م اسقو لو قن در یون  
 ف سنگ و ا ر و تنیق التجتانی ع ق ر بجر می بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
 را و ممل و کسر موحده اول و فتح موحده ثانی و سکون ط و ممل و کسر را و ممل  
 ثانی ف گزوم دریائے و آن مایه است که بر سر وے خارے بود که بدان  
 نے زند و بگز و ده سینگی مچله تنیق الکاف و تنیق الموحده عکوب ع بفتح  
 اول و ضم کاف و سکون و او م کنکر تنیق الفوقانی عکازیت ع بفتح اول و ما  
 و ضم را و ممل و فتح زا و معجمه مشدده و سکون تجتانی ف و روی زیت خ کهن  
 تنیق الراء المهملة عکبر بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده ف مویا  
 نخل بشیر ازی بر مر و گویند و سخ الکور همین است ش یک شقال تا و شقال  
 تنیق السین المهملة عکس ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و ممل و ارنب  
 تنیق الکاف عکک ع بفتح اول و ثانی و سکون کاف ثانی م سب  
 تنیق الهاء عکنه بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و فغا و هم سور سجان  
 تنیق اللام و تنیق الموحده علیق الکلب ع بضم اول و فتح لام و سکون تخانی  
 و ضم قاف و سکون لام ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث و فتح کل  
 هم عصاره و س که در آفتاب خشک کنندل شو که المصریه تنیق المثلث  
 علت بکسر اول و سکون ثانی و ف کاسه سے تنیق السین المهملة علیک بکسر

[illegible]

# تتمیم التتمیم

بکسر اول و سکون ثانی و کسر کان باحتیانی و الف و کسر موحده م فلفونیا  
 ست و آن نوعی از آتیج است و زنگباری علفوس بفتح اول و ضم ثانی  
 و سکون و او و کسر فاع خبازے ه جز تنمیق الطاء المهملة علفک الانباطع  
 بکسر اول و سکون ثانی و ضم کان و سکون لام و فتح همزه و سکون نون و  
 فتح موحده و الف و ضم بطم بضم همزه و رخت خنجک طحی اگویند ب ا ق  
 منضج محلل خ زر و معتدل القوام بقدر بلع مضمضه باب بلنج مور و ل  
 تنمیق القاف علف و بفتح اول و ثانی و سکون قاف و نالو طب ر ق جاز  
 خون خ انچه در آب شیرین میباشد و پاشیدن خاکستر بر آن عضول خراطین  
 علفق بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی و در دقت سه گل طب م  
 ق قابض خ تر و تازه می آید بچ او و در م ص د بچ ماک ل شکوفه اما تنمیق  
 الکاف علفک بکسر اول و سکون ثانی و هر صغی که توان خاسید تنمیق المیم  
 علفقم بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون میم و خطیل و گویند قمار احما  
 و هر چه بلنج بود آن را علفمه خوانند علفک البطم بکسر اول و سکون ثانی و ضم  
 کان و سکون لام ثانی و ضم موحده و سکون طاء معلوم سقر تنمیق التحتانی  
 علفس بفتح اول و ثانی و کسر سین معلوم صبر تر علفک بغدادی بفتح موحده  
 و سکون غین محجه با و ال معلوم و الف و کسر و ال معلوم ثانی و ضم صغی  
 ا ل بند و سه تنمیق المیم و تنمیق الحیم علفج بفتح اول و سکون میم و فتح لام  
 و سکون جیم و نوعی از خریزه که گوشت او سرخ و سبز و راهمچنان با تخم  
 خورندم خریزه رستانی تنمیق الال المهملة علف و بفتح اول و سکون میم و  
 فتح زاء معجرب کفر تنمیق الال المهملة علف بفتح اول و ثانی و مشد و الف  
 ف مور و تنمیق النون و تنمیق الالف علف بفتح اول و سکون ثانی با قاف

تتمیم التتمیم  
 کتاب در بیان  
 قواعد و قوانین  
 الف و کسر  
 کان و سکون  
 لام و فتح  
 همزه و سکون  
 نون و فتح  
 موحده و الف  
 و ضم  
 بطم بضم  
 همزه و رخت  
 خنجک طحی  
 اگویند ب ا ق  
 منضج محلل  
 خ زر و معتدل  
 القوام بقدر  
 بلع مضمضه  
 باب بلنج  
 مور و ل  
 تنمیق القاف  
 علف و بفتح  
 اول و ثانی  
 و سکون قاف  
 و نالو طب  
 ر ق جاز  
 خون خ انچه  
 در آب شیرین  
 میباشد و  
 پاشیدن خاکستر  
 بر آن عضول  
 خراطین  
 علفق بضم  
 اول و فتح  
 ثانی و سکون  
 تحتانی و در  
 دقت سه گل  
 طب م  
 ق قابض خ  
 تر و تازه می  
 آید بچ او و در  
 م ص د بچ  
 ماک ل شکوفه  
 اما تنمیق  
 الکاف علفک  
 بکسر اول و  
 سکون ثانی و  
 هر صغی که  
 توان خاسید  
 تنمیق المیم  
 علفقم بفتح  
 اول و سکون  
 ثانی و فتح  
 قاف و سکون  
 میم و خطیل  
 و گویند  
 قمار احما  
 و هر چه  
 بلنج بود آن  
 را علفمه  
 خوانند  
 علفک  
 البطم  
 بکسر اول  
 و سکون  
 ثانی و ضم  
 کان و سکون  
 لام ثانی و  
 ضم موحده  
 و سکون طاء  
 معلوم  
 سقر  
 تنمیق  
 التحتانی  
 علفس  
 بفتح اول  
 و ثانی و  
 کسر سین  
 معلوم  
 صبر تر  
 علفک  
 بغدادی  
 بفتح موحده  
 و سکون  
 غین  
 محجه  
 با و ال  
 معلوم  
 و الف و  
 کسر و ال  
 معلوم  
 ثانی و  
 ضم  
 صغی  
 ا ل  
 بند و  
 سه  
 تنمیق  
 المیم  
 و تنمیق  
 الحیم  
 علفج  
 بفتح اول  
 و سکون  
 میم و  
 فتح لام  
 و سکون  
 جیم و  
 نوعی از  
 خریزه  
 که گوشت  
 او سرخ و  
 سبز و  
 راهمچنان  
 با تخم  
 خورندم  
 خریزه  
 رستانی  
 تنمیق  
 الال  
 المهملة  
 علف و  
 بفتح اول  
 و سکون  
 میم و  
 فتح زاء  
 معجرب  
 کفر  
 تنمیق  
 الال  
 المهملة  
 علف بفتح  
 اول و ثانی  
 و مشد و  
 الف  
 ف مور و  
 تنمیق  
 النون و  
 تنمیق  
 الالف  
 علف بفتح  
 اول و سکون  
 ثانی با قاف

تتمیم التتمیم  
 کتاب در بیان  
 قواعد و قوانین  
 الف و کسر  
 کان و سکون  
 لام و فتح  
 همزه و سکون  
 نون و فتح  
 موحده و الف  
 و ضم  
 بطم بضم  
 همزه و رخت  
 خنجک طحی  
 اگویند ب ا ق  
 منضج محلل  
 خ زر و معتدل  
 القوام بقدر  
 بلع مضمضه  
 باب بلنج  
 مور و ل  
 تنمیق القاف  
 علف و بفتح  
 اول و ثانی  
 و سکون قاف  
 و نالو طب  
 ر ق جاز  
 خون خ انچه  
 در آب شیرین  
 میباشد و  
 پاشیدن خاکستر  
 بر آن عضول  
 خراطین  
 علفق بضم  
 اول و فتح  
 ثانی و سکون  
 تحتانی و در  
 دقت سه گل  
 طب م  
 ق قابض خ  
 تر و تازه می  
 آید بچ او و در  
 م ص د بچ  
 ماک ل شکوفه  
 اما تنمیق  
 الکاف علفک  
 بکسر اول و  
 سکون ثانی و  
 هر صغی که  
 توان خاسید  
 تنمیق المیم  
 علفقم بفتح  
 اول و سکون  
 ثانی و فتح  
 قاف و سکون  
 میم و خطیل  
 و گویند  
 قمار احما  
 و هر چه  
 بلنج بود آن  
 را علفمه  
 خوانند  
 علفک  
 البطم  
 بکسر اول  
 و سکون  
 ثانی و ضم  
 کان و سکون  
 لام ثانی و  
 ضم موحده  
 و سکون طاء  
 معلوم  
 سقر  
 تنمیق  
 التحتانی  
 علفس  
 بفتح اول  
 و ثانی و  
 کسر سین  
 معلوم  
 صبر تر  
 علفک  
 بغدادی  
 بفتح موحده  
 و سکون  
 غین  
 محجه  
 با و ال  
 معلوم  
 و الف و  
 کسر و ال  
 معلوم  
 ثانی و  
 ضم  
 صغی  
 ا ل  
 بند و  
 سه  
 تنمیق  
 المیم  
 و تنمیق  
 الحیم  
 علفج  
 بفتح اول  
 و سکون  
 میم و  
 فتح لام  
 و سکون  
 جیم و  
 نوعی از  
 خریزه  
 که گوشت  
 او سرخ و  
 سبز و  
 راهمچنان  
 با تخم  
 خورندم  
 خریزه  
 رستانی  
 تنمیق  
 الال  
 المهملة  
 علف و  
 بفتح اول  
 و سکون  
 میم و  
 فتح زاء  
 معجرب  
 کفر  
 تنمیق  
 الال  
 المهملة  
 علف بفتح  
 اول و ثانی  
 و مشد و  
 الف  
 ف مور و  
 تنمیق  
 النون و  
 تنمیق  
 الالف  
 علف بفتح  
 اول و سکون  
 ثانی با قاف

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱





مفتوح مد مقوی و مانع و دل خ مندی ش تیدیم تا یک نیم در مص ورق کل سرخ  
 ل و شکم بستن صندل زرد و در معاجین و دودانگ وزن آن داری صنی و دودانگ  
 وزن آن زعفران و دودانگ وزن آن زراوند مدحج و گویند مضطک و سنبل  
 تنسيق الها و تنسيق النون عین بکسر اول و سکون هاونون ف صوت و چشم  
 تنسيق الیاء التتخا و تنسيق الموحاة بحسب ع بفتح اول و سکون تخانی و ضم سین  
 مهمله و سکون واوم اذان الفار و بادشاه زنبور و غسل رانی سرنام خوانند  
 عین الدرب ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و رال مهمله مشدده چشم خرس  
 تنسيق الال المهملة عین المدحج سکون لام و ضم هر و و سکون هر و و رال  
 مهمله اسم نباتی ست با فزیتکه معروف است باذان الفار و ستن تنسيق  
 الواء المهملة عیون البقر ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم نون و سکون  
 لام و فتح موحده و قاف و سکون را و مهمله نز و اهل مغرب و اندلس ابا ص ست  
 و گویند المور سیاه کلان که صادق اخلاوت نیست تنسيق الطاء المهملة  
 هیدان البطباط بکسر اول و سکون ثانی و وائل و الف و ضم نون و سکون لام  
 و فتح موحده و سکون طاء و مهمله و سکون موحده ثانی و الف و طاء مهمله ثانی ساکن  
 ف خوب کسته تنسيق المیم صیام ع بفتح اول و سکون ثانی و مثلثه و الف و ف  
 و رخت چار تنسيق النون غیران یهوس بکسر اول و ثانی مجهول و زاز مجهله  
 را و مهمله و الف م قسمی از زع و رط ب ی ۲ ق قابض خ انچه یوس سبب ده  
 ص عمل ل سفز طل تنسيق الها عیون الیه بضم اول و ثانی و سکون واو  
 ضم نون و کسر و ال مهمله مشد و سکون تخانی ثانی و فتح کاف و خفاء و الف  
 چشمک خروس بوجه سرخ و گنگی و رتی ط ۷ ی تدقیم الغیر المعجم  
 و تنسيق و تنسيق الالف غالا لوطا یونانی به غین معجمه و الف و لام الف و ضم

لام ثانی و سکون و او با طاء مملوہ و الف ثانی م باقلدے مبطے تنبیق الفوقانی  
خافت بسکون فافوقانی از کوہستان حوالے شیراز آورند و آن گلیست لاجورد  
رنگ دراز شکل باریک شاخ بدرازے یک گز و گل و شاخ و ورق ہمتی باشد  
چون صبر و آنرا گل خلگہ گویند طح ای ۱ گویند گویند مع ۲ ق مفتوح و مقوس  
کبدخ فارسے کہ از کوہستان حوالی شیراز آردش نیم شقال ص انیسون یا در  
ال اسارون و نیم وزن استین تنبیق الہاء المہملۃ غار بسکون را و مملوہ  
است بہین نام طح ای ۲ ق محلل باطف خ و رف او و برے ش نیم شقال ص  
طبا شیر ل برگ سیہ یا شونیر تنبیق الذاء المعجمۃ غار ف نوے از مرغابی بزرگ شیم  
تنبیق الذاء الفارسی غار ف صم ظا تنبیق الشین المعجمۃ غار ف خوشہ غورہ  
و خیاری کہ جت تخم گاہا نذ غار ف و بضم واوم فاش تنبیق اللوم غار ف  
بضم سین مملوہ و سکون واوم اشنان تنبیق النون غار ف یقون م بکسر را و مملوہ  
سکون کھانی و ضم فاف و سکون واوطح ای ۳ ق محلل و بفتح مقطع سہل لمضم  
و سودا خ سبید زود ریزندہ ش از یک دانگ تا دو دانگ و گویند از ملت و م  
نایک شقال ص سنگین یا مصطلک ل در سہدات لمضم و سو و اومی ترد و و دانگ  
وزن آن اقیون و وہ یک وزن آن خرین سفید یا نیم وزن فریون یا نیم وزن  
ص تنبیق الواو غار ف و سکون واو و ضم شین مجرہ سکون واو ثانی م غار ف  
غار ف کا و تنبیق الہاء غار ف بفتح زاء معجم سحر فی بہت کہ زمان ہر روی مالند  
آن را گلگونہ نیز گویند غار ف عمالی بفتح عین محمد ثانی م فو فح عالیہ بکلام و نیم غار ف  
مرکبے است معطر از مشک و عنبر و کافور و روغن پان ہوا بجمہ طح ای ۱ ق طین  
و مقوی و اغثن یک شقال ص کافور لادون و روغن پان تنبیق التھنک ف  
غار ف بکسر زاء معجم و سکون تھنک ف مزجرب رودہ تنبیق الباء الموحدة

۹۰  
 الف تانی با حاء مملو و الف تالی ف گرد آسیا عیبراع بضم اول و فتح ثانی و  
 سکون تهمانی بار اول مملو و سجد ط ب ی ۲ گوئید مع می سابق فایض خ انچه برگشت  
 فریب شد ص فانی دل بندق تنسیق الموحدة الفارسی فتنیق الکاف غیک  
 ف ت بفتح اول و موحدة فارسی م گیاه لوح که ازان بوز یا با فند تنسیق  
 الال المهملة و تنسیق الواو قد و بفتح اول و ضم وال مملو باد نجان تنسیق  
 الال المهملة و تنسیق الالف غر ت بفتح اول و سکون راو مملو با سین مملو  
 و الف م راسن تنسیق الموحدة غر ب ۲ بفتح اول و ثانی م در غنیت کلا نیا  
 اطار خوانند و بشیرانے وزک گوئند و اورا خا را با بود و قطران از و مملو شول  
 درخت پده است ع ا بجل ط ب ای ۲ گوئید پوست سوخته او و بیخ او ح ۲ ی ۳  
 و بفتح ۶ صغ ف ص جلاب ال صفصا غر ب بفتح اول و سکون ثانی  
 و کسر موحدة و سکون تهمانی ت نوے از انکور سیاه تنسیق الحجیم الفارسی  
 غر ج ف ت بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم م سیاه وانه تنسیق الال المهملة  
 غر الجلود و بفتح اول و ضم ثانی مشد و سکون لام و ضم معیم و لام ثانی و  
 سکون واو ف ششم ط ح ی ۲ غر د م کسر اول و سکون ثانی م نوے از کماة  
 غر قد بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م نوے از عو سح تنسیق الال المهملة  
 غر بفتح اول و ثانی م نوے از عی الرای که معروف است بنامه غر م کسر اول  
 م نوے از سمار و غر تنسیق الشین للجهة غر ثانی و بفتح اول و سکون ثانی با سیم  
 و الف و ضم نون و سکون واد م تر فون که بیخ خنس کوسه آن عا و م ماست  
 غر و ش ف بفتح اول و سکون ثانی بار اول و الف م بجهیل شامی م راسن تنسیق  
 الکاف غر السک م بفتح اول و ضم ثانی مشد و فتح سین مملو و سیم ف ششم

۹۰  
 الف تانی با حاء مملو و الف تالی ف گرد آسیا عیبراع بضم اول و فتح ثانی و  
 سکون تهمانی بار اول مملو و سجد ط ب ی ۲ گوئید مع می سابق فایض خ انچه برگشت  
 فریب شد ص فانی دل بندق تنسیق الموحدة الفارسی فتنیق الکاف غیک  
 ف ت بفتح اول و موحدة فارسی م گیاه لوح که ازان بوز یا با فند تنسیق  
 الال المهملة و تنسیق الواو قد و بفتح اول و ضم وال مملو باد نجان تنسیق  
 الال المهملة و تنسیق الالف غر ت بفتح اول و سکون راو مملو با سین مملو  
 و الف م راسن تنسیق الموحدة غر ب ۲ بفتح اول و ثانی م در غنیت کلا نیا  
 اطار خوانند و بشیرانے وزک گوئند و اورا خا را با بود و قطران از و مملو شول  
 درخت پده است ع ا بجل ط ب ای ۲ گوئید پوست سوخته او و بیخ او ح ۲ ی ۳  
 و بفتح ۶ صغ ف ص جلاب ال صفصا غر ب بفتح اول و سکون ثانی  
 و کسر موحدة و سکون تهمانی ت نوے از انکور سیاه تنسیق الحجیم الفارسی  
 غر ج ف ت بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم م سیاه وانه تنسیق الال المهملة  
 غر الجلود و بفتح اول و ضم ثانی مشد و سکون لام و ضم معیم و لام ثانی و  
 سکون واو ف ششم ط ح ی ۲ غر د م کسر اول و سکون ثانی م نوے از کماة  
 غر قد بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م نوے از عو سح تنسیق الال المهملة  
 غر بفتح اول و ثانی م نوے از عی الرای که معروف است بنامه غر م کسر اول  
 م نوے از سمار و غر تنسیق الشین للجهة غر ثانی و بفتح اول و سکون ثانی با سیم  
 و الف و ضم نون و سکون واد م تر فون که بیخ خنس کوسه آن عا و م ماست  
 غر و ش ف بفتح اول و سکون ثانی بار اول و الف م بجهیل شامی م راسن تنسیق  
 الکاف غر السک م بفتح اول و ضم ثانی مشد و فتح سین مملو و سیم ف ششم

۹۰  
 الف تانی با حاء مملو و الف تالی ف گرد آسیا عیبراع بضم اول و فتح ثانی و  
 سکون تهمانی بار اول مملو و سجد ط ب ی ۲ گوئید مع می سابق فایض خ انچه برگشت  
 فریب شد ص فانی دل بندق تنسیق الموحدة الفارسی فتنیق الکاف غیک  
 ف ت بفتح اول و موحدة فارسی م گیاه لوح که ازان بوز یا با فند تنسیق  
 الال المهملة و تنسیق الواو قد و بفتح اول و ضم وال مملو باد نجان تنسیق  
 الال المهملة و تنسیق الالف غر ت بفتح اول و سکون راو مملو با سین مملو  
 و الف م راسن تنسیق الموحدة غر ب ۲ بفتح اول و ثانی م در غنیت کلا نیا  
 اطار خوانند و بشیرانے وزک گوئند و اورا خا را با بود و قطران از و مملو شول  
 درخت پده است ع ا بجل ط ب ای ۲ گوئید پوست سوخته او و بیخ او ح ۲ ی ۳  
 و بفتح ۶ صغ ف ص جلاب ال صفصا غر ب بفتح اول و سکون ثانی  
 و کسر موحدة و سکون تهمانی ت نوے از انکور سیاه تنسیق الحجیم الفارسی  
 غر ج ف ت بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم م سیاه وانه تنسیق الال المهملة  
 غر الجلود و بفتح اول و ضم ثانی مشد و سکون لام و ضم معیم و لام ثانی و  
 سکون واو ف ششم ط ح ی ۲ غر د م کسر اول و سکون ثانی م نوے از کماة  
 غر قد بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م نوے از عو سح تنسیق الال المهملة  
 غر بفتح اول و ثانی م نوے از عی الرای که معروف است بنامه غر م کسر اول  
 م نوے از سمار و غر تنسیق الشین للجهة غر ثانی و بفتح اول و سکون ثانی با سیم  
 و الف و ضم نون و سکون واد م تر فون که بیخ خنس کوسه آن عا و م ماست  
 غر و ش ف بفتح اول و سکون ثانی بار اول و الف م بجهیل شامی م راسن تنسیق  
 الکاف غر السک م بفتح اول و ضم ثانی مشد و فتح سین مملو و سیم ف ششم





[illegible]

والتحتم في ثانی و تنسيق الواو و تنسيق الالف غوشا ف يضم اول

واو مجهول باشين معجمه والفاء م سرگین حیوانات و خوشه انگور و خرما وجود گندم  
 و امثال آن تنسيق الال المهملة غوشا ف يضم اول و ثانی مجهول شین  
 معجمه والفاء م سرگین حیوانات تنسيق الشین المعجمه غوش ف م سرگین حیوانات  
 تنسيق الكاف غوشاک ف م غوشا غوک ف يضم اول و ثانی مجهول ف جم  
 ه میزندک تنسيق الهاء غوره ف يضم اول و ثانی مجهول و فتح را مهله و خفاء  
 با اول هر سیوه غوزه بفتح زاء مجهول پیله ناشگفته که در غلاف باشد و بزاء  
 فاء م غنچه غوشه و غوشه يضم اول و ثانی مجهول و سکون شین معجمه  
 فتح فوقا لے در لغت اول و فتح شین معجمه و حذف فوقا لے در لغت ثانی  
 م نوے از کماة و فطر تنسيق الیاء التحتمانی و تنسيق القاف غیدا ف یکسر اول  
 و سکون تحتمانی با وال مهله والفاء ف بیضب که از مرتبه حل فزاد ترک شده باشد  
 تنسيق المیم غیم بفتح اول و سکون ثانی م غمام تنسيق الهاء غیار یہ بفتح اول و ثانی  
 والفاء و کسر را مهله و فتح تحتمانی و خفاء با م غیب الشلب تنسيق الفاء تنسيق  
 و تنسيق الالف فاشرا یونانی بفاء والفاء و کسر شین معجمه با را مهله والفاء م  
 هزار حیثان و هزار افشان و کر نه البیضا و کر م و شتنه نجوش طحی ۳ ل  
 و ر و یج و نیم وزن بسا به فانی کم کسر فانی و سکون تحتمانی و را مهله م  
 بر دے فاعوانیا یونانی بواو والفاء ثانی و کسر نون با تحتمانی م هو و الصلیب  
 طحی ۳ گو نید مع ج قی قالیق بفتح فتوح مدز قوی دل خر و دے من  
 میم مشقال ص کثیر ال فار یقون و زرا و ند مدحج یا ن ف ت یا پوست انار و فز و هو  
 و مغز ساق آهو و چون هر سه مع شود بدل شود تنسيق الجیم تا ج بشتخ  
 وال مهله و سکین ف شکے ست ندر که لب غندی و سبزی زردم با و ز هر کانی

والتحتم في ثانی و تنسيق الواو و تنسيق الالف غوشا ف يضم اول  
 واو مجهول باشين معجمه والفاء م سرگین حیوانات و خوشه انگور و خرما وجود گندم  
 و امثال آن تنسيق الال المهملة غوشا ف يضم اول و ثانی مجهول شین  
 معجمه والفاء م سرگین حیوانات تنسيق الشین المعجمه غوش ف م سرگین حیوانات  
 تنسيق الكاف غوشاک ف م غوشا غوک ف يضم اول و ثانی مجهول ف جم  
 ه میزندک تنسيق الهاء غوره ف يضم اول و ثانی مجهول و فتح را مهله و خفاء  
 با اول هر سیوه غوزه بفتح زاء مجهول پیله ناشگفته که در غلاف باشد و بزاء  
 فاء م غنچه غوشه و غوشه يضم اول و ثانی مجهول و سکون شین معجمه  
 فتح فوقا لے در لغت اول و فتح شین معجمه و حذف فوقا لے در لغت ثانی  
 م نوے از کماة و فطر تنسيق الیاء التحتمانی و تنسيق القاف غیدا ف یکسر اول  
 و سکون تحتمانی با وال مهله والفاء ف بیضب که از مرتبه حل فزاد ترک شده باشد  
 تنسيق المیم غیم بفتح اول و سکون ثانی م غمام تنسيق الهاء غیار یہ بفتح اول و ثانی  
 والفاء و کسر را مهله و فتح تحتمانی و خفاء با م غیب الشلب تنسيق الفاء تنسيق  
 و تنسيق الالف فاشرا یونانی بفاء والفاء و کسر شین معجمه با را مهله والفاء م  
 هزار حیثان و هزار افشان و کر نه البیضا و کر م و شتنه نجوش طحی ۳ ل  
 و ر و یج و نیم وزن بسا به فانی کم کسر فانی و سکون تحتمانی و را مهله م  
 بر دے فاعوانیا یونانی بواو والفاء ثانی و کسر نون با تحتمانی م هو و الصلیب  
 طحی ۳ گو نید مع ج قی قالیق بفتح فتوح مدز قوی دل خر و دے من  
 میم مشقال ص کثیر ال فار یقون و زرا و ند مدحج یا ن ف ت یا پوست انار و فز و هو  
 و مغز ساق آهو و چون هر سه مع شود بدل شود تنسيق الجیم تا ج بشتخ  
 وال مهله و سکین ف شکے ست ندر که لب غندی و سبزی زردم با و ز هر کانی

والتحتم في ثانی و تنسيق الواو و تنسيق الالف غوشا ف يضم اول

است که در این علم است و این علم از علم دیگر جداست و این علم از علم دیگر جداست

ه زهر مهر تنبیه الال المهملة فاذ وفتح زاء وجمعه سکون وال مملعه ه با سنج  
 تنبیه الال المعجمه فاذ وفتح زاء وجمعه سکون وال مملعه ه با سنج  
 ه سفیه تنبیه الال المهملة فاذ وفتح زاء وجمعه سکون وال مملعه ه با سنج  
 با واد مملعه فاذ وفتح زاء وجمعه سکون وال مملعه ه با سنج  
 رانجه مخصوص ست حجر التیس وجر الحیه وپاد زهر کانی فارغ بفتح اول و سطرش  
 ه جوا فارغ کبیر غین معجمه هر گل یکه چنبا تنبیه الال المهملة فالر غوس  
 یوناسه کبیر لام و سکون راء مملعه وضم غین معجمه سکون واو و صرغ تعلق  
 فاما قس اسقلینوس یوناسه بانون والفت ثانی وکسرتان و سکون سین مملعه  
 وفتح همزه و سکون سین مملعه ثانی وفتح قاف ثانی وکسر لام و سکون تخانی و  
 ضم نون ثانی و سکون وادم نوسه از ووقوی کبیر تنبیه الال المعجمه فالر غوس  
 بفتح راء مملعه وضم نون ثانی و سکون لام وکسر موحده و تخانی مجهول و شین معجمه  
 ف بیش موش کبیر فارغوش سر بانی بضم غین معجمه ووا و مجهول م شیطه تنبیه  
 الظاعا المعجمه فاذ وفتح زاء وجمعه سکون والفت ثانی وکسر قاف و سکون سین مملعه  
 و سکون راء مملعه وکسر سین مملعه و سکون تخانی م اسپندان فاذ وفتح وال  
 مملعه ه بنوا فاشرستین یونانی کبیر شین معجمه وراء مملعه وکسر سین مملعه و سکون  
 تخانی یعنی وافع شفت علت فک ششپندان و سیاہ وار و طح تا ق محله  
 لطف من نیم شقال ص زرا وندل بوزن او در و نچ و نیم وزن بسباسه فاماس  
 ابل قلیون یوناسه بنون والفت ثانی وکسر قاف و سین مملعه وفتح همزه و سکون  
 موحده پاراء مملعه والفت ثالث وفتح قاف ثانی و سکون لام وضم تخانی و سکون  
 واو و صرغ تعلق فاما قس حمر و نون یونانی بنون والفت ثانی وکسر قاف  
 و سین مملعه وفتح حاء مملعه و سکون نیم وضم راء مملعه و سکون واو وفتح نون ثانی

است که در این علم است و این علم از علم دیگر جداست و این علم از علم دیگر جداست

است که در این علم است و این علم از علم دیگر جداست و این علم از علم دیگر جداست



وضم فوقانی و سکون و او ثانی ف ت نوعی از ز و ف را و کویک تنسیق الهاء فاجسته  
 یکسریم و فتح شین معجمه و خفا با هم چند بیدتر فاخته بسکون فاجسته و فتح فوقانی  
 هر بند که ط گوشت او ح می فاعیه یکسرین ممل و فتح تحتانی م فلفینج بیلوف  
 بند س فاعیه یکسرین معجمه و فتح تحتانی ف کل خطا م م ب و هر نور س که  
 خوشبو بود نیز با بن نام خوانند و گویند گل رای ضیا فاعیه و یکسرین معجمه و فتح  
 را و ممل فاعیه و کباب و شگافه تنسیق التحتانی فاشتر س بسکون شین معجمه  
 و فتح را و ممل و سکون سین ممل و کسر نون م سپندان تنسیق الجیم و تنسیق  
 اللام فجل ع بضم اول و سکون جیم و لام ف ترب ه مولی ط برگ او ح ۳ ی  
 و مقطع مطف و برگ او مفتی ح بستانی سبز تازه ش از مر با می او ده در مصل  
 عمل تنسیق الخاء المعجمه و تنسیق الهاء فمخفوف و فتح اول و سکون خا و معجمه و  
 فتح فار ثانی و را و ممل غله جو تنسیق الراء المهملة و تنسیق الفوقانی فرقت به فتح  
 اول و سکون ثانی و فتح فا و ثانی و سکون فوقانی ف شایسته و تنسیق الخاء المعجمه  
 ففتح م بفتح اول و سکون او ممل م چوجه مرغ و فراخ یکسر اول جمع آن فرخ و فتح  
 اول و سکون ثانی و فتح فا و ثانی م بقله الحقا تنسیق الدال المهملة فرز و  
 بضم اول و سکون ثانی و فتح زا و معجمه ه سبز و وب فرصاد و یکسر اول و سکون  
 ثانی با صا و ممل و الف ف توت فرغند ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح غین معجمه  
 و سکون نون ع عشقه ه امیر بیل تنسیق الراء المهملة فرغ و بفتح اول و سکون  
 ثانی و ضم غین معجمه و او و مجهول م تیهو فرخین بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا  
 ثانی و کسر خا و معجمه و سکون تحتانی م بقله الحقا فرغ و بضم اول و سکون ثانی  
 و ضم فا و ثانی و سکون و ا و م ترا و ت و بفتح اول و ضم فا و ثانی م پودنه با هم  
 فرقی بفتح اول و سکون ثانی و کسر فا و ثانی و سکون تحتانی ف نبشته و گویند

این کتاب از کتب قدیمه است که در کتابخانه  
 مجلس شورای اسلامی تهران موجود است  
 شماره ثبت کتاب ۲۴۹  
 تاریخ ثبت ۱۳۰۵  
 این کتاب از کتب قدیمه است که در کتابخانه  
 مجلس شورای اسلامی تهران موجود است  
 شماره ثبت کتاب ۲۴۹  
 تاریخ ثبت ۱۳۰۵

و ضم فوقانی و سکون و او ثانی ف ت نوعی از ز و ف را و کویک تنسیق الهاء فاجسته



فخری و فخرین بفتح اول و سکون ثانی و کسر فارثانی و سکون تحتانی و تخم ترک و خرفه  
 تنین الو او و تراشتو و فترستو بفتح اول و ثانی و الف و سکون شین بمجه و ضمه فوقانی و  
 سکون و او و رفعت اول و کسر اول و ثانی و سکون سین ممل و رفعت ثانی لم تراشتو  
 نز و بفتح اول و سکون ثانی و او و مجهول و پستین اگرترین پستین و باه پس  
 سوس پس پلنگ پس قاتم بعد از آن بره نینق الهاء و فزه و بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح زاز و جره و خفاره و ه سبزی و وب و فرشته و بضم اول و سکون ثانی و  
 فتح شین مجهم شیر حیوان نوزا مید و میوسی و فرغنده و بفتح اول و سکون ثانی و  
 و فتح عین مجهم سکون نون و فتح و ال ممل و عشقه هامل و فترمه بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح یم و فبشه فرقیه یونان بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح  
 قات و حاکم و تنیق السین المهملة و تنیق العین المهملة فسوة الضبع اجند اول  
 سین ممل و فتح و او و ضمه فوقانی و فتح ضار مجهم مشد و و ضمه و و سکون عین  
 ممل و سار و فتح تنیق القاف فستق و کسر اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و سکون  
 ثانی و پسته طح سی گویند سا و فتح فته خ تاز و فزیر بزرگ ش از پست  
 بیرون او نیم و دم ص ز و الوی خلک یا تخم خیارل مغز با دم و مغز می یا نیموزان  
 مغز نور و نیم مغزین یا صدق تنیق النون فسلکون بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام  
 و ضمه تحتانی و سکون و او و سبوق تنیق الهاء فستق الهاء و ی و کسر اول و سکون  
 ثانی و ضمه فوقانی و قات و سکون لام با و الف و کسر و او و فتح تحتانی و خفاره با و ثانی  
 م حب البان و تخم کجای ففسه بفتح اول و سکون ثانی و فتح فارثانی و سین ممل و ثانی  
 م است تر قنیق الشین المعجم و تنیق العین المهملة فشاء و کسر اول و با شین مجهم  
 الف و عین ممل و شرم بجای ست که چون بر شانه انگوی عیده بشود و ضمه و بی بود  
 تنیق الصاد المهملة و تنیق الباء مفتوحه هم بفتح اول و سکون صاد ممل و فتح فارثانی

[illegible]

و صا و ممله ثانی م است چون تر بود و فصفه طبعه گویند و چون خشک گردد و رفت  
 عاف گویند و تنقیح الضاد المعجمه و تنقیح الالف فضا کما در اول با صا و مجمره و  
 الف و دانه نویز تنقیح الهاء فقهه بکسر اول و فتح ثانی شد و ف نقره هر رو پا  
 ط ک ۲ ق و ق و اقوی دل خ خالص است یک و لک ص ق ل و فیر و ز تنقیح  
 الطاء المهمله و تنقیح الراء المهمله ط ک ا و ل سکون و ملام و ملام هم مار و غ ط ب ۳ سا گویند  
 ۲ و ا و انواع است یک نوع فقع که بفاست بیگل خوانند و دیگر نوشته و یک نوع فقیل  
 و مجموع انواع را کمات خوانند و بدترین همه فطر بود و نوعی در شیب سر گین بود و نوعی  
 در شیب خم شراب و آنچه سرخ بود و هر بود و آنچه سفید بود و پا و هر و آنچه در زیر خم شراب بود  
 پوست او نیز زهر است و گویند که از دست که در کشیده او را گنه گچو گویند بفتح کاف و نون  
 و خفا و با و فتح کاف فارسی و ضم حیم فارسی و با و سکون و او و ضم سفید تنقیح النون  
 فطر اسالیون یونانی بکسر اول و سکون ثانی بار و ممله و الف و سین ممله و الف ثانی  
 و کسر لام و ضم تحالی و سکون و او و ملام و اسالیون ف تحم کرس کو به تنقیح العين  
 للمهمله و تنقیح السین المهملة فعلا سوس یونانی بفتح اول و کسر سین ممله و سکون  
 تحالی باللام و الف و ضم سین ممله و سکون و او و سین ممله ثانی ف چوبک اشان  
 تنقیح النون فعول یونان روسی بضم اول و ثانی و سکون و او و کسر لام و ضم تحالی و  
 سکون و او ثانی م خا تنقیح القاف و تنقیح الحاء المهملة فقا ح الملام بضم اول و ثانی  
 و الف و ضم حاء ممله و سکون لام و کسر سیم و سکون ل ثانی م زهره الملم فقا ح  
 بضم اول و ثانی و الف و کل مشکوفه تنقیح الدال المهملة فقا بفتح اول و سکون  
 ثانی ف تحم نجاشت تنقیح الدال المهملة فقا الا و ضم اول با ثانی و الف  
 و ضم حاء ممله و سکون لام و کسر سیم و سکون ذال معجمه و فتح حاء معجمه کل اذ حاء  
 خوشبو پس باز در اول قصب الذریره تنقیح العين المهملة فقا ح بضم اول



[illegible]

۲۵۲  
بالاترین وادی است  
بر حرات و زمین  
گنبد است با کموت  
و غیر مشرق و در  
است بر زمین  
در زمین  
و اعلیٰ مرتبت  
علاقمند که این  
و اعلیٰ مرتبت  
و اعلیٰ مرتبت و اعلیٰ

وفتح بهم الف فتح اول و ثانی مخففت و شد و هر چو سی فلیفله به فتح اول و  
 کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح فارثانی و لام ثانی و تخم عود زبان اند سه ناخواه  
 و گویند تخم چنگشت تنمیق التحتانی فلفل بجای بفتح موحده و کسر اوله مشد و تخم  
 سنه ما لوتنسیق النون و تنمیق الالف ففنا بفتح اول و ثانی و روابه ترکیب  
 تنمیق الکاف ففک و بفتح اول و ثانی م جانو نیست که از پوست او پوستین  
 سازند فسطافون بکسر اول و سکون ثانی و طاء و ممله بالالف و فتح فارثانی ضم لام  
 و سکون واو و پنجگشت تنمیق الواو و تنمیق الدال المهمله فوا بفتح اول و  
 واو و الف هر بنگر آتمیق اللام فوفل ع بضم اول و سکون ثانی و کسر فارثانی هر  
 سیاری طب می گویند ج می سق قابض رابع خ زرین شامید رم ص  
 صنع ق صندل سرخ دودانگ و نیم وزن آن بدر النجم قول ع بفتح اول و سکون  
 ثانی م با قلا قول بضم اول و سکون واو و فتح هاء شوره تنمیق للمیم قوم ع بضم اول  
 و سکون ثانی و لیم تنمیق الواو فویونانی بضم اول و سکون واو و خنی است  
 باریک خوشبو مانند سنبل الطیب بلکه قس از سنبل الطیب است ه جال کر می ط  
 می و بفتح خ تازه خوشبو ش نیم ص رازیانه یارب السوسل سنبل یکبایه یا  
 فلفل سیاه تنمیق الهاء فوده و بفتح اول و سکون ثانی و فتح وال ممله خم خشکه  
 که از آن آب کامه سازند فوشنه بضم اول و ثانی مجهول و کسرین معجمه و فتح نون م نوعی از فلفل  
 فوه ع بضم و فتح اول و فتح ثانی شد و ف ر و ناس ه مجئنه ط می ا گویند ب ق  
 مد ه است تازه سرخ باریک ش نیم شقال و در طبوخ و و درم ص انیسون با تخم  
 بازنگال یک نیم وزن سلیله یا شیطرج و طلا تنمیق التحتانی فوئج حیل بضم اول و  
 ثانی مجهول و سکون فوقانی و فتح نون و کسر نیم و فتح جیم ثانی و موحده و کسر لام  
 سکون تحتانی و پورنه کو می ط می ه خم خشبی تازه سبز کوچک ورق ش

[illegible]



نیم وزن و قفل تنمیه القاف قائل العلق ع بفتح عین ممله و لام و سکون قاف م  
 نوعی از مرزنگوش قاق ع ف گوشت خشک و هر چیزی که خشک سازند بدین  
 نام خوانند تنمیه اللام قائل النحل ع بفتح نون و سکون هاء ممله و لام ف  
 نماید و تنمیه النون قاطون بضم طاء ممله و سکون واو ف نوشاد و تنمیه الهاء  
 قائل اخیه بفتح همزه و کسره خاء عجمه و سکون تحتانی و اظهار بام خصه اشعلب قائل نفسه  
 بکسر فوقانی و لام و فتح نون و سکون فاء و کسره سین ممله و الهما بام نوعی از اشقی  
 قائل اوله بضم فوقالی و سکون واو و فتح لام ه و با توره قانصه بکسر نون و فتح صاد ممل  
 م سنگدانه مرغان ه پخری طح ر ق مغربی خ از طائر فریه ص سرکه و ابازیر  
 تنمیه التحتانی قاقلی بضم قاف ثانی و کسره لام و سکون تحتانی نباتی است مانند  
 اشنان و گویند مانند کثوث طح ی اق مسهلش از آب او نیم طول ص کثوث الیریا  
 تنمیه الباء الموحدة و تنمیه الجیم قج ع بفتح اول و سکون موحده ف کباب  
 م آشخواره ط گوشت اوج و تنمیه الراء المهملة قبا بر ع بفتح اول و ثانی  
 و الف و کسره موحده ثانی و سکون راء ممل و چکا و کیا طح ی خ فریه بریان کرده  
 تنمیه القاف قبا بفتح اول و ثانی و الف و قاف ثانی ف کد و تنمیه  
 تنمیه الفوقانی قث ع بضم اول و سکون فوقانی م اسمی است تنمیه الهمال  
 المهملة قثا د ع بفتح اول و ثانی و الف م درخت خار داری ست که صمغ و  
 کثیر است بشیرازی ف کم طح و تنمیه الشاء المثله و تنمیه الاالف  
 قثاع بفتح اول و مثله ف خیار دراز و گلرئی ط ب ر س ق در محلل خ نیشابور  
 پنجه تازه ص س ل یاد رنگ تنمیه الدال المهملة قثد ع بفتح اول و ثانی  
 و سکون و ال ممل و خیار بالنگ ه کثیر ط ب و تنمیه الراء المهملة قثا کما  
 ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم همزه و سکون لام و کسره هاء ممله بایم و الف ثانی





فراهم گردید ان شاء الله تعالی برودن از قزوین به تهران و آنست که عیال نیز در راه بودند

قراد و قروم بضم او ان ثانی بالالف و وال معلی در لغت اول و مکسر اول و سکون  
 ثانی در لغت ثانی ف کنه و گویند ه بنگرا و فریدم بکسر اول و سکون ثانی و ک  
 سیم و سکون ثانی و نخست پنجه تنبیه الی او المهمله قرن البحر و بفتح اول  
 و سکون ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح موی و و سکون حاء و طاف کمر با قریه  
 بضم اول و فتح ثانی و سکون ثانی ه اندازین تنبیه الی او المعجمه قره کبیر اول  
 و سکون ثانی و کسر سیم و و و الصباغین ف کرم نگران که بدان ابر شیم  
 صوف رنگ کنند تنبیه الی المهمله قرطاس عم بکسر اول و سکون ثانی با  
 طاء و عمل و الف ف کاغذ طاب ای ۲ قی بخفت ۶ مصری ص کتیرا و و و  
 بروی تنبیه الصناد المعجمه قرطاس بفتح اول و ثانی و الف ف بابونه و فیض بضم  
 اول و کسر ثانی و سکون ثانی و تخم انجبه تنبیه الطاء المهمله قراد و فتح  
 اول و ثانی و الف و تخم نعل تنبیه الطاء المعجمه قرطاس بضم اول و سکون  
 ثانی م نوعی از است و کلمه اول م نوعی از کرات و بفتح اول ثانی و سکون ثانی تیرم  
 کرت و ان صنف و رخت ففضل است و اقا قیام صا و اوست طاب ای آق  
 قاضی ش یک درم ص آب که دل جلدا تنبیه العیز المهمله قرع و بفتح  
 اول و سکون ثانی و عین معلی و طاب ای ق بلین خ تر سبز و شیرین  
 ش از آب ازخم طل ص خردل سیرل تر تنبیه الکاف قره کبیر بضم اول و  
 سکون ثانی و کلمه موحده و سکون و اوست شیر تنبیه اللام قره القرضل  
 بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم فو ثانی و سکون لام و فتح قاف ثانی و و و  
 و سکون نون و ضم فام قره الطیب یوست هر خوب و درخت را قرنه  
 خوانند و ان بوسته سطر بود و لون قرنه و طعم و قرضل و ارد و غیر علالت و ارضی  
 ل قرظل عم تنبیه اول و ثانی و سکون نون و کلمه قاف میخک ه لونک طخ

ان  
چون ازینست  
یا حرارت خردیم  
غالب بود بر او است  
حرارت خردیم  
عقلش شود باعث  
خوبه حرارت خردیم  
چون عصاره  
ترش در اندرون  
گرمایا آنکه سرد است  
غالب شد بر او است  
۲۵۸  
فصلیات  
باب اول  
در بیان  
نوع و جنس  
و کیفیت  
و مقدار  
و اثر  
و استعمال  
و حکایت

سی گویند ۳ ق ملطف و مقوی و مانع و جگر و معده و تیرکرم تلخ و بار یک چوب  
ش نیم درم ص صمغ عربی یا فوفل ل نیموزن جوز الطیب نیم وزن و ارطی و قرف  
یا نیموزن فرفرشک نیم وزن آن خولجان و گویند رآن خولجان قرین مغز و ابل  
فندق ادرل سکون نون و فتح نیم و عین ممل و سکون زاده مجر و کسب هر نیم و نیم تحتانی  
مشتد و م شلخ بزرگویی خ از ابل بر یک سوخته باشد ص کتیرال اساون و خولجان  
قرول بضم اول و ثانی و سکون و اوام صرحان قر و ان اسبل ع بضم اول و ثانی و  
سکون و او و ضم نون و عین ممل باشد و سکون نون ثانی و ضم موحده در میان  
سبیل باشد و آن از مهم است هر سنگی از هر طایفه ای هم تنقیق النون نیم و نیم و نیم  
اول و سکون ثانی و ضم ط و ممل و فسکدانه هر که طرح ۲ اداق تنضیع ملین ملطف  
نیم سفید و زبر نشی و ده درم از آب ادرل و ابل که بزدن با اوام و ربع وزن نیم  
انجیر و تنقیق النون قر و العین ع بضم اول و فتح ثانی باشد و ضم نون و ثانی و سکون  
اوام و ضم عین ممل و سکون تحتانی هم که نفس المارطه خسی و ان تخلف قوطع نشی و در طبیع  
بیخ و مسم که انجیر که نفس قر و ان بفتح اول و ثانی و حاء ممل و الف ممل و عی از کمات  
سفید که یک کسب قر و ان یونانی بفتح اول سکون ثانی باوال ممل و الف و کسب مسم  
هم قر و ان بفتح اول و سکون ثانی باوال ممل و الف و کسب مسم که اکثر  
سکون و کادیمی سپید قر و ان یونانی بفتح اول سکون ثانی باوال ممل و الف و کسب  
و ضم نیم و سکون و اوام و کسب نیم ثانی هم قر و ان یونانی بفتح اول سکون و کسب ثانی  
سکون عین ممل باط و ممل و الف و کسب از ممل ثانی و ضم تحتانی و سکون و اوام کمات  
کوهی قر و ان بضم اول و سکون ثانی و ضم تا و ثانی و اوام ممل ثانی و الف هم کوهی  
قر و ان یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم تا و ثانی و اوام ممل ثانی و سکون و اوام  
هم سعد قر و ان یونانی بفتح اول و ثانی و سکون نون با تا و ثانی و الف هم

می گویند ۳ ق ماطف و مقوی و مانع و جگر و معده و تیرکرم تلخ و بار یک چوب  
 ش نیم درم ص صمغ عربی یا فلفل نیم وزن جوز الطیب نیم وزن دار حنی و قرفه  
 یا نیم وزن فلفل شک و نیم وزن آن خولجان و گویند در آن خولجان قرص مغز ابل  
 فلفل فتح اول سکون نون و فتح نیم و عین ممل و سکون زاز و مجر و کسب هر مغز و فتح تحتانی  
 شود و م شاخ بزرگویی از ابل بر یک سوخته باشد و ص کتیرال اساورن و خولجان  
 قرص بضم اول و ثانی و سکون و او م صرحان قرصان آبل ع بضم اول و ثانی و  
 سکون و او و بضم نون و عین ممل و سکون نون ثانی و ضم موحده در زمان  
 سنبلیله باند و آن از موم است هر شکلی از هر طایفه می ۳۴ تحقیق السیم و طعم بضم  
 اول و سکون ثانی و ضم طاء ممل و سکون نه هر که طح ۲ اراق و شنج طین با طیف  
 نه سفید و زرش و ده ورم از آب اوجع الی الی سکون با و ام و ربع وزن ششم  
 انجیر و شنبلیله نون قرص العین و بضم اول و فتح ثانی و شد و ششم نون قانی سکون  
 ام و فتح عین ممل و سکون تحتانی م کفیس المارطه خدی و ثانی قطع و شش و طبع و  
 پنج ورم ص کاکنج ل کفیس و حان بفتح اول و ثانی و حاء ممل و الف ممل و می از کما تا  
 سفید که یک فنجان یونانی بفتح اول سکون ثانی با و ال و الف و کسب هر  
 م حوت قرصان بفتح اول و سکون ثانی با و ال ممل و الف و شش که اکثر  
 بسک و کاه می سپید و استون یونانی بفتح اول و سکون ثانی با و ال ممل و الف  
 و ضم نیم و سکون و او و کسب هر ثانی م و ما و سطر یون بفتح اول و کسب ثانی  
 سکون سین ممل با طاء ممل و الف و کسب از ممل ثانی و ضم تحتانی و سکون و او م کما تا  
 کوهی قرصان بضم اول و سکون ثانی و ضم تا و ثانی و با و ممل ثانی و الف م کرو یا  
 قرصون روی بضم اول و سکون ثانی و ضم تا و ثانی و با و ممل ثانی و سکون و او  
 م سعد قرصان سیرانی بفتح اول و ثانی و سکون نون با تا و ثانی و الف و





کسر اول و سکون سین مجزیه ضم را در همله و سکون لام و فتح هم و سکون واو و کسر  
 زاء مجزیه ضم صا و همله مشدده و سکون لام ثانی و ف پوست گردگان خشک تنبیه  
 الجیم قشر لا ترجع بسکون لام و ضم همزه و سکون فوقانی و ضم را در همله و ف پوست  
 سنج طحی ۲ تنقیق الراء المهمله قشر الجوز لا اخضر بسکون لام ثانی و فتح  
 همزه و سکون خا و مجزیه ففتح ضا و مجزیه و ف پوست سبز و رن گردگان قشر ع بفتح  
 اول و سکون ثانی و فتح عین همله و خیار را از تنقیق الراء المعجمه قشر الارز ع  
 بسکون لام و ضم همزه و را در همله ثانی و ف پوست سنج و آن از جمله سموم قتاله است  
 تنقیق الشین المعجمه شمش کسر اول و سکون ثانی و کسر هم و کشر شمش تنقیق الهصاد  
 المعجمه قشر البیض ع بسکون لام و کسر موحده و سکون تحتانی و ف پوست تخم مرغ  
 اندک کے چمکے طحی ۲ تنقیق التحتانی قشر القصب الفارسی بسکون لام  
 و فتح قاف ثانی و صا و همله و کسر موحده و سکون لام ثانی با فا و الف را در همله و کسر  
 همله و پوست فارسی طحی ۳ تنقیق الصا و المهمله و تنقیق الالف  
 قصب لوب الفتح اول و ثانی همله و کسر موحده و فتح موحده ثانی با واو شد و الف ح  
 قصب الذریرہ تنقیق الموحده قصب لوب الفتح اول و صا و همله و فی طحی  
 گویند برگ اوب راق ملطف خنج او از ورق او غرب تنقیق الال المهمله  
 قصد لفتح اول و ثانی م موحده تنقیق الراء المهمله قصب السکر لفتح اول و ثانی و  
 ضم موحده و سین همله مشد و کاف مشد و ف شکره کاند او او کله طحی ساخ  
 شیر آن آبا قصف کسر اول و سکون ثانی و کسر فاد و سکون تحتانی و قلعی تنقیق الهاء  
 و صا و ضم اول و ثانی الف ففتح عین همله و سگت کعبه قندره او و پلاو  
 قصب الذریرہ لفتح اول و ثانی و ضم موحده و فتح خا و مجزیه مشد و کسر همله و سکون  
 تحتانی و فتح را در همله ثانی و چرابتیا طحی ۲ ملطف خ هندی ش یک م و

کسر اول و سکون سین مجزیه ضم را در همله و سکون لام و فتح هم و سکون واو و کسر  
 زاء مجزیه ضم صا و همله مشدده و سکون لام ثانی و ف پوست گردگان خشک تنبیه  
 الجیم قشر لا ترجع بسکون لام و ضم همزه و سکون فوقانی و ضم را در همله و ف پوست  
 سنج طحی ۲ تنقیق الراء المهمله قشر الجوز لا اخضر بسکون لام ثانی و فتح  
 همزه و سکون خا و مجزیه ففتح ضا و مجزیه و ف پوست سبز و رن گردگان قشر ع بفتح  
 اول و سکون ثانی و فتح عین همله و خیار را از تنقیق الراء المعجمه قشر الارز ع  
 بسکون لام و ضم همزه و را در همله ثانی و ف پوست سنج و آن از جمله سموم قتاله است  
 تنقیق الشین المعجمه شمش کسر اول و سکون ثانی و کسر هم و کشر شمش تنقیق الهصاد  
 المعجمه قشر البیض ع بسکون لام و کسر موحده و سکون تحتانی و ف پوست تخم مرغ  
 اندک کے چمکے طحی ۲ تنقیق التحتانی قشر القصب الفارسی بسکون لام  
 و فتح قاف ثانی و صا و همله و کسر موحده و سکون لام ثانی با فا و الف را در همله و کسر  
 همله و پوست فارسی طحی ۳ تنقیق الصا و المهمله و تنقیق الالف  
 قصب لوب الفتح اول و ثانی همله و کسر موحده و فتح موحده ثانی با واو شد و الف ح  
 قصب الذریرہ تنقیق الموحده قصب لوب الفتح اول و صا و همله و فی طحی  
 گویند برگ اوب راق ملطف خنج او از ورق او غرب تنقیق الال المهمله  
 قصد لفتح اول و ثانی م موحده تنقیق الراء المهمله قصب السکر لفتح اول و ثانی و  
 ضم موحده و سین همله مشد و کاف مشد و ف شکره کاند او او کله طحی ساخ  
 شیر آن آبا قصف کسر اول و سکون ثانی و کسر فاد و سکون تحتانی و قلعی تنقیق الهاء  
 و صا و ضم اول و ثانی الف ففتح عین همله و سگت کعبه قندره او و پلاو  
 قصب الذریرہ لفتح اول و ثانی و ضم موحده و فتح خا و مجزیه مشد و کسر همله و سکون  
 تحتانی و فتح را در همله ثانی و چرابتیا طحی ۲ ملطف خ هندی ش یک م و

کسر اول و سکون سین مجزیه ضم را در همله و سکون لام و فتح هم و سکون واو و کسر  
 زاء مجزیه ضم صا و همله مشدده و سکون لام ثانی و ف پوست گردگان خشک تنبیه  
 الجیم قشر لا ترجع بسکون لام و ضم همزه و سکون فوقانی و ضم را در همله و ف پوست  
 سنج طحی ۲ تنقیق الراء المهمله قشر الجوز لا اخضر بسکون لام ثانی و فتح  
 همزه و سکون خا و مجزیه ففتح ضا و مجزیه و ف پوست سبز و رن گردگان قشر ع بفتح  
 اول و سکون ثانی و فتح عین همله و خیار را از تنقیق الراء المعجمه قشر الارز ع  
 بسکون لام و ضم همزه و را در همله ثانی و ف پوست سنج و آن از جمله سموم قتاله است  
 تنقیق الشین المعجمه شمش کسر اول و سکون ثانی و کسر هم و کشر شمش تنقیق الهصاد  
 المعجمه قشر البیض ع بسکون لام و کسر موحده و سکون تحتانی و ف پوست تخم مرغ  
 اندک کے چمکے طحی ۲ تنقیق التحتانی قشر القصب الفارسی بسکون لام  
 و فتح قاف ثانی و صا و همله و کسر موحده و سکون لام ثانی با فا و الف را در همله و کسر  
 همله و پوست فارسی طحی ۳ تنقیق الصا و المهمله و تنقیق الالف  
 قصب لوب الفتح اول و ثانی همله و کسر موحده و فتح موحده ثانی با واو شد و الف ح  
 قصب الذریرہ تنقیق الموحده قصب لوب الفتح اول و صا و همله و فی طحی  
 گویند برگ اوب راق ملطف خنج او از ورق او غرب تنقیق الال المهمله  
 قصد لفتح اول و ثانی م موحده تنقیق الراء المهمله قصب السکر لفتح اول و ثانی و  
 ضم موحده و سین همله مشد و کاف مشد و ف شکره کاند او او کله طحی ساخ  
 شیر آن آبا قصف کسر اول و سکون ثانی و کسر فاد و سکون تحتانی و قلعی تنقیق الهاء  
 و صا و ضم اول و ثانی الف ففتح عین همله و سگت کعبه قندره او و پلاو  
 قصب الذریرہ لفتح اول و ثانی و ضم موحده و فتح خا و مجزیه مشد و کسر همله و سکون  
 تحتانی و فتح را در همله ثانی و چرابتیا طحی ۲ ملطف خ هندی ش یک م و

وگویند و دو انگ ص عرق السوس ل اظفار الطیب با چند ل عس تلخ با سنبلی  
 و زعفران قصبه صبیح اول و کسه ثانی و سکون تحتانی و فتح صا و مظه ثانی م تودری تنسيق  
 الصناد المعجمه و تنسيق الموحده قضیب فتح اول و سکون مینا و جوف است قضیب  
 ع لفتح اول و کسه ثانی و سکون تحتانی م و کسه کیه تنسيق المیم قضم ع بضم اول و سکون  
 ثانی و یم و فیه کسه تنسيق التحتانی قضاب صری م بضم اول و ثانی و الف و  
 کسه موحده و یم و سکون صا و مظه و کسه مملو و کسه تنسيق الطاء المهمله  
 و تنسيق الالف قطن و بضم اول مطا مظه و سکون و او بانون م استغول تنسيق  
 الراء المهمله قطر کیه اول و سکون ط ا مظه و ف ت س ه تانبا ط ح ی تنسيق الفاء  
 قطف ع لفتح اول و سکون ثانی و ت سرق ه ساگ تبجوا تنسيق النون قطر ان ع  
 کیه اول و سکون ثانی بار ا مظه و الف و ف ر غنی است که از درخت عر گیرند و گویند  
 قیر است ط ح ی م گویند س ق قطع ملطف خ ماخوذا از درخت عر ص ر غن  
 بان ل لقطی سیاه و یا نیم زن چوب بید یا ورق بید یا جا و شیرازیت و فو قطن ع  
 بضم اول و سکون ثانی و ف نیمه ط ح ی ر ق تخم او مین خ اوسید مین از آب ان  
 و نیمه او و در مین سب السوس ل از تخم او خشکاش و بارانم تنسيق الحیر المهمله  
 و تنسيق اللام قطن ع لفتح اول و سکون عین و فتح موحده موعی الزکات ط ح ی  
 تنسيق الفاء و تنسيق الال المهمله قفر الیه و لفتح اول و سکون فاضم  
 را ا مظه و سکون لام و فتح تحتانی و ضم او و سکون و او مویانی با ا و و ط ح ی  
 و مملو خ فریخی صیرین ش نیمه و مین و ر و ل زفت تنسيق الراء المهمله  
 قطن لفتح اول و سکون را مهمله منبات کثوث تنسيق الطاء المهمله غلط و لفتح  
 اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون دا و و ط ا و مظه لموع اکرار ش شامی تنسيق  
 اللام و تنسيق الالف قطنو نیارومی بضم اول و سکون لام و ضم فاد و سکون و او

و گویند و دو انگ ص عرق السوس ل اظفار الطیب با چند ل عس تلخ با سنبلی  
 و زعفران قصبه صبیح اول و کسه ثانی و سکون تحتانی و فتح صا و مظه ثانی م تودری تنسيق  
 الصناد المعجمه و تنسيق الموحده قضیب فتح اول و سکون مینا و جوف است قضیب  
 ع لفتح اول و کسه ثانی و سکون تحتانی م و کسه کیه تنسيق المیم قضم ع بضم اول و سکون  
 ثانی و یم و فیه کسه تنسيق التحتانی قضاب صری م بضم اول و ثانی و الف و  
 کسه موحده و یم و سکون صا و مظه و کسه مملو و کسه تنسيق الطاء المهمله  
 و تنسيق الالف قطن و بضم اول مطا مظه و سکون و او بانون م استغول تنسيق  
 الراء المهمله قطر کیه اول و سکون ط ا مظه و ف ت س ه تانبا ط ح ی تنسيق الفاء  
 قطف ع لفتح اول و سکون ثانی و ت سرق ه ساگ تبجوا تنسيق النون قطر ان ع  
 کیه اول و سکون ثانی بار ا مظه و الف و ف ر غنی است که از درخت عر گیرند و گویند  
 قیر است ط ح ی م گویند س ق قطع ملطف خ ماخوذا از درخت عر ص ر غن  
 بان ل لقطی سیاه و یا نیم زن چوب بید یا ورق بید یا جا و شیرازیت و فو قطن ع  
 بضم اول و سکون ثانی و ف نیمه ط ح ی ر ق تخم او مین خ اوسید مین از آب ان  
 و نیمه او و در مین سب السوس ل از تخم او خشکاش و بارانم تنسيق الحیر المهمله  
 و تنسيق اللام قطن ع لفتح اول و سکون عین و فتح موحده موعی الزکات ط ح ی  
 تنسيق الفاء و تنسيق الال المهمله قفر الیه و لفتح اول و سکون فاضم  
 را ا مظه و سکون لام و فتح تحتانی و ضم او و سکون و او مویانی با ا و و ط ح ی  
 و مملو خ فریخی صیرین ش نیمه و مین و ر و ل زفت تنسيق الراء المهمله  
 قطن لفتح اول و سکون را مهمله منبات کثوث تنسيق الطاء المهمله غلط و لفتح  
 اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون دا و و ط ا و مظه لموع اکرار ش شامی تنسيق  
 اللام و تنسيق الالف قطنو نیارومی بضم اول و سکون لام و ضم فاد و سکون و او

و گویند و دو انگ ص عرق السوس ل اظفار الطیب با چند ل عس تلخ با سنبلی  
 و زعفران قصبه صبیح اول و کسه ثانی و سکون تحتانی و فتح صا و مظه ثانی م تودری تنسيق  
 الصناد المعجمه و تنسيق الموحده قضیب فتح اول و سکون مینا و جوف است قضیب  
 ع لفتح اول و کسه ثانی و سکون تحتانی م و کسه کیه تنسيق المیم قضم ع بضم اول و سکون  
 ثانی و یم و فیه کسه تنسيق التحتانی قضاب صری م بضم اول و ثانی و الف و  
 کسه موحده و یم و سکون صا و مظه و کسه مملو و کسه تنسيق الطاء المهمله  
 و تنسيق الالف قطن و بضم اول مطا مظه و سکون و او بانون م استغول تنسيق  
 الراء المهمله قطر کیه اول و سکون ط ا مظه و ف ت س ه تانبا ط ح ی تنسيق الفاء  
 قطف ع لفتح اول و سکون ثانی و ت سرق ه ساگ تبجوا تنسيق النون قطر ان ع  
 کیه اول و سکون ثانی بار ا مظه و الف و ف ر غنی است که از درخت عر گیرند و گویند  
 قیر است ط ح ی م گویند س ق قطع ملطف خ ماخوذا از درخت عر ص ر غن  
 بان ل لقطی سیاه و یا نیم زن چوب بید یا ورق بید یا جا و شیرازیت و فو قطن ع  
 بضم اول و سکون ثانی و ف نیمه ط ح ی ر ق تخم او مین خ اوسید مین از آب ان  
 و نیمه او و در مین سب السوس ل از تخم او خشکاش و بارانم تنسيق الحیر المهمله  
 و تنسيق اللام قطن ع لفتح اول و سکون عین و فتح موحده موعی الزکات ط ح ی  
 تنسيق الفاء و تنسيق الال المهمله قفر الیه و لفتح اول و سکون فاضم  
 را ا مظه و سکون لام و فتح تحتانی و ضم او و سکون و او مویانی با ا و و ط ح ی  
 و مملو خ فریخی صیرین ش نیمه و مین و ر و ل زفت تنسيق الراء المهمله  
 قطن لفتح اول و سکون را مهمله منبات کثوث تنسيق الطاء المهمله غلط و لفتح  
 اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون دا و و ط ا و مظه لموع اکرار ش شامی تنسيق  
 اللام و تنسيق الالف قطنو نیارومی بضم اول و سکون لام و ضم فاد و سکون و او

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۴۴

و اگر مردم در ادراک  
و اگر مردم در ادراک

[illegible]

[illegible]



و نیز وزن خایا راوند مدح تنقیص الهاء قته م بضم اول و فتح ثانی شد و  
 برز و دو گویند صمغ طلال ماموئیت ه بر یکا ط ه ی گویند ه ی ۲ ق محلل ملین خ  
 دروز و گدازنده و تند بود و مش در اجم تیرم ص بنفشه ل سکینج و وزن بابکیم  
 وزن جاوشیر و ضعف معده و جگر یک نیم وزن ریوند چینی و گویند اشق تنقیص النون  
 تخاری م فتح اول فتانی و الف و فتح موحده و کسر و اوله م مرغیت ط ح ساق م  
 محله ص شبرج ل کبر تنسلیق الهاء و تنقیص الالف قوتیر بضم اول و سکون و او و کشش  
 و سکون تخانی بابا و اوله و الف و نوشادر و قورسا یونانی بضم اول و سکون ثانی و او  
 محله یاسین و اوله و الف و میم م عود و لسان قوتیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسرین  
 محله یا تخانی م قسط و طول یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم ط و محله و سکون و او ثانی  
 بامیم آذریون بری قوتیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر نون یا تخانی و آب  
 حکیده خاکستر تنقیص الاء المهمله قوتیر بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی  
 و رخت و ج قوتیر بضم اول و سکون ثانی م قطن تنقیص البسبزم المهمله قوتیر و لوس بضم  
 اول و سکون ثانی و او و اوله و فتح دال و ضم تخانی و سکون و او ثانی و کسبیت  
 که یای زافع خوانند ه کاگ حبکی دشتی قوتایس یونانی بضم اول و سکون ثانی یا قاف  
 ثانی و الف و کسر لام م قور و اما قولامیوس بضم اول و سکون ثانی بالام و الف و  
 کسریم و ضم تخانی و سکون و او ثانی م شجره مریم تنقیص العباد المهمله قوتایس م  
 بفتح اول و ثانی و الف و کسر نون و شکله انه یای مرغان خ ماخوز از مرغان تناف  
 فزیه تنقیص الصاد قوتایس بضم اول و سکون ثانی بانون و الف و گاورس م  
 لندرا تنقیص النون قوتولیدون یونانی بضم اول و ضم ط و محله و سکون هر دو و او  
 و کسر لام و سکون تخانی و ضم دال و سکون و او ثالث م نومی از حی العالم  
 تنقیص التختانی قوتی بضم اول و سکون ثانی و کسر فار و حیوانی است بحر

و نیز وزن خایا راوند مدح تنقیص الهاء قته م بضم اول و فتح ثانی شد و  
 برز و دو گویند صمغ طلال ماموئیت ه بر یکا ط ه ی گویند ه ی ۲ ق محلل ملین خ  
 دروز و گدازنده و تند بود و مش در اجم تیرم ص بنفشه ل سکینج و وزن بابکیم  
 وزن جاوشیر و ضعف معده و جگر یک نیم وزن ریوند چینی و گویند اشق تنقیص النون  
 تخاری م فتح اول فتانی و الف و فتح موحده و کسر و اوله م مرغیت ط ح ساق م  
 محله ص شبرج ل کبر تنسلیق الهاء و تنقیص الالف قوتیر بضم اول و سکون و او و کشش  
 و سکون تخانی بابا و اوله و الف و نوشادر و قورسا یونانی بضم اول و سکون ثانی و او  
 محله یاسین و اوله و الف و میم م عود و لسان قوتیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسرین  
 محله یا تخانی م قسط و طول یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم ط و محله و سکون و او ثانی  
 بامیم آذریون بری قوتیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر نون یا تخانی و آب  
 حکیده خاکستر تنقیص الاء المهمله قوتیر بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی  
 و رخت و ج قوتیر بضم اول و سکون ثانی م قطن تنقیص البسبزم المهمله قوتیر و لوس بضم  
 اول و سکون ثانی و او و اوله و فتح دال و ضم تخانی و سکون و او ثانی و کسبیت  
 که یای زافع خوانند ه کاگ حبکی دشتی قوتایس یونانی بضم اول و سکون ثانی یا قاف  
 ثانی و الف و کسر لام م قور و اما قولامیوس بضم اول و سکون ثانی بالام و الف و  
 کسریم و ضم تخانی و سکون و او ثانی م شجره مریم تنقیص العباد المهمله قوتایس م  
 بفتح اول و ثانی و الف و کسر نون و شکله انه یای مرغان خ ماخوز از مرغان تناف  
 فزیه تنقیص الصاد قوتایس بضم اول و سکون ثانی بانون و الف و گاورس م  
 لندرا تنقیص النون قوتولیدون یونانی بضم اول و ضم ط و محله و سکون هر دو و او  
 و کسر لام و سکون تخانی و ضم دال و سکون و او ثالث م نومی از حی العالم  
 تنقیص التختانی قوتی بضم اول و سکون ثانی و کسر فار و حیوانی است بحر

و نیز وزن خایا راوند مدح تنقیص الهاء قته م بضم اول و فتح ثانی شد و  
 برز و دو گویند صمغ طلال ماموئیت ه بر یکا ط ه ی گویند ه ی ۲ ق محلل ملین خ  
 دروز و گدازنده و تند بود و مش در اجم تیرم ص بنفشه ل سکینج و وزن بابکیم  
 وزن جاوشیر و ضعف معده و جگر یک نیم وزن ریوند چینی و گویند اشق تنقیص النون  
 تخاری م فتح اول فتانی و الف و فتح موحده و کسر و اوله م مرغیت ط ح ساق م  
 محله ص شبرج ل کبر تنسلیق الهاء و تنقیص الالف قوتیر بضم اول و سکون و او و کشش  
 و سکون تخانی بابا و اوله و الف و نوشادر و قورسا یونانی بضم اول و سکون ثانی و او  
 محله یاسین و اوله و الف و میم م عود و لسان قوتیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسرین  
 محله یا تخانی م قسط و طول یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم ط و محله و سکون و او ثانی  
 بامیم آذریون بری قوتیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر نون یا تخانی و آب  
 حکیده خاکستر تنقیص الاء المهمله قوتیر بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی  
 و رخت و ج قوتیر بضم اول و سکون ثانی م قطن تنقیص البسبزم المهمله قوتیر و لوس بضم  
 اول و سکون ثانی و او و اوله و فتح دال و ضم تخانی و سکون و او ثانی و کسبیت  
 که یای زافع خوانند ه کاگ حبکی دشتی قوتایس یونانی بضم اول و سکون ثانی یا قاف  
 ثانی و الف و کسر لام م قور و اما قولامیوس بضم اول و سکون ثانی بالام و الف و  
 کسریم و ضم تخانی و سکون و او ثانی م شجره مریم تنقیص العباد المهمله قوتایس م  
 بفتح اول و ثانی و الف و کسر نون و شکله انه یای مرغان خ ماخوز از مرغان تناف  
 فزیه تنقیص الصاد قوتایس بضم اول و سکون ثانی بانون و الف و گاورس م  
 لندرا تنقیص النون قوتولیدون یونانی بضم اول و ضم ط و محله و سکون هر دو و او  
 و کسر لام و سکون تخانی و ضم دال و سکون و او ثالث م نومی از حی العالم  
 تنقیص التختانی قوتی بضم اول و سکون ثانی و کسر فار و حیوانی است بحر







[illegible]

*[Handwritten header text at the top of the page]*



ماعز و خا کا لفتح بکسر لام و سکون نون و فتح جیم م فاعیه مصلصل کا کوه بفتح لام و واو  
 م ماعز و خا کا لفتح بکسر لام م کد و یا خرو زه نار سیده کا رت بفتح سیم صر جان کا بجهه ه  
 بخفا و نون و فتح جیم ناری و اخطار باف انگینه کا ذوت بسکون و او و فتح نون م کا غز  
 و گویند کرم شب تاب تنقیق التمثالی کا و می بکسر ال هله و گویند بواو ه گل کیوڑ و طح  
 می و ف محلل ه و خوشبو و رفو محل ل روغن بریان کاس می ه بسکون سین هله و فتح  
 سیم و کسر را و هله و دخت هند لیست ه کفیهار کا سینه بفتح سین هله و کسر نون م هند با  
 کا فوری و ف بضم فاد سکون و او و کسر را و هله غم انخوان کا ک ماجی بسکون کات ثانی  
 با سیم و الف ثانی و کسر جیم م غلب الثعلب کا کوئی و ف بضم کات ثانی و سکون و او و  
 کسر فو قانی م سخته کا کفی ه بخفا و نون و ضم کات فارسی و کسر نون ثانی و ف ارزن  
 تنسیق الباع الموحدا و تنقیق الالف کبه بفتح اول موحده و وال هله و ف  
 م کفشیر و حوام ه کویر و گویند سر شیم و در علی یعنی جگر تنقیق الموحده کبه الذیب بفتح  
 اول و کسر ثانی و ضم وال هله و کسر ذال موحده مشد و سکون تخمائی و جگر گرگ ل نیم  
 وزن و ارفل تنقیق الفوقانی کبه ت بکسر اول و سکون ثانی م زنبور عسل کبیر م  
 بکسر اول و سکون ثانی و کسر را و هله و سکون تخمائی و گوگرد ه گندک ه ط م ف  
 لطفت جاذب خ زردناک بن یک رم تا و و در م صلیح بندی ل نمنخ حنه آتش  
 و ز و فتن کبیر و ف بفتح اول و ثانی و سکون سین هله م غنفل ه اندر اس تنقیق انجم کبیکج  
 سرانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تخمائی و فتح کات ثانی م نوعی از کرنس برے  
 بشیر از می و کس میران ه کو انچ ط م ف محلل خ نوس و فو محل ل انچه و تنقیق الال  
 الموهله کبیر م بفتح اول و کسر ثانی و سکون مال هله و مکره کلیا طح و ف مغدی خ  
 از مرغ یا مرغابی جوان و سر کبیر و ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تخمائی م کبهات تنقیق  
 الال و هله کبیر م بفتح اول و سکون ثانی و فتح ذمائی و سکون را و هله م کبیر م کبیر م بفتح

ماعز و خا کا لفتح بکسر لام و سکون نون و فتح جیم م فاعیه مصلصل کا کوه بفتح لام و واو  
 م ماعز و خا کا لفتح بکسر لام م کد و یا خرو زه نار سیده کا رت بفتح سیم صر جان کا بجهه ه  
 بخفا و نون و فتح جیم ناری و اخطار باف انگینه کا ذوت بسکون و او و فتح نون م کا غز  
 و گویند کرم شب تاب تنقیق التمثالی کا و می بکسر ال هله و گویند بواو ه گل کیوڑ و طح  
 می و ف محلل ه و خوشبو و رفو محل ل روغن بریان کاس می ه بسکون سین هله و فتح  
 سیم و کسر را و هله و دخت هند لیست ه کفیهار کا سینه بفتح سین هله و کسر نون م هند با  
 کا فوری و ف بضم فاد سکون و او و کسر را و هله غم انخوان کا ک ماجی بسکون کات ثانی  
 با سیم و الف ثانی و کسر جیم م غلب الثعلب کا کوئی و ف بضم کات ثانی و سکون و او و  
 کسر فو قانی م سخته کا کفی ه بخفا و نون و ضم کات فارسی و کسر نون ثانی و ف ارزن  
 تنسیق الباع الموحدا و تنقیق الالف کبه بفتح اول موحده و وال هله و ف  
 م کفشیر و حوام ه کویر و گویند سر شیم و در علی یعنی جگر تنقیق الموحده کبه الذیب بفتح  
 اول و کسر ثانی و ضم وال هله و کسر ذال موحده مشد و سکون تخمائی و جگر گرگ ل نیم  
 وزن و ارفل تنقیق الفوقانی کبه ت بکسر اول و سکون ثانی م زنبور عسل کبیر م  
 بکسر اول و سکون ثانی و کسر را و هله و سکون تخمائی و گوگرد ه گندک ه ط م ف  
 لطفت جاذب خ زردناک بن یک رم تا و و در م صلیح بندی ل نمنخ حنه آتش  
 و ز و فتن کبیر و ف بفتح اول و ثانی و سکون سین هله م غنفل ه اندر اس تنقیق انجم کبیکج  
 سرانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تخمائی و فتح کات ثانی م نوعی از کرنس برے  
 بشیر از می و کس میران ه کو انچ ط م ف محلل خ نوس و فو محل ل انچه و تنقیق الال  
 الموهله کبیر م بفتح اول و کسر ثانی و سکون مال هله و مکره کلیا طح و ف مغدی خ  
 از مرغ یا مرغابی جوان و سر کبیر و ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تخمائی م کبهات تنقیق  
 الال و هله کبیر م بفتح اول و سکون ثانی و فتح ذمائی و سکون را و هله م کبیر م کبیر م بفتح

ماعز و خا کا لفتح بکسر لام و سکون نون و فتح جیم م فاعیه مصلصل کا کوه بفتح لام و واو  
 م ماعز و خا کا لفتح بکسر لام م کد و یا خرو زه نار سیده کا رت بفتح سیم صر جان کا بجهه ه  
 بخفا و نون و فتح جیم ناری و اخطار باف انگینه کا ذوت بسکون و او و فتح نون م کا غز  
 و گویند کرم شب تاب تنقیق التمثالی کا و می بکسر ال هله و گویند بواو ه گل کیوڑ و طح  
 می و ف محلل ه و خوشبو و رفو محل ل روغن بریان کاس می ه بسکون سین هله و فتح  
 سیم و کسر را و هله و دخت هند لیست ه کفیهار کا سینه بفتح سین هله و کسر نون م هند با  
 کا فوری و ف بضم فاد سکون و او و کسر را و هله غم انخوان کا ک ماجی بسکون کات ثانی  
 با سیم و الف ثانی و کسر جیم م غلب الثعلب کا کوئی و ف بضم کات ثانی و سکون و او و  
 کسر فو قانی م سخته کا کفی ه بخفا و نون و ضم کات فارسی و کسر نون ثانی و ف ارزن  
 تنسیق الباع الموحدا و تنقیق الالف کبه بفتح اول موحده و وال هله و ف  
 م کفشیر و حوام ه کویر و گویند سر شیم و در علی یعنی جگر تنقیق الموحده کبه الذیب بفتح  
 اول و کسر ثانی و ضم وال هله و کسر ذال موحده مشد و سکون تخمائی و جگر گرگ ل نیم  
 وزن و ارفل تنقیق الفوقانی کبه ت بکسر اول و سکون ثانی م زنبور عسل کبیر م  
 بکسر اول و سکون ثانی و کسر را و هله و سکون تخمائی و گوگرد ه گندک ه ط م ف  
 لطفت جاذب خ زردناک بن یک رم تا و و در م صلیح بندی ل نمنخ حنه آتش  
 و ز و فتن کبیر و ف بفتح اول و ثانی و سکون سین هله م غنفل ه اندر اس تنقیق انجم کبیکج  
 سرانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تخمائی و فتح کات ثانی م نوعی از کرنس برے  
 بشیر از می و کس میران ه کو انچ ط م ف محلل خ نوس و فو محل ل انچه و تنقیق الال  
 الموهله کبیر م بفتح اول و کسر ثانی و سکون مال هله و مکره کلیا طح و ف مغدی خ  
 از مرغ یا مرغابی جوان و سر کبیر و ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تخمائی م کبهات تنقیق  
 الال و هله کبیر م بفتح اول و سکون ثانی و فتح ذمائی و سکون را و هله م کبیر م کبیر م بفتح

فان سبب آن سکون که در کتب مذکور است بهین نام طحی ۲۱ مقطع لطیف محل خبستانی است

از رخ او نیم شغال صراط خود و س و گونیکه و خیارل حسب ورق آن بنده و نیکو در  
بفتح اول ضمیمه ثانی و سکون و او فتح وال جمله کمر که کا آرا امیه ای کو چک بخیزد تنیق الف  
کیودن م بصم اول و ثانی و او و مجبوران جمله و الف صیاد و از تنیق الوا و کسبه  
م بصم اول و ثانی و سکون سین جمله ضمیمه فوقانی و سکون و او فتح خطل تنیق الهاء  
کتابه بفتح اول و یا و موحده و خا و با م فاعله و حتم تمس طحی می گویند  
۲۱ بفتح م محل قاضی چینی خوشبوی زبان گزیده من و دو ملک تا نیم در م ص  
سندل و کتاب به سطلی یکم کا هو یا کا کنج میل بوا و وار چینی یا اسرون کسبه و ضمیمه  
اول و ثانی و سکون سین جمله و فتح فوقانی م خطل کسبه م بصم اول و کسبه ثانی و سکون  
تحتانی و فتح وال جمله است گندم و پنج و خبر آن م سا تو تنیق الوا و حله فارسی و  
تنیق السین النعمه کپاس م بفتح اول و موحده فارسی و الف م نبات پنبه تنیق  
الکاف کیوک و بفتح اول و ضمیمه ثانی و سکون و او و کاف ثانی م طایری است که  
بنا جنس خود خنقی کند و اگر احیا تا بر جا خود کیوک جا نور و گیر که نر باشد به بیند و زمان  
ماوه شود و بان زحمت گرد و تنیق التحتانی کیتی و بفتح اول و کسبه ثانی و سکون تحتانی  
م میون تنیق و تنیق التاء الفوقانی کث م کسبه اول سکون فوقانی هندی ع  
غبت الحدید تنیق الخاء المجهله کتخ و بفتح اول و ثانی م قروت و چاشنی و فائق  
تنیق الواح المجهله کث و بفتح اول و ضمیمه ثانی هندی و سکون و او و نون و فتح موحده و طهارا  
و سکون ما و جمله م قسمی از آخر و شتی تنیق الضیق المجهله کتخ و بفتح اول و ثانی م قروت  
و چاشنی و فائق تنیق الکاف کتک و بفتح اول و ثانی م سبب بر و زبان هندی م  
که چون سائیده و آب که محل آنجسته باشند بریزند اثر احصاف کنند تنیق اللهم که ثانی م بفتح اول  
ثانی هندی و طهارا و موحده فندی و الف و فتح و اب طه هندی و سکون لام مشی و ال و ال کث و بفتح

فان سبب آن سکون که در کتب مذکور است بهین نام طحی ۲۱ مقطع لطیف محل خبستانی است  
از رخ او نیم شغال صراط خود و س و گونیکه و خیارل حسب ورق آن بنده و نیکو در  
بفتح اول ضمیمه ثانی و سکون و او فتح وال جمله کمر که کا آرا امیه ای کو چک بخیزد تنیق الف  
کیودن م بصم اول و ثانی و او و مجبوران جمله و الف صیاد و از تنیق الوا و کسبه  
م بصم اول و ثانی و سکون سین جمله ضمیمه فوقانی و سکون و او فتح خطل تنیق الهاء  
کتابه بفتح اول و یا و موحده و خا و با م فاعله و حتم تمس طحی می گویند  
۲۱ بفتح م محل قاضی چینی خوشبوی زبان گزیده من و دو ملک تا نیم در م ص  
سندل و کتاب به سطلی یکم کا هو یا کا کنج میل بوا و وار چینی یا اسرون کسبه و ضمیمه  
اول و ثانی و سکون سین جمله و فتح فوقانی م خطل کسبه م بصم اول و کسبه ثانی و سکون  
تحتانی و فتح وال جمله است گندم و پنج و خبر آن م سا تو تنیق الوا و حله فارسی و  
تنیق السین النعمه کپاس م بفتح اول و موحده فارسی و الف م نبات پنبه تنیق  
الکاف کیوک و بفتح اول و ضمیمه ثانی و سکون و او و کاف ثانی م طایری است که  
بنا جنس خود خنقی کند و اگر احیا تا بر جا خود کیوک جا نور و گیر که نر باشد به بیند و زمان  
ماوه شود و بان زحمت گرد و تنیق التحتانی کیتی و بفتح اول و کسبه ثانی و سکون تحتانی  
م میون تنیق و تنیق التاء الفوقانی کث م کسبه اول سکون فوقانی هندی ع  
غبت الحدید تنیق الخاء المجهله کتخ و بفتح اول و ثانی م قروت و چاشنی و فائق  
تنیق الواح المجهله کث و بفتح اول و ضمیمه ثانی هندی و سکون و او و نون و فتح موحده و طهارا  
و سکون ما و جمله م قسمی از آخر و شتی تنیق الضیق المجهله کتخ و بفتح اول و ثانی م قروت  
و چاشنی و فائق تنیق الکاف کتک و بفتح اول و ثانی م سبب بر و زبان هندی م  
که چون سائیده و آب که محل آنجسته باشند بریزند اثر احصاف کنند تنیق اللهم که ثانی م بفتح اول  
ثانی هندی و طهارا و موحده فندی و الف و فتح و اب طه هندی و سکون لام مشی و ال و ال کث و بفتح

فان سبب آن سکون که در کتب مذکور است بهین نام طحی ۲۱ مقطع لطیف محل خبستانی است

اول و سکون ثانی ہندی و فتح لام مہورہ ہندست شائبہ شکیفہ تنیق الیم کہ فتح اول ثانی و  
 سکون جیم و مہر یعنی ورق نیل تختی النون کتان لفتح اول ثانی و الف لہی سکت کتان و فتح  
 اول و کسر ثانی باراء مہملہ و الف ع قطران تنیق الیم و کتوت لفتح اول و ضم ثانی  
 و سکون و ادم طائرست سنگزار و ضم اول غورہ پندہ تنیق النحانی کتانی ہد بفتح  
 اول و ثانی ہندی و الف و کسر ہمزہ و دانی مشورہ ہندی است کہ گل اور البقار  
 گل خار گویند کنگلی ہضم اول و سکون ثانی ہندی و کسر کات ثانی م خریق استودق  
 الشاء المثلثہ و تنیق الیم کثیر بفتح اول و کسر شلثہ و سکون تحتانی باباء مہملہ  
 و الف ہ کہ تہیر اطہم ق مقوی تہی مسکن خ سفید پاک ش نیم شقال تا یک و رم  
 ہن انیسون یا کرس ل صنیع عربی یا ایدام با سوز و اندک و تنیق العیز المہملہ  
 کثیر الاضلاع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم راہ مہملہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون ضاد  
 سجمہ بالیم و الف کاد زبان تنیق اللام کثیر لاجل بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم راہ  
 مہملہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون راہ مہملہ و فتح جیم بسفنج فتح تنیق الیم کثیر بفتح  
 اول و ثانی و الف و الظہار ادم مخمخ و تنیق الیم الفارسی فتح اول و سکون جیم  
 م ابرشم و دایہ ہر تنیق الیم کثیر بفتح اول و ثانی و سکون کات و شیع کہ شبیر  
 قصبہ گویند تنیق الیم کثیر بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام و ضم راہ مہملہ و تنیق  
 و تنیق الیم الفارسی کثیر بفتح اول و سکون جیم فارسی م نکوس لای ہ کہ کثیر تنیق الیم  
 کثیر بفتح اول و سکون ثانی فارسی بانوں و الف م و خست ہندست کہ بار بار غوانی  
 وارد و شکوفہ اش ناخوشت کجور بفتح اول و ضم ثانی فارسی و سکون و ادم زربا و تنیق  
 مچلون ہضم اول و سکون ثانی فارسی و ضم لام و واو مجمل و زربا و تنیق الیم  
 المہملہ و تنیق الیم کثیر بفتح اول و سکون راہ مہملہ لام و الف و لغت اول و کسر  
 مہملہ و سکون تحتانی و لغت ثانی م اشہی است مشہر کہ لسان و شکار تنیق السین المہملہ  
 مصل فارسی ہضم اول و سکون ثانی و کسر لام بانا و الف و راہ مہملہ و سکون سین مہملہ

مہملہ و سکون ثانی ہندی و فتح لام مہورہ ہندست شائبہ شکیفہ تنیق الیم کہ فتح اول ثانی و

مہملہ و سکون ثانی ہندی و فتح لام مہورہ ہندست شائبہ شکیفہ تنیق الیم کہ فتح اول ثانی و  
 سکون جیم و مہر یعنی ورق نیل تختی النون کتان لفتح اول ثانی و الف لہی سکت کتان و فتح  
 اول و کسر ثانی باراء مہملہ و الف ع قطران تنیق الیم و کتوت لفتح اول و ضم ثانی  
 و سکون و ادم طائرست سنگزار و ضم اول غورہ پندہ تنیق النحانی کتانی ہد بفتح  
 اول و ثانی ہندی و الف و کسر ہمزہ و دانی مشورہ ہندی است کہ گل اور البقار  
 گل خار گویند کنگلی ہضم اول و سکون ثانی ہندی و کسر کات ثانی م خریق استودق  
 الشاء المثلثہ و تنیق الیم کثیر بفتح اول و کسر شلثہ و سکون تحتانی باباء مہملہ  
 و الف ہ کہ تہیر اطہم ق مقوی تہی مسکن خ سفید پاک ش نیم شقال تا یک و رم  
 ہن انیسون یا کرس ل صنیع عربی یا ایدام با سوز و اندک و تنیق العیز المہملہ  
 کثیر الاضلاع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم راہ مہملہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون ضاد  
 سجمہ بالیم و الف کاد زبان تنیق اللام کثیر لاجل بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم راہ  
 مہملہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون راہ مہملہ و فتح جیم بسفنج فتح تنیق الیم کثیر بفتح  
 اول و ثانی و الف و الظہار ادم مخمخ و تنیق الیم الفارسی فتح اول و سکون جیم  
 م ابرشم و دایہ ہر تنیق الیم کثیر بفتح اول و ثانی و سکون کات و شیع کہ شبیر  
 قصبہ گویند تنیق الیم کثیر بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام و ضم راہ مہملہ و تنیق  
 و تنیق الیم الفارسی کثیر بفتح اول و سکون جیم فارسی م نکوس لای ہ کہ کثیر تنیق الیم  
 کثیر بفتح اول و سکون ثانی فارسی بانوں و الف م و خست ہندست کہ بار بار غوانی  
 وارد و شکوفہ اش ناخوشت کجور بفتح اول و ضم ثانی فارسی و سکون و ادم زربا و تنیق  
 مچلون ہضم اول و سکون ثانی فارسی و ضم لام و واو مجمل و زربا و تنیق الیم  
 المہملہ و تنیق الیم کثیر بفتح اول و سکون راہ مہملہ لام و الف و لغت اول و کسر  
 مہملہ و سکون تحتانی و لغت ثانی م اشہی است مشہر کہ لسان و شکار تنیق السین المہملہ  
 مصل فارسی ہضم اول و سکون ثانی و کسر لام بانا و الف و راہ مہملہ و سکون سین مہملہ

مہملہ و سکون ثانی ہندی و فتح لام مہورہ ہندست شائبہ شکیفہ تنیق الیم کہ فتح اول ثانی و



م از روت تنسيق اللام محل م بضم اول وسكون ثانى ف سر سه ما نحن تنسيق النون  
محل جولان م بفتح حاء محل ثانى و د و او لام و الف م خفض محل السوان م بفتح سين  
محل مشد و وسكون و او و ا و ال محل و الف م ثمنينج م با كسو تنسيق الحاء المعجمة  
و تنسيق الجيم كنج ف بضم اول وسكون فاء معجمة جيم م كيا هي ست كاز و جار و ب سا زنه  
تنسيق الحاء المعجمة كنج ف بضم اول وسكون خاء معجمة م كيا ه لومج تنسيق الال المهملة  
و تنسيق الحاء المعجمة كدى تلخ ف بفتح اول و ضم وال محل و د و ا و مجهول و تحتائى  
مجهول و فتح فوقانى وسكون لام م تونبرى تنسيق الراء المهملة كند بفتح اول  
و ثانى وسكون راء محل م كادى م كيو ثا ط ب عا ق سكون م ثك شقال  
مناب ل شربت فواكه و صندل تنسيق الميم كد ر م ف بضم اول وسكون ثانى و  
ضم راء محل م غلا ايت مانند رزن كه اكثر در پنج نارباشد كه م بفتح اول و ثنائى  
م و تحت هند است كه گلش زرد مشابه است بلكه كزك و كوى خور و تنسيق النون  
كه دغى شيرين ف بفتح اول و ضم ثانى و او مجهول و تحتائى مجهول و كسر شين معجمه  
سكون تحتائى ثنائى و كسر راء محل و سكون تحتائى ثالث م فسر تنسيق الهاء كد بفتح  
بفتح اول وسكون ثانى و فتح موحده يوست خزنه تنسيق الهاء المهملة تنسيق  
الالف كراه بضم اول بار و محل و الف و تحت لسان العصاره كرا كاف بفتح اول  
و ثانى و الف با كاف ثانى م پودنه م سلوى كرا كاف بفتح اول و ثانى و فتح كاف ثانى  
و راء محل ثانى م زاع كرا كاف بفتح اول وسكون ثانى با موحده فارسي و كيا هي است  
كآن را بلند و زگو نيد كره بضم اول بفتح اول وسكون ثانى و فتح ميم و موه و طينه با مفتح  
موحده وسكون تحتائى با ضا و معجمه م فاشتر كره سه موحده بفتح سين محل و سكون و لام  
با و ال محل م فاشترين كره ثنائى بفتح اول و ثانى وسكون نون با موحده م كلم عرب الباء  
ع بفتح اول وسكون ثانى و فتح نون و ضم موحده وسكون لام با ميم و الف موحده





فاعلم ان  
 الفتح هو  
 ما قبل  
 الهمزة  
 في كل  
 كلمة  
 من كل  
 لغة  
 واما  
 الضم  
 فهو  
 ما قبل  
 الهمزة  
 في كل  
 كلمة  
 من كل  
 لغة  
 واما  
 الكسرة  
 فهي  
 ما قبل  
 الهمزة  
 في كل  
 كلمة  
 من كل  
 لغة

بفتح اول و ثانی م کراف و بسکون ثانی م ماکیان و کبک و سرطان و بضم اول  
 و سکون ثانی م بشیم نرمی که از بن موسی بنزد و آنرا بشانه آورده بر سینه و شال و  
 امثال آن بیافند کریشک و کبک اول و ثانی و تحتانی مجهول و فتح شین مجهم م جوزة  
 صرخ تنبیه الکاف الفارسی کرگ و بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی م کرگ  
 گنید تنبیه اللام کریم بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و لام نبات بفتح  
 خا و دارت برک که مراد او رهند منیت گویند بکسر فوقانی هندی و تحتانی و خا و نون  
 و فوقانی هندی ثانی و از و اچار سازند تنبیه الهم کریم و بضم اول و سکون ثانی و بضم  
 کاف ثانی م زعفران کریم بفتح اول و سکون ثانی و ز و و رخت اگوست ط ۷ م ط  
 قاضی بستانانی ص کنیز او صمغ عربی م اشکر و بفتح ثانی و کلمه کروش الغنم بضم اول  
 ثانی و سکون و او و ضم شین مجهم و سکون لام و فتح غین مجهم و نون م قرنیون  
 تنبیه النون کریمین بفتح اول و سکون ثانی و کسر و ال مهمل و سکون تحتانی و کسر  
 نام م نوعی از سیسایبوس کرکر و بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و ضم  
 و ا و مهمل ثانی و او و مجهول و فتح هـ م سکت المسک مرکبی است ط ۷ ی ۲ کرکرین بر  
 بفتح هر دو کاف و سکون هر دو و ا و مهمل و فتح هـ م عاقر قرقس کاکریون رومی بفتح اول و سکون  
 ثانی و ضم تحتانی و سکون و او و م قنطوریون و قیق تنبیه الواو و کرباسو و کرباسو بفتح  
 اول و سکون ثانی با موحده و الف و ضم سین مهمل و سکون و او و لغت اول و فتح  
 موحده و ضم سین مهمل و لغت دوم م جانو و یلیاسه کریم بفتح اول و سکون ثانی و  
 فتح جیم و ضم فام طائر پودنه کر و بفتح اول و ضم ثانی م پرده سفید عنکبوت که در  
 بینه نمد کرکر بفتح هر دو کاف و سکون هر دو و ا و مهمل و ضم هـ م عاقر قرقس حاتمی الهاء  
 کرباسه و کرباسه بفتح اول و سکون ثانی با موحده و الف و فتح سین مهمل و لغت اول  
 و فتح موحده و لغت ثانی م چلیاسه کریم بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی

و در هر کلمه که در این کتاب است باید که این قواعد را در نظر داشت

در سکون تحتانی و فتح نون م پرده سفید عنکبوت که بر آن بینه نهد که سینه م بفتح اول و

سکون ثانی و فتح سین م و نون ف کنگ ۵ مثر و کرا و و کا و ط ۴ اگو نید ۳ ی ۲  
 قی مجلی شتی ۴ و شقی یا مصری سفیدش و در رم ص شاه بلوطل و و وزن آن لوبیا  
 اگر کیسه بفتح اول و سکون ثانی و فتح کات ثانی و کسر نیم و سکون تحتانی و فتح  
 سین م ط ۴ گلی ست خوشبو که بیشتر در کوه الوند شود که دانه بکسر اول و سکون ثانی  
 و نیم با دال م ط ۴ و الف و فتح نون م نوعی از تخم باور لئون ط ۴ ی ۲ ق بجهف ۴ سیاه  
 بزرگ بش و دو انگ م ص صغ و کثیر ال سعد و لفظل کریمه شایکه بفتح اول و سکون ثانی  
 و فتح سیم و مجمره لمینه یا شمین مجمه و الف و کسر نیم ثانی و فتح کات ثانی م فشاخ کره ۴  
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون ف تیخ کرد یا فارسیه و شامیه و جلیه بضم اول و ثانی  
 و سکون و او با تحتانی و الف و کسر مجزه با ف و الف ثانی و او و ط ۴ ثانی و کسر سین م ط ۴  
 و فتح تحتانی و شد و ثانی و فغا یا شین مجمه الف ثالث و کسر نیم و فتح تحتانی و شد  
 ثالث و فتح جیم و موحده و کسر لام و فتح تحتانی و شد و الف م موزا المکره فنه بفتح اول و  
 ثانی م سکه و پرده سفید عنکبوت که بر آن بینه نهد تنبیه التحتانی که ثانی مجلی ۴ جیم  
 اول با ثانی و شد و الف و کسر شمشه و فتح جیم و موحده و کسر لام م و اسیون کریمه ع  
 بضم اول و سکون ثانی و کسر کات ثانی و فتح کات ثانی و کسر کات ثانی و کسر کات ثانی و کسر کات ثانی  
 پس از چند روز بنزدیک که و باز برگردم کریمه کاتی و فتح اول و ثانی و سکون نون با کا  
 ناری و الف و کسر نون ثانی م نوعی از انگو تنسلیق الراء المعجمه و تنبیه الالف کزاف  
 بفتح اول و سکون نون و الف و کسر نون م نوعی از ریب اس تنبیه المعجمه کزاف  
 بضم اول و سکون نون و الف و کسر نون م نوعی از ریب اس تنبیه المعجمه کزاف  
 بضم اول و سکون ثانی و کسر نون م و فتح را و معایه و ضم فوقانی و سکون لام و کسر  
 موحده ثانی و سکون تحتانی و کسر نون م و فتح را و معایه و ضم فوقانی و سکون لام و کسر

در سکون تحتانی و فتح نون م پرده سفید عنکبوت که بر آن بینه نهد که سینه م بفتح اول و  
 سکون ثانی و فتح سین م و نون ف کنگ ۵ مثر و کرا و و کا و ط ۴ اگو نید ۳ ی ۲  
 قی مجلی شتی ۴ و شقی یا مصری سفیدش و در رم ص شاه بلوطل و و وزن آن لوبیا  
 اگر کیسه بفتح اول و سکون ثانی و فتح کات ثانی و کسر نیم و سکون تحتانی و فتح  
 سین م ط ۴ گلی ست خوشبو که بیشتر در کوه الوند شود که دانه بکسر اول و سکون ثانی  
 و نیم با دال م ط ۴ و الف و فتح نون م نوعی از تخم باور لئون ط ۴ ی ۲ ق بجهف ۴ سیاه  
 بزرگ بش و دو انگ م ص صغ و کثیر ال سعد و لفظل کریمه شایکه بفتح اول و سکون ثانی  
 و فتح سیم و مجمره لمینه یا شمین مجمه و الف و کسر نیم ثانی و فتح کات ثانی م فشاخ کره ۴  
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون ف تیخ کرد یا فارسیه و شامیه و جلیه بضم اول و ثانی  
 و سکون و او با تحتانی و الف و کسر مجزه با ف و الف ثانی و او و ط ۴ ثانی و کسر سین م ط ۴  
 و فتح تحتانی و شد و ثانی و فغا یا شین مجمه الف ثالث و کسر نیم و فتح تحتانی و شد  
 ثالث و فتح جیم و موحده و کسر لام و فتح تحتانی و شد و الف م موزا المکره فنه بفتح اول و  
 ثانی م سکه و پرده سفید عنکبوت که بر آن بینه نهد تنبیه التحتانی که ثانی مجلی ۴ جیم  
 اول با ثانی و شد و الف و کسر شمشه و فتح جیم و موحده و کسر لام م و اسیون کریمه ع  
 بضم اول و سکون ثانی و کسر کات ثانی و فتح کات ثانی و کسر کات ثانی و کسر کات ثانی و کسر کات ثانی  
 پس از چند روز بنزدیک که و باز برگردم کریمه کاتی و فتح اول و ثانی و سکون نون با کا  
 ناری و الف و کسر نون ثانی م نوعی از انگو تنسلیق الراء المعجمه و تنبیه الالف کزاف  
 بفتح اول و سکون نون و الف و کسر نون م نوعی از ریب اس تنبیه المعجمه کزاف  
 بضم اول و سکون نون و الف و کسر نون م نوعی از ریب اس تنبیه المعجمه کزاف  
 بضم اول و سکون ثانی و کسر نون م و فتح را و معایه و ضم فوقانی و سکون لام و کسر  
 موحده ثانی و سکون تحتانی و کسر نون م و فتح را و معایه و ضم فوقانی و سکون لام و کسر

۴ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

بضم اول وفتح ثانی والفت و غین معجمه و لغت اول سکون زو معجمه و لغت ثانی و  
اشق تنقیص الفاکز و بفتح اول و ثانی م قیر هـ ال تنقیص النون کز و ان کز اول  
سکون ثانی و و او و الف م با و ز نویه تنقیص الهاء کز بر هـ م بضم لعل و سکون ثانی و کسر  
سوجه و فتح را و هـ و کسینیه هـ م را و هـ نیا ط ترا و ب و و خشک ا و ب ا ی ا ق ن و ا و  
م و و خشک ا و ستوی دل حابس خون خ بستانی تازه فریش از خشک ا و یخده م  
ص مصل تنقیص الزاء الفارسی و تنقیص الالف کز فا و کز کا و فتح اول و سکون ز و  
فارسی با غین معجمه و الف و لغت اول و کان قدسی و لغت ثانی م غز کا و تنقیص  
الراء للهمله کز و و بفتح اول و ضم ثانی فارسی و سکون و ا و م ز ر با و تنقیص  
الزاه الفارسی کز و بفتح اول م کج کسسه است از ا بر شیم زبون هـ ثمر تنقیص الهم کز  
ف بضم اول و سکون ثانی فارسی و ع شجرة ابق تنقیص النون کز و ز خون و بفتح اول  
سکون فارسی و فتح فوقانی و سکون را و هـ و ضم خا و معجمه و سکون و ا و ع عا و قمر حـ  
تنقیص الراء کز فا و کز کا و و بفتح اول سکون ثانی با غین معجمه و الف و و او و هـ و و  
لغت اول و کان فارسی و لغت ثانی م کز کا و تنقیص الهاء کز ا و ت بفتح و ثانی فارسی  
و الف و فتح فوقانی م پله ا بر شیم کز و م خا و و بفتح لعل سکون ثانی فارسی و ضم دل  
محل و سکون سیم و ضم خا و معجمه با و او و معد و و الف و فتح را و هـ م جا و زیست و در ریای  
خو رستان که چون بر او و و و م خود بر زمین کشد و بر هر که زخم زند که سازه و تنقیص السین  
اللهمله و تنقیص الالف کسلیاف بفتح اول و کسین هـ و و تخانی محموله بالام و الف  
و و فوج است هندی کسلیا کسلیط ح ای گویند مع ح ر ق مغری خ باریک مایل بسره  
شیر و م گویند نیم شقال ص کثیر ایچم کز نسل معاش تنقیص اللوحه کسین و بضم  
اول سکون ثانی و و و و و کز کز و تنقیص الهم کسین و بفتح اول و سکون ثانی و  
فتح موحده فارسی و را و هـ م م را و یه تنقیص الراء للهمله کز بضم اول سکون ثانی

فصل زامجه







ماهی است که مانند سقنقور بغایت سهی است ع سکه الصید تنقیق الال المهمله کف  
الماسد سکون لام وفتح جهمه وین معلوم و طینیا کفر الیه وفتح اول ثانی وضم راد معلوم و  
سکون لام وفتح تخانی وضم باو سکون واوم قف الیه و تنقیق الال المهمله کف شیف بفتح  
اول و سکون ثانی و کسرین معجمه سکون تخانی و اروی کاز و نقره و دیگر فلزات بدان  
پیوند کنند تنقیق الال المعجمه کف طینیا بفتح اول سکون ثانی وفتح جیم فارسی و کسر لام و تخانی  
مجموع اول و ثانی معجمه مجهولی است آبی که سرد تنه مدور دارد و ضم باریک خرد و عموص و  
وغا میص جمع آن تنقیق السین المهمله کف نقاس بفتح اول سکون ثانی و الف وضم قاف  
و سکون سین معلوم و فلی که تنقیق العین المهمله کف الضبع بفتح ضا و معجمه مشد وضم  
موسعه م بیکج تنقیق الفاء کف بفتح اول م بقله الحقا تنقیق الکاف کف یک و ف بفتح  
اول سکون ثانی وفتح جیم فارسی و کسر لام و تخانی مجهول وفتح زاز معجمه و عموص تنقیق الال  
کف طینیا و ف بفتح اول و سکون ثانی وفتح جیم فارسی و خفاد او وضم نون و واو مجهول م مری  
است که تبرکی ناسق بدان گویند تنقیق الهاء کف طینیا و ف بفتح اول سکون ثانی وفتح جیم  
فارسی و کسر لام و تخانی مجهول وفتح زاز معجمه م لفظی که تنقیق القاف کف فی بضم اول سکون  
ثانی و کسر لام معلوم جهری ف پوست بهما خراخه خوشبو تنقیق الکاف و تنقیق الال  
کف زاز بضم اول و سکون ثانی با او معلوم بنی ف خروس لکرونداه بضم اول و سکون  
و فتح لام و سکون واو و خفاد نون بدل معلوم کافز لکرونداه بفتح اول وضم ثانی و واو مجهول  
با او معلوم نبات هندی است که قمرش بعر و س پرده نماید و بخش که کثول تنقیق الشین المعجمه  
ککش و یکیش و بفتح اول کسر ثانی و سکون شین و معجمه ر لفت اول و کسر اول و تخانی  
مجهول و کسر کاف ثانی و تخانی مجهول ثانی و ر لفت ثانی م تازیک تنقیق الکاف کف و ف  
بفتح اول سکون کاف ثانی نالی که از آرد خشک بنزد مکتب و گیاه زانیه گویند و بضم اول م  
نالی که از تخم کون باز زانده باشد تنقیق الهاء کف و ف بفتح اول سکون ثانی وفتح جیم فارسی

صباون - صباون

فصل فی دوا

فصل عین

وہو

عبدالمجید

میرزا حسن

۵ مصراعہ ہر دو

فضل صاحب الجواهر شاهین از سر شکرگام خیزد شکار ماسفیدان شویبا شکر م

و خفا هم غیره انه تنقیح التختانی کثر استیکه هفتج اول و سکون ثانی بار اول و الف ثانی  
 سین جمله و خفا نون و کسر کاف ثالث هم دوا هند لیست گکرمی هفتج اول و سکون  
 ثانی و کسر راء جمله هندی ف خیا و راز و بضم ا و الف ماکیان تلسیق اللام و تنقیح الالف  
 کلا ف بفتح اول لام و الف هم و زع و غوک کلیات بکسر اول و سکون ثانی با تختانی هم شخار  
 ه ساجی کلینده هفتج اول کسر ثانی و تختانی و خفا نون بار اول و الف هم و تریزه تنقیح  
 کلکیوان جف بکسر اول ثانی و تختانی مجهول بار اول و الف هم و غلیو از تنقیح الحاء المهمله  
 کلم بکسر اول و سکون ثانی ف بیرزد کمر و بفتح اول و سکون ثانی و ضم هم و سکون و اوم راء  
 تنقیح ال بال المهمله کلون امر و دت بضم اول ثانی و سکون و لو و فاج هم و فتح همزه و سکون هم  
 و ضم راء جمله و ا و مجهول ثانی هم نوعی از امر و تنقیح الحاء المهمله کلا و ف بفتح اول و ثانی  
 و الف و فتح و ا و سکون راء جمله و ر ع کلا هفتج اول ثانی و مشد و اظهار بار و الف  
 هم کل کنول تنقیح الناء المعجمه کلوز ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون و اوم غوره پنبه شگفته  
 کلنز ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تختانی هم زبور تنقیح الذاء العاصی کلوز ف بفتح  
 و ضم اول و سکون ثانی و ضم سیم و سکون و اوم چلیاسه تنقیح السین المهمله کلس  
 بکسر اول و سکون ثانی ف ابک هم توره ه چونه تنقیح الشین المعجمه کلاس ف بفتح اول و  
 ثانی بالالف هم کبوت و فنج آنرا کلاش خانه گوید کلا گوش ف بفتح اول لام الف و  
 سکون کاف فارسی و ضم هم و سکون و اوم موش و شنی تنقیح الفین المعجمه کلا و ف  
 بفتح اول و سکون ثانی و الف هم نلاغ هم کرا ل و کاک و کوا کلمز ف بفتح اول و ثانی و ضم  
 سیم و سکون راء جمله نوعی از کسر که بر سرش پرباشد تنقیح الفاء کلنا و ه بفتح  
 اول و سکون ثانی بانون و الف هم کزیه تنقیح الکاف کلکنک بکسر اول و سکون ثانی و فتح  
 کاف ثانی و سکون نون هم خزیه کلک ف بفتح اول و ثانی هم کوف و بوم و خزیه ندر سید  
 و غوره پنبه ناشگفته و کا و شین زرجوان و بضم اول و سکون ثانی هم شمر زمی که ازین سوز

[illegible]



نصف نسیف

[illegible]

۲۸۱



واو و کسرون و ضم حاء ممله و سکون لام م امیون تنمیق الهمزة کتبی ف یفتح اول و  
 ثانی و سکون تسکین و فتح جیم فارسی م کرم شتاب تنمیق النحانی کثیری م یضم اول و  
 ثانی مشدود و سکون مثله و راه ممله و الف مقصورة ف امر و ط م م گویند ب سا  
 گویند ب ای ۲ ق فایض و مفتح و مقوی دل خ شاه امر و دش از شراب او یک و قیه  
 ص ماو اصل ل سفر جل کون ارنی یفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و کسرون و فتح  
 همزه و سکون راه ممله و فتح تیم و کسرون ثانی م کرد با کون برسی یفتح موحده و کسرا و  
 ممله مشدود م شایسته کون حبشی یفتح حاء ممله و موحده و کسرتین حجه م کون بر  
 تنمیق النون و تنمیق الالف کتبیلله یفتح اول و سکون نون و کسرت موحده و سکون  
 تحتانی باللام و الف تم قبل تنمیق الموحده کتب ف یفتح اول و ثانی و سکون موحده  
 م بنگ هه بباک و بجای و گویند در فارسی رسیانی است که از پوست نبات کتان  
 بپا بند و یضم اول نوعی از خیار تنمیق الجیم کتبی ف یفتح اول و سکون ثانی تم قروت تنمیق  
 اللال الممله کتبی ف یفتح اول و سکون ثانی و وال همای شکر که معربان فندست و  
 بزبان هندی پنج هر جز کتبی ف یفتح اول و سکون ثانی و فتح کات فارسی و سکون راه  
 ممله و زار معجزه و آنرا کنگری نیز گویند و آن یضم کنگرست ط ۷ را گویند ب ق مفتح  
 تنمیق الهمله کتبی ف یضم اول با ثانی و الف ع سدره بیر کتبی ف یضم اول و  
 سکون ثانی و الف ه کمل کتبی ف یضم اول و سکون ثانی و ضم وال ممله مصطلک و گویند  
 لبان ط ۲۶ ی گویند م ق مدخل مخدر فایض منشی و مقوی و یاغ و معده و حاکس  
 خون خ سفید گرد و شب نیم درم ص اند با عتاب ل مصطلک یا بمن کتبی ف  
 یفتح اول و سکون ثانی و فتح کات فارسی م حشفت که اکثر در کوه با شیار وید و کتبی ف  
 خاناک بود و آنرا بیشتر با صفت بخورند و یضم اول و کات فارسی م باز یوم کتبی ف یفتح  
 اول و ثانی و سکون تحتانی و خزر م تنمیق الهمله کتبی ف یفتح اول و

کتبی ف یفتح اول و سکون ثانی و فتح کات فارسی م حشفت که اکثر در کوه با شیار وید و کتبی ف  
 خاناک بود و آنرا بیشتر با صفت بخورند و یضم اول و کات فارسی م باز یوم کتبی ف یفتح  
 اول و ثانی و سکون تحتانی و خزر م تنمیق الهمله کتبی ف یفتح اول و

کتبی ف یفتح اول و سکون ثانی و فتح کات فارسی م حشفت که اکثر در کوه با شیار وید و کتبی ف







تتمتع فوقانی و اظہار ہا در لغت ثانی جانوریت مانند گوزن کہ با نطور خالها بر پشتش

روی آن شبیه برومی گوزن شاخ شاخ شود و ہا و ہمی تنہی الفوقانی گوشت و بفتح  
 اول ثانی و سکون سین مملوہ فوقانی غم خطل تنہی الجیم کوچ و بفتح اول و ثانی و جیم ع  
 صغ تنہی الجیم الفارسی کوچ و بضم اول ثانی مجهول و جیم فارسی م جانو بوجم تنہیق  
 الہال المہملہ کو ژ و ف بضم اول و ثانی مجهول و شخ زاو فارسی م کندیہ و آن صغ  
 و خت پر فارسی ست کہ عبری آزا شا کہ خوانند خ سفید مائل بز روی کو شا و بفتح اول و  
 سکون ثانی باشین معجمہ الف بختل یا تنہیق الہاء المہملہ کو ارف بضم ثانی و الف م  
 گندہ اکو بدارہ بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده بارال مملو و الف م کسے از پنجاہ است  
 کو بر بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده فم فحل کو ترف بفتح اول و سکون ثانی و شخ  
 فوقانی کبوتر کو ترف بفتح اول و ثانی م کبر کہ ازان اچار سازند کو کو بضم اول و ثانی مجهول  
 و راد مملوہ و ضم کات ثانی و و او مجهول ثانی م غلیو اج کو کتارف بضم اول و ثانی مجهول و سکون  
 کات ثانی بانون و الف نام خشخاش ہوست و چو ترف تنہیق الزاوا المعجمہ کو ژ و ف بفتح  
 اول و ثانی و سکون راد مملوہ و و او معجمہ م سیرہ کہ کو ترف بضم اول و ثانی مجهول م قتل تنہیق  
 الفاء الفارسی کو ترف بکسر اول و ثانی م میوہ است سرخ رنگ کہ ہش از زمین شورہ  
 و دیدم از و ف تنہیق الشہن المعجمہ کو ترف بضم اول و ثانی مجهول و سکون راد مملوہ و ضم  
 سیم و سکون و او و شین معجمہ چیمہ ندر تنہیق الصاد المعجمہ کو کب الارض بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح کات ثانی و ضم موحده و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون راد مملوہ و صاد معجمہ م طلق  
 تنہیق العید المہملہ کو ارجع بفتح اول و ثانی بالف و کسر راد مملوہ و سید و پایچیمہ  
 تنہیق الفاء کو الف بفتح اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون قاف باراد و کو ترف بضم  
 اول و سکون ثانی م چند تنہیق الکاف کو حک بفتح اول و ثانی و سکون خا و معجمہ  
 م خورہ اگر کو کف بضم اول و ثانی مجهول م ترہ کا ہر جس کو حک بضم اول و ثانی

تتمتع فوقانی و اظہار ہا در لغت ثانی جانوریت مانند گوزن کہ با نطور خالها بر پشتش  
 روی آن شبیه برومی گوزن شاخ شاخ شود و ہا و ہمی تنہی الفوقانی گوشت و بفتح  
 اول ثانی و سکون سین مملوہ فوقانی غم خطل تنہی الجیم کوچ و بفتح اول و ثانی و جیم ع  
 صغ تنہی الجیم الفارسی کوچ و بضم اول ثانی مجهول و جیم فارسی م جانو بوجم تنہیق  
 الہال المہملہ کو ژ و ف بضم اول و ثانی مجهول و شخ زاو فارسی م کندیہ و آن صغ  
 و خت پر فارسی ست کہ عبری آزا شا کہ خوانند خ سفید مائل بز روی کو شا و بفتح اول و  
 سکون ثانی باشین معجمہ الف بختل یا تنہیق الہاء المہملہ کو ارف بضم ثانی و الف م  
 گندہ اکو بدارہ بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده بارال مملو و الف م کسے از پنجاہ است  
 کو بر بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده فم فحل کو ترف بفتح اول و سکون ثانی و شخ  
 فوقانی کبوتر کو ترف بفتح اول و ثانی م کبر کہ ازان اچار سازند کو کو بضم اول و ثانی مجهول  
 و راد مملوہ و ضم کات ثانی و و او مجهول ثانی م غلیو اج کو کتارف بضم اول و ثانی مجهول و سکون  
 کات ثانی بانون و الف نام خشخاش ہوست و چو ترف تنہیق الزاوا المعجمہ کو ژ و ف بفتح  
 اول و ثانی و سکون راد مملوہ و و او معجمہ م سیرہ کہ کو ترف بضم اول و ثانی مجهول م قتل تنہیق  
 الفاء الفارسی کو ترف بکسر اول و ثانی م میوہ است سرخ رنگ کہ ہش از زمین شورہ  
 و دیدم از و ف تنہیق الشہن المعجمہ کو ترف بضم اول و ثانی مجهول و سکون راد مملوہ و ضم  
 سیم و سکون و او و شین معجمہ چیمہ ندر تنہیق الصاد المعجمہ کو کب الارض بفتح اول و سکون  
 ثانی و فتح کات ثانی و ضم موحده و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون راد مملوہ و صاد معجمہ م طلق  
 تنہیق العید المہملہ کو ارجع بفتح اول و ثانی بالف و کسر راد مملوہ و سید و پایچیمہ  
 تنہیق الفاء کو الف بفتح اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون قاف باراد و کو ترف بضم  
 اول و سکون ثانی م چند تنہیق الکاف کو حک بفتح اول و ثانی و سکون خا و معجمہ  
 م خورہ اگر کو کف بضم اول و ثانی مجهول م ترہ کا ہر جس کو حک بضم اول و ثانی

تتمتع فوقانی و اظہار ہا در لغت ثانی جانوریت مانند گوزن کہ با نطور خالها بر پشتش

ثانی مجهول و کسر کاف ثانی و فتح لام م غوره نسیه شگفته تنسيق اللام کو پل و بضم اول و  
 ثانی مجهول و فتح موحده فارسی و سکون لام م شگفته کول و بضم اول و ثانی مجهول و  
 جانو بوم و فتح اول و ثانی بزبان هندی م نیلوفه تنسيق المبع کولم بفتح اول و سکون ثانی  
 و فتح لام م فلفل کو تم و بضم اول و ثانی مجهول و فتح باکیا بی است که در زمین سدا  
 روید و بیج آن شبیه ریج نی باشد تنسيق النون کو کن و بضم اول و ثانی مجهول و فتح  
 کاف ثانی م چند غله نیست کو مین و بضم اول و ثانی مجهول و کسر با و سکون تحتانی  
 م کو هم تنسيق الواو کو دوه و بضم اول و ثانی مجهول و ضم مال معله م غله است هند  
 کو کو و بضم اول و ثانی مجهول و ضم کاف ثانی م خاکبینه تنسيق الهاء کو اره و بفتح اول و  
 ثانی و الف و فتح را و معله م خانه زنبور کو آنچه بکسر اول با ثانی و الف و خفاء نون و فتح جیم  
 فارسی و اظهار با و دو او هند نیست کو بکه و بضم اول و ثانی مجهول و فتح موحده فارسی  
 و لام م شگفته کو تاه پاچه و کوته پاچه و بضم اول و ثانی مجهول و الف و اظهار با و با و  
 فارسی و الف ثانی و فتح جیم فارسی و لغت اول و فتح نو ثانی و اظهار با و لغت ثانی م  
 کو تاه پا و تیره و بضم اول و سکون ثانی و فتح نو ثانی هندی و اظهار با و قسط کو زده و بفتح  
 اول و ثانی و سکون را و معله و فتح زا و معجره میوه کبر کو زده و بضم اول و ثانی مجهول و فتح  
 زا و فارسی و ال معله م کجده کو زده و بضم اول و سکون ثانی و فتح زا و فارسی م خر سفید  
 رنگ م اکر کو کله و بضم اول و ثانی مجهول و فتح کاف ثانی م بد بد کو که و بضم اول و ثانی  
 مجهول و فتح کاف ثانی م چند کو و بر کو و بضم اول و ثانی مجهول و اظهار با و فتح موحده  
 و سکون را و معله و ضم کاف ثانی و دو او مجهول ثانی غیر مطبق کو و بضم اول و فتح  
 ثانی م غوره نسیه و کو کنار و پیله ابریشم و امثال آن تنسيق النجانی کو تاه پای و کوته پای  
 و م کو تاه پا کو رسی و بضم اول و ثانی مجهول و کسر را و معله م غله است مانند چینه  
 که خود رو باشد کول لکری و بضم اول و ثانی و خفاء نون و سکون لام و فتح کاف ثانی









م  
جین دینی  
م  
ارغام و جیان  
م  
کمان نام کماره  
م  
سوم اردنی م فو  
م  
سیلک بخار از تو  
م  
چراغند م درخ زوار  
م  
عشاقی مستطمن  
م  
استانی  
م  
کوسه ولایتی  
م  
کون کن بناسف

[illegible]

زرد و سبک  
مهر فصل نون  
• تان بو •  
مهر فاشیجی - مهر • تاریل  
مهر فاشیل

حجرتی که در میان دو کوه است و در میان دو کوه است

و تفتیح الهاء کتبه ف بفتح اول فارسی و سکون سین مملو و فتح فوقانی م ساکن سنج  
 و سگرین تنسین الشین المعجمه و تنسین الفوقانی گشت برگشت ف بفتح اول فارسی و سکون  
 شین مجموعه فوقانی و فتح سروده و سکون را و مملو و فتح کاف فارسی ثانی و سکون شین مجموعه  
 ثانی و فوقانی ثانی ثانی است برهم پیچیده مانند لسیان مانده آن پیچیده و بودم بچک گویند  
 م بپله طحی ال بودیدان یا کاف و رسته وزن صبر سیاه گشت ف بفتح اول فارسی  
 م ضر بوزنه تنسین اللام و تنسین الخاء المعجمه و گستره ف بضم اول فارسی و سکون لام و ضم  
 سین مملو و سکون را و مملو و و و و گلاب و یکسر اول غ فخره گیر و تنسین الواو المهدیه  
 کاف و ف بضم اول فارسی و سکون لام و فتح غین مجموعه سکون را و مملو و پیشم نرم که از بچک  
 بر شانه آرد و از آن مثال منیره بمانند تنسین الزاء المعجمه و گستره ف بفتح اول فارسی و ضم هم  
 و سکون واو و زاء مجموعه ف صدق و گویند جلفوز و گویند بادام کوبی که بچک شده تنسین  
 المعجمه و گستره ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و فخره و و ضم سیم و سکون واو و یکسر  
 ع بفتح تنسین الکاف و کاف ف بضم اول فارسی و فتح ثانی م توئی از صبح است که بر سر  
 گردید و از برونه جودانه حال شودم کوزه و تنسین اللام و گستره ف بضم اول فارسی و سکون  
 ثانی و فتح قاف و سکون نون و کسه ال مملو و فتح همزه و سکون صا و مملو و لام ثانی م گستره  
 که در لغت ترتیب یافته باشد نه بر آتش گستره ف بفتح همزه کاف فارسی و سکون همزه و لام  
 م توئی از لیسو بعد از نایم و آتقد رترش است که چون سوزن و آن بجلانند و راندک  
 زبانی که لخته شود و بضم همزه کاف فارسی م مثل تنسین الیم گستره ف بضم اول  
 فارسی و سکون ثانی و فتح کاف فارسی ثانی و سکون نون و ضم ال مملو و سکون سیم  
 زنجیر است چنان مانده که گویا پنج شش دانه گندم بهم پیچیده اندم گوز گندم تنسین  
 گستره ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و ضم کاف فارسی ثانی و کسه سروده  
 و سکون تخانی و نون ثانی م گستره ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و ضم کاف فارسی ثانی و کسه سروده

و سگرین تنسین الشین المعجمه و تنسین الفوقانی گشت برگشت ف بفتح اول فارسی و سکون شین مجموعه فوقانی و فتح سروده و سکون را و مملو و فتح کاف فارسی ثانی و سکون شین مجموعه ثانی و فوقانی ثانی ثانی است برهم پیچیده مانند لسیان مانده آن پیچیده و بودم بچک گویند م بپله طحی ال بودیدان یا کاف و رسته وزن صبر سیاه گشت ف بفتح اول فارسی م ضر بوزنه تنسین اللام و تنسین الخاء المعجمه و گستره ف بضم اول فارسی و سکون لام و ضم سین مملو و سکون را و مملو و و و و گلاب و یکسر اول غ فخره گیر و تنسین الواو المهدیه کاف و ف بضم اول فارسی و سکون لام و فتح غین مجموعه سکون را و مملو و پیشم نرم که از بچک بر شانه آرد و از آن مثال منیره بمانند تنسین الزاء المعجمه و گستره ف بفتح اول فارسی و ضم هم و سکون واو و زاء مجموعه ف صدق و گویند جلفوز و گویند بادام کوبی که بچک شده تنسین المعجمه و گستره ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و فخره و و ضم سیم و سکون واو و یکسر ع بفتح تنسین الکاف و کاف ف بضم اول فارسی و فتح ثانی م توئی از صبح است که بر سر گردید و از برونه جودانه حال شودم کوزه و تنسین اللام و گستره ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح قاف و سکون نون و کسه ال مملو و فتح همزه و سکون صا و مملو و لام ثانی م گستره که در لغت ترتیب یافته باشد نه بر آتش گستره ف بفتح همزه کاف فارسی و سکون همزه و لام م توئی از لیسو بعد از نایم و آتقد رترش است که چون سوزن و آن بجلانند و راندک زبانی که لخته شود و بضم همزه کاف فارسی م مثل تنسین الیم گستره ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح کاف فارسی ثانی و سکون نون و ضم ال مملو و سکون سیم زنجیر است چنان مانده که گویا پنج شش دانه گندم بهم پیچیده اندم گوز گندم تنسین گستره ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و ضم کاف فارسی ثانی و کسه سروده و سکون تخانی و نون ثانی م گستره ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و ضم کاف فارسی ثانی و کسه سروده

و سگرین تنسین الشین المعجمه و تنسین الفوقانی گشت برگشت ف بفتح اول فارسی و سکون شین مجموعه فوقانی و فتح سروده و سکون را و مملو و فتح کاف فارسی ثانی و سکون شین مجموعه ثانی و فوقانی ثانی ثانی است برهم پیچیده مانند لسیان مانده آن پیچیده و بودم بچک گویند م بپله طحی ال بودیدان یا کاف و رسته وزن صبر سیاه گشت ف بفتح اول فارسی م ضر بوزنه تنسین اللام و تنسین الخاء المعجمه و گستره ف بضم اول فارسی و سکون لام و ضم سین مملو و سکون را و مملو و و و و گلاب و یکسر اول غ فخره گیر و تنسین الواو المهدیه کاف و ف بضم اول فارسی و سکون لام و فتح غین مجموعه سکون را و مملو و پیشم نرم که از بچک بر شانه آرد و از آن مثال منیره بمانند تنسین الزاء المعجمه و گستره ف بفتح اول فارسی و ضم هم و سکون واو و زاء مجموعه ف صدق و گویند جلفوز و گویند بادام کوبی که بچک شده تنسین المعجمه و گستره ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و فخره و و ضم سیم و سکون واو و یکسر ع بفتح تنسین الکاف و کاف ف بضم اول فارسی و فتح ثانی م توئی از صبح است که بر سر گردید و از برونه جودانه حال شودم کوزه و تنسین اللام و گستره ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح قاف و سکون نون و کسه ال مملو و فتح همزه و سکون صا و مملو و لام ثانی م گستره که در لغت ترتیب یافته باشد نه بر آتش گستره ف بفتح همزه کاف فارسی و سکون همزه و لام م توئی از لیسو بعد از نایم و آتقد رترش است که چون سوزن و آن بجلانند و راندک زبانی که لخته شود و بضم همزه کاف فارسی م مثل تنسین الیم گستره ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح کاف فارسی ثانی و سکون نون و ضم ال مملو و سکون سیم زنجیر است چنان مانده که گویا پنج شش دانه گندم بهم پیچیده اندم گوز گندم تنسین گستره ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و ضم کاف فارسی ثانی و کسه سروده و سکون تخانی و نون ثانی م گستره ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و ضم کاف فارسی ثانی و کسه سروده



[illegible]

موسیقی  
فصل  
۲۹۲





کافضل عالم و دین  
دوران طوبی  
پیش از این که  
سوم دفعه در کتب  
انفرد دومین  
در این چند  
نمود اطفال  
و عالج پیشتر  
کر استیای

بضم اول فایس م دوائی هندی است گوش مایه معده تنفس لالهاء و نمین  
الراء المهمله گیسو کواره بکسر اول فایسی و اظهار باء مخم تخانی و دوا و مجهول و ضم کاف  
با و اثنائی و الف ع نبات مبه تخیل النون گمخ ف ب بضم اول فایسی و سکون ثانی م کره  
است که خوب بخورد و خوب را چون نشاره سازد و تنمیق التخیانی گمخ ف ب بضم اول فایسی  
و اظهار باء سکون نون و فتح کاف فایسی ثانی و اظهار باء ثانی و کسر جیم فایسی م عیون الیک  
و سرخ هرتی گھیا توری ه بکسر اول فایسی و اظهار باء تخانی و الف و ضم فو قانے  
و دوا و مجهول و فتح راء مهمله و کسر مبهزه قسم بزرگ از توری است که بالیده و خوب و فربه تر  
از سست و بالایش معرا از خطوط تنفس لالهاء التخیانی و تنمیق الدال المهمله گیسو بکسر  
فایسی و سکون تخانی م علیوا و تنمیق الفیر البجه گیسو ف بکسر اول فایسی م گیاه ع من  
تنمیق الیهاء گیسو ف بکسر اول و فتح نون م انگینه تنمیق التخیانی گیسو ف بفتح اول فایسی  
و سکون ثانی تخانی جانور است که پرش الملق است و پرای او بر سر خرسندم و م  
تقیم اللام و تنمیق الالف لا الالبام و الف و لام الف ثانی  
گیاه است که از جانب که مغظم از دطح تنمیق البجم لاج و سکون جیم مسک ماده  
تنمیق الدال المهمله لا و ف م خاک و غنبر لاد و بمعنی گل شکوفه لازم و م  
لا جور و هراو ط ح ی آگو نید ۲ ح ی ۳ ق مسهل سودا و مقوی دل خ بد خسته  
ش یک و م و گو نید یک مثقال م صطلک ح جرایم بالادق الذهب کانی تنمیق  
الراء المهمله لا شکوفه بکسر و سکون شین مجر و فتح کاف و سکون راء مهمله ع  
شجره ابق تنمیق السین المهمله لاس ف م ابرشم فرومایه و مسک ماده و ماوه هر حیوان  
لا یورید و س بضم تخانی و سکون واو و کسر او مهمله و سکون تخانی ثانی و ضم وال مهمله  
سکون واو ثانی م خاک ماهودانه و شجره معشوق نیز تنمیق الکاف لا و ف بکسر اول فایسی  
لاک لشت شبنمی است که نسبت به دشت جو ابر شام دشت کنار و بعضی در خفاست دیگر

[illegible]

در شوق و محبت و در آرزوی آنکه  
باز در این دشت بماند و در آرزوی آنکه

فانما انما ما تبين استقام



دیار درب و کابل و قندهار و غلجستان و خوارزم و بلخ و سمرقند و بخارا و تاجیکستان و افغانستان و هندوستان و چین و ژاپن و کره و تایوان و فیلیپین و اندونزی و مالزی و سنگاپور و برونئی و تایланд و میانمار و لاوس و کامبودیا و ویتنام و فیلیپین و اندونزی و مالزی و سنگاپور و برونئی و تایланд و میانمار و لاوس و کامبودیا و ویتنام

المعجمين عامض ع بكون با ما ومهله والفت وكسر سيم فاست هوى ط كج خ  
 ا نجه مسكه وى لبا ر بو و تنيق الكا والفارسة لبتك ففتح اول فثانى وسكون نو  
 م ديوك ع ارضه تنيق اللام لبن ا نيل ع بسكون لام ثانى وفتح خارجيه وسكون تحتانى  
 ف شير سب ق مخدر تنيق المسيو لبا بالضم ع بسكون لام ثانى وضم قان وسك  
 ما ومهله وضم ط ومهله ف غسكه ا طح حباب الفوم ع بسكون لام ثانى وضم فاك وسكون وا  
 ف ثلثا سته تنيق النون لبا ن ع بضم اول لثانى مشدده والفت ونون م كندر لبا ن  
 بفتح اول ثانى با سين مهله والفت م خ فل م سطح لبن لبا ن ع بسكون لام ثانى وضم  
 همزه با فوقانى والفت ف شير خزل لبن الما غر يالين اللقاح لبن الصنان ع بضم نون با هذا  
 معجمه شد و والفت ف شير ش ق متهى ومقوى و ما غ لبن بفتح اول ثانى ف شير  
 طاب ركونيد ح ق مغذ مسمن خ از حيو كى كه وضع حلتش بانسان موافق باشد ش  
 نيم طل م عمل تنيق التختانى لبنى طر يالى بفتح اول ثانى وكسرون وسكون تحتانى ع  
 ميعه سائله سلا سى تنسيق وتنيق الحميم تجاليج ففتح اول وسكون جيم بالام الف و جيم  
 ثانى با مصطلح الكسير يان م ريق با ك صاف تنيق الواو لجا و ه بفتح اول ثانى بالفت م  
 دوائى مشهور بند ليست تنسيق الحميم الفاسى وتنيق الالف لجهنا ه بفتح اول وسكون جيم  
 فارسى والطار با وفتح ميم ونون ع سروج لهنم تنسيق الكا والمهله وتنيق الموحدا  
 الحام الذهب ع بكون اول با ما ومهله والفت وضم سيم وفتح ذال معجمه شد و اكونيد م اشق  
 طح م مصلنى وارسته تنيق الفوقانى لحاكم الصناعات ع بكسره واهله شد وبالواو  
 الف وفتح عين مهله م اشق تنيق الحميم لحكم النعاج ع بفتح اول وسكون طار مهله وضم سيم  
 فون مشد و با عين مهله والفت ف كوشيت ميشينه طار كرى وى كتر ايكو شيت بره  
 است تنيق الهاء المهمله كهم بضم بسكون لام ثانى وفتح موحده وقان ف  
 كوشيت كا و ح از كا و حوان كهم الجور م بضم جيم و زار معجمه وسكون طار ف كوشيت كهم شتر  
 طح كهم كخزير بسكون لام ثانى وكسره و معجمه وسكون نون وكسره و معجمه وسكون تحتانى ف

دبار و دلب دانه  
 من استخوان و من  
 دمن است که اگر  
 از نطفه ام سلو و میر  
 مادر و ن زو بستنی  
 رگیت زو پهل  
 دلب می گویند  
 بهوان من که  
 غالب بود و در  
 باطل را می کشد  
 در جای ان به  
 غالب کشده و  
 ۴۹۷  
 بس نامند  
 طه نوا چند  
 نسبه و  
 نامی است و  
 درین مختص نیست  
 کریم انوار  
 خود و میر آفرین  
 شرف می باشد  
 که قال صاحب  
 لال الصالح  
 من خست غلام  
 مستل الحور و  
 و قال من خست

797

کس نامند  
سے ہذا اہند  
تسبہ حبیب  
نامی است و  
دین تھے نیست  
کر راجہ انوار  
خود در بر آید  
شمار گواشد  
کہ مال عام  
مال الصالح  
میں شے غفار  
مستل الحار  
و مال غنی غار  
و مال غنی غار

لا ينبغي ان يكون في يد من لا يليق به ولا في يد من لا يليق به ولا في يد من لا يليق به



گوشت خوک ۴ بری تحت الحامع کسر اول سکون ثانی و فتح تحتانی و ضم فوقانی و سکون  
لام ثانی و کسر حارمله ثانی باسیم و الف و پریاوشان تنقیع السین المهملة -  
تحت التثنية ۵ بفتح فوقانی و سکون تحتانی و درخت سسر ط ب ای ۲ ق فخرج ثانی  
من از یک متقال تاود و در حص را زبانه یا طباشیرل تخم کل یا گندله یا طراشیت یا نیم وزن  
حصاره آن یا بطم تنقیع المذیم اللحم ۶ و گوشت هانوس سکون و سیراط ح را گویند  
ای ق مشد ۴ میانه و زبیدی و لاغری و عضله و لحم تنقیع النون لحم الحولان ۷ و شتخ  
حارمله ثانی و سکون میم بالام الف و گوشت بره ط ح ۴ گوشت حولی یعنی یکساله  
تنقیع الهاء تحت التثنية ۸ کلید لفتح اول کسر ثانی و سکون تحتانی و کسرون و ضم سین مهملة و  
سکون لام ثانی و کسر حمزه و سکون کاف و کسر لام ثالث و سکون تحتانی ثانی و فتح لام  
و خفاء و ف نوعی از خمری جلی است که آنرا زامی نامند از آنه تنسلیو الخاء الجهم  
و تنقیع الجیم الفاسه ۹ کج و بفتح اول سکون باقین م را ک سباه تنقیع الخاء الجهم  
۱۰ و ضم اول ۴ بر روی تنقیع الراء الخ و شتخ و بفتح اول سکون ثانی و فتح جیم  
خامسی درخت اول و فتح شین معجمه و تحت ثانی م اگر خلوه سلیمانیه بفتح اول و سکون  
ثانی و فتح لام ثانی و خاء معجمه ثانی و حمزه ملینه با و ضم سین مهملة و فتح لام ثالث و سکون  
تحتانی باسیم و الف و کسرون و فتح تحتانی مشد و ثانی و ثقل و غن و غفران تنقیع  
الراء الجهم ۱۱ و تنقیع الموحده ۱۲ لذاتی الذی ب ۱۳ بفتح اول فناء معجمه مشد و الف و  
ضم ثانی و فتح زال معجمه مشد و ما و سکون و حده م اشق تنقیع الهاء الخ لفتح اول  
سکون ثانی و فتح موحده م جو تنسلیو السین المهملة ۱۴ و تنقیع الموحده ۱۵ لسان کلک  
کسر اول باسیم معمله الف و ضم و سکون لام ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث م  
لسان المحل و نیز حاض تنقیع الراء المهملة لسان الجوع بفتح موحده و سکون حارمله  
۱۶ حسیب لسان الثور ۱۷ بفتح مشد و سکون و اد و کاف و زبان ه کا مظه ما و لاط

۲۹۶  
 بیخاوندست فقط  
 که درین  
 و از اینجا  
 انتقام  
 و  
 و

تتميز النون بالفتح والضم والجر والرفع والاعراب والاسكان والجر والرفع والاعراب والاسكان

ح راف مقفوع خم شامى وخراسانى غليظ ورق كبروى نشطها بود متى دو و درم  
ص صند لسنج يا هليلج مرلى باسحاق ل بوزن آن ابريشم سوخته و چهار دانگ ن  
آن پوست اترج يا بوزن او و در فنيوزن او ابريشم لسان العصا يك بفتح عين مملو و صا و مملو و  
الف ثانى و كسر فاء و سكون تحتانى و تخم اسير ه اندر جوط ح ۲۲ اوقيه خم سطح بن خيم شقال  
ص كدو مرئى ل در تحريك ماه مغر خور و نو دورى سرخ يا فنيوزن بهمن سرخ تنسيق اللحم  
لسان الحمل ع بفتح حاء مملو و سيم ف ورق بازنگ طبى بقى قال بن رابع جالس خون  
رمل ش از تخم او يك شقال ص صطك و سليج يا بنفشه ل ورق آن و ورق حماض بستك  
تنسيق الشين المعجمه و تنسيق الكاف لشك بفتح اول سكون ثانى و ثالث م ششم  
تنسيق الهاء لشك م لشك تنسيق الضاد المعجمه و تنسيق الفاء نصف بفتح  
اول و صا و مملو م كبريلى تنسيق الفاء م نوعى از لسان الحمل كوچك تنسيق العين المملو  
تنسيق الموحى كاعاب ف آب و هن و شوك تنسيق الهمزة لعنت مطلقه بضم اول و سكون  
ثانى و فتح موحده و كسر فوقانى و ضم ميسم و سكون طاء مملو و فتح لام و قاف م بنج و برج  
تنسيق التهمزة لعنت بربرى بضم اول و سكون ثانى و فتح موحده و كسر فوقانى و فتح موحده  
ثانى و سكون راء مملو و فتح موحده ثالث و كسر راء مملو ثانى م سورنجان ل جوز مقشر  
يا نو در زرد رايه و فنيوزن فلفل تنسيق الفاء و تنسيق القوقا لفت بكسر اول و سكون كاف ششم  
تنسيق الحاء المملو قفاح ع بضم اول با ثانى مشد و الهاء ف ساسر ح و آن غرير و ج ا  
طاب ر ۳۳ گویند حى ۳۲ و تخم منوم خم بزرگ تيز بوى زرد و رسیده ش ششم درم ص  
مس ل جزا شل يا فنيوزن بذر البنج و دو دانگ و زن آن خشخاش با جزا القى و به وزن آن  
بذر البنج با سرج تنسيق القاف و تنسيق الحاء المملو قفاح ع بفتح اول و قاف و الهاء  
ف شتر البتنه و بكسر اول شتران و رشيد تنسيق الكاف و تنسيق الهمزة كاف بضم  
اول با كات و الهاء م لك و بضم تنسيق الكاف و بضم اول ه لاکه حى گویند

لکون  
تتميز النون  
بفتح  
الضم  
الجر  
الرفع  
الاعراب  
الاسكان  
الجر  
الرفع  
الاعراب  
الاسكان  
۲۹۸  
تتميز النون  
بفتح  
الضم  
الجر  
الرفع  
الاعراب  
الاسكان  
الجر  
الرفع  
الاعراب  
الاسكان

تتميز النون بفتح والضم والجر والرفع والاعراب والاسكان



[illegible]

صفت کبریا شریف  
ایمان از باطن پند  
این که هر مسلم  
شأن و سکون خداوند  
باشند هم شیون  
بناطاب می  
اق رابع خ نو  
هر یک در عالم  
نصف الفوقانی  
است و بسکون  
هم

سین

منزلت

مستقیم است

و این

الف و ب

و جمله با

والف زایا

و سکون

اراد

و این

با یکی

ایمان

و این

...



بسم الله الرحمن الرحيم

یتومات است هر سنگون طحی اق سهیل بلغم طع بز و روش بانبات کشتال  
ور طبع و دو درم ۳ درم و از جوب او یک دانگ تا دو دانگ می کنند و نشاسته  
ل سه فنک ایرسا و دو دانگ وزن آن مقل البود و گویند و وزن تر بنیق کاه المصله  
لوا الملع بضم همزه و سکون لام و کسر شانی و سکون لام ثانی ت آب نمک ق موی و مجله  
او صاع تنیق الال ال المصله ماو الحیدید ع بلغم ماو مصله و کسر ال مصله و سکون تحتانی م و دو صاع  
آب که در قاشق تا فته سر و سازند ماو الورع بفتح واو و سکون راو مصله و سنگلاب ط م  
ق مقوی و باغ خ تیز بوی تلخ طعم مان کند هر بیمه و الف و سکون نون و فتح کاف و خفا  
نمون ثانی م تسمه از استمبول کند تنیق الراع المصله ماو خوارق و سکون راو مصله و ضم خا  
معجمه او معد و له و الف و را مصله ثانی م گا و کوی ف مارع حیه ه سانب ماو الشفیر ع  
بفتح شین معجمه شد و کسر عین مصله جراب و کشک طب ریش صد درم ماو الکافور  
ع ف آب کافور خ آکه بر وزن بسان مانده تنیق السین المصله ماو لکس و سکون راو  
مصله و شمع موحده فارسی م جلیک و سبکی ماس نه الماس هر ایرا طب می گویند  
و زبان فارسی یک تنیق الشین المعجمه ماس ع و بنو ماشع مونگ طب  
گویند ۲ مع سایی گویند ی اق مغزی خ سبز بزرگ فرج ص خشک و اندک لک  
مقشر تنیق العین المصله ماو القزع ع بفتح قات و سکون راو مصله آب که و ف آب  
که و ی تلخ ممت تنیق الغین المعجمه آف و بغین معجمه نوعی از مرغابی ع ماکلون و به ترکه  
تستقله ام خوانند و از گوشتش نوعی عمل آید و نیز بنفشه نیم و نوعی از کبوتر که هر دو بال و سینه  
و گردن او سبز با سرخ شود تنیق الکاف و ماکونک و بضم نون و سکون واو و فتح راو مصله  
و سکون کاف و چکاوک تنیق الکاف و الفارسه ماینگ ف بکوفه قانی و راو مصله مصله  
ماو نیک بفتح وال مصله راو مصله و ترنج تنیق اللام ماو الحسل ع ف آب شهد طح ق  
ممت تنیق اللیم ماو اللیم بفتح لام شد و ف آب گوشت طح رخ از به و حوله

نیج از بون  
بفتح زار و جوب  
سکون راو مصله  
نمون ثانی م  
سکون تحتانی م  
سکون راو مصله  
است و تسمه از  
تنیق الراع المصله  
معجمه او معد و له  
بفتح شین معجمه  
ع ف آب کافور خ  
مصله و شمع موحده  
و زبان فارسی یک  
گویند ۲ مع سایی  
مقشر تنیق العین  
که و ی تلخ ممت  
تستقله ام خوانند  
و گردن او سبز با  
و سکون کاف و چکاوک  
ماو نیک بفتح وال  
ممت تنیق اللیم

بسم الله الرحمن الرحيم

سین مملد سکون واو وفتح فاو ولام ثانی ف ماو و مهنوبه ماء الف ا طین سرائی بفتح حان  
 ورا و مملد مالف و کسر ط ا و مملد سکون واو وفتح فاو ولام ثانی و گویند شرب ابی از خمر از اثاث  
 و عسل و دار و اگر کم سازند و گویند اعلی است آمون بضم میم ثانی و سکون واو و حاشا  
 نامستان بفتح میم ثانی و سکون باو و کسر سین مملد فو قانی و الف ثانی م سافج هند کامیران  
 ع کبیر میم ثانی م بفتح است بهن نام طح ی ۲ گویند ۳ گویند ح ای ۳ ق بجل منقی ش  
 خیدرم ص س ل یا ط یا شیر ل بود وزن عروق الصفیر یا نیموزن هر دو یکوزن عروق الصفیر  
 ماو النون ع بضم نون و سکون واو ف آب های ناکشور ماه فریقین باطهارا و ا و فتح فاو و سکون  
 و او مملد و کسر فاو ثانی م جد و ا و آی می زیرین کبیر او سکون تخانی و فتح و او مملد و کسر ا و مملد  
 و سکون تخانی ثانی م نوعی از ابی سیکه که در زیر ریگ که گزبانزده گز بدود و در نواحی بعد از  
 و ولایت سند بهر سد و موضعی مای سقنقور کجا برند تنبیل الواء و از بضم ز او مملد ع غفص  
 ما جو بصل تنبیل الاء ماو ا کجیه بضم جیم و فتح میم ابکامه ه کا نجی آو چوبه ف بسکون را و مملد  
 و ضم جیم فارسی و و او مجهول و فتح موحده م لیدون ف مارگیا ه ناگدون ماسو جیه ف بضم  
 سین مملد و سکون واو و فتح جیم فارسی م جانور لیست مانند قمری و فاخته م موسیجه ماکه ه  
 بفتح کاف و اطهارا ف ماش سیاه هار و دکلاهی و بری مالکانه ف بسکون لام باکاف و الف  
 و فتح نون م مالکاو قصب آهودانه بضم او سکون واو و و ال مملد و الف ثانی و فتح نون  
 م حب الملک طح ی ۱ ق منق و سسل بضم ش از نیم درم تا یک درم و گویند بازده حبه  
 ص ایسون و کثیر ال نیموزن و ند یا حب الخروع مالیک نیموزن ص ایسل و شبریم  
 تنبیل النحکان آتش سندی کبیر شین مملد و او سکون نون و کسر و ال مملد و سکون نکنا  
 مقلب ه غله موته و گویند بنوا ثال شکله ه بسکون لام و فتح کاف و سکون نون و ضم  
 کاف فارسی و کسر نون ثانی م دواقی هند لیست کثیر النفع طح ی ملین مالی کبیر م عسل  
 تنبیل الباء الموحلا و تنبیل الاء المملد ماز بضم اول موحده و الف و را و مملد م روده کوه

[illegible][illegible]

مجموعه کتب خطی و چاپی در دسترس است

سیم ثانی و کسر کاف فارسی با تخانی هم متشکک ه لکسنا لکسنا مرتشیشا به فتح اول و  
 سکون ثانی و فتح فوقانی کسیرین مجرجه سکون تخانی باشین مجرجه ثانی و این انواع است  
 نویسه و فتنه و نحاسی و عیدی و سببی و هر جنس مشابه بود بجز هر که با او منسوب بود  
 م شجر النور و حجر الروشنانی ه سون لکھی ط ح ی ۳ گویند بق قایض ۲ و ح ی  
 ح ی ل مقسیا با اقلیمیا و رو سنج مر واه فتح اول سکون ثانی با واد و الف م مر واه  
 تنصیق الفوقانی مرآت م ک اول و ثانی و الف و را و همله ثانی و الف ثانی و فوقانی جمع  
 مراره و زهره با و تلخه هه با ط ح ی گویند بق ما و یل ۲ از مرغ و زاج و کبک و از  
 گا و ز و ایل جوان و از گفتار پیر بزرگ و از شیر جوان که پوش زرد طبعی باشد ص صغ ل  
 و سنج الاذن تنصیق الحکیم مر و سنج م یضم اول و سکون ثانی با و ال همله و الف و فتح سین  
 همله و سکون فون و مر و اشک ط ب ای ۲ م ۲ ب ق محقق الحال ۲ اصفا  
 براق سرخی مائل ص شیرازه و شیده ل اقلیمیا تنصیق الحکیم الفارسی سنج ه ک اول و  
 سکون ثانی و جمیم فارسی و فاضل گویند الدال المهمله مر و فتح اول و سکون ثانی  
 و فتح قات م ح و مائل و گویند افیون مر و و یضم اول و ثانی مجهول م امر و تنصیق الهمله  
 الهمله ص ل رفیع اول و ثانی و الف و را و همله ثانی م هو می از شکاعی و باد آور و مرع نیم  
 اول ه بول ط ح ی ۳ ق مفتوح ملین منضج ۲ مائل کسری زرین صافی بسیار نیم شب  
 نیم دم غسل با کاف و اس ل صبر مرغ زیرک سار و یضم اول و سکون ثانی و کسیرین  
 مجرجه ز و مجرجه سکون کات با سین همله و الف م سار و مرع یضم هر دو میهم و سکون  
 هر دو را و همله م سنگ است ۲ از معدن جرج تنصیق النوا العجمه مر و یضم اول و سکون  
 ثانی و ز و احمه م موش مرغ شب آفرین و یضم اول و سکون ثانی و کسیرین مجرجه و سنج  
 شین مجرجه سکون موده و مد مجرجه و کسیر و تخانی مجهول م مرغیست که عینه شب خود را  
 بیای از شاخ و دشت آویزد و حق حق گویند تازانی که قطره خون از گلوش یکبار مر و خود یضم

سیم ثانی و کسر کاف فارسی با تخانی هم متشکک ه لکسنا لکسنا مرتشیشا به فتح اول و  
 سکون ثانی و فتح فوقانی کسیرین مجرجه سکون تخانی باشین مجرجه ثانی و این انواع است  
 نویسه و فتنه و نحاسی و عیدی و سببی و هر جنس مشابه بود بجز هر که با او منسوب بود  
 م شجر النور و حجر الروشنانی ه سون لکھی ط ح ی ۳ گویند بق قایض ۲ و ح ی  
 ح ی ل مقسیا با اقلیمیا و رو سنج مر واه فتح اول سکون ثانی با واد و الف م مر واه  
 تنصیق الفوقانی مرآت م ک اول و ثانی و الف و را و همله ثانی و الف ثانی و فوقانی جمع  
 مراره و زهره با و تلخه هه با ط ح ی گویند بق ما و یل ۲ از مرغ و زاج و کبک و از  
 گا و ز و ایل جوان و از گفتار پیر بزرگ و از شیر جوان که پوش زرد طبعی باشد ص صغ ل  
 و سنج الاذن تنصیق الحکیم مر و سنج م یضم اول و سکون ثانی با و ال همله و الف و فتح سین  
 همله و سکون فون و مر و اشک ط ب ای ۲ م ۲ ب ق محقق الحال ۲ اصفا  
 براق سرخی مائل ص شیرازه و شیده ل اقلیمیا تنصیق الحکیم الفارسی سنج ه ک اول و  
 سکون ثانی و جمیم فارسی و فاضل گویند الدال المهمله مر و فتح اول و سکون ثانی  
 و فتح قات م ح و مائل و گویند افیون مر و و یضم اول و ثانی مجهول م امر و تنصیق الهمله  
 الهمله ص ل رفیع اول و ثانی و الف و را و همله ثانی م هو می از شکاعی و باد آور و مرع نیم  
 اول ه بول ط ح ی ۳ ق مفتوح ملین منضج ۲ مائل کسری زرین صافی بسیار نیم شب  
 نیم دم غسل با کاف و اس ل صبر مرغ زیرک سار و یضم اول و سکون ثانی و کسیرین  
 مجرجه ز و مجرجه سکون کات با سین همله و الف م سار و مرع یضم هر دو میهم و سکون  
 هر دو را و همله م سنگ است ۲ از معدن جرج تنصیق النوا العجمه مر و یضم اول و سکون  
 ثانی و ز و احمه م موش مرغ شب آفرین و یضم اول و سکون ثانی و کسیرین مجرجه و سنج  
 شین مجرجه سکون موده و مد مجرجه و کسیر و تخانی مجهول م مرغیست که عینه شب خود را  
 بیای از شاخ و دشت آویزد و حق حق گویند تازانی که قطره خون از گلوش یکبار مر و خود یضم

سیم ثانی و کسر کاف فارسی با تخانی هم متشکک ه لکسنا لکسنا مرتشیشا به فتح اول و  
 سکون ثانی و فتح فوقانی کسیرین مجرجه سکون تخانی باشین مجرجه ثانی و این انواع است  
 نویسه و فتنه و نحاسی و عیدی و سببی و هر جنس مشابه بود بجز هر که با او منسوب بود  
 م شجر النور و حجر الروشنانی ه سون لکھی ط ح ی ۳ گویند بق قایض ۲ و ح ی  
 ح ی ل مقسیا با اقلیمیا و رو سنج مر واه فتح اول سکون ثانی با واد و الف م مر واه  
 تنصیق الفوقانی مرآت م ک اول و ثانی و الف و را و همله ثانی و الف ثانی و فوقانی جمع  
 مراره و زهره با و تلخه هه با ط ح ی گویند بق ما و یل ۲ از مرغ و زاج و کبک و از  
 گا و ز و ایل جوان و از گفتار پیر بزرگ و از شیر جوان که پوش زرد طبعی باشد ص صغ ل  
 و سنج الاذن تنصیق الحکیم مر و سنج م یضم اول و سکون ثانی با و ال همله و الف و فتح سین  
 همله و سکون فون و مر و اشک ط ب ای ۲ م ۲ ب ق محقق الحال ۲ اصفا  
 براق سرخی مائل ص شیرازه و شیده ل اقلیمیا تنصیق الحکیم الفارسی سنج ه ک اول و  
 سکون ثانی و جمیم فارسی و فاضل گویند الدال المهمله مر و فتح اول و سکون ثانی  
 و فتح قات م ح و مائل و گویند افیون مر و و یضم اول و ثانی مجهول م امر و تنصیق الهمله  
 الهمله ص ل رفیع اول و ثانی و الف و را و همله ثانی م هو می از شکاعی و باد آور و مرع نیم  
 اول ه بول ط ح ی ۳ ق مفتوح ملین منضج ۲ مائل کسری زرین صافی بسیار نیم شب  
 نیم دم غسل با کاف و اس ل صبر مرغ زیرک سار و یضم اول و سکون ثانی و کسیرین  
 مجرجه ز و مجرجه سکون کات با سین همله و الف م سار و مرع یضم هر دو میهم و سکون  
 هر دو را و همله م سنگ است ۲ از معدن جرج تنصیق النوا العجمه مر و یضم اول و سکون  
 ثانی و ز و احمه م موش مرغ شب آفرین و یضم اول و سکون ثانی و کسیرین مجرجه و سنج  
 شین مجرجه سکون موده و مد مجرجه و کسیر و تخانی مجهول م مرغیست که عینه شب خود را  
 بیای از شاخ و دشت آویزد و حق حق گویند تازانی که قطره خون از گلوش یکبار مر و خود یضم





ثانی نبیدی ست که از گندم وجود و جابرس سازند و آنرا بوزنه و کبیر گویند تنبیق التجانی  
 من بار الاعمی ع کبیر اول و سکون ثانی م معنی الاعمی تنسیق و تنبیق و تنبیق الاعمی الاعمی  
 مشق و کبیر دوم و سکون هر دو را و فارسی م گیس سبز رنگ که چون بر گوشه نشینند  
 گنده کن کریم می سازیم و بر سر کولکان گویند تنسیق السیر المصله و تنبیق الاعمی  
 مستحقو یا سیر یافعی بفتح اول سکون ثانی و شمع حار و مصله و ضم قاف و سکون واو و کسر  
 نون با تحاتی و الف و آگینه ه کاح لول آگینه سفید و آتلی کا و ران تنبیق  
 الفوقانی مست و بضم اول و سکون ثانی ع سعه م و م و تنبیق الاعمی الاعمی  
 مسواک القرو و کبیر اول و سکون ثانی با و او و الف و ضم کاف و سکون لام و ضم قاف  
 و او و مصله و سکون واو و ثانی و دال معلوم است تنبیق الاعمی الاعمی و سائر بفتح اول  
 و سکون ثانی با فوقانی و الف ه و را و سطر ع کبیر اول و سکون ثانی با ط و مصله و الف  
 و شراب بدست افشوده زود مست کننده مستفور بر بری بفتح اول و سکون ثانی  
 و فتح میم و ضم قاف و سکون واو و م ز را و ند طویل نسو و بفتح اول و ضم ثانی ع عدس  
 و نهو سرخ تنبیق السیر المصله مشق و کبیر اول ع خمس و ثلثا تنبیق الکاف  
 میسک ع کبیر اول و سکون ثانی و بیشک و کتوری طریح ی ۲۰ ملطف و مقوی  
 و ماغ و نهو تنبیق السیر المصله مشق و کبیر اول ع خمس و ثلثا تنبیق الکاف  
 تنبیق النون مسقاطون روی کبیر اول و سکون ثانی با قاف و الف و ضم ط و مصله و سکون  
 و او و نون و م و مندی ه مگر سن م کبیر اول و فتح ثانی و سنکی ست که کار و شمشیر  
 از آن تیز کننده سان طریبی ق محلی نه مبرس با بونه ل طین قیو یا تنبیق الواو  
 مست رود و بفتح اول و سکون ثانی و فوقانی و ضم را و مصله و سکون واو و م نوع دوم  
 ما و رین که آن را هفت برگ و فاما لایز خوانند تنبیق الاعمی مست و بضم اول و سکون  
 ثانی و شمع فوقانی ع سعه م و م و تنبیق التجانی مسواک الاعمی ع کبیر اول و سکون

کتاب الفونیکس فی تفسیر الحروف و تسمیة الهمزات

یک کف ص کنجید با دل خرغ تنقیع العین الهمزة شکط اشبع یونانی کبک اول  
 و سکون ثانی و کسر کان و ضم طار همزة و الف و فتح نیم ثانی و کسر شین معجمه  
 سکون تخانی م پودنه تبری ف تک ط ح ی م گویند م فی مفتوح لطفت بدر معجمه  
 معده خم نور سیده مش نیم و رم ص سر که با صغ ل تدر مانا و در ادر ادر س صر و وزن  
 یا طلیل الملک باشقائوق گویند پودنه تنقیع الکاف و شکط و بضم اول و سکون ثانی  
 و فتح کان و سکون کان ثانی م سعد شکط و بضم اول و سکون ثانی و فتح کان  
 و فون م جانور است کو یک شبیه به یک که بیشتر و کنار آب بنشیند شکط و  
 بضم اول و سکون ثانی و کسر کان و سکون تخانی و فتح نون م نام حلوائی است  
 شکط و بضم اول و فتح ثانی و سکون نون و فتح کان فارسی و فتح شکط  
 و بضم اول م شنبه تنقیع الهم شکط م و بضم اول و سکون ثانی و کان ضم وال  
 همزه م جانور است سیاه رنگ بغایت خوش آواز تنقیع النون شکط الیاب م کسر  
 اول و سکون ثانی م ناگه شکط زمین و بضم اول و سکون ثانی و کسر کان و فتح  
 و معجمه کسریم و سکون تخانی م سعد تنقیع الواو شکط و بضم اول و سکون ثانی  
 م گلک ست سرخ رنگ تنقیع الهاء شکط و بضم اول و فتح ثانی و سکون خار معجمه  
 فتح نون م نوعی از طوطا شکط و بضم اول و سکون ثانی و کان باو ال همزه  
 و فتح نون م دانه خوشبوی که از سوراخ کرده مدد می کشند و در هندوستان از جاب  
 لکن پور که در فن حضرت شاه بدیع الدین دار قدس سره است بسیار از تنقیع التخیالی  
 شکط هندی بضم اول و سکون ثانی و کسر کان و باو سکون نون و کسر ال همزه م  
 تنقیع الصاد الهمزه و تنقیع الراء الهمزه مقبض بضم اول و فتح صاد همزه و بضم  
 همزه نیز موجوده شده و سکون راء همزه و الیاء تنقیع الغین الهمزه مقبض به فتح اول  
 و سکون ثانی م شرف و فتح تنقیع الیاء مقبض به روم م کسر اول و سکون ثانی م کسر

کتاب الفونیکس فی تفسیر الحروف و تسمیة الهمزات  
 کسر اول و سکون ثانی و کسر کان و ضم طار همزة و الف و فتح نیم ثانی و کسر شین معجمه  
 سکون تخانی م پودنه تبری ف تک ط ح ی م گویند م فی مفتوح لطفت بدر معجمه  
 معده خم نور سیده مش نیم و رم ص سر که با صغ ل تدر مانا و در ادر ادر س صر و وزن  
 یا طلیل الملک باشقائوق گویند پودنه تنقیع الکاف و شکط و بضم اول و سکون ثانی  
 و فتح کان و سکون کان ثانی م سعد شکط و بضم اول و سکون ثانی و فتح کان  
 و فون م جانور است کو یک شبیه به یک که بیشتر و کنار آب بنشیند شکط و  
 بضم اول و سکون ثانی و کسر کان و سکون تخانی و فتح نون م نام حلوائی است  
 شکط و بضم اول و فتح ثانی و سکون نون و فتح کان فارسی و فتح شکط  
 و بضم اول م شنبه تنقیع الهم شکط م و بضم اول و سکون ثانی و کان ضم وال  
 همزه م جانور است سیاه رنگ بغایت خوش آواز تنقیع النون شکط الیاب م کسر  
 اول و سکون ثانی م ناگه شکط زمین و بضم اول و سکون ثانی و کسر کان و فتح  
 و معجمه کسریم و سکون تخانی م سعد تنقیع الواو شکط و بضم اول و سکون ثانی  
 م گلک ست سرخ رنگ تنقیع الهاء شکط و بضم اول و فتح ثانی و سکون خار معجمه  
 فتح نون م نوعی از طوطا شکط و بضم اول و سکون ثانی و کان باو ال همزه  
 و فتح نون م دانه خوشبوی که از سوراخ کرده مدد می کشند و در هندوستان از جاب  
 لکن پور که در فن حضرت شاه بدیع الدین دار قدس سره است بسیار از تنقیع التخیالی  
 شکط هندی بضم اول و سکون ثانی و کسر کان و باو سکون نون و کسر ال همزه م  
 تنقیع الصاد الهمزه و تنقیع الراء الهمزه مقبض بضم اول و فتح صاد همزه و بضم  
 همزه نیز موجوده شده و سکون راء همزه و الیاء تنقیع الغین الهمزه مقبض به فتح اول  
 و سکون ثانی م شرف و فتح تنقیع الیاء مقبض به روم م کسر اول و سکون ثانی م کسر

کتاب الفونیکس فی تفسیر الحروف و تسمیة الهمزات

اولم فظ اول و کسر نون و الف م مرکبی است که اور العوق لوز گویند تنقیح الجیم مطبوع بضم اول و فتح ثانی  
و کسر نون مشدود و سکون جیم و یح سوسمار که در مرتبه سیدوم بنور سیده باشد تنقیح  
الحاء المعجمه مطبوع ع و و شاب و هر چه بجه شده باشد با تش تنقیح الطاء المعمله  
سطفع اول م جلتا تنسیق العین المعمله و تنقیح الالف معاف بکسر اول و روده  
آتر می طبع ق طین خ از حولی گویند تنقیح الدال المعمله معده بفتح اول  
سکون ثانی م خصه الثعلب تنقیح الراء المعمله معصفر بفتح اول و ثانی و فاه  
کسبه معفار بکسر اول و سکون ثانی م صمغ اجاص تنقیح القاف معشوق ع بفتح اول  
سکون ثانی از احاز نام جیم است و از نبات ماهودانه تنقیح الفون معین ع بضم اول  
کسر ثانی م مازان تنقیح الهاء معده بکسر اول و شکوه او جبری ط بے  
تنسیق الفین المعجمه و تنقیح للمثلثه مفاث ع بضم اول با عین معجمه و  
بیج امار و شتی که درخت حب القفل باشد ط ح و گویند می و مغری جابر خ  
بند اوی سفید باقی بند روی شد و درم ط سل و طلا قلت یا نیم وزن زرا وند  
تنقیح الدال المعمله معده بفتح اول و سکون ثانی و با و جان و گویند لغخ بر م  
گویند نوعی از کمات کوچک مفرد و م بفتح اول و سکون ثانی و ضم ا و مله م سمار و غ  
تنقیح النون مقبلان ع بضم اول و کسر ثانی و درخت یکری و بول تنقیح الهاء معده  
بضم و فتح اول و کسر ثانی و فتح ا و مله و کل سرخ ه گری و ط ح و قاف بفتح  
خ سرخ روشن ش نیم مثقال ط سل و شاونج معنومه بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم  
ثانی و سکون و او و فتح میم ثالث و قلنیه با و جان تنسیق الفاء و تنقیح الحاء  
المعمله مفتوح ع بضم اول و فتح فاه کسر ا و مله و د و ف گا و بان تنقیح الدال المعمله  
مفرد و بفتح اول م نوعی از کمات کوچک تنقیح النون مفتوح قلب المزون م بجان و  
او و جوبیه تنسیق القاف و تنقیح الالف مقبلان سطرانی بفتح اول و ضم سندان



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

مفتون لاهم مکیہ عابد اول دنان قزینہ ملک ننگ اول نام نہ بعض برگ

و تفتحه اول طحی ۱۱ ای مانند لبتین ایات و درق است ساقی گویا زینت بهمن نام مشهور است سکون و اول

تتمیق اللام متصل به فتح اول سکین صله زنج سرخ تتمیق النون پنج زواو شان  
 بضم اول سکون ثانی ف تخم خرمی متن ۶ به فتح اول و ثانی مشدوت هر طلی میترش  
 که بر دخت یا سنگ افتد مانند برنجین و گز انگبین و شیر خشت و بد خشت طح ام می  
 قی مجلی ملین ۲ صافی لون سف و دوم من سکینین ل شکریایی بحفت بنایر  
 تتمیق الواو مشدوت بفتح اول و ضم فوقانی م نوعی از گیاهی کو چکبک تتمیق الهمزة متجوشه  
 رومی بضم اول و فتح فوقانی و شین بمجموع سنبل رومی یعنی نار دین مند عوره رومی  
 بضم اول و فتح وال ممله و ضم عین ممله و فتح را ملام بیروجه مندر که بفتح اول م عود  
 تمام تتمیق النحانی مندری ف بفتح اول و عود هندی تنسیق الواو و تتمیق الهمزة  
 سوتها بضم اول ۴ سعد گوگیا و کم سنبل سوتگاه بخارنون ۴ مرجان تتمیق الحیم متوجع  
 م پوست بیرون سر کنده که در سبزه زو یسمان سازند تتمیق الدال المهمله موروث  
 بضم اول ۴ آس گوید که عصا موسی علیه السلام از جوب موروث بود تتمیق الراء المهمله  
 موش قوار و موش بگیرف بضم اول و سکون ثانی ۴ تمس از غلیو از تتمیق الزاع المعجم  
 موزع ۴ کیلا طح را گویند م ق ملین ۲ بزرگ شیرین رسیده ص صطک ل سک  
 و سل تتمیق السابن المصله سوحس ۴ م صغ دخت سنبل تتمیق الکاف مودک  
 ۴ باطهار ارا و امی هندی ست موزک ۴ م ش تتمیق الکاف الفارسی موزک ۴ م  
 موشش تتمیق اللام موزک ۴ بضم اول و سکون ثانی ۴ م عنکبوت به پنج نباتات تتمیق الیم  
 موزع اسفرم بضم اول و ثانی مجهول و سکون را ممله و وال ممله و کسر همزه و سکون سبز  
 و فتح فا و سکون را ممله ثانی و بیهم ثانی و موزد بری طح ۲ ۲ رومی موزع و  
 بضم اول ۴ شمع ۴ مین تتمیق النون موزکون لوانی بضم اول ۴ شفا قل موزع امیر  
 و بضم اول و ثانی مجهول و سکون بیهم ثانی و کسر همزه و سکون تخانی و  
 موسیالی گویند که امین نام می است که از خدا آن موسیالی حاصل شود تتمیق الواو موز

موزکون لوانی بضم اول و سکون بیهم ثانی و کسر همزه و سکون تخانی و موسیالی گویند که امین نام می است که از خدا آن موسیالی حاصل شود تتمیق الواو موز

تتمیق الواو موزع امیر و بضم اول و ثانی مجهول و سکون بیهم ثانی و کسر همزه و سکون تخانی و موسیالی گویند که امین نام می است که از خدا آن موسیالی حاصل شود تتمیق الواو موز



[illegible][illegible]





ع بفتح راء ملة مثذود وسكون ثانیین معلوم کلمات تنقیح الدال المعجمه بتیذع به فتح  
اول و کسر ثانی ت شراب خ از سیلان رطب تنقیح السین المله تنق رطب و یا بس  
ع کسر اول و سکون ثانی و کسر ثانی و فتح ما و ملة و سکون طار ملة و موحده و  
تحتانی و الف و کسر موحده ثالث ت کنار تر و خشک به بی ط تراوب ادا گویند  
غشک اوبق ق تابعن مخفف خ بزرگ رسیده من سه درم حاصل ل غشبه  
تنقیح الجیم و تنقیح الموحده کاتب بفتح اول و سکون ثانی ت هر تشر را بدین نام  
خازنه المخصوص ست به سلیقه تنقیح الراء المله تجار و بفتح اول م کلکونه تنقیح النون  
تخوآن بفتح اول و سکون ثانی با و او و الف م زعفران تنقیح الحاء المله و تنقیح  
السنین المله تخماس م بضم اول با و او و الف م مس حمانا بطح ی ۳ و عام  
محرق ۶ رفیق المس سمنخ ازهر و و طرف زرد و گدازنده مشخیز درم ص کتیرال  
از تو بال رو تنقیح تخماس م بضم هم سمنخ کاف و فتح لام شد و ف م کشته  
تنقیح الف تخماس محرق م بضم نیم و سکون حاء ملة و فتح راء ملة م رو سمنخ تنقیح اللام  
مخل ع به فتح و سکون ثانی ف گیس غسل تنقیح اللیم تخماس م بضم اول ف مرغابی تنقیح الحاء  
المعجمه و تنقیح الجیم الفاد سمنخ بفتح اول و سکون خاء المعجمه م گیا حیت که از و  
جاروب سازد تنقیح الدال المله تخم و تخم و بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم  
فارسی و دال ملة و بفتح اول و فتح جیم فارسی و سکون نون و رلفث ثانی  
م ریم آسن تنقیح الراء المله تخم و بفتح اول م بزرگوست تنقیح العین المله  
شخام م کسر اول ف حرام منقرب بی ان تنقیح اللام مخمل ع بفتح اول ف رخت خزا  
ف تابعن خ ثمر نازل سکینین ل از طلع کوهی تنقیح الحاء تخام م بضم اول ف  
سبوس به بهی طحی اق مجل لیس خ از گندم صفت ستمل آرد و ملة ف  
بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و هم گرد گائے که سخت باشد و زود کسسته نشود

کتاب الفقه فی التفسیر

گروگان تنقیح السین الممله کرسس ع بفتح اول و کسر جیم همزه کرس طمه ۷  
 گویند ۷ ی ا گویند ۷ ق کل لطف نهفت زروه ص یلو نزل نسیرن یاخری  
 تنقیح الکاف زسک ف بفتح اول و ثانی و سکون سین ممله ع عدس ه مسور -  
 تنقیح التختانی نرگند ۷ کسر اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و خفانون  
 و کسر ال ممله هند ۷ پنجگشت تنقیح السین الممله و تنقیح الالف نسا  
 به مستح اول و سکون سین ممله و کاف باو حده همش عدس تنقیح الفوقانی  
 فتح العنکبوت ع بفتح اول و ثانی م ابر کاکیا نسوت ع کسر اول و ضم سین ممله و واد بمل  
 م ترید تنقیح الراء الممله نسر ف بفتح اول و کل سیونی تسر ع بفتح اول و کرس  
 به گیند و ط گوشتش ۷ ی تنقیح الکاف نسا ف بفتح اول م غله عدس تنقیح النون  
 فشرن بفتح اول و سکون ثانی م کلیمت ه سیونی نسرین ف بفتح اول و ورم  
 چینه ه کل سیونی یا کو جاط ۷ ی ا گویند ۷ ق مقوبه و باغ ش یک ورم  
 هاست ورم ص کافورل زسب با یا سین تنقیح الشین المعجم و تنقیح الالف  
 تشاع کسر اول و نشاسته طام گویندی ا گویند ب ۷ ق حابس خون و  
 سکون و قابض و مغر ۷ خ سفیدش و ورم ص س ل گرو آسیا با بنج مخسول یا  
 کوز محض تنقیح الکاف نسا ف بفتح اول و سکون ثانی م وخت نار و تنقیح الهاء  
 تشاره ع بضم اول و بوره هر وخت و براده هر جز نشاسته کسر اول ع لباب القیم  
 تشیت کسر اول و ثانی و تختانی مجهول و بفتح میم و نه باه ترکی ه ساهی تنقیح  
 الصناد المعجم و تنقیح الداء الممله نضار بفتح اول و ضا و مجر وخت گز که برکوه  
 برود آراش گویند تنقیح الطاء الممله و تنقیح النون نظرون بفتح اول و  
 بوره ارنی ه جوا کمار ط ۷ ی ۷ ق مجلی ص صغ و لی یا طباشیر نسا ف بفتح اول و  
 یشت تنقیح و تنقیح العین الممله نفع ع بفتح هر و نون و سکون هر و عین ممله

کتاب الفقه فی التفسیر  
 تنقیح السین  
 تنقیح الکاف  
 تنقیح التختانی  
 تنقیح الالف  
 تنقیح النون  
 تنقیح الفوقانی  
 تنقیح العنکبوت  
 تنقیح الراء  
 تنقیح الشین  
 تنقیح الالف  
 تنقیح النون  
 تنقیح الکاف  
 تنقیح الهاء  
 تنقیح الطاء  
 تنقیح العین  
 تنقیح النون

درین سکون ثانی یا اول تنقیح النون

[illegible]





[illegible]

فانما ينسب اليه من غير ان يكون له من حيث هو

وگویند که سقنقور در ردیف باشد و دل در بیابانها و سر در دل پهن است و از  
 سقنقور بار یک و کشیده در رنگ و دل زرد و سر خن مائل و پوستش درشت و خش  
 و رنگ سقنقور البق سبز و زرد و سیاه و سفید و پوستش اصل طحی است لطیف تمیق الیهم  
 و در زم ت بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و معجم الش تملی اللون و در متن ع بضم سیم و سکون  
 نون و کسر نو ثانی و کسر حیکه نو دارد و دویرا البقون خوانند طحی و نشان ع ت مربع  
 آبی و گویند که بر دشتی است تمیق التحق و در چین م گل نسرین و رد و فل ع بفتح و ال و کسر  
 و سکون فاه کنیر کا بجل ل ورق آن و در الزدانی بفتح زاء و معجمه فدا و او ثانی و لفت  
 و کسر نون و کسر خطی تنسیر الزاء المعجمه تنسیر الیهم و کسر ف ت بفتح و او معجمه و دخت  
 بده ع و غر بتمیق الهاء و زغه بفتح اول و ثانی و طین معجمه ف نو ع ارسالا مندراد گویند  
 حفر و گویند ضفعل کرم صدف تنسیر الذاء المعجمه الفاء و تنسیر الکاف و زکات  
 بضم اول و فتح زاء فارسی و سکون نون م توزر مگری رنگ که بر تلوس سر عید  
 و زول ت بضم اول و ثانی م طعم شور و استخوان شتالنگ تنسیر السین المجهله و تنسیر  
 المعجمه و سیم کسر و ضم اول و فتح سلین معلوم استن تنسیر الحاء المعجمه و سیم ع بفتح  
 اول و ثانی و سکون تثنائی و لیه و وار و آن ثانی است که در کوه رود و بوس  
 لیه و م طح ای ۲ تنسیر النون و سیم الاذن ع بفتح اول و سکون ثانی و ت  
 چرک گوش طحی و کسر ملین تنسیر الهاء و سیم الکاء و ع بسکون لام و فتح کات  
 با و او و الف و فتح را و معجمه چرک خانه زنبور سل طحی ۲ و ملین ل غین  
 کل و سیم ع بفتح سیم و ورق نیل طح ای ۲ تنسیر الشین المعجمه و تنسیر الفاء  
 و فتح بفتح اول و ثانی و پوستین طح و تنسیر الیهم و شمع بضم اول م جانور بودند  
 ع سلسله تنسیر الهاء و سکون بفتح اول و سکون ثانی و فتح کات و لام م وانه  
 اگر تنسیر الغیر المعجمه و تنسیر اللال المجهله و فتح اول و طین معجمه ف

فانما ينسب اليه من غير ان يكون له من حيث هو  
 وگویند که سقنقور در ردیف باشد و دل در بیابانها و سر در دل پهن است و از  
 سقنقور بار یک و کشیده در رنگ و دل زرد و سر خن مائل و پوستش درشت و خش  
 و رنگ سقنقور البق سبز و زرد و سیاه و سفید و پوستش اصل طحی است لطیف تمیق الیهم  
 و در زم ت بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و معجم الش تملی اللون و در متن ع بضم سیم و سکون  
 نون و کسر نو ثانی و کسر حیکه نو دارد و دویرا البقون خوانند طحی و نشان ع ت مربع  
 آبی و گویند که بر دشتی است تمیق التحق و در چین م گل نسرین و رد و فل ع بفتح و ال و کسر  
 و سکون فاه کنیر کا بجل ل ورق آن و در الزدانی بفتح زاء و معجمه فدا و او ثانی و لفت  
 و کسر نون و کسر خطی تنسیر الزاء المعجمه تنسیر الیهم و کسر ف ت بفتح و او معجمه و دخت  
 بده ع و غر بتمیق الهاء و زغه بفتح اول و ثانی و طین معجمه ف نو ع ارسالا مندراد گویند  
 حفر و گویند ضفعل کرم صدف تنسیر الذاء المعجمه الفاء و تنسیر الکاف و زکات  
 بضم اول و فتح زاء فارسی و سکون نون م توزر مگری رنگ که بر تلوس سر عید  
 و زول ت بضم اول و ثانی م طعم شور و استخوان شتالنگ تنسیر السین المجهله و تنسیر  
 المعجمه و سیم کسر و ضم اول و فتح سلین معلوم استن تنسیر الحاء المعجمه و سیم ع بفتح  
 اول و ثانی و سکون تثنائی و لیه و وار و آن ثانی است که در کوه رود و بوس  
 لیه و م طح ای ۲ تنسیر النون و سیم الاذن ع بفتح اول و سکون ثانی و ت  
 چرک گوش طحی و کسر ملین تنسیر الهاء و سیم الکاء و ع بسکون لام و فتح کات  
 با و او و الف و فتح را و معجمه چرک خانه زنبور سل طحی ۲ و ملین ل غین  
 کل و سیم ع بفتح سیم و ورق نیل طح ای ۲ تنسیر الشین المعجمه و تنسیر الفاء  
 و فتح بفتح اول و ثانی و پوستین طح و تنسیر الیهم و شمع بضم اول م جانور بودند  
 ع سلسله تنسیر الهاء و سکون بفتح اول و سکون ثانی و فتح کات و لام م وانه  
 اگر تنسیر الغیر المعجمه و تنسیر اللال المجهله و فتح اول و طین معجمه ف

فانما ينسب اليه من غير ان يكون له من حيث هو  
 وگویند که سقنقور در ردیف باشد و دل در بیابانها و سر در دل پهن است و از  
 سقنقور بار یک و کشیده در رنگ و دل زرد و سر خن مائل و پوستش درشت و خش  
 و رنگ سقنقور البق سبز و زرد و سیاه و سفید و پوستش اصل طحی است لطیف تمیق الیهم  
 و در زم ت بفتح اول و سکون ثانی و فتح را و معجم الش تملی اللون و در متن ع بضم سیم و سکون  
 نون و کسر نو ثانی و کسر حیکه نو دارد و دویرا البقون خوانند طحی و نشان ع ت مربع  
 آبی و گویند که بر دشتی است تمیق التحق و در چین م گل نسرین و رد و فل ع بفتح و ال و کسر  
 و سکون فاه کنیر کا بجل ل ورق آن و در الزدانی بفتح زاء و معجمه فدا و او ثانی و لفت  
 و کسر نون و کسر خطی تنسیر الزاء المعجمه تنسیر الیهم و کسر ف ت بفتح و او معجمه و دخت  
 بده ع و غر بتمیق الهاء و زغه بفتح اول و ثانی و طین معجمه ف نو ع ارسالا مندراد گویند  
 حفر و گویند ضفعل کرم صدف تنسیر الذاء المعجمه الفاء و تنسیر الکاف و زکات  
 بضم اول و فتح زاء فارسی و سکون نون م توزر مگری رنگ که بر تلوس سر عید  
 و زول ت بضم اول و ثانی م طعم شور و استخوان شتالنگ تنسیر السین المجهله و تنسیر  
 المعجمه و سیم کسر و ضم اول و فتح سلین معلوم استن تنسیر الحاء المعجمه و سیم ع بفتح  
 اول و ثانی و سکون تثنائی و لیه و وار و آن ثانی است که در کوه رود و بوس  
 لیه و م طح ای ۲ تنسیر النون و سیم الاذن ع بفتح اول و سکون ثانی و ت  
 چرک گوش طحی و کسر ملین تنسیر الهاء و سیم الکاء و ع بسکون لام و فتح کات  
 با و او و الف و فتح را و معجمه چرک خانه زنبور سل طحی ۲ و ملین ل غین  
 کل و سیم ع بفتح سیم و ورق نیل طح ای ۲ تنسیر الشین المعجمه و تنسیر الفاء  
 و فتح بفتح اول و ثانی و پوستین طح و تنسیر الیهم و شمع بضم اول م جانور بودند  
 ع سلسله تنسیر الهاء و سکون بفتح اول و سکون ثانی و فتح کات و لام م وانه  
 اگر تنسیر الغیر المعجمه و تنسیر اللال المجهله و فتح اول و طین معجمه ف

[illegible]

سکون ثانی و فتح وال معلوم تر و تیزک تنسیق الهاء و تنسیق اللام - و بل و  
 بضم اول و سکون ثام و رخت کلج ع منور تنسیق الیاء و التختانی و تنسیق  
 الکاف و نیانک فیکر اول و تختانی مجهول و سکون نون با و ال معلوم و الف و فتح نون  
 ثانی م نانو مشک تنسیق النون وین یکسر اول و سکون ثانی ف انگور سیاه تنسیق الهاء  
 و تیره بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و را و معلوم فکل سفید که کو جاب طاب و زیحجه  
 فتح اول و سکون ثانی و نهال خرپوزه و بره و ففتح اول و سکون ثانی هم ساق و رخت  
 ترفیم الهاء و تنسیق الالف و تنسیق الراء للمهمله حاد و بضم وال معلوم  
 اشد تنسیق الکاف حاکف م تخم مرغ تنسیق اللهم ها اول بضم کاف هه سبکمار  
 تنسیق الباء الموحدة و تنسیق الال المهمله شید بفتح اول و کسر موحده و تخم خطل  
 تنسیق الموحدة الفارسی و تنسیق النون چیلون و ففتح اول  
 م امیون تنسیق الساء الفوقانی و تنسیق الهاء هشتاد و فتح اول سکون  
 فوقانی و فتح ثنین معجم بخ تنسیق الحبیو و تنسیق الال المهمله  
 بجذوف بفتح اول و نیم سکون نون م بر غنست تنسیق و تنسیق الال المهمله  
 بهدیم بضم هر دو تا و سکون بر دو و ال و مرغ سلیمان تنسیق اللهم -  
 بذل بفتح اول و سکون ثانی م رائی تنسیق الهاء بکیده بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
 موحده م کرنی است کوچک و کلان و سرخ و سیاه بسیار یادار و دور برسات بجای  
 سناک بمرسد گنجائی تنسیق التختانی هتدل رنگی بفتح اول و سکون ثانی  
 کسر لام و فتح زا و معجم و سکون نون و کسر کاف فارسی غرسوت تنسیق و تنسیق الراء المهمله  
 هر ف بفتح اول و سکون را و معلوم و انده مصر که و رگشت زار گندم روید و از میان آن گشت  
 دور کنند و نیز و یکسر اول م کریم تنسیق السیر المهمله هر اس ففتح اول هر درختی است  
 بسیار خار هر قلموس بضم اول و سکون ثانی و ضم کاف و لام هر قلمه الیهود و نوعی از

و بگویند ای پادشاه  
ایمان را از تو می‌خواهیم و  
از تو می‌خواهیم که  
بگویند ای پادشاه  
ایمان را از تو می‌خواهیم و  
از تو می‌خواهیم که

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱





و سکون لام و فتح نیم تانی و ضم جم و سکون و او تلی و رختی است که در حوالی فارسی میر وید تشبیه بر رخت  
 گزیده های آن نزدیک بهم باشند و برش مانند برک یا همین و محوس در وقت زخم در دست گیرند  
 ل حرل تنمیق الشیل المعج هوش و بضم اول م زبر تنمیق الکاف همگی بضم اول و کاف  
 مجهول و ضم کاف و فتح تختانی م خزیره ماسیده تنمیق النون هو طون بضم اول و سکون ط  
 و ضم ط و ط و سکون و او تلی م تجیل حونا یقون م داوی ط ح ی ق طلف ح کوی سرخ  
 تازه خوشبوی ش و در مطبوعات از کشتال تا دورم می پوزند. بیکبیر و بیخ افترا تا تخم ثبت و انیسون  
 گویند حاشا و گویند میوزن اهل باغ را و ام هو فو یون بفتح ف و سکون را و ط و ضم تختانی و سکون و ام  
 تانی م فریون تنمیق الهمله هویره و بضم اول و تانی مجهول و فتح مومعه و را و معلوم جانور حیر  
 هو حوه بفتح اول و تانی و ضم جم و فتح و او تانی م شکار تنمیق الیاء التحتانی و تنمیق الالف  
 حیرا و کبیر اول و التماس و تانی مجهول هو گوشت حیرا و کبیر اول و سکون تانی بازار حیرا و الف  
 و سکون را و ط و بایم بفتح حیل و بفتح اول م ماشه شکار حیل و کبیر اول و سکون تختانی و کسر لام  
 فتح مومعه و و او مشدوع فاق و صغار تنمیق الهمله حیرا و کبیر اول حاشا و حیشی بفتح اول  
 سکون تانی و فتح شین عجوف مال و کبیر اول م لکری تنمیق الکاف الفار سے  
 حنک و کبیر اول و سکون تانی و خوار نون و انگوره تنمیق الهم حیرا و بفتح اول و ضم تانی  
 حیرا و کبیر اول م تنمیق النون حیرا و کبیر اول م تنمیق الهم حیرا و کبیر اول و سکون تانی و ضا و حیرا  
 و الف و ترب بری حیرا و بفتح اول و ضم تانی م تنمیق النون حیرا و کبیر اول و سکون تانی  
 و سکون تانی بار و ط و الف و ضم و ال ط و و او مجهول و کسر کاف و ام و م الاخرین تنمیق الیاء  
 التحتانی و تنمیق الالف و تنمیق الفوقانی یا قوت تختانی و الف و ضم و  
 قاف م جواهر معروف و مالک نویرم رک ط ی ق محف و مقوسه دل خ سرخ را و  
 کثیرا و ال و دوبرا و طلا تنمیق الهمله یا کند و بفتح کاف و سکون نون م یا قوت  
 تنمیق السیر الهمله یا س و بسین ملام یا من تنمیق النون یا من و یا همین

و در شکل جبراجات ل نیموزن سکین یا نیموزن ایرسا تنسيق الحاء المعجم  
 و تنسيق الصالح المعجم تنسيق فتح اول و سکون ثانی و کسر صا و هم اول و ف نوبی اگر این  
 اگر از اسسه قی خوانند تنسيق الحاء معجم تنسيق فتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و  
 برگ و راه اول و تنسيق الدال المعجم و تنسيق الراء یقه یوانی فتح اول و ذال جیم م خام و یله  
 تنسيق الداء المعجم و تنسيق الالف ب یان فتح اول و ف  
 خا و تنسيق العین المعجم راء ۶ فتح اول و ثانی و فی یرا فتح اول و ثانی و کسر  
 یم م بیون یرلوع ۶ فتح اول و ضم موحد و ف موشن شش جنگلی یوانی تنسيق الراء  
 المعجم و تنسيق الخنیز و اوی و فتح اول و کسر وال مملک ثانی و قلیه فیم که بر یریم مرغ رخیه  
 باشد تنسيق الشیر المعجم و تنسيق الراء لایشب ۶ فتح اول و سکون شین مع و مبرجده و ف  
 سنگ شیم تنسيق الفاء لشیف فتح اول و سکون ثانی و شیم تنسيق العین المعجم و تنسيق الموحل  
 معقوت ۶ فتح اول و ضم قاف و کبک نر تنسيق الدال المعجم یصید فتح اول و کسر صا و هم اول  
 کاسه بری تنسيق العین المعجم و تنسيق الراء یحصار و فی فتح اول و کسر م م ریاس تنسيق  
 المعجم فتح و یفتح ف فتح اول و سکون ثانی و فتح و قانی و فتن و قانی و سکون ثانی و فتن و قانی  
 نر و نیک که اکثر و باغات و سیره زار بهر سد اگر چه کز و اما نر و زار و تنسيق الفاء و تنسيق الخ المعجم  
 یفتح فتح اول و سکون فاف و فتح و قانی م لمر زرد که در کربا با و باغها باشد تنسيق الفاف  
 و تنسيق النون یقیر ۶ فتح اول و کسر طار ملاف که در و بر نیاتیکه و یرا ساق با خراشته نبود و مانند  
 اگر و در نیره و خیار و امثال انرا بدین نام خوانند تنسيق و تنسيق الکاف یکد ف فتح اول  
 و سکون کاف و فتح و ال ملاف آب شیر گرم تنسيق الراء و تنسيق الجیم یسجج فتح اول و لام  
 و سکون نون و ضم جیم و و او جیم ثانی م عود و بندی تنسيق و تنسيق المبر یام فتح  
 اول و ف مرغ و تیار تنسيق الراء میوه و ف فتح اول و سکون ثانی و ضم را و هم اول و سکون  
 و او و اطهار لم مردم گیا تنسيق النون و تنسيق اللوح طایوب فتح اول و سکون نون و ضم

و در شکل جبراجات ل نیموزن سکین یا نیموزن ایرسا تنسيق الحاء المعجم  
 و تنسيق الصالح المعجم تنسيق فتح اول و سکون ثانی و کسر صا و هم اول و ف نوبی اگر این  
 اگر از اسسه قی خوانند تنسيق الحاء معجم تنسيق فتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و  
 برگ و راه اول و تنسيق الدال المعجم و تنسيق الراء یقه یوانی فتح اول و ذال جیم م خام و یله  
 تنسيق الداء المعجم و تنسيق الالف ب یان فتح اول و ف  
 خا و تنسيق العین المعجم راء ۶ فتح اول و ثانی و فی یرا فتح اول و ثانی و کسر  
 یم م بیون یرلوع ۶ فتح اول و ضم موحد و ف موشن شش جنگلی یوانی تنسيق الراء  
 المعجم و تنسيق الخنیز و اوی و فتح اول و کسر وال مملک ثانی و قلیه فیم که بر یریم مرغ رخیه  
 باشد تنسيق الشیر المعجم و تنسيق الراء لایشب ۶ فتح اول و سکون شین مع و مبرجده و ف  
 سنگ شیم تنسيق الفاء لشیف فتح اول و سکون ثانی و شیم تنسيق العین المعجم و تنسيق الموحل  
 معقوت ۶ فتح اول و ضم قاف و کبک نر تنسيق الدال المعجم یصید فتح اول و کسر صا و هم اول  
 کاسه بری تنسيق العین المعجم و تنسيق الراء یحصار و فی فتح اول و کسر م م ریاس تنسيق  
 المعجم فتح و یفتح ف فتح اول و سکون ثانی و فتح و قانی و فتن و قانی و سکون ثانی و فتن و قانی  
 نر و نیک که اکثر و باغات و سیره زار بهر سد اگر چه کز و اما نر و زار و تنسيق الفاء و تنسيق الخ المعجم  
 یفتح فتح اول و سکون فاف و فتح و قانی م لمر زرد که در کربا با و باغها باشد تنسيق الفاف  
 و تنسيق النون یقیر ۶ فتح اول و کسر طار ملاف که در و بر نیاتیکه و یرا ساق با خراشته نبود و مانند  
 اگر و در نیره و خیار و امثال انرا بدین نام خوانند تنسيق و تنسيق الکاف یکد ف فتح اول  
 و سکون کاف و فتح و ال ملاف آب شیر گرم تنسيق الراء و تنسيق الجیم یسجج فتح اول و لام  
 و سکون نون و ضم جیم و و او جیم ثانی م عود و بندی تنسيق و تنسيق المبر یام فتح  
 اول و ف مرغ و تیار تنسيق الراء میوه و ف فتح اول و سکون ثانی و ضم را و هم اول و سکون  
 و او و اطهار لم مردم گیا تنسيق النون و تنسيق اللوح طایوب فتح اول و سکون نون و ضم

و در شکل جبراجات ل نیموزن سکین یا نیموزن ایرسا تنسيق الحاء المعجم  
 و تنسيق الصالح المعجم تنسيق فتح اول و سکون ثانی و کسر صا و هم اول و ف نوبی اگر این  
 اگر از اسسه قی خوانند تنسيق الحاء معجم تنسيق فتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و  
 برگ و راه اول و تنسيق الدال المعجم و تنسيق الراء یقه یوانی فتح اول و ذال جیم م خام و یله  
 تنسيق الداء المعجم و تنسيق الالف ب یان فتح اول و ف  
 خا و تنسيق العین المعجم راء ۶ فتح اول و ثانی و فی یرا فتح اول و ثانی و کسر  
 یم م بیون یرلوع ۶ فتح اول و ضم موحد و ف موشن شش جنگلی یوانی تنسيق الراء  
 المعجم و تنسيق الخنیز و اوی و فتح اول و کسر وال مملک ثانی و قلیه فیم که بر یریم مرغ رخیه  
 باشد تنسيق الشیر المعجم و تنسيق الراء لایشب ۶ فتح اول و سکون شین مع و مبرجده و ف  
 سنگ شیم تنسيق الفاء لشیف فتح اول و سکون ثانی و شیم تنسيق العین المعجم و تنسيق الموحل  
 معقوت ۶ فتح اول و ضم قاف و کبک نر تنسيق الدال المعجم یصید فتح اول و کسر صا و هم اول  
 کاسه بری تنسيق العین المعجم و تنسيق الراء یحصار و فی فتح اول و کسر م م ریاس تنسيق  
 المعجم فتح و یفتح ف فتح اول و سکون ثانی و فتح و قانی و فتن و قانی و سکون ثانی و فتن و قانی  
 نر و نیک که اکثر و باغات و سیره زار بهر سد اگر چه کز و اما نر و زار و تنسيق الفاء و تنسيق الخ المعجم  
 یفتح فتح اول و سکون فاف و فتح و قانی م لمر زرد که در کربا با و باغها باشد تنسيق الفاف  
 و تنسيق النون یقیر ۶ فتح اول و کسر طار ملاف که در و بر نیاتیکه و یرا ساق با خراشته نبود و مانند  
 اگر و در نیره و خیار و امثال انرا بدین نام خوانند تنسيق و تنسيق الکاف یکد ف فتح اول  
 و سکون کاف و فتح و ال ملاف آب شیر گرم تنسيق الراء و تنسيق الجیم یسجج فتح اول و لام  
 و سکون نون و ضم جیم و و او جیم ثانی م عود و بندی تنسيق و تنسيق المبر یام فتح  
 اول و ف مرغ و تیار تنسيق الراء میوه و ف فتح اول و سکون ثانی و ضم را و هم اول و سکون  
 و او و اطهار لم مردم گیا تنسيق النون و تنسيق اللوح طایوب فتح اول و سکون نون و ضم

خرم زاد که یکی از اجداد همین بن اسفندیار بود اخنوش نام مردی که بصلاح حال و صدق مقال شهرت داشت  
 و وجه معیشتش از صید است یعنی چیدن ماهی و در صحرای آن میگذشت و هر روز بصحری آنرا میبرد  
 و کوههای آن ولایت میرفت و ادویه و غنای جمع میکرد و بشهر آورده بعطاران میفروخت روزی  
 در آتنای سیر و سیاحت و تفحص ادویه نظرش بر کوزن کوی افتاد که بر تخته ایستاده فریاد میکرد و گاه  
 دست و گاهی دم خود بر زمین میزد و حرکات عجیبه و احوال غریبه از رفتار او مشاهده نمود و گاهی در  
 حین جست و خیز نگاه بجانب آسمان میکرد و از روی فشا و خوشحالی آوازهای غیر مکرر از دهنش میزد  
 چون اخنوش انحالات از آن کوزن دید حربه برداشته و کمین او نشد و نزدیک او رسیده چنان  
 بلنداخت که بگوید ای پسر اخنوش در حال اور فوج کرد و در آتنای فوج نظرش افتاد که در دهنش کوزه  
 بزرگ است و دید که نیم خائیده در دهنش مانده اخنوش را از مشاهده این تعجب زیاده شدنی الحاح  
 شک او بگذاشت و از روده که زبان فارسی از آنرا باز خانه گویند سنگ المس بهوار یافت اخنوش سنگ  
 مذکور را بر چوب زر شک نهاده بخدمت ملک خرم زاد آورد و حقیقت کوزن تمام را چه مشاهده کرده بود  
 مذکور ساخت ملک خرم زاد حکیم ارستاسیوس که از اجداد حکیم قریط و از گمانده حکیم اقلیدس صاحب  
 و برادر زاده او بود و در مملکت فارس منصب وزارت ملک خرم زاد داشت طلبیده آنچه از اخنوش  
 صید لای شنبه بود باو تقریر کرد حکیم ارستاسیوس پس از امل بسیار از اخنوش پرسید که دهن  
 این کوزن کف داشت یا نه گفت دهن کوزن بسیار بزرگ بود پس حکیم از اخنوش سوال کرد  
 که در دم او یایای او چرا حتی نم بود یا نه جواب داد که در جانب دم او کوهی سبز رنگ و چنان مرئی  
 میشد که پوست از آن موضع کنده اند پس حکیم بگفت که خوراک این کوزن همیشه افعی بود  
 از علامات معلوم شده و در روده های او دو سنگ متولد میشود که یکی از آنها تریاق زهر است  
 و دیگری خاصیت زهر بلال دارد و ملک تبسم نموده فرمود که این را تحک تجربه امتحان باید نمود  
 پس حکم ملک پشت نفر از بندخانه حاضر ساختند ملک بانیا هم را بانی نمود که آيا شما واجب القتل  
 هستید یا نیستید جواب دادند که مقتضای شرع قتل ما واجب است پس ملک فرمود که

[illegible]



گفت که مرا در سر این بود و دمی از آن آرام نداشتم از تناول این سنگ یک ساعت اندر و فرس  
آین زایل شد و هیچ اثری از دورین نخورد و خود نیافتم سوگم گفت چشم من بسیار ضعیف داشت اکنون  
نخوردن این سنگ در باصره من قوت عظم پیدا شد که در جوانی انحالت نداشتم چهارم گفت که مرا  
درب و صبح قدیم بود اکنون بخوردن این سنگ انقضای با کلیه بصیرت مبدل شد پنجم گفت که مدتی از  
دور زانو متبالم بودم اکنون اندر و مطلقا این زایل شد ششم گفت که مرا بواسیر مولم بود الحال آن  
با کلیه از من زایل شد هفتم گفت که مدتی مدید است که بر ساقین من قروح خبیثه بود که همیشه بد  
شعقن از آن جاری بودی اکنون همه آن پاک شده و در بخشی نهاده مندل شده و رنگ اصلی بر آن بر  
میشود هشتم گفت که مدت دو ماه است که مرا درد عظیم حادث شده بود اکنون بعد از خوردن این سنگ  
آن عینیت شد حکیم پرسید که تو بعد از خوردن آن چه چیز خوردی گفت که آب یک نارنج تمامه یکبار بودم  
حکیم گفت این شدت در فعل آن نارنج بود نه فعل سنگ چرا که ترشی نارنج با و یابس است و سرد  
مستلزم هیچ قبضیت است چنانکه میوست موجب انقباض و حفظ است و این سرد و صفت با عید  
از انتشار حرارت این حجر و ظهور اثر آن و لهذا حکما بعد از آن از ترشیدها با کلیه منع فرموده اند و نیز در  
صبح و دلی نجاصت مثل فاویر و فرباق و غیر آن بخورند و بیست و شش نکرده اند و در شب سه بار با  
باغها و حکیم مذکور آنکه چون شخص ششم نارنج مذکور یکبار بود بخانه خود رفت و در سر او بسیار استند و در  
و بر در ملک حرم را آورده فریاد برآورد که مرا درد بر بدن چون آواز او بگوش ملک رسید فرمود که نام  
این سنگ را یاد و بر قرار و نهاده و بال مظهر بران شریس یعنی یاس و یا سیانست و گویند که یاد و  
دوست او آن معنی شناس است بران فارسی و کثرت استعمال السیاسی زیاده است و یافته  
عرب آن فاویر است و در احتیارات بعضی گفته که حجر التیس فاویر است و از آن باری میگویند  
و بهیات بلو است و در اردو هم نیز میباشند و به یکی که طبعات دارد و در میان چیز است که  
مغز است و آن خوب مخلصه یا دانه و سیست صاحب مغزده آورده که از خراسان آورده و از این صفت  
و بهیست نه مشهور است بغیر از شانکاره و در هیچ شععی و دیگر حاصل نمیشود و حال در هندستان

گفت که مرا در دوسه این بود و دومی از آن آرام نداشتیم از تناول این سنگ بکساعت اندر و فرس  
ازین رایل شد و هیچ اثری از دودین نخورد و خود نیافتم ستم گفتم چشم من بسیار ضعیف داشت اکنون  
نخوردن این سنگ در باصره من قوت عظم پیدا شد که در جوانی انحالت نداشتیم چرا هم گفتم که مرا  
درب و صبح قدیم بود اکنون بخوردن این سنگ ان مرض با کلیه بصیرت مبدل شد بچشم گفتم که مدتی از  
دودین انو متبالم بودم اکنون اندر و مطلقا ازین رایل نداشتیم گفتم که مرا لو اسیر مولم بود الحال آن  
با کلیه ازین رایل شد هفتم گفتم که مدتی مدید است که بر ساقین من فروخ جیشیده بود که بعد بصدید  
شعق از آن جاری بودی اکنون همه آن پاک شده و بخشکی نهاده منمحل شده و رنگ اصلی بر آن ظاهر  
میشود هشتم گفتم که مدت دو ماه است که مرا در و عظم حادث شده بود اکنون بعد از خوردن این سنگ  
آن عینیت شد حکم رسید که تو بعد از خوردن آن چه چیز خوردی گفت که آب یک نانچ تمام یکیده بودم  
حکم گفت این شدت در و فعل آن نانچ بود نه فعل سنگ چرا که ترشی نانچ با و یا بس است و در  
مستلزم جمع قضیت است چنانکه پوست موجب استساک و حفظ است و این مرده و صفت با عید  
از انتشار حرارت این حجر و ظهور اثر آن و لهذا حکما بعد از آن از ترشیدها با کلیه منع فرموده اند و نیز در  
سیع و دوائی بخاصیت مثل فاویر و فزریق و غیر آن تجویز هیچ قسم ترشی نکرده اند و وجه تسمیه سنگ با و  
با عقدا حکیم مذکور آنکه چون شخص ششم نانچ مذکور یکیده بود و خانه خود رفت و در سوار و بسیار استند او میزد  
و بر در ملک خرم را آورده فریاد برآورد که مرا پا در بر میزند چون آواز او بگوش ملک رسید فرمود که نام  
این سنگ را یاد و بر قرار و بندج یاد و مال مملو بران ترش یعنی یاس و پیاسیا است و بگویند که یاد و  
دوست او آن یعنی شش است بران فارسی و بکثرت استعمال السنه پیاسی زیر ششها یافته  
معرب آن فاویر است و در احتیارات بلخی گفته که حجر البیتس فاویر است و از اثر باریق میشد گفته اند  
و بهیات بلو است و دراز و گرد و من نیز میباشند و یکی که لطفاست و در میان خیره است که  
منز است و آن خوب مخلصه یا نه و سبب صاحب مغزده آورده که از خراسان آورده اند و ازین صحت  
و بیحتمه نجه مشهور است بغیر از شایانکاره و در هیچ شعبی و دیگر حاصل نمیشود و حاله و بند و شایان

جامع آورده که فاوهر را بر دهنی اطلاق میکنند یکی بر چیزی که معاونت بر چیزی کند و دفع مضرت آن  
 نماید بواسطه خلعتی که در آن خیر باشد و دیگر بر سنگی معلوم که باقی حسیست و دفع سموم حاره و بارده کند شراب و علقه  
 و حکیم عماد الدین محمود شیرازی میگوید آن سنگی که من دیدم نایل بر زردی و سفیدی بود با وجود این ریشه  
 ریشه مانند ششهای شب یمانی و در مدافعت بیش هیچ چیز از دوائی مفرده و مرکبه ثبوت ندارد و بدین  
 نیز از مصالحات قبر اطمینان نقل نموده که از بلاد فارس چیزی نمی آید که از اجزای التیس منجوانند و میگویند که در  
 مغارین جمله متوله میشود و صورت آن صورت حیوان نیست و خشونت و ملاطبت چون بشکند پوست  
 بر پوست و نور تو باشد مانند پوست پیاز و در اندرون پوستها بجای مغز گدازد و گوشت آن پسته ها و  
 و طبعها کوبیده گردان پیچیده اند و از افاد بر گیاهی نامند چون از آب رازیانه بسیار در موضع  
 مسح بواسطه طلا نمایند در ساعت ورم نسکین یابد و اخراج هم کند و غیر نقل میکنند که در سهندستان  
 در کوکلمند از اعمال تلنگانه و چند موضع انجایید همیشه و خصوصاً در کشور و حوالی آن چنانچه فاوهر  
 انجاسه نوله چهار نوله بسیار دیده اند و همچنین در ولایت و زنگل میباشد و در اکثر کوهستانها انجاسه  
 چنانچه اگر کوه سفید را بگفتند چنانچه در شش نوله از شیردان اوی بر آید و در اکثر مواضع آن میباشد  
 چنانچه قمر گمان بسیار از انجا خبریده بجانب اجمین و ملائنه نیز در در جانب اجمین فاوهر همواره  
 می باشد که دانه از آن چهار نوله و پنج نوله و او اندکی از آن بیافند چون که عبارت از انجا و توتان  
 عراق و هزار و پانصد رومیه انجایید باشد خرید و فروخت در سرکار با و شاهان شده که خریدار او را  
 مرصع ساخته اند و با و بر تلنگانه نیز خوب مخلص است میشود و چنانچه بر خوب تر سندی و کحل و دله  
 سفال و سنگ بسته میشود و این کوه سفیدان از قسم نریزه اند و ابلی اند و صحرایی و کوهی چنانچه در  
 شبانکاره از بزرگویی حاصل میشود و اکنون آنچه مندا و ل و متعارفست گزیده او را از محال مصلحتان  
 می شمارند و نیز میگویند که من دیدم شخصی از تنور گزیده بود و موضع مسح مورد گشته و حرمت بسیار ظاهر شد  
 قدری از قافله بر گیاهی آب سائیده بر آن موضع مالیدند بر کاکه اثر طرا آن میسرید و حال طون  
 خودی آمد و آس خفیفی یافت و بعضی از اوقات شخصی را مار گزیده بود و در آن وقت تریاق



مردم ازین ترکیب منافع بسیار یافتند بلکه جوانی از سر یافتند و مطلقاً غرضی بطور نگشت صفت آن  
قادر بر دو نیم متقال و غیره شهب یک متقال مشک سه طسوج سنبل الطیب یک متقال و ربع قرفل  
هفت دانه مجموع را سه روز متوالی بخورند و از شیرینی و ترشی و سفیدی لغایت گریزان باشند  
و غذا خود آب گوشت بره که دار چینی و قرفل داشته باشند بخورند و از تنقبات باوقامندی  
و شربت نبات و گلاب و عرق بیدمشک تناول نمایند و بعد از خوردن ترکیب نوشیدن  
آب سرد را می نشوند که مبادا قوی نج شود باین ترکیب قدری زعفران نیز تجویز کرده که داخل شود  
که از آن قهری تمام حاصل شود و دیگر باید هر حیوانی که متقال یا قوت سرخ زمانی دو جو محل  
بدخشان دو جو و ارید سفیدب جو زهره جو صندل سفید سوده کچو و دسندی کچو و ورق طلا  
کچو و ورق نقره کچو مصطکی کچو و مشک و غیره مجموع این از یک متقال زیاد نیست  
باید که هر کدام علیحدہ علیحدہ کنند و وزن کرده ترکیب سازند سه حب بندند و هر روز یکی  
از آن بنوشتا فرو برند و گلاب گرم یا عرق بیدمشک از بی آن بخورند و میان روز مرغ  
و نخود آب نیمه بخورند و آخر روز شربت یا عرق بیدمشک بنوشانند و یک هفته قبل از خوردن  
احتراز کنند از خجوات و قبول و مباشرت و غموم و هموم و اگر در سالی دو بار احتیاج افتد کمتر  
اول روز نوروز و شیر و طند کور بخورند دیگر روز یا نر و خوراک آن دو دانگ و نیم متقال بود و دیگر  
قادر بر نیم متقال یا قوت زمانی نعل بدخشان از هر یک پنج دانگ زیر جدیدانگ و ورق طلا  
و ورق نقره چهار عدد و مشک کچو و همین قدر غبر و مثل او مصطکی و نیدانگ و دسندی کوفته  
نیمه گلاب سرشته سه حب مساوی سازند هر روز یکحب فرو برند و بعد از آن دو قاشق گلاب  
بنوشند و قریب بظهر بخواب مرغ فرو و قدری برنج باغلیه بخورند و آخر روز نبات شربت  
عرق بیدمشک بخورند و مریای سبب شیرین و جوارش خود دسندی و جوارش مصطکی  
پسته قندی و بادام قندی تنقل کنند یک هفته پیش از آن و یک هفته بعد از آن و یک هفته و ششای  
آن از ترشها و سیرها و روغن و شیر و ماست و نیز از مباشرت اجتناب کنند که فائده تمام و





موسیائی میشود برای در در موضع چون نوشتند نفع تمام و هر محراب است و گویند آنچه از آب حیر و  
 نفع بود و نافع آن نزدیک مینافع موسیائی است و نیکوترین موسیائی معدنی است که از  
 ولایت و از آب خرو فارس نغز و طبع و گرم بود و در سوم و مطلق و محمل باشد بنا بر قول و سیف و در  
 و بقول شیخ الرئیس گرم بود در آخر در جردیم و خشک بود در اول و مقوی روح بود و خاصیت  
 و موسیائی معدنی زود بر آتش بگذارد و در طعمش زفارت و وحدت و مرارت باشد و آنچه خوب است  
 نایست قطریت و جری کوفته میشود و چون نرسازند ضار ازرق باشد و حشری قول سخت و  
 اذابت نیکند در امتحان جودت و در اذات موسیائی ببول اسطاطالیس اگر خواهی که او را بیاورد  
 بیکر جگر گوشتند و بی شکاف پس فی الحال موسیائی بمال چون بهم چسبند نیکوست و الا بدین  
 پای مرغی بشکنند و بشب قدری موسیائی در خمیر کرده در گلویش فرو بریزد اگر نیک است روز دیگر  
 پای شکسته بود درست شود خاصیت و نافع موسیائی و قدری شربت آن بداند موسیائی هم از  
 و در وی به نفعیت و هم در انواع علل فحش و عیث و او سم جمیع حشرات را نفع کند اطلاق و شربت  
 و امتحان شکسته را بپزند و بقول شیخ الرئیس بعلی سینا اگر چه موسیائی در آب مرزنگوش  
 حل کرده در مینی بچکانند و در شقیقه و در سر کهن را به برد و صرع و گشستن را نیز سودمند بود و  
 همین قدر اگر در روغن یا همین حل کنند و در گوش تقطیر سازند سودمند بود و اگر کسی را ار گوش  
 ریم آید بجز او در روغن گل و آب غوره حل کرده و فیتله بدو آلوده در گوش نهاند ریش گوش را  
 درست سازد و بکجه از و میل آن چندید تر در روغن حب البان حل کرده در مینی بچکانند  
 و در سر کهن را زایل کند و چون کیمیا باشد خردمند خونیک در مرض سل بیرون می آید باز دارد  
 و تستوس از و چون باب زیره و ناخواه و کرد و یا بدیند خفان معدی را سبرد و در کوبتی را که در فم  
 معده جمع شده باشد و در سازد و بر سقنه که بر معده و سینه و جگر افتاده باشد نافع آید و  
 قسوه یا کشکاب که عذاب و پستان و پنج سوسن در و جوشانیده باشند حل کرده و روز  
 ناشتا بپزند به انواع سرفه را به برد و تستوس از و با سکنجبین غرغره کنند خاق بکشاید و تستوس



[illegible]



در بطوبایل کرده و میخواند بود که چته همین در رطوبت او تامل تمام باشد بخلاف حرارت که با وجود  
هکسار او بیرون است آب بالکلیه منطقی نمیشود و اعتقاد بر این است که در این زمان که گرم و تر است  
در درجه دوم وجهه سرد مانیکه سرد مزاج باشند در وقت حاجت خواستند چهل سالگی رسیده باشد  
باین باشد سی تافع است بالخاصه در امتحان جدوت و مختار ان بهترین چوب چینی است که  
سرخ و سنگین باشد و سفید و اگر چه در اغلب اوقات سنگین تر میباشد و این در صفتها  
مخماه است اما چون دلالت بر فحاشی و نارسیدگی دارد و ان سرخ باشد و باید که میزان  
باشد و زنا زگی و کهنگی چه درین زمان بطوبه فضلیه او که موجب افتخار حرارت غریزیت کم شود  
و حرارت غریزیه ظهور نماید میکند حکیم علاء الدین محمود نیز درین تصریح نموده و سنگین و گرم کرده  
و سطح ظاهر بر ابر بیدیه آنچه بر خلاف این باشد تا در زمین کم رطوبت نمویانند و خشکی سردی  
شده و یا بحال نشو و نمیده و ملغم و راحیه غالب از و محسوس نشود و از مقدار ان مغیرات مثل  
کافور و جندوب و ریاح و کرمی آتش و غیره و هوای بر سگال و نم دور باشد و دلیل انها ظاهر  
است و بعضی بر آنند که با وجود سرفی و سنگینی نشان کرده و روی بسیار باشد و سخت نباشد و  
طریقه در زیر زمین نرود بکلیه است بهتر است و باید که نوب باشد و علی الخصوص از دریا گذشته باشد  
و سفید او باشد و دیگر نیز نافع است اما در قوت و دفع قسم اول النفع است و نرود بعضی پنج چینی  
که در مناک و بر چند رنگ میباشد سرخ و سفید و زرد و سیاه و بهترین و سی سنگین شیرین و  
از رویه سفیدی زرد و بعضی زرد و یک سبزی زرد بهتر اند و آن جانب خطا با شکر بسیار و از انجا  
بر سقند و بخاراتی نوزند و نوعی از ان از جانب زیر اودی آید که بنند و هر روزی آورند و از انجا  
عبراق و خراسان و روم میرند اما بخوبی که شکر نیست و بعضی سفید را بهتر میدانند و نرود حکما  
فریک سرخ بهتر است چه نفعیت خود رسیده است و آنچه سیاه است غالباً آب دریا و یا  
متنیر بسیار و اصلی نیست و چون درین پنج رطوبت فضلیه بسیار است و بطوبه فضلیه  
رطوبتی است که در جوهر لو باشد و محتاج جمیع اجزا و نباشد با برین مدت نقای قوت او در

در وقت شیخوخت منقصور باشد و از اینجا معلوم شد که بجهت قرض وقت شیخوخت فایده بسیار ازین

مسترب است و الا با وجود رطوبه غریبی اگر مرطوبی بوده باشد ممنوع است و در صلاح صفراوی  
چون اصلاح یوست آن میکند و حرارت او را استغفال و حدت و سورت فرومی نشاند  
و قریب با اعتدال می آورد و نیز ازین دو النفع بسیار متصور است و اطفال را از استعمال این  
دو و ایند ان فایده نیست بلکه نیم ضرر است چه حرارت غریزی اینها مغرور رطوبه غریزیت  
و قتی که رطوبه این پنج نیز علاوه آن شود محتمل است که حرارت بحیثیتی متغیر شود که نادرک آن  
متغیر باشد و امراض مزمنه حادث شوند و بلغمی مزاجان را نیز خالی از ضرر نیست بلکه ضرر در  
بیشتر است خصوصاً وقتیکه مرطوبی باشد چه حرارت ضعیف این پنج در مزاج اینها تاثیر محسوس  
کرد و از جهت رطوبت ضرر بسیار متوقع است و دومی مزاجان را اگر در حالت صحت بسبب  
و وایت که باین نجیست استعمال نمودن آن خالی از خطر و ضرر نیست اما هرگاه مزاج اینها از  
اعتدال منحرف شده باشد در عموماً نمودن بجاالت باول بسیار مضر و معاون خواهد بود و بهترین  
اوقات بحسب فصول اوسط بهار و اوایل خریف و طرفین تابستان و وسط تابستان  
میان خریف و انتهای آن و در زمستان خوب نیست در قد رشتی است آن آنچه از منجمان  
اطباء متأخرین در مطبوعات استعمال نموده اند در شربت آن اختلاف بسیار شده چه بعضی  
صد و شصت مثقال در نسبت روز جو شانه نیمو را نهند که هر روز شصت مثقال درست  
میشود و بعضی دیگر صد مثقال در نسبت روز بکاری برند که هر روز یا نرزه مثقال در نسبت  
سیا فند و آنچه بالفعل است شمار دارد صد و شصت مثقال است و یکم کرده میجو شانند  
که هر روز قدر شربت هفت مثقال و سه دانگ و پنج حبه صورت ظهور پیدا میکند و چون  
مقرر است که این وزن را کور را در گمین آب بپزند بطی که صد و شصت مثقال است میجو شانند  
که یکم برود سه حصه باند و از آنجه با مئه بعد از اسکناب و استیفای فایده بخار آن و سیاله  
قهوه خوری از آن آب نیمو زرد باقی آب را در شستن دست و طهارت و غیره استعمال نمایند

در وقت شیخوخت منقصور باشد و از اینجا معلوم شد که بجهت قرض وقت شیخوخت فایده بسیار ازین  
مسترب است و الا با وجود رطوبه غریبی اگر مرطوبی بوده باشد ممنوع است و در صلاح صفراوی  
چون اصلاح یوست آن میکند و حرارت او را استغفال و حدت و سورت فرومی نشاند  
و قریب با اعتدال می آورد و نیز ازین دو النفع بسیار متصور است و اطفال را از استعمال این  
دو و ایند ان فایده نیست بلکه نیم ضرر است چه حرارت غریزی اینها مغرور رطوبه غریزیت  
و قتی که رطوبه این پنج نیز علاوه آن شود محتمل است که حرارت بحیثیتی متغیر شود که نادرک آن  
متغیر باشد و امراض مزمنه حادث شوند و بلغمی مزاجان را نیز خالی از ضرر نیست بلکه ضرر در  
بیشتر است خصوصاً وقتیکه مرطوبی باشد چه حرارت ضعیف این پنج در مزاج اینها تاثیر محسوس  
کرد و از جهت رطوبت ضرر بسیار متوقع است و دومی مزاجان را اگر در حالت صحت بسبب  
و وایت که باین نجیست استعمال نمودن آن خالی از خطر و ضرر نیست اما هرگاه مزاج اینها از  
اعتدال منحرف شده باشد در عموماً نمودن بجاالت باول بسیار مضر و معاون خواهد بود و بهترین  
اوقات بحسب فصول اوسط بهار و اوایل خریف و طرفین تابستان و وسط تابستان  
میان خریف و انتهای آن و در زمستان خوب نیست در قد رشتی است آن آنچه از منجمان  
اطباء متأخرین در مطبوعات استعمال نموده اند در شربت آن اختلاف بسیار شده چه بعضی  
صد و شصت مثقال در نسبت روز جو شانه نیمو را نهند که هر روز شصت مثقال درست  
میشود و بعضی دیگر صد مثقال در نسبت روز بکاری برند که هر روز یا نرزه مثقال در نسبت  
سیا فند و آنچه بالفعل است شمار دارد صد و شصت مثقال است و یکم کرده میجو شانند  
که هر روز قدر شربت هفت مثقال و سه دانگ و پنج حبه صورت ظهور پیدا میکند و چون  
مقرر است که این وزن را کور را در گمین آب بپزند بطی که صد و شصت مثقال است میجو شانند  
که یکم برود سه حصه باند و از آنجه با مئه بعد از اسکناب و استیفای فایده بخار آن و سیاله  
قهوه خوری از آن آب نیمو زرد باقی آب را در شستن دست و طهارت و غیره استعمال نمایند

در وقت شیخوخت منقصور باشد و از اینجا معلوم شد که بجهت قرض وقت شیخوخت فایده بسیار ازین

بروز موجب استرخاء الیاف و حمل معده است و آن باعث نقصان حرارت معده و کمی شکر است  
چون درین حالت بواسطه حرارت که آله جمیع قویست از لزج انصباب سوداوی که موجب غلبه  
حساس تمام واقع نمیشود و اگر چه حار طبع موجب تقویت قوت باطنه است اما چون نسبت  
استرخاء الیاف حرارتیکه در حمل معده است کم میگردد و بالاخره ضعف در آن نیز اثر میکنند  
بسی چیز که دفع این اذیت میکند قرص کل مغزیه و قرص صندل مغزیه و متینو اندر بود و دوا  
بر نیز آن تیر فعل نیست و نیز چون بحسب تجربه معلوم شد که پنج چینی در سیران و مرطوبی فزجان  
اخذات حبس بول میکند و تقطیر آن چه مواد غلیظه که در عروق ایشان متبسل است  
و این دوا بجهت قوت اذابت تدوین آن ماده نماید و میخواهد که بعرق دفع کند و بواسطه ضعف  
قوت خود یا بجهت کثرت مواد تمام آن بعرق دفع نمیشود و بجانب کرده و مخانه میاید و در مسافت  
با اخلاط غلیظه مختلط میگردد و بواسطه کثرت غلظت از دفع آن عاجز میشود و حبس بول میماند  
میگردد و یا بواسطه طوبت ترک باین دوا است و نیز طوبت بسیار که از بدن ایشان جدا  
میگردد و در باطنی که موجب سساک بول است سخت شده تقطیر بول پیدا نمیشود پس  
در نیامه مصلح آن عرق بادیان و تخم کرفس و امثال آن خواهد بود خواه مغزیه نموده بخورند خواه  
بعد از آن شرب نمایند و این عرقها در قتیق مسام و تقویت حرارت او بجهت قوت او را این  
مخاطرات ایمن میسازد و موجب این مضرتها نمیشود و فرقه رب انار مغزیه بگلان عرق  
بیشک مصلح آن میداند که ناشتا تناول نمایند و غذای لطیف بخورند و از شخرات و  
مرطوبات اجتناب جائز میدانند و اصل السوس نیز مصلح میدانند که با بنطری منقوف  
ساخته تناول نمایند صفت آن چوبینی همین اصل السوس بخودم کثیر بگیرم صندل سفید  
الایچی زعفران از هر یک یکدرم تخم خیارین دودرم مشک یکدرم بیه که کوفته و نیمه سقوف  
سازند و هر روز ناشتا کشتمال یا شربت صندل مناسب میدانند و بنطری تا سه روز  
عمل نمایند و اگر احتیاج باشد دوسه روز دیگر تناول نمایند که بغایت مفید است و بل

و قد مل مزاج ان فی لطیف است و در فواید شراب مسطور است که منافع شراب نفسی است  
 و بدنی نفسی مثل فرح و نشاط و سرور و از الهم و نخل و امثال آن ممکن و مقدور نیست که هیچ  
 چیز درین امر مساوی آن تواند شد اما منفعت بدنی مثل انارت و اشراق و کوی رنگ  
 جبهه و تفتیح محاری و غیره اگر این میتواند بود که انوعاجین و مرکبات این آثار متفاوت  
 و پدید کردن دوا و تشناعتن آن خالی از مشقتی نیست پس بنابرین که شراب انگوری  
 و رقع عادت سه و او به تولد خون رقیق و روح لطیف و کثیر و نورانیت و اشراق موجب  
 این فواید است در از الهم امراض سو و او به بدل پنج چینی میتواند شد و در از الهم که  
 متفرج و متعفن شده باشد و هر یک بسیار از اوید در نیوقت بدل چوب چینی بعد از تنقیه و  
 رحمت است صفت آن جد و اخطائی عاقر و تر حاکم در مصطک سورنجان قسط مغاث زراوند  
 حرم و طویل حب الغار و صافی مقل سکینج جاد شیر زیناد از بر یک متقال صابون زنی و شکر  
 برک حناسة متقال آب لیمو بقدر حاجت بنیق چهار متقال روغن بالونه روغن گل خیری روغن  
 سوسن روغن زیت کهنه روغن گل سرخ موم زرد و سیاه کرده نراز بر یکده متقال روغن بنار با سوسن  
 بگذرانند و بخار با گلاب بسایند و ضمعه البکره حاکمند و زینق به پیکشند و مجموع ترکیب کرده  
 مرهم سازند طریق استعمال آن جمعی در دفع مرضیکه مناسب است آن دارد و توله انرا مثل صندل  
 سائیده یا نمیتوله خصیه الثعلب صلا یه کرده باشند نبات و گلاب بقدر حاجت و یکد انگ عطران  
 بالوده بخته میبندد و اگر نیکو انگ عطر اضافه کنند هم خوب است این یک شربت است و اگر  
 مزاج شخصی حار باشد بجای خصیه الثعلب لعابهای مناسب مثل لعاب بیدانه یا لعاب بقطر  
 یا نشاسته بالوده به نر و دوا و مست کنند جایز است دفع دهک نیمه سرخ چینی کوفته و بخته و  
 شیره نبات و نمیسیر گلاب بقوام آورده و بکیتوله غنیر نبات صلا یه کرده بعد از آنکه حرارت شیره  
 فی الحاکم شود بریزند و یا تیره بر غنیر بعد از آن آرد جو چینی در آن ریخته و ترک زرد و نمیسیر  
 بر و اندازان بر روز بقدر دو نمیتوله جو چینی تخمین کرده بر بند نوع دیگر بطریق متداوله

و قد مل مزاج ان فی لطیف است و در فواید شراب مسطور است که منافع شراب نفسی است  
 و بدنی نفسی مثل فرح و نشاط و سرور و از الهم و نخل و امثال آن ممکن و مقدور نیست که هیچ  
 چیز درین امر مساوی آن تواند شد اما منفعت بدنی مثل انارت و اشراق و کوی رنگ  
 جبهه و تفتیح محاری و غیره اگر این میتواند بود که انوعاجین و مرکبات این آثار متفاوت  
 و پدید کردن دوا و تشناعتن آن خالی از مشقتی نیست پس بنابرین که شراب انگوری  
 و رقع عادت سه و او به تولد خون رقیق و روح لطیف و کثیر و نورانیت و اشراق موجب  
 این فواید است در از الهم امراض سو و او به بدل پنج چینی میتواند شد و در از الهم که  
 متفرج و متعفن شده باشد و هر یک بسیار از اوید در نیوقت بدل چوب چینی بعد از تنقیه و  
 رحمت است صفت آن جد و اخطائی عاقر و تر حاکم در مصطک سورنجان قسط مغاث زراوند  
 حرم و طویل حب الغار و صافی مقل سکینج جاد شیر زیناد از بر یک متقال صابون زنی و شکر  
 برک حناسة متقال آب لیمو بقدر حاجت بنیق چهار متقال روغن بالونه روغن گل خیری روغن  
 سوسن روغن زیت کهنه روغن گل سرخ موم زرد و سیاه کرده نراز بر یکده متقال روغن بنار با سوسن  
 بگذرانند و بخار با گلاب بسایند و ضمعه البکره حاکمند و زینق به پیکشند و مجموع ترکیب کرده  
 مرهم سازند طریق استعمال آن جمعی در دفع مرضیکه مناسب است آن دارد و توله انرا مثل صندل  
 سائیده یا نمیتوله خصیه الثعلب صلا یه کرده باشند نبات و گلاب بقدر حاجت و یکد انگ عطران  
 بالوده بخته میبندد و اگر نیکو انگ عطر اضافه کنند هم خوب است این یک شربت است و اگر  
 مزاج شخصی حار باشد بجای خصیه الثعلب لعابهای مناسب مثل لعاب بیدانه یا لعاب بقطر  
 یا نشاسته بالوده به نر و دوا و مست کنند جایز است دفع دهک نیمه سرخ چینی کوفته و بخته و  
 شیره نبات و نمیسیر گلاب بقوام آورده و بکیتوله غنیر نبات صلا یه کرده بعد از آنکه حرارت شیره  
 فی الحاکم شود بریزند و یا تیره بر غنیر بعد از آن آرد جو چینی در آن ریخته و ترک زرد و نمیسیر  
 بر و اندازان بر روز بقدر دو نمیتوله جو چینی تخمین کرده بر بند نوع دیگر بطریق متداوله



[illegible]

دولت و ملت

و نمک و جلا و اجتناب نماید اولی است فو کم د میکی معاجین است که با دویه مناسب  
 میکند معجون که از فخریات حکما و متاخرین تجزین است که اجزاء و فلاسفه افزوده و با بعضی  
 مغرجه قطبیه ترکیب کرده استعمال نموده بسیار سودمند آمده شربت اقل آن دو متعال است  
 آن چوب چینی هفتاد و متعال مصطکی جوز و زعفران سنبل سانج تووری سرخ و سفید و ارچینی  
 و ارغفل قر قفل زنجبیل گاسرخ شتاق قاقاقه جوز بواسعد کوفی او خروزریدان و تخم مشک همچنین  
 درونج انیسون باورنجیویه خصیه الثعلب جد و ارطبان شیر اشمنج اسطوخودوس خولجان  
 ریونچینی از هر یک و متعال عینر اشهب مشک خالص از هر یک و متعال قند سفید کوفی  
 ادویه بطریق متعارف معجون سازند معجون چوب چینی از فخریات حکم عماد الدین محمود شیرازی  
 زرباد و جد و ارز و زعفران و حرج خولجان با شیر سرخ ریونچینی اقیتمون بلبل سیاه شملیت مغسول  
 زرباد سفید موصوف و ارچینی سنبل مصطکی جوز و زعفران لباسه قر قفل مل از هر یک و متعال  
 و نوج چینی پانزده متعال کوفته نخیله باسه چندان غسل برشته شربتی هر روز و متعال نسخه  
 دیگر چوب چینی شصت درم سیاه وانه هفت درم قر قفل نیدرم زنجبیل صمغ عربی زعفران از  
 هر یک نیدرم مشک قدری کوفته نخیله باسه چندان غسل معجون کنند نسخه دیگر چوب چینی  
 یک انار فلفل از فلفل گرد زنجبیل عاقر قورچا بریار جوز بواسعد و ارغفل سیاه وانه ناخواه از هر یک  
 متعال غسل مصفی پنج انار ادویه را کوفته نخیله و غسل معجون سازند شربتی موافق شد طبیعت  
 نسخه دیگر بلبل کابلی بلبل زرد و بلبل آله مجموع عانقی از وانه بلبل زنگی و ارچینی بریار سنبل اسار  
 قره زعفران سورنجان مصری خولجان سعد کند و ارغفل زنجبیل با دویه یا خواهم زرد و ک  
 تخم شلغم جوز بواسعد و زیدان شتاق قاقاقه عود نندی اجزاء برابر چوب چینی بقدر مجموع دارد و با غسل  
 تقویم آورده معجون کنند و در ظرف چینی گاه از شربتی دوم متعال از برای دفع درد استخوان  
 و اشتها وضمم طعام نهایت بی نظیر است و فراید دیگر بسیار تحت نسخه دیگر از صدر شربتی  
 که از معجون سورنجان زیاده و کم کرده چوب چینی تازه هشتاد و متعال سورنجان شیرین





از آن در میان پنج سیراب حیات با تش نرم بچو شاند و هرگاه آب کمی کند و دیگر بریزند تا نیم پس  
چنین بچو شاند بعد از آن همین قدر بادایان خطائی و پاؤ توله دار چینی داخل ساخته و دو گهر  
و دیگر بچو شاند و دیگر پنج شش قرضل اندک مشک و عنبر اضافه کرده چند جو شسته و دیگر دانه بکار  
را گرم در میان قهوه و آن بقول حکما رستخیزین بارد است در و نیم سیوم و پس است در و نیم  
در و نیم و قاضی است واحد اسودا کند و سوش قلعی است و جمیع امراض سوداویه را قوت می دهد  
و جلد احشک و درشت می سازد و بکوبه و سر و سر قشنگه نفس از آن در و نیم رتبه و سیاه  
و و هم و خوشی می افزاید سبب کابوس می شود و بر اسودا و مزاجان بسیار است لیکن بر  
یا نمیان و مرطوبیان بد نیست و بخوابی می آرد طبیعت را بیدار می دارد و آستر کما سعد که از حرارت  
و مرطوبت هم رسیده باشد دفع می کند و قاطع شهوت و مانع نوم است و عریان که تیره بسیار بخورند  
مدفع بلا کثرت جماع مشهور اند بواسطه آن است که عده غدا ایشان خواست و آن ماده تولد من  
و انجا خلق است ازین جهت تیره ضرر نمی رساند و الا قهوه قاطع شهوت است منقول از حکیم  
علامه الدین محمد شیرازی است که طبع قهوه به شبه نیست که با و یک است و چون دو کیفیت از ظاهر  
است و بعد از آن می ماند غالباً و رطبه ثانیه باشد اما آنکه دو کیفیت متفاوتی اند با یک غلبه  
است بر قوت است باطلی و آن غلبه است بقدر غلبه و دو باره است مغز و در یک غلبه  
است و او سیاه رنگ و پوستی است تنک تر از پوست لیسته و غلیظ تر از پوست حب الغار و  
پوست و مغز و هیچ که قلعی و تیزی نیست مگر اندک تلخی ناقص و نفاست محسوس می شود  
و در مغزش چینی و قلابی است و اکثر پوست ادرامی جو شاند و آن می خورد و در یک مغز  
چنین معمول است و در بسیاری مواضع مغز پرشته می کنند چنانچه نزدیک با حراق می شود و آنرا  
به پوست مخلوط می جو شاند و در که مغز مغز را برشته میکنند و نیم سوخته چنان که طعم آن تلخی  
و سوختگی گراید و چون جو شیده شود پوست او بوشند با این مغز بر این کرده نقل نمایند چه مقصود  
ایشان از اینها بهیچ است غیر مغز یعنی جو شاده او و تسکین اجاع و افاده نشاط و غسل









# اعلان

مشرود باد صاحبان فهم و کاراکه رسائل نادره در فن حکمت بمعیدل  
تصنیف بوعلی وقت برقاط ثانی جناب حکیم نورالدین محمد عبداللہ  
حکیم عین الملک شیرازی نوراللہ مرقدہ در فن کتابت سنی بہ  
الفاظ الاوویہ و رسالہ دوم کہ ہر نسخہ اش چون اکثرست تصنیف  
ارسطو زمان فلاطون دوران جناب حکیم طالع محمد صبا ولد شیخ محمد سعید  
صبا مفتی لکنئوطاب شراہ بر حاشیہ از صفحہ (۱) تا ۲۳۸ سنی بہ  
میزان الاوویہ و رسالہ سوم کہ ہر حرفش مزیل <sup>بقطش</sup> مرض حسانی و ہر  
معجون مقوی روحانی تصنیف جالینوس وقت سقراط و ہر جناب حکیم  
محمد نصیر صاحب خلف باشرف حکیم احمد علی صاحب عظیم آبادی غفر اللہ  
و نو بہا بر حاشیہ از ۲۳۹ تا ۲۹۷ سنی بہ و ہر جنگ نصیر بہ معرفت  
چل مخزن الاوویہ کہ حق تالیف این نیایش را مصنف عطا  
امید کہ کسی صاحب طبع یا تاجر کتب قصد طبع فرمائید بعوض نفع نقصان  
نہ بر وارند البتہ چندان نسخہ کہ مطلوب شوند از دوکانہای بندہ کہ علاوہ سہ  
دیگر طرہ اند طلب فرمائید بلا غدر خواہر رسید نشان دوکانہا نیست فقط

مقام صاحبان دوکان  
مقام عظیم آباد دوکان  
مقام شکر گوالیار بازار دانا ولی  
مقام سید علی شاہ دوکان  
مقام سید علی شاہ دوکان  
مقام سید علی شاہ دوکان  
مقام سید علی شاہ دوکان  
مقام سید علی شاہ دوکان

محمد بن زید علی شاہ  
محمد بن زید علی شاہ























